

روان شناسی و دین

سال پانزدهم، شماره سوم، پیاپی ۵۹، پاییز ۱۴۰۱



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصل نامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمدناصر سقایی بی‌ریا

سر دبیر

محمدرضا احمدی

مدیر اجرایی

امیرحسین نیک‌پور

صفحه آرا

مهدی دهقان

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ

زمزم

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

استادیار روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علیرضا اعرافی

دانشیار علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

محمد ناصر سقایی بی‌ریا

استادیار علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

سید محمد غروی

دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی، طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۹ مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

بیامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی: http://eshop.iki.ac.ir

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

اهداف و رویکرد نشریه روان‌شناسی و دین

روان‌شناسی و دین فصل‌نامه‌ای علمی - پژوهشی در زمینه روان‌شناسی است که با هدف انتشار مطالعات مرتبط با مناسبات بین روان‌شناسی و دین اسلام در موارد زیر منتشر می‌شود:

۱. نظریه‌پردازی به منظور پایه‌ریزی مکتب روان‌شناسی اسلامی؛
۲. تبیین فلسفه روان‌شناسی اسلامی (مبانی، اصول، ماهیت، روش)؛
۳. نقد فلسفه روان‌شناسی معاصر (مبانی، اصول، ماهیت، روش)، بر اساس مبانی اسلامی؛
۴. نقد رویکردها و دیدگاه‌های موجود در روان‌شناسی معاصر، بر اساس مبانی و منابع اسلامی؛
۵. روش‌شناسی استنباط موضوعات و مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی؛
۶. بومی‌سازی دانش روان‌شناسی با توجه به فرهنگ اسلامی ایرانی.

ضمن استقبال از دستاوردهای تفکرات و تأملات روان‌شناختی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه ارسال فرمایید.

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۳۰۰۰۰۰ ریال، و اشتراک چهار شماره آن در یک سال، ۱۲۰۰۰۰۰ ریال است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ بانک ملی، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی-تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خوداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (عم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
 - آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از شش ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

تبیین الگوی ارتباط بین فردی براساس منابع اسلامی / ۷

کے علی صادقی سرشت / رحیم میردريکوندي / اسماء عاقبتی / حمید رفیعی هنر

مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی و تناظرشناسی مفاهیم آن در منابع اسلامی / ۲۷

کے علی بیات / کے حمید رفیعی هنر / محمدرضا جهانگیرزاده

اثر بخشی روان‌درمانی معنوی - مذهبی بر طرحواره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان ... / ۴۷

کے مزده ظریفی / بیتا نیکوآبکنار / اقبال زارعی

۶۱ / اثر بخشی معنویت‌درمانی بر کاهش اختلافات، سردمزاجی و بد رفتاری زناشویی زوجین

نسیم‌سادات راه نجات / کے حسن امیری

۸۳ / خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه «هوش اخلاقی» کودکان

الہہ گلپایگانی / کے مہناز علی‌اکبری دھکردی / طیبہ محتشمی

۱۰۱ / زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی

کے محمد زارعی توپخانه / مسعود جان‌بزرگی / سید کاظم رسول‌زاده طباطبایی / سید محمد غروی‌راد

۱۱۵ / بازنمایی ادراک دانشجویان دختر از مصادیق رفتاری «معاشرت نیکو با همسر»: یک مطالعه کیفی

اعظم جلالی‌خواه / کے حسین احمد برابادی / شایسته جنگی‌رودی / هادی عباسی

۱۳۳ / الگوی ارتباطی بین معنویت در محیط کار و استرس شغلی کارکنان بیمارستان ...

کے حسن غفاری / عبدالمجید ایمانی / فرحناز آهنگ / زینب قصاب‌زاده لنگری

۱۵۱ / نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در عملکرد تحصیلی با واسطه‌گری عمل به ...

کے کاظم برزگر بفرویی / فهیمه رضایی‌پور / طاهره پاک‌دیده


۱۶۷ / ارزیابی سلامت روان براساس سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین ...

پرویز فداکار گیلو / کے سلیمان احمدبوکانی / سپیده بشیر گنبدی / مهدی مولایی یساولی

تبیین الگوی ارتباط بین فردی بر اساس منابع اسلامی

علی صادقی سرشت / استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه قرآن و حدیث

sad13566@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-2064-4140

mirderikvandi@qabas.net


رحیم میردريکوندي / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

aghebati@iums.ac.ir

اسماء عاقبتی / استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تهران

hamidrafi2@gmail.com

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

نیاز به رابطه، نیازی ذاتی در انسان‌هاست که زمینه‌ساز شکل‌گیری مجموعه‌ای از روابط در زندگی آنها می‌باشد. تنظیم این روابط نقش مؤثری در سلامت روانی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و دین اسلام در این زمینه دارای نگاه ویژه‌ای است. هدف پژوهش حاضر تبیین الگوی ارتباط بین فردی بر اساس منابع اسلامی برای سازمان‌دهی ارتباطات بین فردی است. در این پژوهش، از روش «تحلیل مفهومی محتوایی» استفاده شد. همچنین از شاخص «روایی محتوا» (CVI) به منظور تأیید روایی استنباط به‌عمل آمده مبتنی بر نظر ده کارشناس خبره استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد الگوی ارتباط بین فردی اسلامی مبتنی بر عقل‌ورزی ارتباطی است؛ به این معنا که در آن، مؤلفه‌های ساختی «احسان» و «پرهیز از اسائه»، مؤلفه‌های نگهداری «استبشار» و «شکر» و مؤلفه‌های بازساختی ارتباط «استغفار» و «بردباری - غفران» به‌صورت مجموعه‌ای و باهم به‌کار گرفته می‌شوند. هرکدام از CVI و CVR به‌دست‌آمده نیز ۱ (یک) بود که نشان‌دهنده صحت استنباط چهار موقعیت ارتباطی از روایت مبنا در حد کاملاً مطلوب است.

کلیدواژه‌ها: عقل، ارتباط، الگو، کنش و واکنش‌های ارتباطی.

نوزاد انسان با انگیزش و توانایی پیوندجویی به دنیا می‌آید (بالودین، ۲۰۰۰). پیوندجویی ذاتی^۱ از انسان‌ها موجوداتی اجتماعی و نیازمند همدیگر می‌سازد که در عمیق‌ترین سطح روان خود، خواهان احساس تعلق، پیوند با دیگران و روابطی هستند که ذهن، بدن و روحشان را پرورش دهد (رافی، ۲۰۱۲).

اسلام به اصل این نیاز ارتباطی توجه نشان داده است (ر.ک: نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۵۳)، تا جایی که ۱۰۱ آیه از قرآن کریم (برای مثال: بقره: ۲۶۵ و ۲۷۱؛ آل عمران: ۱۰۳ و ۱۳۴؛ انعام: ۱۵۹؛ انفال: ۴۶؛ مائده: ۲؛ اسراء: ۳۳؛ عنکبوت: ۸؛ قصص: ۷۷؛ نحل: ۹۰؛ شوری: ۴۰؛ حجرات: ۱۰ و ۱۳؛ فرقان: ۵۴؛ زخرف: ۳۲؛ نور: ۲۸؛ لقمان: ۱۴) به بیان مسائل گوناگون مرتبط با این نیاز انسانی اشاره دارد (یدالله‌پور و دیگران، ۱۳۹۷) و بالغ بر نهصد روایت نیز به بیان ویژگی‌ها و باید و نبایدهای ارتباط بین‌فردی سالم پرداخته است.

همسو با آنچه بیان شد، حکمای اسلامی (ر.ک: مسکویه، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۱)، فلاسفه اسلامی (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۸۷)، و علمای اخلاق نیز (نراقی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۵) به وجود ذاتاً اجتماعی انسان توجه کرده‌اند و حتی برخی از حدیث‌شناسان معاصر، اسلام را «دین اجتماع» معرفی کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). بنابراین از نگاه اسلامی، نیاز به رابطه یکی از نیازهای اصیل (ر.ک: قائمی، ۱۳۶۴، ص ۱۴-۱۵) و اثرگذار در تأمین احساس رضایتمندی انسان‌هاست (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷-۱۸۸) و هرچه کمیت و کیفیت این روابط بالاتر باشد، احساس شادمانی و نشاط روانی افراد، بیشتر و از آسیب‌های روانی دورترند (ر.ک: مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

از سوی دیگر، می‌بینیم که تاکنون در جوامع علمی دنیا الگوهای ارتباطی گوناگونی مطرح شده است. برای مثال، در علم ارتباطات با هدف تبیین ساختار ارتباط، مجموعه‌ای از الگوها ارائه شده که در آنها به معرفی مجموعه عناصر دخیل در ارتباط، همچون گوینده، محتوا، مجرای ارتباطی ادراکی و عاطفی، مخاطب، میزان تأثیر (برای مثال: الگوی ارسطو، الگوی لاسول «Laswel, H.» و الگوی اسمیت «Smith, M.») و یا ارائه الگو درباره یکی از این عناصر (برای مثال: الگوی بکر «Bekr, A.» برای تبیین ریشه‌های شکل‌گیری پیام گوینده) پرداخته شده است (ر.ک: بیات، ۱۳۹۵، ص ۳۷؛ فروزان، ۱۳۹۴، ص ۲).

همچنین در علم روان‌شناسی اجتماعی نیز با هدف تبیین رفتار ارتباط بین‌فردی الگوهای گوناگونی ارائه گردیده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: الگوی «رمزگذاری - رمزگشایی» (Encoder/Decoder model) (با محوریت مؤلفه‌های رمزگذاری پیام، ارسال پیام، و رمزگشایی پیام در یک ارتباط بین‌فردی) الگوی «قصداگرایی» (Intentionalist model) (با محوریت شناخت قصدهای ارتباطی طرفین با یکدیگر)، الگوی «درک دیدگاه» (Perspective-taking model) (با محوریت درک دیدگاه‌ها در یک ارتباط بین‌فردی)، و الگوی «مکالمه‌ای»

(Dialogic model) (با محوریت انجام همکاری و مشارکت در یک ارتباط بین‌فردی) (کراس و مورسلا، ۲۰۰۰، ص ۱۳۳-۱۴۰؛ ایس و استل، ۲۰۱۸، ص ۶۴-۶۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که این الگوها به صورت کلی به تبیین ساختار ارتباط اشاره دارند و به آنچه در محتوای این ارتباطات برای شکل‌گیری روابط سالم مطابق یک فرهنگ و مذهب خاص لازم است، اشاره‌ای ندارند. برخی نیز به جای ارائه الگویی خاص در بحث ارتباط میان‌فردی با تأکید بر مفهیمی کلیدی درصدد تبیین سبک‌های گوناگون ارتباطی برآمده‌اند. برای مثال، قریانی (۱۳۹۴، ص ۴۶) با محور قرار دادن میزان صداقت، صراحت، احترام، و آزادی (عنصر محتوا) در یک ارتباط میان‌فردی، به چهار سبک ارتباط بین‌فردی (قاطع، پرخاشگرانه، سلطه‌گر، سلطه‌پذیر) اشاره نموده و اساساً الگویی جامع در باب ارتباط میان‌فردی ارائه نداده است. نظر به اهمیت توجه داشتن به مبانی فرهنگی و مذهبی در هر جامعه برای ارائه الگوهای مفهومی روان‌شناختی متناسب با آن جامعه، و عدم اهتمام فعالیت‌های پژوهشی موجود در حوزه ارتباط بین‌فردی به مبانی فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی - ایرانی و از سوی دیگر، نظر به وجود حجم قابل‌توجهی از آموزه‌های اسلامی در موضوع ارتباط بین‌فردی، تلاش برای ارائه الگوی ارتباطی بین‌فردی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ضروری می‌نماید. براین‌اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که مبتنی بر آیات و روایات، الگوی ارتباط بین‌فردی از نگاه اسلام را تبیین و مؤلفه‌های اساسی آن را شناسایی کند. لازم به ذکر است «ارتباط بین‌فردی» مشتمل بر مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های کلامی و غیرکلامی در جهت ایجاد، حفظ و بازسازی یک ارتباط بین‌فردی است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش «تحلیل مفهومی - محتوایی» به‌منظور استخراج و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی الگوی ارتباط بین‌فردی استفاده شده است. به‌منظور استخراج مؤلفه‌های مفهومی الگوی ارتباط بین‌فردی و تبیین ساختار مفهومی آن در متون اسلامی (قرآن و حدیث) از روش «معناشناسی زبانی» استفاده شد و به‌منظور تحلیل مؤلفه‌های مفهومی الگوی ارتباط بین‌فردی، از جملات موجود در کتب لغت، اصطلاح و متون اسلامی (قرآن و حدیث) از روش «تحلیل محتوا» استفاده گردید. در این روش با استفاده از متون اسلامی (قرآن، حدیث)، آموزه‌های اسلامی درباره موضوع «ارتباط بین‌فردی» و ویژگی‌های آن جمع‌آوری و دسته‌بندی اولیه، تلفیق و تجزیه و تحلیل گردیده و روابط فرضی آنها در قالب یک الگوی مفهومی ارائه شده است. همچنین از شاخص «روایی محتوا» (CVI:Content Validity Index) نیز به‌عنوان یکی از روشن‌ترین و قابل‌اعتمادترین روش‌ها در گرفتن نظر کارشناسان (دسشاردنس و بلوت، ۲۰۱۸، ص ۴۷) و نیز شاخص «نسبت روایی محتوا» (CVR:Content Validity Ratio) برای اعتبارسنجی یافته‌های تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید.

جامعه این پژوهش کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است. منابع روایی درجه «الف» و «ب» به‌منزله منابع اصلی و منابع روایی درجه «ج» به‌منزله مؤیدات روایات درجه «الف» و «ب» در این پژوهش است. این درجه‌بندی مطابق درجه‌بندی طباطبائی (۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶) از منابع روایی بوده است. ملاک جملات انتخاب‌شده از آیات و روایات و اینکه آیه یا روایتی شانس حضور در نمونه پژوهش را داشته باشد «ارتباط داشتن با موضوع ارتباط بین فردی» بوده است.

یافته‌های پژوهش

ابتدا مفاهیم اولیه مرتبط به حوزه «ارتباط میان فردی» شناسایی و تحلیل شد. سپس با استفاده از آنها به تشکیل خانواده حدیث، اقدام و در نهایت، دو مطلب نمایان گردید که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

یک. موقعیت‌های ارتباطی چهارگانه در یک ارتباط بین فردی

با بررسی آیات و روایات ارتباطی مرتبط با بحث، ارتباط بین فردی نمایان شد که می‌توان مجموع توصیه‌ها، راهبردها و راهکارهای منابع اسلامی درباره ایجاد ارتباط بین فردی سالم و مطلوب و یا سالم‌سازی ارتباط بین فردی را مجموعه‌ای از واداری‌ها و بازداری‌های کنشی و واکنشی دانست که در قالب چهار موقعیت ارتباطی قابل طبقه‌بندی هستند:

- ۱) خلق موقعیت خوشایند برای طرف مقابل که تحقق آن نیازمند کنش‌های سالم ارتباطی است.
- ۲) پرهیز از خلق موقعیت ناخوشایند برای طرف مقابل که تحقق آن نیازمند بازداری از کنش‌های مرضی است.
- ۳) مواجهه سالم با موقعیت خوشایند خلق‌شده از سوی طرف مقابل؛
- ۴) مواجهه سالم با موقعیت ناخوشایند خلق‌شده از سوی طرف مقابل که تحقق دو موقعیت اخیر نیازمند ارائه واکنش‌های سالم ارتباطی است.

براین اساس، برای ایجاد و بازسازی هر ارتباط بین فردی سالم، لازم است چهار موقعیت ارتباطی مذکور تحقق یابد. در امتداد نمایان شدن مطلب نخست، محقق به سه روایت دست یافت (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۶۶ ص ۳۹۵؛ ج ۷۴، ص ۹۵؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۲۷) که استنباط موقعیت‌های ارتباطی مذکور از آنها ممکن بود و در بین این روایات، روایتی از رسول خدا ﷺ که جامع‌تر بود و چهار موقعیت ارتباطی را می‌توان از آن صریح‌تر استنباط نمود، به‌مثابه روایت مبنا قرار گرفت. برای اطمینان از فرایند استنباط، چهار موقعیت ارتباطی از روایت مذکور در مرحله کارشناسی به نظر ده تن از کارشناسان خبره رسید و تأیید آنها را دریافت کرد که نتایج آن در جدول (۱) به نمایش درآمده است. لازم به ذکر است که بررسی رجالی روایت مذکور نشان از اعتبار سندی این روایت دارد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۲۷؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۴۱؛ همو، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۷).

جدول ۱: شاخص و نسبت روایی محتوا برای موقعیت‌های ارتباطی مفروض
برای شکل دادن یک رابطه سالم در الگوی ارتباط بین فردی

CVR	CVI	تعداد کارشناسان مخالف		تعداد کارشناسان موافق		موقعیت‌های چهارگانه
		مطابق	مخالف	مطابق	مخالف	
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	خلق موقعیت خوشایند برای طرف مقابل
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پرهیز از خلق موقعیت ناخوشایند برای طرف مقابل
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	مواجهه با موقعیت خوشایند خلق شده از سوی طرف مقابل
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	مواجهه با موقعیت ناخوشایند خلق شده از سوی طرف مقابل
۱	۱	-	-	-	-	میانگین کل CVI و CVR

شرح چهار موقعیت ارتباطی براساس روایت مبنا نیز در جدول (۲) نمایش داده شده است:

جدول ۲: چهار موقعیت ارتباطی براساس منابع اسلامی

نوع دلالت	متن روایت	موقعیت ارتباطی
دلالت مطابقی	إِذَا أَحْسَبُوا	خلق موقعیت خوشایند
دلالت التزامی	إِذَا أَسَاءُوا	پرهیز از خلق موقعیت ناخوشایند
دلالت مطابقی	إِذَا أُعْطُوا	مواجهه با موقعیت خوشایند
دلالت مطابقی	إِذَا ابْتُلُوا/ إِذَا غُضِبُوا	مواجهه با موقعیت ناخوشایند

رسول خدا ﷺ در این روایت می‌فرماید: بهترین بندگان خدا کسانی هستند که وقتی خوش رفتاری کنند شادمان گردند (دلالت مطابقی به خلق موقعیت خوشایند) و چون بدکرداری کنند آمرزش جویند (دلالت التزامی بر پرهیز از خلق موقعیت ناخوشایند) و چون خوبی ببینند شکرگزارند (دلالت مطابقی بر شیوه مواجهه عقل‌ورزانه با موقعیت خوشایند) و چون گرفتار شوند شککیا باشند و چون خشم گیرند درگذرند (دلالت مطابقی این دو حالت بر شیوه مواجهه عقل‌ورزانه با موقعیت ناخوشایند) (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰؛ همو، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۷؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۹۱). همچنین تحلیل روایت مذکور مشخص می‌سازد: مفاهیم کنشی و واکنشی که در این روایت برای هریک از موقعیت‌های چهارگانه مورد اشاره قرار گرفته همگی درصدد ارائه راهبردهای لازم نظم‌دهی به یک ارتباط و اجرای مهارگری‌ها لازم در یک ارتباط هستند. نیز بررسی‌های دینی حاکی از آن است که عقل آدمی به‌عنوان مخاطب اصلی آموزه‌های دینی (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۷)، نقش مهمی در تنظیم ارتباطات میان فردی براساس این باید و نبایدها دارد.

دو. کنش‌ها و واکنش‌های ارتباطی

مجموع کنش‌ها و واکنش‌های عقل‌ورزی ارتباطی در شکل (۳) نشان داده شده است:

جدول ۳: کنش‌ها و واکنش‌های عقل‌ورزی ارتباطی در منابع اسلامی

واکنش فرد	استبشروا	إِذَا أَحْسَنُوا	کنش فرد
	استغفروا	إِذَا أَسَاءُوا	
	شکروا	إِذَا أُعْطُوا	کنش طرف مقابل
	صبروا/غفروا	إِذَا ابْتُلُوا / إِذَا غَضِبُوا	

براین اساس، عقل‌ورزی ارتباطی سبب می‌شود تا در روابط بین‌فردی، شخص کنش «احسان» در حق طرف مقابل داشته باشد، و به این کنش خود واکنش «استبشار» نشان دهد. از سوی دیگر، عقل‌ورزی ارتباطی سبب می‌شود اگر فرد کنش «اسائه» نسبت به طرف مقابل نشان داد به این کنش خود واکنش «استغفار» نشان دهد. همچنین عقل‌ورزی ارتباطی سبب می‌شود که اگر فرد با کنش «اعطا» از طرف مقابل مواجه شد، واکنش «شکرگزاری» نشان دهد، و اگر با کنش «ابتلاآوری / غضب‌آوری» از طرف مقابل مواجه گردید واکنش «بردباری / غفران» از خود نشان دهد.

روشن است که در فرایند مذکور هریک از طرفین می‌تواند در جایگاه فرد موردنظر و دیگری در جایگاه طرف مقابل در نظر گرفته شود. براین اساس، مفاهیم اساسی در روایت مذکور مطرح شده است که می‌تواند شکل‌دهنده مؤلفه‌های عقل‌ورزی ارتباطی باشد.

مؤلفه‌های الگوی ارتباط بین‌فردی براساس منابع اسلامی

شکل‌گیری یک ارتباط سالم بین‌فردی نیازمند مبتنی نمودن کنش‌ها و واکنش‌های ارتباطی بر پایه عقل است. مجموع چهار کنش و واکنش ارتباطی مطرح در روایت مینا را می‌توان براساس نقشی که در ساختن، نگهداری، و با اصلاح یک ارتباط بین‌فردی دارند در قالب سه مؤلفه ارتباطی قرار داد. جدول (۴) این سه مؤلفه را نشان می‌دهد.

جدول ۴: مؤلفه‌های عقل‌ورزی ارتباطی براساس منابع اسلامی

مؤلفه‌های نگهداری	استبشار	احسان‌ورزی	مؤلفه‌های ساختی
	شکرورزی	مواجهه با احسان (اعطا)	
مؤلفه‌های بازساختی	استغفار	پرهیز از اسائه‌ورزی	
	بردباری-غفران	مواجهه با اسائه (پرهیز از ابتلادهی/غضب‌آوری)	

براساس جدول (۴)، مؤلفه‌های سه‌گانه در ارتباط سالم که محصول عقل‌ورزی ارتباطی است، مشتمل بر سه مجموعه از مؤلفه‌هاست:

- ۱) مؤلفه‌های ساختی «احسان‌ورزی» و «پرهیز از اسائه» (که برای ساخته شدن یک ارتباط سالم لازم است)؛
- ۲) مؤلفه‌های نگهداری «استثشار» و «شکرورزی» (که نتیجه حاصل از مؤلفه‌های ساختی را تداوم بخشیده، از ارتباط سالم نگهداری می‌کند).
- ۳) مؤلفه‌های بازساختی «استغفار» و «بردباری - غفران» (که به بازسازی ارتباطی می‌پردازد که در آن، از جانب یکی یا هر دو طرف رابطه اسائه بروز کرده است).

۱. مؤلفه‌های ساختی الگوی ارتباط بین فردی

برای ساختن یک ارتباط سالم بین فردی، نخست نیازمند تحقق مؤلفه‌های ساختی الگوی ارتباط بین فردی یا همان مؤلفه‌های ساختی عقل‌ورزی ارتباطی هستیم که عبارتند از: «احسان» که نوعی واداری فعالانه عقلانی به منظور خلق موقعیت خوشایند است و نیز «پرهیز از اسائه» که نوعی بازداری فعالانه عقلانی برای جلوگیری از خلق موقعیت ناخوشایند برای طرف مقابل است. در ادامه به تبیین این دو مؤلفه می‌پردازیم:

الف. مؤلفه احسان

احسان ریشه در عقل‌ورزی دارد (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۷۰۵) و از نشانه‌های کمال عقل است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۶۴، ص ۲۹۶-۲۹۷). برای تحقق مؤلفه «احسان» در یک رابطه چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

یکم. شناخت و آگاهی از احسان

شناخت و آگاهی از احسان (احسان‌شناسی) راهبرد شناختی احسان است، و مراد از آن شناخت مهم‌ترین راهبردهای احسان به طرف مقابل در یک رابطه است. مراجعه به منابع اسلامی نشان می‌دهد: اولاً، احسان جزو حقوق طرف مقابل در یک رابطه میان فردی بوده که رعایت آن لازم است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۱). ثانیاً، «محبت‌ورزی» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۸۰۹) و «احترام‌گزاری» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۱۰۳۲؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۹۲) به طرف مقابل به سبب ایجاد حالات روانی خوشایند در طرف مقابل، مهم‌ترین راهبردهای احسان در یک رابطه هستند.

نکته مهمی دیگری که در این میان شایان شناخت و آگاهی است آنکه محبت‌ورزی در روابط گوناگون اجتماعی زمانی ارزش واقعی خود را می‌یابد که در مسیر یاد و جلب رضای خداوند به‌عنوان منبع صدور و بازگشت تمام خوبی‌ها صورت گیرد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۷۸۱ و ۱۰۱۲۰) و همین نکته سبب تقویت ایمان درونی فرد

می‌شود (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۵۷۸) و اهمیت آن تا جایی است که حتی لازم دانسته شده فرد به روشنی به طرف رابطه اعلان کند که او را به خاطر خداوند دوست دارد (متقی هندی، ۱۳۹۹ق، ج ۹، ص ۳۵).
از سوی دیگر، احترام‌گزاری به طرف رابطه در ادبیات دینی در وزان احترام‌گزاری به خداست (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۹؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۶). در واقع، حرمت نهادن به حقوق طرف مقابل احترام‌گزاردن به او محسوب می‌شود. از این رو لازم است افراد حقوق همدیگر را بشناسند (صدوق، ۱۴۰۲ق، ص ۱۴۴) و حقوق طرف رابطه چه کوچک و چه بزرگ (متقی هندی، ۱۳۹۹ق، ح ۴۳۱۵۲) را رعایت نمایند.

دوم. عمل احسان

برای تحقق عمل احسان، نیاز به تحقق رفتارهای (کنش‌های) محبت‌ورزانه و احترام‌گزاری کلامی و غیر کلامی وجود دارد:

- کنش‌های کلامی محبت‌ورزانه و احترامی همچون: نرمی در گفتار (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۹۹۴۶)، خوش‌سخنی (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۳۱۷)، اظهار دوستی (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۴، ص ۱۸۱)، و ذکر خیر (خوشگویی در پشت سر) (همان، ج ۷۸، ص ۵۷)؛

- کنش‌های غیر کلامی محبت‌ورزانه و احترامی همچون: خوشرویی (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۳)، همراه با نگاه مهربانانه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۹۴۲۶)، و نیز هدیه دادن (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۴۴).
ترکیبی از کنش‌های رفتاری غیر کلامی و کلامی، یعنی آرامش رفتاری و گشاده‌رویی (غیر کلامی) در کنار خوش‌گفتاری (کلامی)، «حسن خلق» را شکل می‌دهد (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸، ص ۳۸۹) که سبب محبت‌زایی و تقویت فضای احترام در رابطه می‌شوند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۳۷۲).

ب. مؤلفه پرهیز از اسائه

ریشه اسائه در جهل (ر.ک: نحل: ۱۱۹)، یعنی نقطه مقابل عقل‌ورزی است، و بازدارنده فرد از اسائه «عقل‌ورزی» است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰). اما برای تحقق پرهیز از اسائه در یک رابطه چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

اول. شناخت و آگاهی از اسائه

اسائه‌شناسی راهبرد شناختی پرهیز از اسائه است. اسائه به طرف مقابل ظلم است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۴، ص ۲۳۶) که یا در قالب رفتار کلامی تحقق می‌یابد و یا در قالب غیر کلامی. اسائه کلامی ریشه در «بدزبانی» دارد. بدزبانی سبب اندوه، خشم و ناراحتی جسمی و روانی طرف می‌شود (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۲۵). اسائه غیر کلامی مصادیقی دارد؛ همچون: ترش‌رویی در هنگام رابطه (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۶) و نیز ترساندن طرف مقابل

(مجلسی، بی تا، ج ۷۲، ص ۱۴۹ و ۲۷۱) در قالب هر حرکت رفتاری، از جمله نوع نگاه کردن (متقی هندی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۵، ص ۶۹).

شایان ذکر است که مجموع اسائه کلامی و غیر کلامی - روی هم - شکل دهنده بدخلقی است.

ثانی. عمل پرهیز از اسائه

برای تحقق پرهیز از اسائه، نیاز به اقدامات ذیل وجود دارد:

الف. وسوسه زدایی از خود (ر.ک: مجلسی، بی تا، ج ۷۴، ص ۲۰۹) که برای این هدف، فرد نخست نیازمند افزایش شناخت و آگاهی در خود نسبت به وسوس و زمینه های بروزشان است (صحیفه سجادیه، ۱۴۱۸ق، ص ۸۶) تا ضمن جلوگیری از زمینه های به وجود آورنده آنها، از همان ابتدای شکل گیری تکانه ها، افکار و تمایلات مربوط به اسائه به طرف مقابل، این وسوس را از درون خود بیرون براند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۸).

ب. ترس افزایی در خود نسبت به انجام کاری که اسائه در حق دیگری محسوب می شود (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۷؛ مجلسی، بی تا، ج ۷۲، ص ۱۵۱). بی پروایی سبب زیاد شدن اشتباهات، از جمله اشتباهات رابطه ای می شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۳۶۹۳).

۲. مؤلفه های نگهداری عقل ورزی ارتباطی

در مسیر نگهداشت یک ارتباط سالم بین فردی، نخست نیازمند تحقق مؤلفه های نگاهدارنده عقل ورزی ارتباطی هستیم که عبارتند از: «استبشار» که نوعی خودتقویتی برای تداوم بخشی به خلق موقعیت خوشایند برای طرف مقابل است و نیز «بردباری» که نوعی دگرتقویتی برای تداوم بخشی به خلق موقعیت خوشایند از سوی طرف مقابل است. در ادامه، به تبیین این دو مؤلفه می پردازیم:

الف) مؤلفه استبشار

«بَشیرَ» به معنای فعل «فَرِحَ» یعنی: شادمان شد (ازهری، بی تا، ج ۱۱، ص ۲۴۶؛ صاحب بن عباد، بی تا، ج ۷، ص ۳۳۰). نیز به معنای فعل «سُرَّ» یعنی «خوشحال شد» هم دانسته شده است (ازهری، بی تا، ج ۱۱، ص ۲۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۶۱). «فرح» نقیض «غم»، و «سرور» نقیض «حزن» است (عسکری، بی تا، ص ۲۶۱). در لغت عرب، «غم» حالت آزاردهنده درونی حاصل از ترس غیرواقعی از وجود خطر و «حزن» حالت آزارنده درونی بعد از رسیدن ضرری واقعی به آدمی است (همان).

براین اساس «فرح» حالت خوشایند درونی حاصل از امید و تخیل روی دادن اتفاقی شادی آفرین است که هنوز روی نداده و «سرور» حالت خوشایند درونی است که بعد از رسیدن نفعی یا لذتی واقعی به فرد در او ایجاد می شود (همان). بدین روی، «بَشیرَ» می تواند به هر دو حالت فرح و سرور، در فرد شادی ایجاد کند.

«استبشّر» نیز از «بشیر» گرفته شده (صاحب‌بن عباد، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۰) و به معنای طلب بشارت کردن از طریق یافتن یا دانستن چیزی است که فرد را شاد می‌کند (ر.ک: عسکری، بی‌تا، ص ۲۵۹؛ ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۴) و استبشار (شادمانی درونی) سبب نوعی خودتقوی و خودتشویقی شده و در تداوم یافتن، تقویت و گسترش احسان برای خلق موقعیت خوشایند در طرف مقابل نقش دارد (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰).

«استبشار» در مقابل «اشمئزاز» است. ریشه استبشار و یا اشمئزاز به نوع دیدگاهی برمی‌گردد که فرد نسبت به رفتار انجام گرفته خود یا دیگری دارد. بر این اساس، ریشه استبشار دیدگاه مثبتی است که فرد نسبت به رفتار انجام گرفته خود یا دیگری دارد و سبب شادی کردن فرد می‌شود. همچنین ریشه اشمئزاز دیدگاه منفی است که فرد نسبت به رفتار انجام گرفته خود یا دیگری دارد و سبب متنفر شدن یا بی‌زاری جستن او می‌شود.

برهمن اساس علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۴۵ سوره «زمر» بیان می‌دارد: مشرکان به سبب «ایمان نداشتن به آخرت» بود که از اشاره به یگانگی خداوند اشمئزاز (احساس نفرت) پیدا می‌کردند و طبق فرمایش قرآن «ایمان به آخرت» همان عاملی بود که سبب می‌شد مؤمنان از همان مطلب، استبشار (احساس نشاط و شادی) پیدا کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۷۱). همچنین در آیه ۱۲۴ سوره «توبه»، عامل استبشار در مؤمنان و اشمئزاز در کفار هنگام نزول آیات الهی، داشتن و نداشتن ایمان به خداوند بیان شده است (همان، ج ۹، ص ۴۰۹-۴۱۰).

بنابراین ممکن است فردی احسان کند، ولی به سبب نداشتن دیدگاهی درست درباره احسان، استبشار نداشته باشد و از نیروی خودتشویقی که در استبشار وجود دارد محروم بماند و احتمال تکرار و گسترش احسان در او کم باشد. لازم به ذکر است که عمل استبشار (شادی کردن درونی و نمایان در چهره) به دنبال عمل احسان محقق می‌شود و از این رو وجود مستقلی از احسان نداشته، به مؤلفه عملیاتی جداگانه‌ای نیاز ندارد.

ب) مؤلفه شکر

شناخت‌های لازم در شکر به وسیله نیروی عقل انجام می‌شود (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۶). اما برای تحقق شکر در یک رابطه چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

۱) شناخت و آگاهی از شکر

شناخت و آگاهی از شکر اولین راهبرد شناختی شکر است. در منابع اسلامی دو واژه «کافاء» و «شکر» در مواجهه با احسان/ اعطای (مواجهه با احسان) طرف مقابل مطرح است (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۱). «كُفُو» به معنای مثل و همانند است (صاحب‌بن عباد، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳۶) و در مقابل «شکر» قرار دارد که در

معنای آن عدم تساوی و «بیشتر بودن یک چیز از معادل آن» وجود دارد (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۰۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۰۷).

بنابراین «شکر» به معنای آن است که در مقابل احسان / اعطای (مواجهه با احسان) طرف مقابل، فرد از جهت عاطفی و رفتار کلامی و غیر کلامی پاسخی بیش از آنچه از طرف شخص محسن / معطی به او رسیده است از خود نشان دهد. همچنین شناخت و آگاهی یافتن فرد از منافع یا لذتهایی که احسان طرف مقابل در یک رابطه برای فرد به وجود می آورد و نیز شناخت از وجود فضایل اخلاقی در طرف مقابل که ریشه احسان طرف مقابل به فرد شده است و متعاقب این دو نوع شناخت و آگاهی، توجه دادن فرد به خود درباره آنها، موجب شکل گیری محبت در فرد نسبت به طرف مقابل (یعنی رساننده خیر) می شود (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۵۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۸۱۰). همچنین توجه شناختی به اینکه فایده و آسیب شکر و ناسپاسی - در واقع - به خود فرد بازمی گردد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۶۱۹۸ و ۶۱۸۳) و فرد را در مسیر شکر یاری می کند.

۲) عمل شکر

برای تحقق شکر نیازمند اقدامات ذیل هستیم:

الف. احسان باوری: احسان باوری سبب می شود انسان به حقی که طرف مقابل با احسان ورزی خود بر گردن او پیدا کرده است توجه پیدا کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۱) و نیز برای آنها ارزش قائل شود، به گونه ای که مصادیق به ظاهر جزئی احسان های طرف مقابل را زیاد بیندارد (مجلسی، بی تا، ج ۶۴، ص ۲۹۶).

ب. تمجید: لازمه تمجید به زبان آوردن مصادیق احسان طرف مقابل در حق فرد است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۹۵۸).

ج. جبران: فرمول پاسخدهی به احسان طرف مقابل برای تحقق شکر، پاسخدهی دو برابری به احسان است (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۱). البته اگر امکان این گونه شکر نبود، تلاش برای دعاگویی حداقل کاری است که فرد گیرنده احسان نباید از آن غافل شود (مجلسی، بی تا، ج ۷۵، ص ۴۳).

۳. مؤلفه های بازساختی عقل ورزی ارتباطی

برای اصلاح و ترمیم ارتباطی که با آسیب مواجه شده، به مؤلفه های بازساختی نیاز است که عبارتند از: «استغفار» که نوعی خوداصلاحی برای رفع اشکالات وارد شده از سوی خود فرد بر پیکره ارتباط است و نیز «بردباری» و «غفران» که نوعی دگراصلاحی برای جلوگیری از گسترش یافتن و تقویت شدن آسیب های وارد شده از سوی طرف مقابل بر پیکره ارتباط هستند. در ادامه به تبیین این سه مؤلفه می پردازیم:

الف. مؤلفه استغفار

«استغفار» ریشه در عقل‌ورزی دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳) و واکنش لازم در مقابله با اسائه است (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰). اما برای تحقق استغفار در یک رابطه، چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

یک) شناخت و آگاهی از استغفار

شناخت و آگاهی از استغفار اولین راهبرد شناختی استغفار است. همراه‌ترین مفهوم با استغفار، «توبه» است. همراهی این دو مفهوم تا آنجاست که مرحوم طبرسی «توبه» و «استغفار» را یکی می‌داند و «ثم» در آیه سوم سوره «هود» را به معنای «واو» می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۲۱۴). استغفار و توبه هر دو ریشه در عقل‌ورزی دارند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳ و ۲۲).

در خصوص همراهی استغفار و توبه می‌توان گفت: استغفار بازداری است (بازداری خود از اسائه نسبت به خود / دیگران / خداوند) و توبه واداری است (واداری خود به جبران آسیب‌های به‌وجودآمده از اسائه در حق خود / دیگری / خداوند) (ر.ک: بقره: ۱۶۰). براین اساس، استغفار طلب بخشش صرفاً زبانی نیست، بلکه تصمیم به عدم تکرار عمل اشتباه نیز هست و حتی لازم است استغفار کننده برای جبران آسیب‌های برآمده از اشتباهات رفتار کلامی / غیرکلامی خود اقدام کند (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۵).

دو) عمل استغفار

برای تحقق استغفار / توبه از اسائه در حق طرف مقابل در یک رابطه، چهار گام لازم است:

الف. پشیمانی قلبی: توجه درونی خود به اشتباه بودن رفتار اسائه و متعاقب آن احساس پشیمانی واقعی که برای شروع فرایند توبه لازم است (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶).

ب. پوزش طلبی: پوزش طلبی با اقرار و عذرخواهی زبانی (طلب بخشش از طرف مقابل) (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۵۹) و استغفار زبانی (طلب بخشش از خداوند) محقق می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳۷۷).

ج. تصمیم به عدم تکرار: لازم است فرد به حقوق طرف مقابل توجه داشته باشد و خود را ملزم به رعایت آنها نماید و برای تحقق توبه / استغفار تصمیم بر عدم تکرار داشته باشد (همان، ۳۷۷).

د. جبران حداکثری پیامدها: برای تکمیل فرایند استغفار / توبه لازم است فرد تمام تلاش خود را به کار ببندد تا با راهکار جبران، پیامدهای رفتار اسائه قلبی خود برای طرف مقابل را به حداقل ممکن برساند (آل عمران: ۸۹).

ب. مؤلفه بردباری

بردباری ریشه در عقل‌ورزی دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲) و راهکاری مؤثر در مقابل ناخوشایندی‌های رابطه است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۱۹؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۳). اما برای تحقق بردباری در یک رابطه چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

یکم) شناخت و آگاهی از بردباری

«شناخت و آگاهی از بردباری» اولین راهبرد شناختی بردباری است. بردباری در جایی محقق می‌شود که اولاً، فرد با امری ناگوار و ناخوشایند مواجه شود. ثانیاً، در مقابل آن امر ناخوشایند بیتابی نکند و آرامش درونی خود را حفظ نماید. ثالثاً، این تحمل‌ورزی را به صورت مداوم داشته باشد (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸ ص ۹۱).

علامه مجلسی بیان می‌دارد: انسان مادام که در دنیاست از یک سو آماج حوادث، ناراحتی‌ها، بیماری‌ها، آزار هموعان خود در روابط و خلاصه انواع گرفتاری‌ها و سختی‌هاست. از سوی دیگر، مکلف به انجام فرامین و ترک محرمات الهی و خواسته‌های نفسانی است، و تمام این امور به حسب طبیعت انسان بر او ناخوشایند است. بدین‌روی، نیازمند نیروی درونی ثابت و استواری است تا بتواند در برابر این امور ناخوشایند بر خود مسلط شده، به جای بیتابی و رفتارهای غیراخلاقی (انتقام و کینه‌توزی)، رفتارهای عقلایی و شرعی انجام دهد که این همان صبر و شکیبایی است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸ ص ۶۸-۶۹).

درواقع، انسان عاقل در مواجهه با مشکلاتی که راه‌حل عملی برای حل آنها وجود ندارد (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۲۳۴) و تلاش برای حل آنها جز بر نگرانی و آشوب روانی فرد نمی‌افزاید از راهکار بردباری کمک می‌گیرد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۴۶) تا از این طریق سختی‌های رابطه را مدیریت کند (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۱۱؛ ج ۷۷، ص ۸۸؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶۳۱۲) و در نهایت با بردباری بر ناخوشایندی‌هایی که برای او از طرف رابطه افراد مقابل به وجود آمده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۱۹) از شدت این ناخوشایندی‌ها بکاهد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۳؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶۳۳۶) و زمینه خلق روابط خوشایند را در آینده یک رابطه برای آنها فراهم سازد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۲؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۷۹). توجه شناختی به ظرفیت رشددهی سختی‌ها (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸ ص ۹۴) و توجه شناختی به پیامدهای مثبت بردباری (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶۳۵۴، ۶۳۵۰؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۳؛ ج ۳، ص ۲۲۵)، در محقق ساختن بردباری به افراد یاری می‌رساند.

دوم) عمل بردباری

برای محقق ساختن بردباری نیازمند اقدامات عملی ذیل هستیم:

الف. پذیرش: پذیرش و رضایت دادن به ابتلا (امتحان) ناشی از موقعیت‌های ناخوشایند ارتباطی است. فرد تصور نکند این اتفاقات نباید برای او بیفتد یا تکرار شود و به اصل امکان بروز این‌گونه اتفاقات یا تکرار آنها رضایت دهد، تا آنجا که حتی شکوه هم نکند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۳).

ب. پایداری: از لوازم بردباری استمرار در تحمل ناخوشایند است (رک: مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸ ص ۹۱). عدم استمرار در بردباری سبب می‌شود آثار بردباری به صورت کامل نصیب فرد نگردد.

ج. یاری‌طلبی از خداوند: نماز خواندن و دعا و یاری‌طلبی از خداوند در مواجهه با ناخوشایندها از راهکارهای بردباری معرفی شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۷).

د. واداری خود به بردباری: در منابع اسلامی مفهومی به نام «تَصَبُّر» وجود دارد. «تَصَبُّر» با فضیلت‌ترین نوع صبر است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۶۲۳۴).

ج. مؤلفه غفران

«غفران» ریشه در عقل‌ورزی دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۷). اما برای تحقق غفران در یک رابطه چه شناخت‌ها و اعمالی ضرورت دارد؟

اول) شناخت و آگاهی از غفران

شناخت و آگاهی از غفران اولین راهبرد شناختی غفران است. «غفران» در کنار مفاهیم «عفو، صفا و رحمت» مطرح شده است. آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه ۱۴ سوره «تغابن»، «عفو» را مرحله نخست (در مواجهه با امر ناخوشایند از طرف مقابل) و به معنای گذشت و ترک انتقام و نشان ندادن هرگونه واکنشی به رفتار ناخوشایند طرف مقابل می‌داند، و «صفح» را مرحله دوم و به معنای روی برگرداندن و نادیده گرفتن و فراموش کردن آن رفتار ناخوشایند دانسته، «غفران» را آخرین و برترین مرتبه در مواجهه با رفتار ناخوشایند طرف مقابل می‌داند که به معنای پوشانیدن آثار رفتار اشتباه، به‌گونه‌ای است که طرف مقابل و دیگران هم اسائه را به فراموشی بسپارند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۲۱).

زحیلی (ر.ک: زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۸، ص ۲۵۴) و طبری (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۸۰) نیز بر همین معانی برای این سه واژه تأکید داشته‌اند. بردباری مقدمه غفران است؛ زیرا تا فرد بردباری و شکیبایی نداشته باشد، غفرانی از جانب او محقق نخواهد شد (ر.ک: شوری: ۴۳).

دوم) عمل غفران

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که برای تحقق غفران نیازمند سه دسته اقدامات هستیم:

الف. پیش از مواجهه با غضب: اقداماتی هستند که قبل از مواجه شدن با غضب‌آوری طرف مقابل، زمینه‌های روانی لازم برای غفران را در فرد فراهم می‌آورند که عبارتند از: پرهیز از خودپسندی (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۷۰، ص ۲۶۳)، تنظیم انتظارات به صورت کاهش سطح انتظار از طرف مقابل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۷۰۵) و افزایش سطح انتظار از خود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۷)، کینه‌زدایی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۰۶۰)، و ملایمت در واکنش (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۴۶).

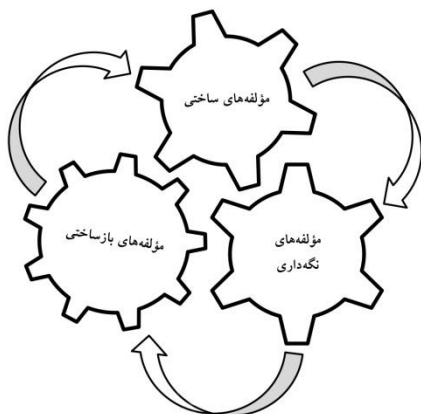
ب. حین مواجهه با غضب که عبارتند از: پرهیز از شتاب‌زدگی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۶۸۷۵)، جابه‌جایی ذهنی موقعیت رابطه‌ای (برگرداندن توجه ذهنی خود از رابطه عینی کنونی، یعنی موقعیت اسائه طرف مقابل نسبت به فرد و نارضایتی و خشم فرد به موقعیت اسائه فرد نسبت به خداوند، و نارضایتی و خشم خداوند)، و متعاقب آن توجه به اینکه او هم در مقابل خداوند قطعاً اشتباهاتی داشته است و همان‌گونه که دوست دارد خداوند بر او ببخشد او نیز باید ببخشد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰۳)، جابه‌جایی ذهنی محتوای رابطه‌ای (برگرداندن توجه ذهنی خود از رفتار سوء طرف مقابل به کرامت و ارزش ذاتی خود (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۶۸) و خوبی‌های پیشین طرف مقابل، و واداری خود به بردباری (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸ ص ۴۰۵).

ج. پس از مواجهه با غضب: که عبارت است از: بخشش (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۲) و نادیده گرفتن امر ناخوشایند (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۴، ص ۱۶۷) بدون شکوه (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۹) و سرزنش (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۵۱۰).

روابط فرضی الگوی مفهومی عقل‌ورزی ارتباطی اسلامی

روابط فرضی مؤلفه‌های الگوی مفهومی عقل‌ورزی ارتباطی در شکل (۱) نمایش داده شده است:

شکل ۱: نحوه تعامل مؤلفه‌های عقل‌ورزی ارتباطی

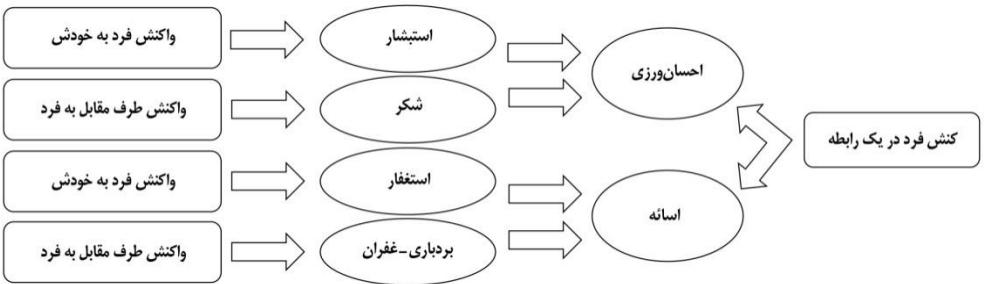


همان‌گونه که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، در مجموع، سه گروه مؤلفه عقل‌ورزی ارتباطی (ساختی، نگهداری، بازساختی) به نحوه تأثیر و تأثر متقابل در جهت شکل دادن و تداوم بخشی یک ارتباط بین فردی سالم و غیرمرضی و نیز اصلاح نقایص موجود در رابطه بر هم تأثیر می‌گذارند که البته شروع رابطه با مؤلفه‌های ساختی است و از این رو حرکت چرخ‌دنده در شکل (۱) نخست از مؤلفه‌های ساختی است، اما بعد به صورت چرخشی و افزایشی مؤلفه‌ها بر هم اثرگذارند.

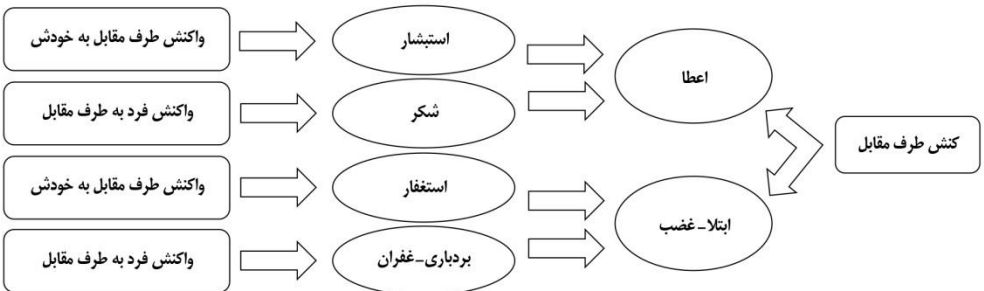
بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی منابع اسلامی به تعدادی از مفاهیم اولیه دست می‌یابیم که به حوزه‌های کنشی و واکنشی عقل‌ورزی ارتباطی و مؤلفه‌های آن در موقعیت‌های چهارگانه ارتباطی مرتبط هستند که عبارتند از: احسان، اسائه‌گریزی، استبشار، شکر، استغفار، بردباری، و غفران. مجموع این کنش‌ها و واکنش‌های ارتباطی در شکل (۲) و (۳) نمایش داده شده است:

شکل ۲: کنش فرد و واکنش خود فرد و طرف مقابلش به او در یک ارتباط عقل‌ورزانه



شکل ۳: کنش طرف مقابل و واکنش فرد به او در یک ارتباط عقل‌ورزانه

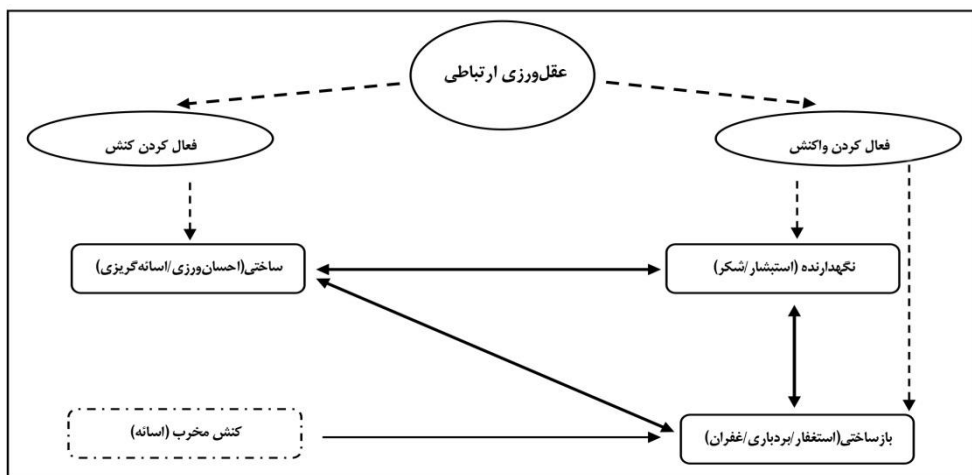


براین اساس، در یک رابطه بین‌فردی، کنش‌های هریک از طرفین نسبت به همدیگر یا «احسان» است یا «اسائه». از یک سو «احسان» هریک از طرفین برای طرف مقابلش «اعطا» (مواجهه با احسان) و اسائه هریک از طرفین رابطه برای طرف مقابلش «ابتلا» و یا «غضب» محسوب می‌شود. از سوی دیگر، در یک رابطه بین‌فردی، در مقابل هر یک از کنش‌های احسان یا اسائه، واکنشی از سوی خود فرد و یا طرف مقابل می‌تواند ارائه شود. اگر فرد نسبت به طرف مقابل کنش «احسان» داشته باشد، واکنش عقل‌ورزانه فرد نسبت به خود «استبشار» (خودتشویقی) است، و اگر فرد نسبت به طرف مقابل کنش «اسائه» داشته باشد واکنش عقل‌ورزانه فرد نسبت به خود «استغفار» (خوداصلاحی) است. همچنین اگر طرف مقابل نسبت به فرد کنش «اعطا» داشته باشد، واکنش عقل‌ورزانه فرد نسبت به طرف مقابل «شکرگزاری» (دگرتشویقی) است، و اگر طرف مقابل نسبت

به فرد کنش «ابتلا و یا غضب‌آوری (اسائه هیجانی - رفتاری)» داشته باشد، واکنش عقل‌ورزانه فرد نسبت به طرف مقابل «بردباری و یا غفران» (دگراصلاحی) است.

در نهایت، بررسی کنش‌ها و واکنش‌های فوق‌الگویی تعاملی را نمایان می‌سازد که براساس تعامل مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های ارتباطی توصیف می‌شود (شکل ۴).

شکل (۴): الگوی مفهومی پیشنهادی عقل‌ورزی ارتباطی اسلامی



این الگو فضای ارتباط بین فردی را به‌عنوان سیستمی پویا مفهوم‌سازی می‌کند که طی آن طرفین ارتباط با انگیزه کسب رضای الهی به صورت فعال در ساختن، نگهداری و بازسازی ارتباط سالم مشارکت می‌کنند. در این الگو کنش‌های اولیه بر دو محور مجزا قابل تصور است: محور سازنده ارتباط سالم، و محور تخریب‌کننده ارتباط سالم. در مقابل هریک از این محورها مجموعه‌ای از واکنش‌های سالم قرار می‌گیرد، با این تبیین:

- در مقابل کنش‌هایی که سازنده ارتباط سالم هستند (کنش‌های احسان‌ورزی و اسائه‌گریزی)، دو نوع واکنش قرار دارد که در کنار هم واکنش‌های نگهدارنده را تشکیل می‌دهند:

نوع اول واکنش از جانب خود فرد کنشگر است (استبشار) که منجر به خودتقویتی انگیزشی نسبت به کنش سازنده و انگیزه‌بخشی به منظور تکرار آن کنش در موقعیت‌های بعدی می‌شود.

نوع دوم واکنش بیرونی از سوی طرف مقابل است (شکر) که منجر به تقویت انگیزش کنشگر سازنده و انگیزه یافتن او برای تکرار آن کنش در موقعیت‌های بعدی می‌شود.

- در مقابل کنش‌هایی که مخرب ارتباط سالم هستند (اسائه)، دو نوع واکنش قرار دارد که در کنار هم واکنش‌های بازساختی را تشکیل می‌دهند:

نوع اول واکنش از جانب خود فرد کنشگر است (استغفار) که منجر به خوداصلاحی انگیزشی نسبت به کنش مخرب و انگیزه‌بخشی برای پرهیز از تکرار آن کنش در موقعیت‌های بعدی می‌شود.

نوع دوم واکنش بیرونی از سوی طرف مقابل است (بردباری / غفران) که منجر به خاموشی انگیزش کنشگر کنش مخرب و انگیزه یافتن او به منظور پرهیز از تکرار آن کنش در موقعیت‌های بعدی می‌شود.

در این میان، عقل نیرویی شناختی و مهارگر است (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۵۹؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ عباسی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹) که با هدف بندگی خداوند (جهت‌گیر در مسیر کسب رضای خداوند) (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱) مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های سالم فوق در یک ارتباط بین‌فردی را تنظیم و مدیریت می‌کند. الگوی مذکور در شکل (۴) نمایش داده شده است.

براین‌اساس، این پژوهش به جای پرداختن به ساختارهای کلی در هر ارتباط بین‌فردی (برای مثال: الگوی ارسطو، الگوی لاسول، الگوی اسمیت، و الگوی بکر) و نیز به جای پرداختن به الگوهای کلی فهم سازوکارهای دخیل در ارتباط بین‌فردی (برای مثال: الگوی رمزگذاری - رمزگشایی، الگوی قصدگرایی، الگوی درک دیدگاه، و الگوی مکالمه‌ای)، مستقیماً به مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد یک ارتباط سالم بین‌فردی، آن هم از نقطه نظر ادبیات اسلامی پرداخته است.

در نهایت، می‌توان گفت: ارتباط سالم محصول عقل‌ورزی ارتباطی است؛ یعنی شکل دادن یک ارتباط سالم بین‌فردی نیازمند مبتنی نمودن کنش‌ها و واکنش‌ها ارتباطی بر پایه عقل است. براساس آنچه بیان شد، عقل‌ورزی ارتباطی را از نگاه اسلامی می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «ارتباطی سالم است که مبتنی بر عقل‌ورزی ارتباطی باشد؛ به این معنا که در آن کنش‌های ساختی «احسان‌ورزی» و «پرهیز از اسائه» و واکنش‌های نگهداری «استیشار» و «شکرگزاری» و واکنش‌های بازساختی ارتباط «استغفار»، «بردباری» و «غفران» به صورت مجموعه‌ای و هماهنگ به کار گرفته شود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، قم، الهادی.

صحیفه سجادیه، ۱۴۱۸ق، قم، الهادی.

ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبالة، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن اشعث، محمد بن محمد، بی تا، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران، نینوی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین.

ابن فارس، احمد بن، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دار کتاب اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۰ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.

اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تبریز: بنی هاشمی.

ازهری، محمد بن احمد، بی تا، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بیات، حجت الله، ۱۳۹۵، دین و مبانی ارتباطات، قم، دارالحدیث.

پسندیده، عباس، ۱۳۸۴، رضایت از زندگی، قم، دارالحدیث.

تیمی امّدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین.

حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، شریف رضی.

رفیعی هنر، حمید، ۱۳۹۷، الگوی درمانی خود - نظم جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای

درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن، رساله دکتری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

زحیلی، وهبه بن المصطفی، ۱۴۲۲ق، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دار الفکر.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، بی تا، مسکن الفؤاد عند فقد الأخیة و الأولاد، قم، بصیرتی.

صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، بی تا، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۲ق، مصادقة الإخوان، قم، کرمانی.

_____، ۱۴۰۶ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الرضی.

_____، ۱۳۶۲، الخصال، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۴۰۰ق، امالی، بیروت، اعلمی.

_____، ۱۴۰۳ق، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۹۰، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

طباطبائی، سیدمحمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰، اعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیة.

_____، ۱۴۰۶ق، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفة.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.

عباسی، مهدی، ۱۳۹۶، الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، قم، دارالحدیث.

- عسکری، حسن بن عبدالله، بی‌تا، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الافاق الجدیده.
- فروزان، یونس، ۱۳۹۴، «تبیین انواع مدل‌های ارتباطات مؤثر در توسعه و گسترش روابط انسانی»، در: *دومین کنفرانس پژوهش در علوم و تکنولوژی، تهران*.
- قائمی، علی، ۱۳۶۴، *اخلاق و معاشرت در اسلام*، تهران، امیری.
- قربانی، نیما، ۱۳۹۴، *سیکها و مهارت‌های ارتباطی*، تهران، بینش نو.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، تهران، اسلامیه.
- متقی هندی، علاء الدین، ۱۳۹۹ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، *بحار الانوار*، تهران، اسلامیه.
- مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۵، *درسمانه فقه الحدیث*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- _____، ۱۳۹۳، *روابط اجتماعی از نگاه قرآن*، قم، دارالحدیث.
- مسکویه رازی، احمدبن، ۱۴۲۶ق، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، طلیعه نور.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب اسلامیه.
- نراقی، احمدبن محمد مهدی، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، قم، هجرت.
- یدالله پور، محمدهادی و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی آیه‌های قرآن کریم در زمینه سه بعد اصلی سلامتی (جسمی، روانی، و اجتماعی)»، *اسلام و سلامت*، دوره دوم، ش ۳ و ۴، ص ۴۸-۵۶.

- Baldwin, D. A., 2000, "Interpersonal Understanding Fuels Knowledge Acquisition", *Current Directions Inpsychological Science*, N. 9, p. 40-45.
- Desjardins, C. D., & Bulut, O., 2018, *Handbook of educational measurement and psychometrics using R*, CRC Press.
- Ellis, M., & Astell, A., 2018, *Adaptive interaction and dementia: how to communicate without speech*, Jessica Kingsley Publishers.
- Krauss, R. M. & Morsella, B., 2000, "Communication and Conflict", in Deutsch, M. & Coleman, P. T. (Eds), *The Handbook of Conflict Resolution: Theory and Practice San Francisco*, Jossey-Bas Publishers.
- Roffey, S., 2012, *Positive Relationships Evidence Based Practice across the World*. London, Springer.

مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی و تناظرشناسی مفاهیم آن در منابع اسلامی

abayat@rihu.ac.ir

علی بیات/ دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ک محمد رفیعی هنر/ استادیار گروه اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

hamidrafi2@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-0614-3435

jahangirzademr@gmail.com

محمد رضا جهانگیرزاده/ استادیار روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

چکیده

تحقیق در این باره که «خرد چیست و چگونه تعریف می‌شود؟» بنیادی‌ترین حوزه از مطالعات خرد است. هدف این پژوهش، مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی و شناسایی مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی است. بدین منظور، برای مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی و سپس شناسایی مفاهیم متناظر با آن در منابع اسلامی، از روش «معناشناسی زبانی» و در بخش بررسی میزان مطابقت این مفاهیم با خرد در منابع اسلامی، از روش «توصیفی زمینه‌یابی» استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: حوزه معنایی «خرد» در لغت و روان‌شناسی، با مؤلفه‌هایی همچون «دانش ساختاری و فرایندی، ژرف‌نگری، نیک‌خواهی و ارزش‌های متعالی، کنترل هیجانی و عواطف مثبت و عمل به دانش و توانمندی‌های مهارتی» مشخص می‌شود. متناظر با حوزه معنایی «خرد» در لغت و روان‌شناسی، واژگانی از جمله «عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنه، ذكاء، فهم، شعور، ادراک، استنتاج فکر، فقه، رویه، خبره، کیاست، فراست، درایت، حصافت، حذاقت، تدبیر، تمییز، نصیح و بصیرت» در منابع اسلامی شناسایی شد. نتایج پژوهش در گام دوم نشان داد: مفاهیم «استنتاج، حذاقت، حصافت، و نصیحت» با میزان شاخص روایی محتوایی (CVI) ۰/۷۲، ۰/۴۴، ۰/۴۴، و ۰/۳۶ حذف و ۱۹ مفهوم دیگر از میزان قرابت مطلوب با خرد در منابع اسلامی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: خرد، مفهوم‌شناسی، روان‌شناسی، مفاهیم مشبیه به خرد، منابع اسلامی.

جست‌وجوی مفهوم «خرد» (wisdom) در پایگاه PsycINFO نشان می‌دهد: طی ۱۵ سال پس از اولین کتاب نسبتاً جامع درباره «خرد» با عنوان *خرد: ماهیت، خاستگاه و تحول آن* (استرنبرگ، ۱۹۹۰)، تحقیقات به اندازه‌های رشد داشته است (آردلت، ۲۰۰۵، xii) که *استرنبرگ* (Sternberg, R. J.) همراه با جردن (Sternberg, R. J.) در سال ۲۰۰۵ نخستین کتاب راهنما را در این زمینه با عنوان *راهنمای خرد: دیدگاه‌های روان‌شناختی تنظیم می‌کنند*.

علاوه بر این، طی دو دهه گذشته، همان‌گونه که گلاک و همکاران (۲۰۱۳، ص ۱) و جست و لی (۲۰۱۹، ص ۱۲۹) نشان داده‌اند، طرح‌های تحقیقاتی و عملیات‌سازی خرد رشد سریعی داشته است. از این‌رو، پس از ۱۴ سال از انتشار آخرین نسخه *راهنمای خرد*، دومین ویرایش آن با عنوان *راهنمای کمبریج خرد*، توسط *استرنبرگ* و گلاک در سال ۲۰۱۹ تدوین و تنظیم شد.

بر اساس دیدگاه *استاودینگر* (Staudinger, U. M.) و گلاک (Glück, J.) (۲۰۱۱) از دهه ۱۹۷۰، پنج حوزه از مطالعات روان‌شناختی خرد به وجود آمده است:

۱) ارائه تعریف غیرتخصصی و عامیانه از خرد؛

۲) مفهوم‌سازی و سنجش خرد؛

۳) فهم رشد و تحول خرد؛

۴) بررسی شکل‌پذیری خرد؛

۵) به‌کارگیری دانش روان‌شناختی خرد در بافت‌های زندگی (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۱۶۷).

از زمان آغاز مطالعات روان‌شناختی خرد، تحقیق پیرامون اینکه «خرد چیست و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد؟» از مهم‌ترین موضوعات این حوزه بوده است. نخستین مطالعات در این حوزه، توسط کلیتون (Clayton, V. P.) و بیرن (Birren, J. E.) (۱۹۸۰) در ایالات متحده، با عنوان «نظریه‌های ضمنی خرد» (implicit theory) آغاز شد. نظریه‌های ضمنی به دنبال دستیابی درک مردم از خرد هستند که از طریق پرسش قابل ردیابی در رفتار فرد آشکار و از آن برای قضاوت‌های روزمره درباره افراد و محیط پیرامون استفاده می‌شود.

در مقابل، «نظریه‌های صریح خرد» (explicit theory) توسط نظریه‌پردازان و پژوهشگران ارائه شده و مبتنی بر مجموعه‌ای از داده‌هاست که از آن طریق نیز آزمون می‌شوند (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۲۱۷ و ۲۱۸). در طیف وسیعی از نظریه‌های صریح، از خرد با عناوین ذیل یاد شده است: «نظام دانش تخصصی در مسائل بنیادین زندگی» (بالتز و اسمیت، ۱۹۹۰، ص ۹۵؛ بالتز و استاودینگر، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲؛ بالتز و کانزمن، ۲۰۰۳، ص ۱۳۱)؛ «هنر حل مسئله» (آرلین، ۱۹۹۰، ص ۲۳۰)؛ «آگاهی از نادانی و محدودیت دانش خویش» (میچم، ۱۹۹۰، ص ۱۸۱)؛ «به‌کارگیری هوش و خلاقیت و نیز دانش فرد در جهت مصلحت عمومی» (استرنبرگ، ۲۰۰۱، ص ۲۳۰)؛

«ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی در سه بعد شناختی، تأملی و عاطفی» (آردلت، ۲۰۰۳، ص ۲۷۷): «نخستین فضیلت جهانی و دانشی که دستیابی به آن نیازمند تلاش بسیار است» (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۳۹): «از خویش فراتر رفتن» (لوینسون و دیگران، ۲۰۰۵، ص ۱۲۹): «فرآیندی در زندگی واقعی که متشکل از سه مؤلفه یکپارچگی، تجسم و اثرات مثبت برای خود و دیگران است» (یانگ، ۲۰۰۸، ص ۶۵): و «به‌کارگیری استدلال خردمندانه به‌منظور کنترل چالش‌های زندگی» (گراسمن، ۲۰۱۰، ص ۷۲۴۶).

این درحالی است که خرد در متون فلسفی و دینی قدمتی دیرینه دارد و تلاش برای دستیابی به آن را می‌توان - دست کم - تا سه قرن قبل از میلاد جست‌وجو کرد (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۲۱۶). تمدن‌های باستانی ادبیات خرد را بیشتر در قالب حکایات، تمثیلات یا ترانه‌ها به‌منظور انتقال رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مناسب و ارائه رهنمودهایی برای زندگی، جمع‌آوری کرده‌اند (استرنبرگ و جردان، ۲۰۰۵). خرد در چندین متن باستانی، از جمله *التعالیم*، کتیبه‌های مصری (از ۱۷۰۰-۲۰۰۰ قبل از میلاد مسیح)، و *باگاواد گیتا* «Bhagavad Gita» (کتاب مقدس فلسفی - مذهبی هندو)، مکرر مورد بحث قرار گرفته (جست و واهیا، ۲۰۰۸) و کتاب‌های عهد قدیم ایوب (Job)، مزامیر (Psalms)، و امثال (Proverbs) سلیمان نبی شیوه‌ای را برای دستیابی به خرد توصیف کرده‌اند.

همچنین متفکران ذی‌نفوذ شرق باستان از کنفوسیوس تا بودا بر روی خرد تعمق کرده‌اند (جست و لی، ۲۰۱۹، ص ۱۲۸). با وجود این، با نگاهی به تاریخ مطالعه خرد می‌توان پی برد که هنوز یک توافق عمومی برای تعریف و مؤلفه‌های خرد وجود ندارد (گلاک و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۳-۱۳). یانگ (۲۰۰۱) علت این عدم توافق را نقش فرهنگ و اختلاف منابع فرهنگی می‌داند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه گرایش انسان به دین امری فطری است و گرایش به خردورزی در ذات انسان وجود دارد، می‌توان گفت: ادیان مهم‌ترین منابع جهت‌دهنده جوامع و بیانگر مبانی جهان‌بینی آنها هستند (نقی‌زاده و دورودیان، ۱۳۸۷). از این‌رو دین یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است. نیز هیچ فرهنگی در گذشته یافت نمی‌شود که دین در آن جایی نداشته باشد (دلفان بیرانوند و نوقابی، ۱۳۹۴، ص ۴، به نقل از: نوبخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵). براین‌اساس، بررسی مفهوم «خرد» مطابق آموزه‌های اسلامی (آیات و روایات) ما را به شناخت و درک بهتری از مفهوم «خرد» و ویژگی‌های آن براساس بافت فرهنگی می‌رساند.

آنچه در دو دهه گذشته در تحقیقات علوم انسانی مشاهده می‌شود (دلفان بیرانوند و نوقابی، ۱۳۹۴، ص ۵) صرفاً به بررسی مفهوم «خرد» براساس برخی از منابع دینی با روش «تحلیل محتوا» پرداخته و ده ویژگی افراد خردمند را شناسایی کرده‌اند که شامل «اخلاص، تواضع و فروتنی، انقطاع از دنیا، حلم و بردباری، جدیت در کار، شجاعت، قناعت، سخاوت، خوش‌بینی، و کم‌گویی» است.

همچنین مطالعات متعددی درباره ماهیت و ویژگی‌های «عقل» در آموزه‌های اسلامی با نگاه فلسفی (برنجکار، ۱۳۷۴)، کلامی (اله‌بداستی، ۱۳۸۳)، حدیثی (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲؛ پسندیده، ۱۳۸۸)، سیاسی (ابوطالبی، ۱۳۸۶) و روان‌شناختی (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷) و درباره حکمت (موسوی، ۱۳۹۷) صورت گرفته است. علاوه بر این، در متون روان‌شناختی فارسی (چراغی و دیگران، ۱۳۹۴) به مفهوم‌سازی «خرد» براساس نظریه‌های ضمنی و رسمی آن از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی پرداخته، ملک‌محمدی و همکاران (۱۳۹۴، ۱۳۹۶)، اسعدی (۱۳۹۴)، کردنوقایی و همکاران (۱۳۹۴) و کردنوقایی و بیرانوند (۱۳۹۵) به بررسی دیدگاه مردم عادی درباره خرد پرداخته‌اند.

نخستین مرحله در مفهوم‌سازی و تعریف یک مفهوم، شناسایی واژگان ناظر به آن مفاهیم است، اما از این نظر که «خرد» واژه‌ای فارسی است و در متون عربی به کار نرفته، لازم است در قدم اول مفاهیم ناظر به آن در منابع اسلامی (آیات و روایات) شناسایی شود. تا جایی که محقق جست‌وجو کرده، تحقیقات گذشته به مفهوم‌سازی «خرد» براساس منابع اسلامی نپرداخته‌اند، بلکه تنها بر مفهوم «عقل» (دلفان بیرانوند و نوقایی، ۱۳۹۴)، یا «حکمت» (موسوی، ۱۳۹۷) متمرکز بوده است. از سوی دیگر، تنها به بررسی برخی از مفاهیم مترادف عقل پرداخته‌اند (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷)، درحالی‌که به نظر می‌رسد منابع اسلامی بر مفهوم «خرد» در قالب واژه‌هایی همچون «عقل، حکمت، بصیرت، معرفت، علم، درک، فهم، فکر، نظر، فقه، تدبر، درایه، لب، نهیبه، حجر، و حجی» که وجه مشترک همه آنها شناخت و ادراک است، مدنظر قرار گرفته است.

با مرور پیشینه تحقیق در خصوص «خرد» می‌توان کمبود مجموعه‌ای از مفاهیم مشیر به خرد در منابع اسلامی را که ارتباط آنها با خرد تبیین شده و مورد تأیید کارشناسان باشد حس کرد، به‌گونه‌ای که این مجموعه از مفاهیم زمینه‌ای برای گردآوری داده‌های قرآنی و روایی و در نتیجه تجزیه و تحلیل آنها پیرامون پژوهش‌های اسلامی مرتبط با خرد قرار گیرد.

بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش آن است که خرد در روان‌شناسی چیست؟ و مؤلفه‌های اساسی آن کدام است؟ پس از آن، در منابع اسلامی چه تعداد مفاهیم مرتبط با «خرد» می‌توان استخراج کرد و این مفاهیم کدامند؟

روش پژوهش

برای مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی و استخراج مفاهیم مشیر به آن براساس منابع اسلامی (قرآن و روایات) از روش «معناشناسی زبانی» استفاده شد. نظریه «حوزه‌های معنایی» (semantic fields) یکی از

جهت‌گیری‌های اساسی در مطالعات واژگانی است. شالوده‌نگرش حوزه‌های معنایی این است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه باشد (وندر پلاس، ۲۰۰۸؛ به نقل از شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

روش «معناشناسی زبانی» بر دو شیوه «تحلیل مؤلفه‌ای» و «معناشناسی ساخت‌گرا» استوار است (نوری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱، به نقل از: لیونز، ۲۰۰۹). «تحلیل مؤلفه‌ای» به ارتباط بین مفاهیم از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد و معناشناسی ساخت‌گرا از طریق هم‌معنایی (دو واژه برای یک معنا)، چندمعنایی (چند معنا برای یک واژه)، تقابل معنایی (واژه‌های متضاد)، انتقال معنایی (گرفتن معنای واژه‌های دیگر در اثر همنشینی با آنها)، حوزه واژگانی (تشکیل یک حوزه معنایی به علت جنبه‌های مشترک)، و شمول معنایی (فراگیر بودن معنای یک واژه نسبت به واژه دیگر) امکان فهم و انتقال معنا را فراهم می‌سازد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

جامعه‌متنی پژوهش در بخش تشکیل حوزه معنایی خرد: منظور از «جامعه» در این بخش تعاریف لغوی، اصطلاحی و الگوهای مفهومی «خرد» است. متون کتب لغت انگلیسی، عربی و فارسی، و کتاب‌ها و مقالات تخصصی روان‌شناسی انگلیسی زبان از سال ۱۹۵۰-۲۰۱۹ که به تعریف و نظریه‌های ضمنی و صریح «خرد» پرداخته‌اند، جامعه متون این بخش از پژوهش را تشکیل داده‌اند.

جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی: جامعه آماری این بخش را کارشناسان خبره‌ای که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح بودند، تشکیل می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳، به نقل از: سیف، ۱۳۹۰). بدین‌منظور کارشناسان این پژوهش در تحصیلات حوزوی در سطوح سوم یا چهارم مشغول تحصیل یا فارغ‌التحصیل بودند و در تحصیلات دانشگاهی روان‌شناسی دارای مدرک تخصصی دکتری یا در حال تدوین رساله دکتری بودند.

نمونه‌گیری در این پژوهش، به‌طور کلی «غیرتصادفی» و از نوع هدفمند بود. از این‌رو در بخش «تشکیل حوزه معنایی خرد و مفهوم‌شناسی آن» برخی از تعاریف لغوی، اصطلاحی و نظریه‌های خرد به صورت هدفمند از میان کتاب‌ها و مقالات ذکرشده در جامعه انتخاب شد.

در بخش «بررسی روایی محتوایی» نیز براساس روش «نمونه‌گیری هدفمند» و مطابق با نظر لین (Lynn, M. R.; 1986) تعداد یازده متخصص علوم انسانی و روان‌شناسی انتخاب شدند (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). کارشناسان مذکور از پنج مرکز علمی «دانشگاه قرآن و حدیث»، «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی»، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه»، «پژوهشگاه قرآن و حدیث» و «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» انتخاب گردیدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در جدول (۱) نشان داده شده است:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در بررسی روایی محتوایی (n=۱۱)

ویژگی	وضعیت	تعداد	درصد
سطح تحصیلات حوزوی	سطح چهار	۱۱	۱۰۰
سطح تحصیلات دانشگاهی	دکتری	۸	۷۳
	دانشجوی دکتری	۳	۲۷
رتبه علمی	دانشیار	۲	۱۸
	استادیار	۶	۵۵
	پژوهشگر پایه ۲	۳	۲۷

یافته‌های پژوهش

الف. تشکیل حوزه معنایی «خرد»

اولین گام برای مفهوم‌شناسی «خرد» در روان‌شناسی، تشکیل واحد تحلیل است. از این رو به منظور جمع‌آوری واژگان و مفاهیمی که از ویژگی‌های مرتبط با خرد حکایت دارند، از نظریه حوزه‌های معنایی استفاده شد. ابتدا حوزه معنایی و مرزبندی ویژگی‌های مرتبط با مفهوم «خرد» از طریق کتب لغت و مؤلفه‌های خرد در روان‌شناسی تشکیل گردید و پس از آن واژگان مرتبط با استفاده از اصول تبعی معناشناسی زبانی در روش حوزه‌های معنایی، از جمله هم‌معنایی، چندمعنایی، حوزه واژگانی و شمول معنایی جمع‌آوری شد.

۱. حوزه معنایی «خرد» در لغت

با بررسی کتب لغت انگلیسی و فارسی درباره «Wisdom» و «خرد» به بررسی حوزه معنایی این مفهوم پرداخته شد. جدول (۲) نتایج مربوط به واژگان و مفاهیم این حوزه را نشان می‌دهد:

جدول ۲: حوزه معنایی «خرد» در لغتنامه‌ها

لغتنامه	عبارت	معانی	مؤلفه‌ها و عناصر	جمع‌بندی	منبع
انگلیسی-عربی	Wisdom	(۱) معرفة (۲) حکمة (۳) حصافه	(۱) شناخت (۲) حکمت (۳) اندیشه نیکو، کارآمد و محکم	معانی اصلی wisdom در زبان عربی شامل «حکمت، عقل، تبه و هشجاری، ذکاوت، تبحر و باتجربه» است.	بلیکی و بلیکی، ۲۰۰۸، ص ۱۳۵۹
	Wise	(۱) حکیم، عاقل (۲) واسع الثقافه و الاطلاع (۳) واع، منتهبه (۴) ذکی، ماکر (۵) بارع	(۱) آگاهی و هشیار بودن، به‌ویژه نسبت به خویش (۲) ذکاوت و تیزهوشی (۳) مهارت و تبحر		
انگلیسی-فارسی	Wisdom	(۱) عقل، خرد، شعور (۲) فرزاندگی (۳) حکمت	(۱) عقل و شناخت (۲) شعور (۳) فرزاندگی (۴) حکمت	از مهم‌ترین معانی wisdom در لغتنامه‌های فارسی «عقل، حکمت و فرزاندگی» است.	حق‌شناس و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۱۹۱۸

<p>آریان پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱۸</p>	<p>از مجموع معانی Wisdom با حذف واژه‌های تکراری به معانی ذیل دست یافتیم: -Intellect -Mind</p>	<p>(۱) دانش و شناخت (۲) فراست و بصیرت (۳) عقل سلیم (۴) قدرت استدلال</p>	<p>- Wisdom - Intellect - Sagacity - Common sense Reason</p>	<p>خرد</p>	<p>فارسی-انگلیسی</p>
<p>فرهنگ جدید لغات وبستر، ۱۵۳۳ ص ۱۹۹۷</p>	<p>-Sagacity Common Sense -Reason -Judgment -Knowledge -Experience -Understanding -Advice -Information</p>	<p>(۱) قدرت قضاوت (۲) توانایی اقدام و عمل مبتنی بر: دانش تجربه فهم و ادراک</p>	<p>-power of judging rightly and following the soundest course of action, -based on knowledge, -experience, -understanding</p>		
<p>مریام وبستر، ۲۰۰۸، ص ۱۸۷۸</p>	<p>-Make decisions -Learning -Discernment که در مرحله بعد برای یافتن معادل این اصطلاحات در زبان عربی از لغتنامه المورد (بعلبکی و بعلبکی، ۲۰۰۸) استفاده شد و نتایج در جدول (۳) آمده است.</p>	<p>(۱) دانش حاصل از تجربه. (۲) دانش نسبت به تشخیص آنچه منطقی و صحیح است. (۳) راهنمایی و مشورت (۴) اطلاعات کسب کرده (۵) عقل سلیم (۶) قضاوت درست</p>	<p>-Knowledge that is gained by having many experiences in life, -knowledge of what is proper or reasonable, -advice or information given to a person, -good sense, -judgment</p>		
<p>آکسفورد، ۲۰۱۰، ص ۱۱۶۶۱</p>		<p>(۱) توانایی قضاوت صحیح در حوزه مسائل بنیادین زندگی (۲) توانایی تصمیم‌گیری و راهنمایی خردمندان براساس تجربه و دانش</p>	<p>capacity of judging rightly in matters relating to life and conduct the ability to make sensible decisions and give good advice because of the experience and knowledge that you have</p>	<p>Wisdom</p>	<p>انگلیسی-انگلیسی</p>
<p>لانگمن، ۲۰۱۱، ص ۲۰۱۲</p>		<p>(۱) عقل سلیم یا قضاوت مبتنی بر تجربیات زندگی (۲) دانش حاصل از یادگیری</p>	<p>-Good sense and judgment based especially on your experience of life; -Knowledge gained over a long period of time through learning or experience.</p>		
<p>دیکشنری جامع و جدید وبستر، ۲۰۰۴، ص ۱۴۴۵</p>		<p>(۱) قدرت تشخیص حقیقت (۲) پیروی از راه‌کارهایی که توسط نیروی درایت و بصیرت دیکته می‌شود (۳) قضاوت و استدلال عملی صحیح (۴) میزان بالایی از دانش (۵) گفتار حکیمانه (۶) درایت و عقل سلیم</p>	<p>-The power of true and right discernment, -conformity to the course of action dictated by such discernment, -Good practical judgment, -common sense, -A high degree of knowledge, -learning, -A wise saying</p>		

مطابق جدول (۲) حوزه معنایی «خرد» در کتب لغت انگلیسی - عربی با برخی نکات مشخص می‌شود؛ از جمله:

۱. شناخت و دانش حاصل از تجربه یا آموزش و یادگیری؛

۲. آگاهی و هشیاری، به‌ویژه نسبت به خویش؛

۳. کارآمدی، تجربه و دست یافتن به مهارت؛

۴. ذکاوت و تیزهوشی؛

۵. محکم و استوار بودن در رأی و عمل.

براین اساس، حوزه واژگانی مربوط به «خرد» شامل «عقل، علم، معرفت، حکمت، حصافت، حذاقت، فطنه و ذكاء»

می‌شود. در مرحله بعد، به‌منظور یافتن معادل عربی برای اصطلاحاتی از جمله Common ، Sagacity , Intellect ,

Reason , Sense , Judgment , Knowledge , Experience , Advice , Understanding , Information

Learning , Make decisions و Discernment که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در حوزه معنایی «خرد»

هستند، به لغتنامه *المورد* (بعلبکی و بعلبکی، ۲۰۰۸) مراجعه شد که نتایج آن در جدول (۳) ارائه گردیده است:

جدول ۳: معادل عربی کلیدواژه‌های «خرد» در لغتنامه‌های انگلیسی

واژه لاتین	معانی به زبان عربی	منبع
Advice	۱. نصیحه؛ ۲. استشاره؛ ۳. انباء؛ ۴. اشعار	بعلبکی و بعلبکی، ۲۰۰۸، ص ۳۶
Common sense Good sense	۱. الحس العام؛ ۲. الادراک السلیم، الحکم علی الاشیاء بصورة صائبة	همان، ص ۲۴۹
Decision Decision making	۱. فصل او قطع فی مسألة؛ ۲. حکم؛ ۳. قرار؛ ۴. عزم؛ اتخاذ القرار	همان، ص ۳۲۰
Discernment	بصیره، فطنه، حسن تمیز	همان، ص ۳۵۰
Experience	۱. تجربه؛ ۲. حنکه، اختیار؛ ۳. خبره؛ ۴. يتعلم بالاختیار؛ یکتشف؛ ۵. یخبر، یلاقی، یعنی، یستشعر	همان، ص ۴۱۱
Intellect	۱. الفکر، العقل؛ ۲. ذكاء، فطنه؛ ۳. الالعی؛ شخص ذو ذكاء	همان، ص ۵۹۸
Judgment	۱. قضاء؛ ۲. حکم؛ ۳. اجتهاد او تقدیر مکنون بعهده الطریقه؛ ۴. ملکه التمییز و استخدام هذه الملکه؛ ۵. رأی	همان، ص ۶۲۳
Knowledge	معرفة، علم؛ درایه، اطلاع؛ ادراک؛ مدى اطلاع شخص او فهمه	همان، ص ۶۳۷
Learning	۱. تعلم؛ ۲. معرفة	همان، ص ۶۵۴
Reason	۱. سبب، داع؛ ۲. عقل، رشد، صواب؛ ۳. التفکیر؛ الاستنتاج من الوقائع او المقدمات؛ ۴. حجة	همان، ص ۹۶۴
Sagacity	۱. حصافه؛ ۲. ذكاء	همان، ص ۱۰۱۹
Understanding	۱. فهم؛ ۲. ذكاء؛ ۳. تفاهم؛ ۴. عاطف؛ مُبدِ عطفاً و تسامحاً	همان، ص ۱۲۸۱

مطابق جدول (۳) مفاهیمی همچون «عقل، معرفت، علم، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، تدبیر، درایت، رویه، صافت، تمیز، نصیحت، بصیرت، ذكاء، فطنه، و خبره» حوزه واژگانی «خرد» را تشکیل می‌دهند. علاوه بر حوزه معنایی و واژگانی «خرد» براساس کتب لغت، به حوزه معنایی و واژگانی این واژه براساس مؤلفه‌های آن در تعاریف روان‌شناختی پرداخته شد.

۲. حوزه معنایی «خرد» در روان‌شناسی

برای دستیابی به مفهوم «خرد» در روان‌شناسی تعاریف، نظریه‌های ضمنی و صریح و الگوهای علمی خرد تحلیل و بررسی شد. بدین منظور، تعاریف گردآوری‌شده از «خرد» توسط بیرن (Birren, J. E.) و فیشر (Fisher, L. M.) (۱۹۹۰، ص ۳۲۵-۳۲۶) تا سال ۱۹۹۰ از کتاب *خرد: ماهیت، خاستگاه و تحول آن* (نویسنده کتاب)، تعاریف جمع‌آوری‌شده توسط بیرن و سیونسون (۲۰۰۵، ص ۱۸) در کتاب *راهنمای خرد با عنوان راهنمای خرد: دیدگاه‌های روان‌شناختی* (استرنبرگ و جردن، ۲۰۰۵) و تعاریف موجود در *راهنمای کمبریج خرد* (استرنبرگ و گلاک، ۲۰۱۹) تحلیل گردید. از بررسی نظریه‌ها و تعاریف «خرد» در روان‌شناسی، واژگان و مفاهیم ذیل در حوزه معنایی «خرد» به دست آمد که نتایج در جدول (۴) نشان داده شده است:

جدول ۴: حوزه معنایی «خرد» در روان‌شناسی

ابعاد	مؤلفه	عناصر تعاریف	منبع
دانش	دانش	- دانش در مسائل بنیادین زندگی	میکس و جست (۲۰۰۹)؛ کلیتون و بیرن (۱۹۸۰)؛ بالتر و اسمیت (۲۰۰۸)؛ پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴)؛ آردلت (۲۰۰۴)؛ استرنبرگ (۲۰۰۱)؛ براون و گرین (۲۰۰۶)؛ ویستر (۲۰۰۳)؛ یانگ (۲۰۰۸)؛ هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)
		- شناختن زندگی و پیچیدگی‌ها	
		- دانش رویه‌ای (ضمنی) در اثر تجربه - مسائل سخت و مشکل زندگی	
	توانایی استدلال	- آگاهی از دانش خویش و شناخت محدودیت‌های آن	میکس و جست (۲۰۰۹)؛ گراسمن و دیگران (۲۰۱۹)؛ آردلت (۲۰۰۴)؛ میچم (۱۹۹۰)؛ ترانتو (۱۹۸۹)
		- آگاهی از خطاپذیری دانش	
تمیز	- استدلال متاملانه	استرنبرگ (۱۹۸۵)؛ بلاک و گلاک (۲۰۰۵)؛ گراسمن و همکاران (۲۰۱۹)؛ آرلین (۱۹۹۰)	
	- پردازش اطلاعات و استفاده سریع از آنها		
دکاوت	- قضاوت صحیح	استرنبرگ (۱۹۸۵)؛ هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)؛ براون و گرین (۲۰۰۶)؛ تاکایاما (۲۰۰۲)	
	- مهارت قضاوت		
فهم و ادراک	- هوش و هوشمندی	استرنبرگ (۱۹۸۵)؛ هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)	
	- زیرکی		
جست‌وجوی حقایق	- فهم علمی قوانین حاکم بر ماده	راینسون (۱۹۹۹)؛ آردلت (۲۰۰۸)؛ براون و گرین (۲۰۰۶)؛ هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)	
	- فهم عقلانی		
جست‌وجوی حقایق	- درک دیگران (درک عمیق دیگران)	آردلت (۲۰۰۴)؛ تاکاهاشی و بردیا (۲۰۰۰)؛ راینسون (۱۹۹۰)؛ بالتر و اسمیت (۲۰۰۸)	
	- درک استثنایی		
	- بصیرت		
بصیرت	- یافتن حقیقت		
	- درک ماهیت انسان		
بیش نسبت به ماهیت حقیقی پدیده‌ها	-		
	-		

<p>استرنبرگ (۱۹۸۵): میکس و جست (۲۰۰۹): تاکاهاشی و بردیا (۲۰۰): چن و همکاران (۲۰۱۴): هو و همکاران (۲۰۱۶): کوئینگ و گلاک (۲۰۱۳): پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴): آردلت (۲۰۰۴): وبستر (۲۰۰۳): براون و گرین (۲۰۰۶): هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)</p>	<p>متفکر خودآگاهی (خود را بشناس) هشیار حالتی از روشنگری که به خودآگاهی منجر می‌شود. درون‌اندیشی انتقادی بازنگری و مرور گذشته یادگیری از اشتباهات خود و دیگران آزاداندیشی</p>	<p>ژرف‌نگری</p>
<p>بلاک و گلاک (۲۰۰۵): هالیدی و چندلر (۱۹۸۶): استرنبرگ (۱۹۸۵)، کلیتون و بیرن (۱۹۸۰): براون و گرین (۲۰۰۶): تاکاهاشی و بردیا (۲۰۰): یانگ (۲۰۰۱): میکس و جست (۲۰۰۹): بالتز و اسمیت (۲۰۰۸): پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴): وبستر (۲۰۰۳): گراسمن و دیگران (۲۰۱۰): آردلت (۲۰۰۴): براگمن (۲۰۰۰): یانگ (۲۰۰۱)</p>	<p>اتخاذ دیدگاه سوم شخص مشاهده زوایای گوناگون بافت‌گرایی پذیرش دیدگاه دیگران پذیرش جنبه‌های مثبت و منفی فطرت دیگران تحمل ابهام تخصص در عدم قطعی توجه نسبت به احتمال تغییر در روابط اجتماعی آگاهی از احتمال بروز چندین پیامد متعارض کنجکاوی عشق به یادگیری</p>	<p>پذیرش و گشودگی</p>
<p>هالیدی و چندلر (۱۹۸۶): هرشی و فارل (۱۹۹۷): بلاک و گلاک (۲۰۰۵): میکس و جست (۲۰۰۹): یانگ (۲۰۰۱): جیسون و همکاران (۲۰۰۱): هو و همکاران (۲۰۱۶): ملک‌محمدی و همکاران (۱۳۹۶): مانت‌گامری و همکاران (۲۰۰۲): استرنبرگ (۲۰۰۱): وبستر (۲۰۰۳): آردلت (۲۰۰۴): تاکایاما (۲۰۰۲): یانگ (۲۰۰۱)</p>	<p>احترام و عشق و شفقت نسبت به دیگران مساعدت دلسوزی نسبت به دیگران نیکي حرکت به سمت خیر عمومی راهنمایی و مشاوره</p>	<p>خیرخواهی و دلسوزی نسبت به دیگران</p>
<p>لویسون و دیگران (۲۰۰۵): میکس و جست (۲۰۰۹): هرشی و فارل (۱۹۹۷): جیسون و همکاران (۲۰۰۱): پری و همکاران (۲۰۰۲): دلفان نوقایی و بیرانوند (۱۳۹۵)، آلدوین و دیگران (۲۰۱۹)</p>	<p>فراتر رفتن از خویش تعالی خود ارزش‌های متعالی تجربه خاص طبیعت و جایگاه انسان در آن</p>	<p>معنویت</p>
<p>میکس و جست (۲۰۰۹): برزینا (۲۰۱۰): وبستر (۲۰۰۳)</p>	<p>کنترل هوش هیجانی هوش میان‌فردی</p>	<p>پایداری هیجانی</p>
<p>میکس و جست (۲۰۰۹): هو و دیگران (۲۰۱۶): وبستر (۲۰۰۷)</p>	<p>همدلی و شفقت شوخی طبیعی فروتنی در روابط میان‌فردی شادکامی و خوش‌بینی مردم‌دوستی و مردم‌آمیزی</p>	<p>عواطف مثبت</p>
<p>یانگ (۲۰۰۱ و ۲۰۰۸): استرنبرگ (۲۰۰۱): چن و دیگران (۲۰۱۴): هو و دیگران (۲۰۱۶): بیش (۱۹۹۳)</p>	<p>عمل تجسم یافته تعهد عملی حل مشکلات و ارائه راهکار فرایند تصمیم‌گیری و عمل - عمل و تجربه</p>	<p>عمل</p>
<p>براون و گرین (۲۰۰۶): هالیدی و چندلر (۱۹۸۶): وبستر (۲۰۰۳): برزینا (۲۰۱۰): استرنبرگ (۲۰۰۱)</p>	<p>مهارت‌های زندگی مهارت‌های ارتباطی مهارت‌های بین‌فردی داشتن توانایی و اراده لازم به‌منظور تسهیل رشد خویش یا دیگران عزم، اراده و تعهد سازگاری با محیط موجود، انتخاب محیط جدید</p>	<p>توانمندی‌ها</p>

بعد اخلاقی - معنوی

بعد عاطفی - هیجانی

بعد رفتاری

براساس جدول (۴) حوزه معنایی «خرد» در متون روان‌شناسی معاصر، با این موضوعات مشخص می‌شود:

۱. دانش؛ که دارای دو بعد «ساختاری» و «فرایندی» است: بعد «ساختاری» که شامل دو نوع دانش نظری و ضمنی (حاصل از تجربه و عمل) در حوزه مسائل بنیادین زندگی است، و بعد «فرایندی» این دانش که متشکل از تمییز، استدلال و هوشمندی است.

۲. تأمل؛ مؤلفه‌های این بعد از خرد شامل «فهم و ادراک»، «جست‌وجوی حقایق»، «تفکر و ژرف‌نگری»، و «گشودگی و پذیرش» است.

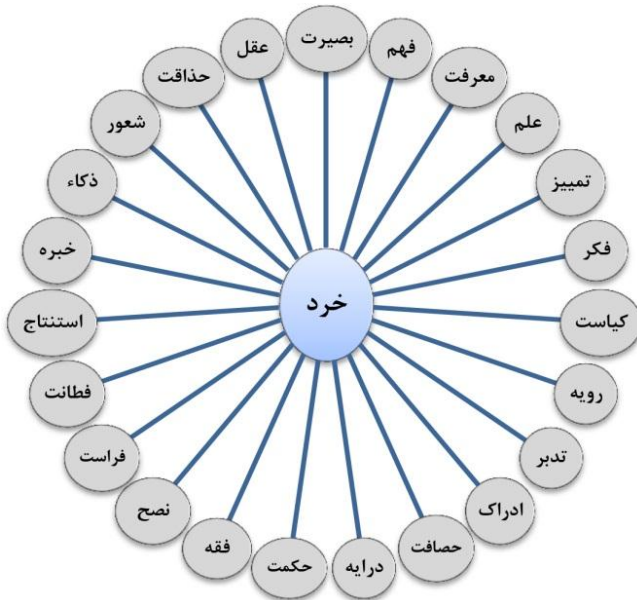
۳. این دانش اولاً، در جهت خیرخواهی و دلسوزی نسبت به خویش، دیگران و جامعه است. ثانیاً، هدف از آن فراتر رفتن از خویش و دستیابی به ارزش‌های متعالی است.

۴. بعد عاطفی - هیجانی؛ خرد دانش صرف نیست، بلکه شناختی است که اولاً، در حوزه هیجان‌ات به کنترل و پایداری، و ثانیاً، منجر به عواطف مثبت در مواجهه با دیگران و خویش می‌شود.

۵. بعد رفتاری؛ خرد علاوه بر بروز در حوزه هیجان‌ات و عواطف مهم‌ترین مؤلفه‌اش عمل است، به معنای آنکه این دانش در صورتی که جامه عمل به خود بپوشد در جهت خردمندی است.

بنابراین، «خرد» در منابع روان‌شناسی یک مفهوم چندبعدی شامل ابعاد شناختی (شامل: دانش، توانایی استدلال، تمییز)؛ تأملی (شامل: فهم و ادراک، جست‌وجوی حقیقت، ژرف‌نگری، پذیرش عدم قطعیت، نسبی‌گرایی ارزش‌ها و کنجکاوی)؛ اخلاقی - معنوی (شامل: نیکخواهی، نیکوکاری و دستیابی به ارزش‌های متعالی)؛ عاطفی - هیجانی (شامل: کنترل هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی، از جمله مهربانی، گرمی، همدلی و شوخ‌طبعی)؛ و بعد رفتاری (شامل: اقدام و تأثیرات مثبت در زندگی خویش و دیگران، مهارت‌های درون‌فردی و ارتباطی) است.

لازم به ذکر است که چندین نظریه، از جمله استرنبرگ (۱۹۸۵)، آردلت (۲۰۰۰)، بیرن و فیشر (۱۹۹۰)، بلانچار و نورس (۱۹۹۵) «خرد» را یک ویژگی شخصیتی می‌دانند که توانسته است ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی را یکپارچه و در یکدیگر ادغام سازد. براین‌اساس، مفاهیمی از جمله «عقل، علم، ادراک، معرفت، فهم، فقه، فکر، کیاست، فراست، ذكاء، فطنه، نصیح و تمییز» حوزه واژگانی «خرد» براساس مؤلفه‌های روان‌شناختی آن را تشکیل می‌دهند. سرانجام از جمع میان حوزه معنایی «خرد» در لغت و روان‌شناسی ۲۳ مفهوم شامل «عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنه، ذكاء، فهم، شعور، ادراک، استنتاج فکر، فقه، رویه، خُبره، کیاست، فراست، درایت، حصافت، خذاقت، تدبیر، تمییز، نصیح و بصیرت» به‌عنوان مفاهیم اولیه مشیر به «خرد» در منابع اسلامی شناسایی شد که در شکل (۱) نمایش داده شده است:



شکل ۱: مفاهیم اولیه مرتبط با حوزه خرد در منابع اسلامی

ب. روایی محتوایی ۲۳ مفهوم مشیر به «خرد»

هدف از این گام بررسی روایی محتوای مفاهیم مشیر به «خرد» براساس منابع اسلامی بوده است. برای جمع‌آوری نظرات کارشناسان، فرمی تهیه شد که از یازده کارشناس درخواست شد براساس حوزه معنایی «خرد» در کتب لغت، و حوزه معنایی «خرد» براساس تعاریف و مؤلفه‌های روان‌شناختی آن، با اختصاص عدد از ۱. «غیرمرتبط» تا ۴. «کاملاً مرتبط» قرابت این واژگان را با خرد در منابع اسلامی معین نمایند، و اگر غیر از لغات ذکر شده واژه دیگری را مناسب می‌دانند با ذکر اولویت معرفی کنند. میزان CVI محاسبه شده برای هر مفهوم در جدول (۵) آمده است:

جدول ۵: روایی محتوایی مفاهیم مشیر به خرد در منابع اسلامی

وضعیت	CVI	کارشناسان مخالف		کارشناسان موافق		مفهوم	ردیف
		گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴		
حذف	.۷۲	۱	۲	۴	۴	استنتاج	۱
تأیید	۱	-	-	۶	۵	ادراک	۲
تأیید	۱	-	-	۴	۷	بصیرت	۳
تأیید	۱	-	-	۳	۸	تدبیر	۴
تأیید	۱	-	-	۲	۹	تمییز	۵
حذف	.۴۴	۲	۵	۳	۱	حذاقت	۶

حذف	۴	-	۵	۲	۴۴/	حذف	۷
حکمت	۹	۲	-	-	۱	تأیید	۸
خبره	۳	۶	۲	-	۸۱/	تأیید	۹
درایت	۷	۴	-	-	۱	تأیید	۱۰
ذکاء	۷	۴	-	-	۱	تأیید	۱۱
رویه	۶	۵	-	-	۱	تأیید	۱۲
شعور	۶	۳	۲	-	۸۱/	تأیید	۱۳
عقل	۸	۳	-	-	۱	تأیید	۱۴
علم	۵	۴	۱	۱	۸۱/	تأیید	۱۵
فراست	۶	۵	-	-	۱	تأیید	۱۶
فطنه	۷	۴	-	-	۱	تأیید	۱۷
فقه	۵	۵	۱	-	۹۰/	تأیید	۱۸
فکر	۶	۴	۱	-	۹۰/	تأیید	۱۹
فهم	۵	۶	-	-	۱	تأیید	۲۰
کیاست	۷	۴	-	-	۱	تأیید	۲۱
معرفت	۶	۴	۱	-	۹۰/	تأیید	۲۲
نصیحت	۱	۳	۴	۳	۳۶/	حذف	۲۳

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۷۹/ است و اگر شاخص CVI کمتر از این مقدار باشد آن مفهوم حذف می‌گردد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۷-۳۰). بنابراین با لحاظ این قانون، مفاهیم «استنتاج، حذاقت، حصافت، و نصیحت» با میزان شاخص روایی محتوایی ۷/، ۴۴/، ۴۴/ و ۳۶/ حذف و ۱۹ مفهوم دیگر شامل: «عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنت، ذکاء، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، رویه، خبره، کیاست، فراست، درایت، تدبر، تمییز، و بصیرت» در این مرحله به‌عنوان مفاهیم مرتبط با حوزه خرد در منابع اسلامی باقی می‌مانند.

بحث و نتیجه‌گیری

نخستین سؤال این پژوهش مفهوم‌شناسی و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی «خرد» در روان‌شناسی بود. تشکیل حوزه معنایی «خرد» در روان‌شناسی نشان می‌دهد: این سازه از چهار بعد «شناختی - تأملی»، «اخلاقی - معنوی»، «عاطفی - هیجانی»، و بعد «رفتاری» تشکیل شده است.

بعد «شناختی - تأملی» شامل دو مؤلفه اساسی «دانش» و «تأمل» است. این دانش اولاً، دارای زیرمؤلفه‌هایی از جمله دانش نظری و ضمنی حاصل تجربه، توانایی استدلال، قضاوت و تمییز است. ثانیاً، همراه با ژرف‌نگری درباره مسائل بنیادین زندگی و انسان، خود، دیگران، گذشته و تجربیات زندگی است. تا جایی که محقق بررسی کرده، تمام تعاریف و نظریات «خرد» به بعد شناختی توجه داشته است. برای نمونه، بالتر و اسمیت

(۲۰۰۸، ص ۵۸) «خرد» را یک نظام دانش تخصصی درباره مسائل بنیادین زندگی تعریف کرده‌اند. همچنین رویکرد تحول نوییژه‌های «خرد» را آخرین مرحله از رشد شناختی (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۲۲۴)؛ روان‌شناسی مثبت‌گرا «خرد» را نوعی دانش در خدمت زندگی خوب (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۳۹)؛ و *گراسمن* و دیگران (۲۰۱۰، ص ۷۲۴۶) «خرد» را به‌کارگیری انواع استدلال عمل‌گرایانه به‌منظور کنترل چالش‌های اساسی زندگی تعریف کرده‌اند.

دومین بعد خرد در روان‌شناسی، بعد «عاطفی - هیجانی» است. براین‌اساس خرد دانش صرف نیست، بلکه این دانش در حوزه هیجانات و عواطف بروز می‌یابد. تنظیم هیجان به معنای فهم صحیح هیجانات خود و دیگران و مدیریت و کنترل آنها متناسب با موقعیت است. عواطف نیز شامل: «همدلی، شفقت، فروتنی، و مردم‌دوستی» است (میکس و جست، ۲۰۰۹). همچنین وبستر (۲۰۰۷، ص ۱۶۶) «تنظیم هیجانی و شوخ‌طبعی» را از مؤلفه‌های اساسی این مفهوم شمرده است.

علاوه بر این، شناخت در برخی از این تعاریف دارای یک هدف میانی تحت عنوان «نیکی و نیکخواهی» و هدف عالی فراتر رفتن از خویش است که این بعد از خرد را «اخلاقی - معنوی» نامیدیم. برای نمونه، *استرنبرگ* (۱۹۸۵، ص ۶۰۸) «خرد» را کاربرد دانش ضمنی در سایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر عمومی تعریف می‌کند. همچنین *لویسون* و دیگران (۲۰۰۵، ص ۱۲۹) «تعالی خود» را برابر «خرد»، و برخی دیگر از پژوهشگران از جمله *جینگز* و دیگران، ۲۰۰۶ و *کرنو*، ۱۹۹۹ «تعالی خود» را یکی از ابعاد مهم خرد دانسته‌اند (آلدوین و دیگران، ۲۰۱۹، ص ۱۳۷).

در پایان، رفتار و عمل نیز از مؤلفه‌های اساسی خرد است. «خرد» یک پدیده انتزاعی نیست که فقط در اندیشه و گفت‌وگوهای فرد وجود داشته باشد، بلکه از دیدگاه *یانگ* (۲۰۰۸، ص ۶۵) فرایندی است در زندگی واقعی که عمل و داشتن اثرات مثبت برای خود و دیگران جزئی از آن است. بنابراین، زمانی فرد به خرد دست یافته است که بتواند آن را در زندگی روزمره، تصمیمات، رفتار با دیگران، خانواده و هر آنچه به زندگی مربوط می‌شود، نشان دهد. علاوه بر این، توانایی در حوزه مهارت‌های زندگی و ارتباطی (براون، ۲۰۰۲، ص ۳۰)، داشتن توانایی، اراده لازم، و کاربرد تجارب مهم زندگی به‌منظور تسهیل رشد (وبستر، ۲۰۰۷، ص ۱۶۴) و سازگاری با محیط (استرنبرگ، ۲۰۰۱، ص ۲۳۰) از مؤلفه‌های اساسی خرد است.

یافته‌های این پژوهش در زمینه مفهوم‌شناسی «خرد» با تحقیق *میکس* و *جست* (۲۰۰۹)، و *وست* (استرت و دیگران ۲۰۱۹) مطابق است. *میکس* و *جست* (۲۰۱۹، ص ۳۵۶) در یک بررسی منظم درخصوص ادبیات علمی خرد، پس از بررسی قریب ۲۰۰ مقاله، ده تعریف عمده استخراج کردند که از میان آنها شش مؤلفه اصلی خرد شناسایی شد:

۱. رفتارهای و نگرش‌های جامعه‌پسند؛ مانند: همدلی و شفقت؛

۲. دانش کاربردی زندگی و تصمیم‌گیری اجتماعی؛

۳. پایداری هیجانی؛

۴. بینش یا خودتأملی؛

۵. نسبی‌گرایی و تحمل ارزش‌ها؛

۶. تصدیق و چالش مؤثر با ابهامات و عدم قطعیت.

همچنین *وست استریت*، *گلاک* و *بلوک* (۲۰۱۹) برداشت مردم از خرد را در سه مؤلفه «شناختی»، «تأملی»، و «عاطفی» طبقه‌بندی کردند. به اعتقاد آنها، در تمام مطالعات بررسی‌شده، افراد خرد را به‌عنوان توانایی‌های شناختی از جمله زیرمؤلفه‌های دانش و تجربه زندگی، و توانایی استدلال و قضاوت می‌دانند. بنابراین، مؤلفه شناختی، هم دانش انباشته‌شده و هم توانایی پردازش اطلاعات پیچیده را در خود جای داده است (وست استریت و دیگران، ۲۰۱۹، ص ۱۰۳).

مؤلفه تأملی شامل زیرمؤلفه‌های «بینش عمیق، درون‌اندیشی انتقادی، و فروتنی» است. بنابراین، افراد خردمند این انگیزه را دارند که از سطح مشکلات پیچیده فراتر رفته، به دنبال معانی عمیق‌تر روند. آنها سخت‌درگیر تفکر انتقادی درباره خویش هستند که با هدف ایجاد فهم عمیق از خود، همچون سؤال از رفتارها، افکار، احساسات و انگیزه‌های خویش انجام می‌شود. سرانجام این گروه از افراد اولاً، محدودیت دانش خویش را پذیرفته‌اند (تواضع عقلانی)؛ ثانیاً، از نظر روابط میان‌فردی نیز متواضع هستند (همان، ص ۱۰۳). مؤلفه‌هایی که محققان مدام در درک مردم از خرد می‌یابند مربوط به ویژگی‌های هیجانی - اجتماعی است.

زیرشاخه‌های مؤلفه عاطفی عبارتند از:

۱. خیرخواهی؛ به این معنا که نگرانی عمیقی نسبت به رفاه دیگران و منافع مشترک انسان دارند.

۲. دلسوزی؛ با گسترش علاقه بشر به رفاه، افراد خردمند نسبت به افراد نیازمند دلسوز هستند.

۳. ذهنیت مثبت؛ افراد خردمند علاوه بر شاد بودن، سرزندگی و خوش‌بینی (هو و دیگران، ۲۰۱۶؛ کوئینگ و

گلاک، ۲۰۱۳) به‌منزله افرادی آرام، بی‌سروصدا و دارای کنترل هیجانی در نظر گرفته می‌شوند (برزینا، ۲۰۱۰؛ نقل از وست استریت، گلاک و بلوک، ۲۰۱۹، ص ۱۰۴).

بنابراین، با توجه به حوزه‌های معنایی مزبور از تعاریف روان‌شناختی، می‌توان «خرد» را این‌گونه تعریف کرد:

«خرد توانش ذهنی استفاده سریع از اطلاعات و تجارب، استدلال متأملانه و قضاوت دقیق در خصوص مسائل بنیادین زندگی در جهت تحقق ارزش‌ها برای دستیابی به خیر عمومی است.»

دومین هدف این پژوهش شناسایی مفاهیم مشیر به «خرد» در منابع اسلامی بود. با تشکیل حوزه معنایی «خرد» در روان‌شناسی و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آن، ۳۳ مفهوم متناظر خرد در منابع اسلامی شناسایی شد. مقایسه مفاهیم شناسایی‌شده با مفاهیم حوزه شناختی صدرالمآلهین در دو کتاب *الحکمة المتعالیة* (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۵۰۷) و *مفاتیح الغیب* (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱) نشان می‌دهد: مفاهیمی همچون «عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنت، ذکاوت، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، رویه، خبره، کیاست، فراست و درایت» مطابق با مفاهیم حوزه شناخت است که صدرالمآلهین نیز بیان کرده، و مفاهیمی از جمله «تصور، ذکر، تذکر، ذهن، حدس، خاطر، ظن، یقین، وهم، بدیهیات، اولیات، خیال و رأی» که صدرالمآلهین در حوزه شناخت ذکر نموده، به سبب بی‌ارتباط بودن با واحد معنایی به‌دست‌آمده از خرد براساس لغت و مؤلفه‌های روان‌شناختی خرد، حذف شد. از سوی دیگر، مفاهیمی شامل «حصافت، حذاقت، تدبر، استنتاج، تمییز، نصیحت و بصیرت» که متناظر با حوزه‌های معنایی تشکیل شده از «خرد» است، به این مفاهیم اضافه گردید.

در پایان، نتایج نظرات کارشناسان درباره میزان قرابت مفاهیم گردآوری‌شده با خرد در منابع اسلامی، منجر به حذف چهار مفهوم و در نتیجه باقی ماندن نوزده مفهوم (شامل: عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنت، ذكاء، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، رویه، خبره، کیاست، فراست، درایت، تدبر، تمییز، و بصیرت) گردید.

براساس نتایج این پژوهش و شناسایی مفاهیم ناظر به «خرد» در منابع اسلامی پیشنهاد می‌شود: محققان در تحقیقات بعدی با گردآوری مستندات اسلامی در حوزه مفاهیم شناسایی‌شده، مؤلفه‌های خرد را استخراج کرده و یک الگوی مفهومی خرد براساس منابع اسلامی تدوین شود. همچنین می‌توان به مقایسه تطبیقی میان الگوی مفهومی خرد اسلامی با الگوهای موجود خرد در روان‌شناسی پرداخت. از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که شناسایی مفاهیم مشیر به «خرد» در منابع اسلامی، براساس واژگان و مفاهیم مرتبط با حوزه معنایی «خرد» در روان‌شناسی انجام شد.

منابع

- ابوطالبی، مهدی، ۱۳۸۹، «جایگاه عقل در فلسفه سیاسی و نقش آن در نظام سیاسی»، *معرفت سیاسی*، ش ۴، ص ۱۲۱-۱۴۰.
- اسعدی، سمانه، ۱۳۹۴، «ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی خرد: با نگاهی بر تفاوت گروه‌های سنی و جنسیتی»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت*، سال اول، ش ۱، ص ۵۱-۶۶.
- آریان‌پور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۴، *فرهنگ همراه پیشرو آریان‌پور: فارسی - انگلیسی*، تهران، جهان رایانه.
- الهداشتی، علی، ۱۳۸۳، «انسان‌شناسی شناخت عقل در پرتو عقل و نقل»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، ش ۱، ص ۱۷-۴۲.
- برنجکار، رضا، ۱۳۷۴، «ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی»، *نقد و نظر*، ش ۳، ص ۱۸۴-۲۰۴.
- البلعلبی، منیر و منیر رمزی البعلبکی، ۲۰۰۸، *المورد الحدیث: قاموس انکیزی - عربی حدیث*، بیروت، دار العلم للملایین.
- پسندیده، عباس، ۱۳۸۸، *اخلاق پژوهی حدیثی*، تهران، سمت.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، ۱۳۹۶، *مؤلفه‌های خودنظم‌جویی اسلامی و برنامه زوج‌درمانی مبتنی بر خودنظم‌دهی با رویکرد اسلامی*، رساله دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چراغی، فرشته و همکاران، ۱۳۹۴، «مفهوم خرد بر پایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال هفدهم، ش ۳، ص ۴۷-۵۴.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران، ۲۰۰۵، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران، فرهنگ معاصر.
- دلفان بیرانوند، آرزو و رسول نقوی، ۱۳۹۴، «ویژگی‌های خردمندان در تفکر دینی در مقایسه با نظریه‌های روان‌شناسی خرد: یک مطالعه تطبیقی»، در: *دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*، دانشگاه تربت حیدریه.
- رفیعی‌هنر، حمید، ۱۳۹۷، *الگوی درمانی خود - نظم‌جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن*، رساله دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمداصدق و همکاران، ۱۳۹۳، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال هشتم، ش ۱۵، ص ۳۸۷.
- شجاعی، محمداصدق، ۱۳۸۸، *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، قم، دارالحدیث.
- صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- _____، ۱۹۸۱م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث.
- عباسی، مهدی، ۱۳۹۷، *تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر براساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی*، رساله دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فتحی آشتیانی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- کردنوقایی، رسول و آرزو دلفان بیرانوند، ۱۳۹۵، «نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: بررسی پدیدارشناسی»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، سال دوم، ش ۳، ص ۷۸-۱۰۵.
- کردنوقایی، رسول و همکاران، ۱۳۹۴، «دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد»، *روان‌شناسی پیری*، دوره اول، ش ۳، ص ۱۵۷-۱۶۷.
- ملک‌محمدی، حسین و همکاران، ۱۳۹۴، «ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد براساس تحلیل عاملی غیر خطی»، *افراد استثنایی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۲-۱۰۲.
- _____، ۱۳۹۶، «بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی»، *اصول بهداشت روانی*، سال نوزدهم، ش ۳، ص ۱۷۲-۱۷۸.

موسوی، سیدمیثم، ۱۳۹۷، *تدوین مدل مفهومی حکمت در منابع اسلامی و مقایسه آن با عقل در روان‌شناسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.

مهدی‌زاده، حسین، ۱۳۸۲، «درآمدی بر معناشناسی عقل در تعبیر دینی»، *معرفت*، ش ۴، ص ۲۸-۳۸.

میردریگوندی، رحیم، ۱۳۹۵، *عقل دینی و هویش روان‌شناختی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

نقی‌زاده، محمد و مریم دورودیان، ۱۳۸۷، «تبیین مفهوم گذار در مبانی هویت تمدن ایرانی»، *هویت شهر*، سال دوم، ش ۳، ص ۷۳-۸۴.

نوری، نجیب‌الله و همکاران، ۱۳۹۵، «مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۴، ص ۷-۲۶.

Aldwin, C. & et al, 2019, "Wisdom as Self-Transcendence", in R. Sternberg & J. Glück (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom*, Cambridge, Cambridge University Press.

Ardelt, M, 2003, "Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale", *Research on Aging*, N. 25, p. 275-324.

_____, 2004, "Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept", *Human Development*, N. 47, p. 257-285.

_____, 2005, "Foreword", in R. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives*, Cambridge, Cambridge University Press.

_____, 2008, "Being wise at any age. In S.J. Lopez (Ed.), *Positive psychology*", *Exploring the best in people*, N. 1, p. 81-108.

Arlin, P. K, 1990, "Wisdom: The art of problem finding", in R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development*, New York, Cambridge University Press.

Baltes P.B. & Smith, J, 1990, "Towards a psychology of wisdom and its ontogenesis", in R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom – Its nature, origins, and development* (p 87-120), Cambridge, UK: Cambridge University Press.

_____, 2008, "The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function", *Perspectives on Psychological Science*, V. 3, N. 1, p. 56-64.

Baltes, P. B., & Kunzmann, U, 2003, "Wisdom", *The Psychologist*, N. 16, p. 131-132.

Baltes, P.B. & Staudinger, U. M, 2000, "Wisdom: a metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence", *American Psychological Association*, V. 55, N. 1, p. 122-36.

Bates, C. A, 1993, *Wisdom: A postmodern exploration, Unpublished doctoral dissertation*, University of Southern California, Los Angeles, California.

Birren, J. E., & Fisher, L. M, 1990, "Conceptualizing wisdom: the primacy of affect-cognition relations", in R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development*, New York, Cambridge University Press.

Birren, J., Svensson, C, 2005, "Wisdom in History. In R. Sternberg & J. Jordan (Eds.)", In: *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives*, (p. 3-31), Cambridge, Cambridge University Press.

Bluck, S., Gluck, J, 2005, "From the inside out: people's implicit theories of wisdom", In: *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives*, ed. RJ Sternberg, J Jordan, p. 84-109. New York, Cambridge Univ. Press.

Brezina, I, 2010, "Folk conceptions of wise person's personality in Asian cultures", *Studia psychologica*, V. 52, N. 4, p. 347-353.

Brown, S. C., & Greene, J. A, 2006, "The wisdom development scale: Translating the conceptual to the concrete", *Journal of College Student Development*, N. 47, p. 1-19.


- Brugman, G. M. M, 2000, *Wisdom: Source of Narrative Coherence and Eudaimonia, a Life-span Perspective*, Eburon.
- Chen, L.-M & et al, 2014, "Educator's implicit perspectives on wisdom: A comparison between interpersonal and intrapersonal perspectives", *International Journal of Psychology*, N. 49, p. 425-433.
- Clayton, V.P. & Birren, J. E, 1980, "The development of wisdom across the lifespan: a reexamination of an ancient topic", in Baltes P.B. & Brim, O.G. (eds), *Life-span development and behavior*, New York, Academic.
- Glück, J. & et al, 2013, "How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measures", *Frontiers in Psychology*, N. 4, p. 1–12.
- Grossmann, I. & et al, 2010, "Reasoning about social conflicts improves into old age", *PNAS Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, N. 107, p. 7246–7250.
- _____, 2019, "Wisdom as State versus Trait", in R. Sternberg & J. Gluck (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom*, Cambridge Handbooks in Psychology.
- Hershey, D. A., & Farrell, A. H, 1997, "Perceptions of wisdom associated with selected occupations and personality characteristics, Current Psychology", *Developmental, Learning, Personality, Social*, N. 16, p. 115–30.
- Holliday, S.G., Chandler, M.J, 1986, *Wisdom: explorations in adult competence*, Basel, Karger.
- Hornby, A. S. & Turnbull, Joanna, 2010, *Oxford Advanced Learner's Dictionary of current English (8th ed)*, London, New York, Oxford University Press.
- Hu, C. S. & et al, 2016, "Mainland Chinese implicit theory of wisdom: Generational and cultural differences", *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*, V. 73, N. 8, p. 1416-1424.
- Jason, L. & et al, 2001, "The measurement of wisdom: A preliminary effort", *Journal of Community Psychology*, V. 29, N. 5, p. 585–598.
- Jeste, D. V. & Lee, E.E, 2019, "The Emerging Empirical Science of Wisdom: Definition, Measurement, Neurobiology, Longevity, and Interventions", *Harvard review of psychiatry*, V. 27, N. 3, p. 127-140.
- Jeste, D.V.; Vahia, I. V, 2008, "Comparison of the conceptualization of wisdom in ancient Indian literature with modern views: focus on the Bhagavad Gita", *Psychiatry*, N. 71(3), p. 197–209
- König, S., & Glück, J, 2013, "Individual differences in wisdom conceptions: Relationships to gratitude and wisdom", *The International Journal of Aging & Human Development*, V. 77, p. 47-127.
- Levenson, M. R. & et al, 2005, "Self-transcendence: Conceptualization and measurement", *International Journal of Aging and Human Development*, N. 60, p. 127–43.
- Mayor, M., 2011, *Longman dictionary of contemporary English* [for advanced learners], Harlow, Pearson Longman.
- Meacham, J. M, 1990, "The loss of wisdom", in R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development*, New York, Cambridge University Press.
- Meeks, T. W., & Jeste, D. V, 2009, "Neurobiology of wisdom: A literature overview", *Archives of General Psychiatry*, V. 66, N. 4, p. 355–365.
- Merriam-Webster's Advanced Learner's English Dictionary*, 2008, Springfield, Massachusetts, Merriam-Webster.
- Montgomery, A. & et al, 2002, "A phenomenological study of wisdom in later life", *International Journal of Aging and Human Development*, V. 54, N. 2, p. 139-157.

- Perry, C.L. & et al, 2002, "The measurement of wisdom and its relationship to adolescent substance use and problem behaviors", *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, V. 12, N. 1, p. 45-63.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P, 2004, *Character strengths and virtues: A handbook and classification*, Oxford, England, Oxford University Press.
- Robinson, D. N, 1990, "Wisdom through the ages", in R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development*, New York, Cambridge University Press.
- Staudinger, U. M., Glück, J, 2011, "Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field", *Annual Review of Psychology*, N. 62, p. 215-241.
- Sternberg R. J. & Jordan, J, 2005, *A handbook of wisdom: psychological perspectives*, Cambridge, New York, University of Cambridge Press.
- Sternberg, R, 2001, "Why schools should teach for wisdom: the balance theory of wisdom in educational settings", *Educational Psychologist*, V. 36, N. 4, p. 227-245.
- Sternberg, R. J, 1990, *Wisdom: Its nature, origins, and development*, New York, Cambridge University Press.
- _____, 1985, "Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom", *Journal of Personality and Social Psychology*, V. 49, N. 3, p. 607-627.
- Sternberg, R. J. & Glück, J, 2019, *The Cambridge Handbook of Wisdom* (Cambridge Handbooks in Psychology), Cambridge, Cambridge University Press.
- Takahashi, M. & Bordia, P, 2000, "The Concept of Wisdom: A Cross-cultural Comparison", *International Journal of Psychology*, V. 35, N. 1, p. 1-9.
- Takayama, M, 2002, *The concept of wisdom and wise people in Japan, Unpublished doctoral dissertation*, Tokyo University, Japan.
- Taranto, M. A, 1989, "Facets of wisdom: A theoretical synthesis", *International Journal of Aging and Human Development*, N. 29, p. 1-21.
- The New International Webster's Comprehensive Dictionary of the English Language*, 2004, Köln: Bellavista.
- Webster, J. D, 2003, "An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale", *Journal of Adult Development*, V. 10, N. 1, p. 13-22.
- _____, 2007, "Measuring the character strength of wisdom", *International Journal of Aging & Human Development*, V. 65, N. 2, p. 163-83.
- Webster's New World College Dictionary* (3rd Ed.), 1997, New York, NY, Simon & Schuster.
- Weststrate, N. M. & et al, 2019, "Wisdom of the crowd: Exploring people's conceptions of wisdom", in R. J. Sternberg & J. Gluck (Eds.), *Cambridge Handbook of Wisdom*, New York, NY, Cambridge University Press.
- Yang, S.Y, 2001, "Conceptions of Wisdom among Taiwanese Chinese", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, V. 32, N. 6, p. 662-680.
- _____, 2008, "A process view of wisdom", *Journal of Adult Development*, N. 15, p. 62-75.

اثربخشی روان‌درمانی معنوی - مذهبی بر طرح‌واره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق

کژ مژده ظریفی / دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

mozhdeh.Zarifi@yahoo.com

 orcid.org/0000-0003-4254-8085

bitanikoo66@gmail.com

بیبا نیکوآبکنار / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

eghbalzareei2010@yahoo.com

اقبال زارعی / دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

چکیده

طلاق یکی از استرس‌زاترین اتفاقات زندگی است، به‌گونه‌ای که بعد از تجربه مرگ عزیزان، دومین منبع استرس در زندگی و یکی از سخت‌ترین تجربه‌های فرد در زندگی به‌شمار می‌رود. یکی از درمان‌های روان‌شناختی که برای زنان در آستانه طلاق طراحی شده، «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» است. هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر طرح‌واره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق است. روش پژوهش «نیمه‌آزمایشی» با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون است که با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری پژوهش را تمام زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه طلاق شهر بندرعباس در نیمه اول سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند که از میان آنها با استفاده از روش «نمونه‌گیری در دسترس» ۳۰ تن انتخاب و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۱۲ جلسه برنامه «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» را دریافت نمودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه «سازگاری زناشویی» گراهام اسپانیز (۱۹۷۶) و مقیاس «طرح‌واره‌های هیجانی» لیهی استفاده شد. داده‌ها با روش آماری «تحلیل کواریانس» تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد: زنان در آستانه طلاق گروه آزمایش نسبت به زنان در آستانه طلاق گروه کنترل در پس‌آزمون، به‌طور معناداری، سازگاری زناشویی و طرح‌واره‌های هیجانی سازگار بیشتر و طرح‌واره‌های هیجانی ناسازگار کمتری داشتند و فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر طرح‌واره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق تأیید گردید ($P < 0.01$). می‌توان نتیجه گرفت که «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر طرح‌واره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: روان‌درمانی معنوی - مذهبی، طرح‌واره‌های هیجانی، سازگاری زناشویی.

مقدمه

ازدواج دارای سازه‌های جهانشمول و بنیادینی است که در تمام جوامع بشری وجود داشته (گنزالز، ۲۰۱۵) و پیوندی بنیادین است که غالباً فقط با مرگ پایان می‌یابد. اما در جوامع نوین کنونی، ازدواج از تقدس خارج شده و همانند گذشته، طلاق نیز تابو نیست (آنیماساهیون، ۲۰۱۳) و روز به روز شاهد گسترش طلاق و پیامدهای ناشی از آن در جوامع گوناگون هستیم (آبالوس، ۲۰۱۷). سالانه ۴۰ تا ۵۰ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود (انجمن روانشناسان آمریکا، ۲۰۱۷).

تحقیقات نشان داده، یکی از مهم‌ترین عوامل ازهم‌گسیختن این پیمان مقدس ناسازگاری زناشویی در زوجین است. «سازگاری زناشویی» به میزان تفاهم و سهیم شدن در فعالیت‌ها که با خرسندی و موفقیت در زندگی همراه است، تعریف می‌شود. سازگاری در روابط زناشویی - درواقع - یک توافق و قصد برای حفظ رابطه در بلندمدت است و به شرایط پایداری اشاره دارد که زوجین را در کنار هم نگه می‌دارد (دیورگیوت و کیسا، ۲۰۱۸).

هرچند سازگاری زناشویی و در مقابل آن، «ازهم‌گسیختگی زناشویی» بیشتر توجه خانواده درمانگران و مشاوران را برانگیخته است، اما شناخت عواملی که منجر به افزایش سازگاری زناشویی و آرامش و رفاه زوجها می‌شود، می‌تواند سودمند باشد (نامی پس‌ویشه و مظلومین، ۱۳۹۶). آنچه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقش بیشتری بر عهده دارد، سازگاری زناشویی است. به همین سبب بررسی مسئله سازگاری زناشویی از جهات گوناگون، چه ابعاد فردی و چه ابعاد اجتماعی امری مهم است.

در بعد فردی این مسئله مهم است؛ زیرا اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به توافق نسبی و در نتیجه، سازگاری برسند کارکردهای خانواده مختل می‌شود و شاید تنها راه حل آن جدایی باشد که این مسیر نیز پیامدهای منفی بسیاری برای هریک از زوجین و فرزندان آنها در پی خواهد داشت.

در بعد اجتماعی نیز این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماع است، دچار دگرگونی و آسیب شود بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد و سلامت جامعه را با مخاطره روبه‌رو می‌کند.

بنابراین بررسی عوامل تأثیرگذار بر سازگاری زناشویی، ازجمله نحوه شکل‌گیری پیوند زناشویی که ارتباط مستقیمی با سبک ازدواجی زوجین دارد، حائز اهمیت است (فاریابی و زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۴).

اسکورورن (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای نشان داد: زانی که سازگاری زناشویی بالاتری دارند، قادرند تا در روابط خود «موقعیت امن» را اتخاذ نمایند و سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند. سازگاری زناشویی یک فرایند فعال است که براساس آن زوجین با گذشت زمان و پیدا کردن نقش‌های جدید در خانواده، وظایف گوناگون خود را درک می‌کنند و آن را می‌پذیرند. سازگاری در یک رابطه، یکی از همبسته‌های مهم رضایت از زندگی به حساب می‌آید. تحقیقات نشان می‌دهند: سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی طی سالیانی که از ازدواج افراد می‌گذرد همچنان همبسته با هم باقی می‌مانند. از سوی دیگر سازگاری زناشویی هریک از زوجین می‌تواند سبب افزایش رضایت از زندگی دیگری شود (گوپال و والارماتی، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های گوناگون عوامل متعددی را در بروز تعارض و گرایش به سمت طلاق دخیل می‌دانند؛ اما یک عامل مشترک که در بیشتر پژوهش‌ها به آن اشاره شده، «شناخت‌ها» است. شناخت‌ها شامل نگرش‌ها، تفکرات و طرحواره‌هاست (دامترسکو و روسو، ۲۰۱۲).

«طرحواره‌ها» باورها و احساسات مهمی درباره خود و محیط هستند که افراد آن را بدون چون و چرا پذیرفته‌اند. یکی از انواع این طرحواره‌ها طرحواره‌های هیجانی است (بتمز و همکاران، ۲۰۱۴). الگوی طرحواره‌های هیجانی بیانگر آن است که طرحواره‌ها منعکس‌کننده شیوه‌ای است که افراد هیجان‌ات خود را تجربه می‌کنند و باوری است که به محض برانگیخته شدن هیجان‌ات ناخوشایند درباره طرح مناسب برای اقدام یا نحوه عمل، در هنگام برانگیخته شدن هیجان‌ات ناخوشایندی که افراد در ذهن دارند و شامل تأییدطلبی، قابل درک بودن، احساس گناه و شرم، دیدگاه ساده‌انگارانه در خصوص هیجان‌ات، ارزش‌های والاتر، کنترل، تلاش برای منطقی بودن، طول دوره، توافق، پذیرش احساسات، نشخوار ذهنی، ابراز هیجان‌ات، سرزنش و بی‌حسی هیجانی است که مزایایی (از جمله توجه و ابراز هیجانی در بافت معنایی که فرد به هیجان‌اتش می‌دهد) دارد (لیهی، تری و ناپلیتون، ۲۰۱۱).

بر اساس الگوی فراشناختی هیجان‌ات (ولز و کارتر، ۲۰۰۱)، اگر هیجانی مانند خشم فعال شود، اولین گام شامل توجه کردن به هیجان است؛ مثلاً برچسب زدن به هیجان (افسرده، عصبانی یا هراسان). در اینجا دو مسیر مجزا وجود دارد: یا هیجان بهنجار قلمداد می‌شود یا آسیب‌زا. اگر فرد خشم خود را بهنجار تلقی کند، می‌تواند به سرعت آن را بپذیرد، ابراز کند و از آن تجربه بیاموزد. در طرف دیگر، همین فرد می‌تواند هیجان خود را آسیب‌زا تلقی نماید؛ مثلاً دریابد که این هیجان ناخوشایندی است. بنابراین، می‌تواند مسیر اجتناب شناختی را انتخاب کند که به فرایندهایی نظیر ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای سرکوبگرانه (خود سرکوبگری) منجر گردد.

درواقع، طرحواره‌های هیجانی می‌تواند به وجودآورنده راهبردهای سرکوبگرانه به‌مثابه عاملی مؤثر بر ثبات روابط زناشویی باشد. طرحواره‌های خودسرکوبگری از طریق سوق دادن فرد به تسلیم شدن در برابر نیازهای دیگران، حذف ابراز وجود، سرکوب خشم و مهار عمل خودگردانی و در نتیجه، محدود کردن صمیمیت و استقلال، مشخص می‌شود و می‌تواند موجب آسیب‌پذیری شخص گردد (سادات‌حسینی و درویشی، ۱۳۹۴).

یکی از انواع مداخله‌های تعدیل‌کننده بسیاری از نشانه‌ها، آموزش «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» است. از مهم‌ترین شاخصه‌های سلامت معنوی و حالات معنوی انسان، عواطف مثبت (محبت‌ورزی نسبت به خدا و انبیای الهی و تجربه معنوی) است. بعد «کنش» روشی است که فرد عقاید معنوی درونی خود را در جهان خارج آشکار می‌کند. عبادات به انسان آرامش روحی داده، اضطراب را کاهش می‌دهد. علاوه بر این در مبارزه با طبیعت و با انسان‌ها نیز به انسان نیرو می‌دهد (سالاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵).

به عقیده ویلیام جیمز دعا و نماز و اتصال با روح عالم خلقت دارای کارکردهایی زیادی است؛ کاری است با اثرات و نتایج شگفت‌انگیز؛ ایجاد یک جریان قدرت و نیرویی است که به‌طور محسوس دارای آثار مادی و معنوی

است. عواطف مذهبی بر مزاج‌های مالیخولیایی فائق شده، به روح انسان حالت مقاومت و پایداری خاصی می‌بخشد و به امور زندگی، ارزش، درخشندگی و پایداری می‌دهد (نوبخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵).

مک و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند: افرادی که گرایش‌های معنوی دارند هنگام رویارویی با آسیب، پاسخ‌های بهتری به وضعیتی که درون آن هستند، می‌دهند؛ موقعیت تولیدکننده فشار را بهتر اداره می‌کنند و از سلامتی بهتری برخوردارند.

درکم (۱۹۹۴) در تحقیقی نشان داد: هوش معنوی با سلامت روان شناختی ارتباط دارد.

اسدی و شتاقی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند: میان هوش معنوی و داشتن طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی معناداری وجود دارد.

احمدی‌تبار و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش مثبت‌اندیشی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بر سازگاری زناشویی، تاب‌آوری و بهبود کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد و این اثر تا مرحله پیگیری یک‌ماهه ماندگار بوده است.

مردی و پرن‌دین (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که معنویت‌درمانی گروهی موجب افزایش تاب‌آوری، سازگاری زناشویی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زنان متأهل شاغل شده است. فلیپس و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که مذهب، نه تنها می‌تواند یک سبک مقابله‌ای شناخته شود، بلکه عامل مهمی در رشد کیفیت زندگی و افزایش کیفیت معنوی آن است.

بدین‌روی با توجه به پیشینه نظری و پژوهشی در زمینه «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» و اثرات مثبت آن بر توانمندی‌های روان‌شناختی و اهمیت توانمندسازی روانی و رفتاری زنان در آستانه طلاق، و به سبب نبود پژوهشی در این زمینه، پژوهش حاضر با تعیین «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر طرحواره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق انجام گرفت.

روش پژوهش

پژوهش به روش «نیمه‌آزمایشی» و طرح مدنظر برای اجرا، پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش تمام زنانی است که در سال ۱۳۹۸ به دادگاه طلاق شهر بندرعباس برای درخواست طلاق مراجعه کردند. با توجه به اینکه در پژوهش‌های آزمایشی حجم نمونه برای هر گروه بین ۱۲-۱۵ نفر توصیه شده است، از میان جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳۰ زن در آستانه طلاق انتخاب، و به‌طور تصادفی در گروه‌های آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند.

ازجمله ملاک‌های ورود به این پژوهش، نداشتن سابقه اختلال روانی، عدم مصرف داروی اعصاب و روان در زمان آزمایش، و حداقل تحصیلات آموذنی‌ها سوم راهنمایی بود. ملاک‌های خروج عبارتند از: غیبت بیش از دو

جلسه در جلسات آموزشی، مصرف داروی اعصاب و روان در زمان آزمایش. از اعضای گروه آزمایش خواسته شد برای اینکه بررسی‌ها شفاف، دقیق و بدون جهت‌گیری خاصی انجام شود، مطالب مطرح‌شده در جلسات را تا اتمام آن محرمانه تلقی کنند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه «سازگاری زناشویی» (DAS)

این پرسشنامه توسط گراهام/اسپنیر (۱۹۷۶) برای ارزیابی و سنجش کیفیت رابطه و سازگاری زناشویی بین دو تن (زن و شوهر) که با هم زندگی می‌کنند، تنظیم شده و یک ابزار خودسنجی ۳۲ سؤالی است که برداشت‌های افراد در باره سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد. نمره‌گذاری پاسخ‌های آزمودنی‌ها در این مقیاس نیز به شیوه لیکرت است که درجه‌بندی پاسخ‌ها تفاوت دارد.

در مجموع حداقل نمره‌های به‌دست‌آمده از این مقیاس که نشانگر ناسازگاری زناشویی است، صفر و حداکثر نمره که در مقابل بالاترین سطح سازگاری زناشویی را نمایش می‌دهد ۱۵۱ است. اسپنیر پایایی ۹۶ درصد را از طریق آلفای کرونباخ برای این مقیاس به‌دست آورد. مطالعات مربوط به پایایی و اعتبار این مقیاس، همواره مثبت بوده است. در حقیقت اسپنیر ضریب همسانی درونی ۹۶٪ و ملاک اعتبار بالایی را برای این مقیاس گزارش کرد. برنشتاین در همه جا استفاده از این مقیاس را توصیه کرده است؛ زیرا پایه‌های روان‌سنجی آن در مقایسه با سایر مقیاس‌ها، بسیار پیشرفته است. نمره کل این مقیاس با آلفای کرونباخ ۹۶٪ از همسانی درونی قابل‌توجهی برخوردار است (ر.ک: ملازاده، ۱۳۸۱).

اسپنیر برای محاسبه روایی این مقیاس ۲۱۸ تن را که با همسر خود زندگی می‌کردند، با ۹۴ تن که طلاق گرفته بودند، مقایسه کرد. در مقایسه میانگین نمره‌های دو گروه، گروه طلاق گرفته (۷۰/۷) و گروهی که با همسران خود زندگی می‌کردند (۱۱۴/۸)، تفاوت معناداری در کل مقیاس و در مقیاس‌های فرعی در سطح ۰/۰۱ به‌دست آمد.

در ایران ملازاده (۱۳۸۱) اعتبار مقیاس را با روش «بازآزمایی» ۰/۸۶ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و میزان روایی همزمان آن با پرسشنامه «سازگاری زناشویی» لاک - والاس برابر ۰/۹۰ گزارش نمود.

۲. مقیاس «طرحواره‌های هیجانی» لیهی

این مقیاس دارای ۵۰ سؤال است که در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت تنظیم گردیده است. این مقیاس دارای ۱۴ بعد است که شامل: تأییدطلبی، قابلیت درک، گناه، ساده‌اندیشی درباره هیجان ارزش‌های بالاتر، کنترل، بی‌حسی، منطقی، مدت‌زمان، توافق، پذیرش احساسات، اندیشناکی، بیان احساس، و سرزنش می‌شود (بک و کریلی، ۲۰۰۹).

خانزاده و همکاران پایایی این مقیاس را به روش «بازآزمایی» در فاصله دو هفته ۰/۷۸ و ضریب همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش کردند (محمدخانی و همکاران، ۲۰۱۴).

۳. بسته درمان گروهی معنوی - مذهبی

در این پژوهش، از بسته آموزشی استفاده گردید که توسط محقق تهیه شده و در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برای مداخله درمانی در گروه آزمایشی به اجرا درآمد. رئوس مطالب بیان شده در هریک از جلسات در جدول (۱) درج شده است. لازم به یادآوری است که برای جمع‌آوری و تهیه این بسته، با صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه دین مشورت شد. نظر بر این بود که اعمال و رفتارهای مذهبی، همچون دعا، توسل، صبر و اعتقاد به امتحان و ابتلای الهی می‌توانند محتویات این بسته آموزشی را تشکیل دهند؛ زیرا همگی بر ادراکی فرامادی از دنیا، حوادث و رویدادها اشاره دارند و بر یک ساحت مقدس متمرکز هستند که فصل مشترک معنویت، به شکل عام و مذهب به صورت خاص است.

همچنین مطالعه بر روی سایر مقالات با محوریت مذهب و معنویت، همچون اثربخشی خانواده‌درمانی با الگوی «شناختی - رفتاری مذهب‌محور» (حمید و همکاران، ۱۳۹۲)، تأثیر «گروه‌درمانی معنوی - مذهبی» بر علائم روانی بیماران اسکیزوفرنیک (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۹) نیز مؤید این بود که اعمال و رفتارهای مذهبی و تأثیر شگرفت آنها در کاهش و کنترل اختلالات روانی، می‌تواند اساس شکل‌گیری این جلسات آموزشی بر مبنای مذهب و معنویت باشد. در ضمن شروع هر جلسه آرام‌سازی عضلانی، قرائت قرآن، دعای دسته‌جمعی و بررسی تکالیف جلسه قبل در گروه انجام شد.

جدول ۱: خلاصه جلسه‌های روان‌درمانی‌های معنوی - مذهبی

جلسه	عنوان جلسه‌ها
اول	آشنایی اعضای گروه با یکدیگر و درمانگر و قوانین و ساختار گروه، تعریف طرحواره و علائم آن، معرفی روان‌درمانی و آرام‌سازی عضلانی
دوم	درمان هیجانات ناسازگار از طریق ایمان، تأیید دنیای علم از شفاف‌بخشی دین در کاهش اختلالات انسانی «آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام گیرد» (رعد: ۲۸)
سوم	روش‌های کنترل فشار روانی از نگاه اسلام (ایمان به خدا، بینش فرد در وقوع سختی‌ها و...) «آنان که از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند. خدا برای حساب و مراقبت خلق به‌تنهایی کفایت می‌کند» (احزاب: ۳۹)
چهارم	مفهوم «ابتلا و امتحان الهی»، صبر کلید حل مشکلات، ارائه نمایه و فیلم مرتبط با بحث «و البته شما را به سختی‌هایی همچون ترس و گرسنگی و نقصان در اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و مژده آسایش از آن صابران است» (بقره: ۱۵۵)
پنجم	نماز و آثار مفید آن در کاهش اختلالات روانی و جسمانی از نگاه دین و علم، ارائه بروشور و فیلم مرتبط
ششم	آثار روان‌شناختی و تربیتی دعا و ذکر در سلامت انسان‌ها
هفتم	توسل، آثار و ضرورت آن در زندگی افراد از نگاه مذهب و معصومان
هشتم	قرآن و شفاف‌بخشی آن، جمع‌بندی مطالب جلسات قبل و اجرای پرسشنامه پس‌آزمون «قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید» (اسراء: ۸۲)

یافته‌های پژوهش

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر زنان در آستانه طلاق ۲۵-۴۵ سال بودند. در ذیل، یافته‌های توصیفی و استنباطی ارائه پرداخته می‌شود:

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق

کنترل		آزمایش		عضویت گروهی	
		انحراف معیار	میانگین		
۹/۸۸	۷۹/۱۱	۹/۶۸	۷۹/۳۳	سازگاری زناشویی	پیش‌آزمون
۹/۷	۷۸/۶۱	۹/۴۴	۸۷/۶۶	سازگاری زناشویی	پس‌آزمون

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون به ترتیب ۷۹/۳۳ و ۹/۶۸ و میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون به ترتیب برابر با ۷۹/۱۱ و ۹/۸۸ است. همچنین میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون - به ترتیب - برابر با ۸۷/۶۶ و ۹/۴۴ و میانگین و انحراف معیار سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون - به ترتیب - برابر با ۷۸/۶۱ و ۹/۷ است.

برای آزمون فرضیه از تجزیه و تحلیل کوواریانس استفاده شد. در تجزیه و تحلیل کوواریانس رعایت برخی از مفروض‌ها (مانند همگنی شیب خط رگرسیون، همگنی واریانس‌های خطا و وجود رابطه خطی بین متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته) الزامی است. در این پژوهش نیز ابتدا به بررسی این مفروض‌ها پرداخته شد و سپس چون این مفروض‌ها (همگنی شیب خط رگرسیون: $F=1/16, p>0/5$ ، همگنی واریانس‌های خطا: $F=0/44, p>0/05$) و وجود رابطه خطی بین متغیر تصادفی کمکی و متغیر وابسته با توجه به موازی بودن شیب‌های خطوط رگرسیون) برقرار بودند، از تجزیه و تحلیل کوواریانس به منظور مقایسه میانگین نمره‌های سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق در گروه‌های آزمایش و کنترل استفاده شد که نتایج آن در جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول ۳: تجزیه و تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق

متغیر تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
پیش‌آزمون سازگاری زناشویی	۱۵۰/۰۱۶	۱	۱۵۰/۰۱۶	۴۳/۷۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۱۸
گروه	۱۸۸/۰۵۶	۱	۱۸۸/۰۵۶	۵۴/۸۰۳	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰

با توجه به نتایج جدول ۳ ($F=54/803, p<0/01$) پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق در پس‌آزمون تأیید می‌شود.

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار ابعاد طرحواره‌های هیجانی سازگار و ناسازگار

طرحواره‌های سازگار					
گروه کنترل		گروه آزمایش		مرحله	متغیر
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۲/۸	۸/۹	۲/۱۳	۹/۱	پیش‌آزمون	اعتباریابی
۲/۳۶	۸/۴	۲/۶۲	۱۱/۷	پس‌آزمون	
۴/۳۷	۱۸/۴	۴/۱۷	۱۴/۱	پیش‌آزمون	قابل فهم بودن
۴	۱۷/۷	۳/۰۳	۲۰/۱	پس‌آزمون	
۲/۵۸	۱۲/۳	۳/۰۹	۱۲/۴	پیش‌آزمون	ارزش‌های برتر
۲/۱۳	۱۱/۹	۱/۶۶	۱۵/۱	پس‌آزمون	
۵/۱۴	۱۱/۳	۳/۴	۸/۳	پیش‌آزمون	کنترل
۵	۱۰/۸	۳/۸۲	۱۳/۸	پس‌آزمون	
۴/۸۸	۱۳/۱	۳/۲۷	۱۱/۴	پیش‌آزمون	اتفاق نظر
۴/۸۸	۱۲/۶	۴/۳۷	۱۶/۵	پس‌آزمون	
۵/۵۷	۲۵	۵/۹۸	۲۲/۳	پیش‌آزمون	پذیرش
۵/۳۳	۲۴/۶	۵/۴	۳۲/۱	پس‌آزمون	
۲/۷۱	۷/۳	۱/۸۵	۷/۱	پیش‌آزمون	ابراز
۲/۵۱	۶/۹	۱/۶۶	۹/۱	پس‌آزمون	
طرحواره‌های ناسازگار					
۳/۸۱	۱۴/۱	۴/۴۸	۱۴/۹	پیش‌آزمون	احساس گناه
۳/۴۵	۱۴/۸	۳/۹۲	۱۰/۱	پس‌آزمون	
۴/۳۷	۱۷/۴	۳/۰۲	۲۱/۶	پیش‌آزمون	ساده‌انگاری
۳/۸۴	۱۷/۹	۴/۸۳	۱۴/۵	پس‌آزمون	
۲/۰۲	۳/۹	۳/۱۲	۶	پیش‌آزمون	کرخی
۱/۹۴	۳/۴	۲/۴	۵/۳	پس‌آزمون	
۲	۱۴	۳/۰۲	۱۳/۵	پیش‌آزمون	خردگرایی
۱/۶۴	۱۴/۴	۳/۵۲	۱۰/۲	پس‌آزمون	
۲/۷۴	۶/۸	۳/۱۵	۷/۲	پیش‌آزمون	دوام
۲/۶۲	۷/۳	۲/۳۱	۴/۴	پس‌آزمون	
۳/۷۵	۱۹/۹	۳/۰۴	۲۰/۲	پیش‌آزمون	نشخوار فکری
۳/۳	۲۰/۴	۲/۱	۱۵	پس‌آزمون	
۲/۸۹	۸/۲	۲/۷	۹	پیش‌آزمون	سرزنش
۲/۶۷	۸/۶	۲/۴۹	۶/۷	پس‌آزمون	

در جدول (۴) نتایج مربوط به میانگین و انحراف معیار به‌دست‌آمده از ابعاد طرحواره‌های هیجانی سازگار و ناسازگار به تفکیک پیش‌آزمون، پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل در ابعاد طرحواره‌های هیجانی سازگار و ناسازگار آمده است.

پیش از انجام آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری، پیش‌فرض‌های این آزمون بررسی گردید. پیش‌فرض اول متعادل بودن توزیع متغیرهای وابسته است که از طریق آزمون کالموگروف اسمیرنوف بررسی شد. نتایج نشان داد: برای هر دو گروه طرحواره‌های هیجانی، این آزمون معنادار نبود ($p > 0.05$). نتایج آزمون باکس نیز برای بررسی پیش‌فرض‌های همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس از نظر آماری معنادار نبود (طرحواره‌های هیجانی سازگاری $F=0.67, P=0.9$ و طرحواره‌های هیجانی ناسازگار $F=1.02, P=0.42$). معنادار نبودن این آزمون به معنای برقراری این مفروض است.

در نتیجه به علت برقراری پیش‌فرض‌های اجرای تحلیل کوواریانس چندمتغیری، انجام این آزمون امکان‌پذیر است. در تحلیل مربوط به طرحواره‌های هیجانی سازگار و تحلیل مربوط به طرحواره‌های هیجانی ناسازگار، گروه آزمایش و گروه کنترل به‌مثابه عامل بین آزمودنی، نمرات طرحواره‌های هیجانی سازگار و نمرات طرحواره‌های هیجانی ناسازگار شرکت‌کنندگان در مرحله پیش‌آزمون، به‌مثابه متغیر همپراش و نمرات طرحواره‌های هیجانی سازگار و نمرات طرحواره‌های هیجانی ناسازگار شرکت‌کنندگان در مرحله پس‌آزمون، به‌منزله متغیر وابسته وارد الگو شدند. همچنین لازم به ذکر است که به علت برقراری پیش‌فرض همگنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس برای هر دو گروه طرحواره، از آزمون «لامبدای ویلکز» برای بررسی معناداری اثرهای چندمتغیری استفاده شد.

نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان می‌دهد: با کنترل اثرات نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر جدیدی از ترکیب خطی نمرات پس‌آزمون ابعاد طرحواره‌های هیجانی سازگار به‌عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($\lambda=0.07$ = لامبدا ویلکز، $P=0.01$ $F(7,5)=8.84$). همچنین در رابطه با طرحواره‌های هیجانی ناسازگار با کنترل اثرات نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر جدیدی از ترکیب خطی نمرات پس‌آزمون ابعاد طرحواره‌های هیجانی ناسازگار به‌منزله متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($\lambda=0.04$ = لامبدا ویلکز، $P=0.05$ $F(7,5)=13.75$).

جدول ۵: نتایج آزمون‌های اثرات بین شرکت‌کنندگان

برای مقایسه ابعاد طرحواره‌های هیجانی سازگار و ناسازگار در دو گروه آزمایش و کنترل

طرحواره‌های سازگاری						
متغیر	مرحله	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
اعتباریابی	پس‌آزمون	۲۶/۳۸	۱	۲۶/۳۸	۰/۰۱	۰/۳۷
قابل فهم بودن	پس‌آزمون	۵۲/۲۶	۱	۵۲/۲۶	۰/۰۳	۰/۳۵
ارزش‌های برتر	پس‌آزمون	۱۱/۹	۱	۱۱/۹	۰/۰۲	۰/۳۷
کنترل	پس‌آزمون	۶۲/۲	۱	۶۲/۲	۰/۰۱	۰/۵
اتفاق نظر	پس‌آزمون	۵۲/۶۲	۱	۵۲/۶۲	۰/۰۱	۰/۴۲
پذیرش	پس‌آزمون	۲۳۵/۰۴	۱	۲۳۵/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۶۵
ابراز	پس‌آزمون	۸/۶۸	۱	۸/۶۸	۰/۰۳	۰/۳۴

طرحواره‌های ناسازگار

متغیر	مرحله	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری
احساس گناه	پس‌آزمون	۱۲۶/۷۴	۱	۱۲۶/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۶۷
ساده‌انگاری	پس‌آزمون	۱۲۷/۳۱	۱	۱۲۷/۳۱	۰/۰۲	۰/۴
کرخی	پس‌آزمون	۰/۳۷	۱	۰/۳۷	۰/۵۸	۰/۰۲
خردگرایی	پس‌آزمون	۸۱/۴۶	۱	۸۱/۴۶	۰/۰۱	۰/۴۶
دوام	پس‌آزمون	۲۵/۷۹	۱	۲۵/۷۹	۰/۰۱	۰/۴۷
نشخوار فکری	پس‌آزمون	۱۰۶/۷۴	۱	۱۰۶/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۸۳
سرزنش	پس‌آزمون	۳۳/۱۵	۱	۳۳/۱۵	۰/۰۰۶	۰/۵۱

جدول (۵) معناداری هریک از تحلیل واریانس‌های تک‌متغیری را که درخصوص متغیرهای وابسته به‌طور جداگانه انجام گرفته است، نشان می‌دهد. نتایج آزمون اثرات بین شرکت‌کننده‌ها در جدول (۵) نشان می‌دهد: در رابطه با طرحواره‌های هیجانی سازگار میان شرکت‌کننده‌های گروه آزمایش و گروه کنترل در نمره اعتبار ($P=۰/۰۱$)، قابل فهم بودن ($F=۱۰/۰۳$)، $P=۰/۰۳$)، $F=۶/۰۳$)، ارزش‌های برتر ($F=۶/۷۲$)، $P=۰/۰۲$)، کنترل ($P=۰/۰۱$)، $F=۱۱/۲۹$)، اتفاق نظر ($F=۷/۹۵$)، $P=۰/۰۱$)، پذیرش ($F=۲۰/۷$)، $P=۰/۰۰۱$) و ابراز ($F=۵/۶۸$)، $P=۰/۰۳$) تفاوت معناداری وجود دارد.

همچنین در رابطه با طرحواره‌های هیجانی ناسازگار، احساس گناه ($F=۲۲/۵$)، $P=۰/۰۰۱$)، ساده‌انگاری ($F=۷/۴۳$)، $P=۰/۰۲$)، خردگرایی ($F=۹/۴۱$)، $P=۰/۰۱$)، دوام ($F=۹/۷۵$)، $P=۰/۰۱$)، نشخوار فکری ($P=۰/۰۰۱$)، $F=۵۵/۸۴$) و سرزنش ($F=۱۱/۷۷$)، $P=۰/۰۰۶$) تفاوت معناداری هست.

نیز به علت بزرگ‌تر بودن سطح معناداری متغیر کرخی از $۰/۰۵$ ، میان شرکت‌کننده‌های گروه آزمایش و کنترل در نمره کرخی ($F=۰/۳۱$)، $P=۰/۵۸$)، تفاوت معناداری نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» بر طرحواره‌های هیجانی و سازگاری زناشویی زنان در آستانه طلاق بود. یافته پژوهش ابتدا نشان داد: بین میانگین‌های تعدیل‌شده گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون از لحاظ طرحواره‌های هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که روان‌درمانی معنوی مذهبی موجب افزایش قابل توجهی در طرحواره‌های هیجانی سازگار، و کاهش قابل توجهی در طرحواره‌های هیجانی ناسازگار گروه آزمایش شده است. بنابراین فرضیه پژوهشی تأیید گردید. یافته پژوهش حاضر در این زمینه به‌نوعی با یافته‌های مک و همکاران (۲۰۱۰)، دورکم (۱۹۹۴) و اسدی و شقاقی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد.

در تبیین یافته حاضر می‌توان اینگونه بیان کرد که براساس رویکردهای جدید، بعد «معنوی و مذهبی» یکی از ابعاد سلامت است (طاهری خرامه و همکاران، ۱۳۹۲). «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» با افزایش خودآگاهی، ایجاد

ارتباط و پیوند با اطرافیان و دریافت حمایت اجتماعی از سوی دیگران، افزایش حس اطمینان، معنا و هدف در زندگی و مقابله و سازگاری هیجانی مؤثر با مشکلات روانی و جسمانی، در کنار دیگر مؤلفه‌های مرتبط با سلامت روانی، موجب بهبود و ارتقای سلامت روانی و جسمانی و افزایش سازگاری هیجانی در افراد می‌شود و سطح سازگاری افراد با رویدادهای زندگی را افزایش می‌دهد (صفتی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹).

«روان‌درمانی معنوی - مذهبی» منجر به احساس اتصال به خداوند به‌منزله یک منبع قدرت مطلق می‌شود که همه چیز در کنترل اوست (ویلیامز، ۲۰۱۷). این موضوع موجب می‌شود در برابر استرس‌های زندگی و ناکامی‌ها، در عین حال که دست از تلاش نمی‌کشند، به خداوند تکیه کرده، از او کمک بخواهند. با توجه به اینکه به خدا اعتماد دارند و او را حمایت‌کننده می‌دانند، انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به عواملی دارند که می‌تواند منجر به افزایش سازگاری هیجانی و کاهش ناسازگاری هیجانی ایجاد کنند. درواقع کسانی که از بعد معنوی و مذهبی قوی‌ترند، شکست‌ها و ناکامی‌ها را موقتی در نظر می‌گیرند؛ زیرا ایمان دارند که در نهایت پیروز خواهند شد (گرانگوئیست، ۲۰۱۴).

در آموزه‌های مذهبی از نقش اضطرار، خلوص و توجه و تمرکز در اعمال مذهبی، به‌مثابه راه‌گشایی برای نیل به نیازهای آدمی و خروج از فشارها و استرس یاد شده است (نمل: ۶۲). پیامد این احساس امیدواری و داشتن حامی قدرتمند این است که انعطاف‌پذیری انسان بیشتر شده، ناسازگاری هیجانی کمتری در خود احساس می‌کند. این افراد چون به خدای خود دل بسته‌اند و برای خشنودی وی تلاش می‌کنند و رنگ و بوی ارزشمند و مقدسی برای زندگی خود قائلند، انگیزه بیشتری برای ماندن در زندگی زناشویی خود خواهند داشت؛ زیرا معتقدند: کاری که می‌کنند آنها را به رضای خداوند نزدیک می‌کند (بیکرتون، ۲۰۱۳).

بیشتر افرادی که از گرایش‌های معنوی برخوردارند، معتقدند: می‌توان از طریق اتکال و توسل به خداوند، اثرات منفی موقعیت‌های بحران‌زا را کاهش داد. توکل بر وجود غنی و مطلق هستی، عامل مهمی در غلبه بر تنش‌ها و کاهش فشارهای روحی در انسان است.

مک و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد: افرادی که گرایش‌های معنوی دارند هنگام رویارویی با آسیب، پاسخ‌های بهتری به وضعیتی که درون آن هستند، می‌دهند؛ موقعیت تولیدکننده فشار را بهتر اداره می‌کنند؛ و از سلامتی بهتری برخوردارند.

یافته دوم پژوهش نشان داد: بین میانگین‌های تعدیل‌شده گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ سازگاری زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین‌صورت که روان‌درمانی معنوی مذهبی موجب افزایش قابل‌توجهی در سازگاری زناشویی گروه آزمایش شده است. بنابراین فرضیه پژوهشی تأیید گردید.

یافته پژوهش حاضر در این زمینه به‌نوعی با یافته‌های احمدی‌تبار و همکاران (۱۳۹۸)، مرادی و پرندین (۱۳۹۸) و فلیپس و همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: روان‌درمانی معنوی - مذهبی موجب تقویت رابطه معنوی فرد با خدا و ارتقای معنایابی در زندگی فرد شده، موجب سازگاری زناشویی بیشتر شخص می‌شود. نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به

تأثیر رفتارهای مذهبی (از قبیل دعا و نیایش) در بهبود نگرش و تفسیر فرد نسبت به زندگی است.

اهمیت عامل فشارآور از طریق ارزیابی‌های شناختی است که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی تبیین می‌شود. احساسات مذهبی مانع آن می‌شود که انسان در تمام مراحل زندگی خود دچار ناامیدی شود و همیشه شوق به زندگی در او پایدار باشد و موجب ایجاد سازگاری در انسان می‌گردد. علاوه بر این، «روان‌درمانی معنوی - مذهبی» نظام باور منسجمی ایجاد می‌کند که موجب می‌شود افراد برای زندگی خود معنا پیدا کنند و بر ناملايمات و فشارهای روانی فائق آیند و به زندگی امیدواری و با آن سازگاری بیشتری داشته باشند.

مک‌فارلند (۲۰۱۰) نیز معتقد است: چون افراد مذهبی نزدیک‌ترین دوستان خود را از میان افراد مذهبی انتخاب می‌کنند، علاوه بر داشتن احساس نزدیکی به خداوند، نسبت به مردم دید مثبتی دارند و همه این عوامل بر شادمانی آنها می‌افزاید.

خداوند در آیه ۳۹ سوره «احزاب» می‌فرماید: «افراد بی‌ایمان دچار تنش و اضطراب هستند، و آنان که نور ایمان در دل دارند نگرانی نداشته، دارای اطمینان خاطرند».

جلسات آموزشی - درمانی با رویکرد معنوی - مذهبی با ایجاد جو صمیمانه و به‌دور از نگرانی، موجب بروز عقاید، افکار و احساسات ناگفته می‌شود و در اعضا این باور ایجاد می‌گردد که مذهب و رفتارهای دینی، به‌مثابه شیوه‌ای فعال در شرایط تنش‌زا و دشوار زندگی، قادر است آنها را در کنترل تنش‌های هیجانی یاری نماید.

روان‌درمانی معنوی - مذهبی یک توانایی فطری برای رشد محسوب می‌شود که در انسان به‌عنوان یک اندامواره (ارگانسیم) وجود دارد و می‌تواند در شرایط معین محیطی از قوه به فعل درآید و به‌رغم قرار گرفتن فرد در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی و شغلی او ارتقا یابد. ایمان نوعی ویژگی است که از فردی به فردی متفاوت است و می‌تواند به مرور زمان رشد کند یا کاستی یابد (کریمی فر و همکاران، ۱۳۹۵).

به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد: روان‌درمانی معنوی - مذهبی در افزایش سازگاری زناشویی و طرحواره‌های هیجانی سازگار زنان در آستانه طلاق تأثیر معناداری دارد. بنابراین، با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود: از روان‌درمانی معنوی - مذهبی در مداخلات مربوط به سازگاری زنان استفاده شود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، مربوط به جامعه آماری آن است که فقط متشکل از زنان در آستانه طلاق شهر بندرعباس بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود: در آینده پژوهش‌هایی از این نوع روی زنان در آستانه طلاق جامعه‌های دیگر نیز انجام گیرد تا قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری داشته باشد.

از دیگر محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش «نمونه‌گیری در دسترس»، استفاده صرف از یک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها و نبود مرحله پیگیری به‌سبب محدودیت زمانی بود. این محدودیت‌ها می‌تواند در تعمیم نتایج خلل ایجاد کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود: در آینده پژوهش‌هایی از این دست با برطرف ساختن این محدودیت‌ها انجام پذیرد تا یافته‌هایی از این نوع قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری داشته باشند.

منابع

- احمدی‌تبار، سیدمرتضی و همکاران، ۱۳۹۸، «اثربخشی آموزش مثبت‌اندیشی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر سازگاری زناشویی، تاب‌آوری و کیفیت زندگی زوجین»، *روانشناسی و دین*، ش ۱۱۲(۳)، ص ۳۷-۵۳.
- اسدی، مریم و فاطمه شقاقی، ۱۳۹۴، «هوش معنوی، عمل به باورهای دینی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان»، *روانشناسی معاصر*، ش ۱۰، ص ۸۳-۸۵.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی خانواده‌درمانی با الگوی شناختی-رفتاری مذهب محور بر عملکرد خانواده بر سازگاری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر متوسطه شهر اهواز»، *روانشناسی و دین*، ش ۲۳، ص ۳۹-۵۲.
- رحمتی، محمود و همکاران، ۱۳۸۹، «تأثیر گروه درمانی معنوی-مذهبی بر علائم روانی بیماران اسکیزوفرنیک»، *پژوهش پرستاری ایران*، ش ۱۶، ص ۱۳-۲۰.
- سادات‌حسینی، فریده و کبری درویشی، ۱۳۹۴، «نقش ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد فرزندپروری خانواده در خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان»، *زنان و خانواده*، ش ۱۰(۳۲)، ص ۷۳-۹۸.
- سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۵، «مقایسه کارآمدی مداخلات اسلامی و درمان شناختی رفتاری توسعه‌یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها»، *روانشناسی و دین*، ش ۱۹(۱)، ص ۲۷-۵۰.
- صفائی‌راد، ایرج و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان در دانشجویان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، ش ۱۷(۴)، ص ۲۷۴-۲۸۰.
- طاهری خرامه، زهرا و همکاران، ۱۳۹۲، «سلامت معنوی و راهبردهای مقابله مذهبی در بیماران همودیالیزی»، *روان پرستاری*، ش ۱۱(۱)، ص ۴۸-۵۴.
- فاریابی، ظهیرالدین و حسن زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۴، «بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی شهر یزد»، *طلوع بهداشت*، ش ۱۴(۳)، ص ۸۳-۹۴.
- کریمی‌فر، مسعود و همکاران، ۱۳۹۵، «اثربخشی آموزش مؤلفه‌های معنوی بر مؤلفه‌های روانشناسی مثبت در نوجوانان»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۴(۷)، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- مرادی، فاطمه و شیما پرندین، ۱۳۹۸، «اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر تاب‌آوری، سازگاری زناشویی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زنان متأهل شاغل در بیمارستان‌های شهر کرمانشاه»، *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ش ۲(۱۵)، ص ۹۷-۱۱۳.
- ملازاده، جواد، ۱۳۸۱، *رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- نامی‌پوشه، حمیده و مهسا مظلومین، ۱۳۹۶، «مقایسه آگاهی جنسی، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در مردان و زنان متقاضی طلاق در تهران»، در: *کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب‌شناسی روانی و تربیت*، تهران، انجمن روانشناسی ایران، دانشگاه الزهراء.
- نوابخش، مهرداد و حمید پوریوسفی، ۱۳۸۵، «نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان»، *پژوهش دینی*، ش ۱۴، ص ۷۱-۹۴.
- Abalos, JB., 2017, "Divorce and separation in the Philippines: Trends and correlates", *Demographic Research*, N. 36, p. 1515-1548.
- Batmaz, S., Kaymak, S. U., Kocbiyik, S., & Turkcapar, M. H., 2014, "Metacognitions and emotional schemas: a new cognitive perspective for the distinction between unipolar and bipolar depression", *Comprehensive psychiatry*, N. 55(7), p. 1546-1555.

- Be, D., Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (2013). Prospective associations between marital adjustment and life satisfaction. *Personal Relationships*, 20, 728-739.
- Beck, S. R., & Crilly, M. (2009). "Is understanding regret dependent on developments in counterfactual thinking?", *British Journal of Developmental Psychology*, N. 27(2), p. 505-510.
- Bickerton, G. R., 2013, *Spiritual Resources as Antecedents of Work Engagement among Australian Religious Workers*. University of Western Sydney, NSW, Australia.
- Dikman, J., 1994, *The wrong way home: uncovering the patterns of cult behavior in american society*, Bacon Press.
- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S., 2012, "Relationship between early maladaptive schemas, Couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach", *Journal of evidence – based psychotherapies*, N. 12(1), p. 63-70.
- Durğut S. Kisa S., 2018, "Predictors of marital adjustment among child brides", *Arch Psychiatr Nurs*, N. 32(5), p. 670-676.
- González, L., 2015, *The social effects of divorce laws*, CREI (Center de recerca en economia internacional) Ramon Trias Fargas.
- Gopal, C. R., & Valarmathi, D., 2020, "Marital Compatibility and Their Relationship To Personality Among Arranged Marriage Couples And Love Marriage Couples—A Pilot Study", *Annals of Tropical Medicine and Public Health*, N. 23, p. 231-503.
- Granqvist, P., 2014, "Mental health and religion from an attachment viewpoint: Overview with implications for future research", *Mental Health, Religion & Culture*, N. 17(8), p. 777-793.
- Leahy, R. L., Tirsch, D., & Napolitano, L. A., 2011, *Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide*, Guilford Press.
- McFarland, M. J., 2010, "Religion and mental health among older adults: Do the effects of religious involvement vary by gender?", *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, N. 65(5), p. 621-630.
- Mohammad khani, Sh., Soleimani, H., Seyd Ali Naghei, SA., 2014, "The role of emotional schemas in resilience of people living with HIV", *Journal of Knowledge & Health*, N. 9(3), p. 1-10.
- Mok, E., Wong, F., & Wong, D., 2010, "The meaning of spirituality and spiritual care among the Hong Kong Chinese terminally ill", *Journal of advanced nursing*, N. 66(2), p. 360-370.
- Phillips, D, et al, 2014, "The Relationship between Religious Orientation and Coping Styles among Older Adults and young Adults", *Journal of Psychology and Behavioral science*, v. 2, N. 1, p. 29-43.
- Wells, A., & Carter, K., 2001, "Further tests of a cognitive model of generalized anxiety disorder: Metacognitions and worry in GAD, panic disorder, social phobia, depression, and nonpatients", *Behavior therapy*, N. 32(1), p. 85- 102.
- Williams, G., 2017, *Resisting Burnout: Correctional Staff Spirituality and Resilience*, Doctoral dissertation, Northeastern University.


اثربخشی معنویت‌درمانی بر کاهش اختلافات، سردمزاجی و بدرفتاری زناشویی زوجین

نسیم‌سادات راه نجات / کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

nasim.rahnejat@gmail.com

حسن امیری / استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

ahasan.amiri@iauksh.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-4485-9437



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی «اثربخشی معنویت‌درمانی بر کاهش اختلافات، سردمزاجی و بدرفتاری زناشویی زوجین» است. این پژوهش نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری شامل زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره زندگی شهر کرمانشاه است که از بین جامعه آماری، ۳۰ تن با استفاده از روش «نمونه‌گیری در دسترس» انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (در هر گروه ۱۵ تن) گمارده شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های «اختلافات زناشویی» براتی (۱۳۷۵)، «سردمزاجی زناشویی» پانیز (۱۹۹۶) و «بدرفتاری زناشویی» باس و پری (۱۹۹۸) استفاده گردید. با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس فرضیه‌ها تجزیه و تحلیل گردید. بین گروه آزمایش و کنترل پس از اجرای معنویت‌درمانی در سطح ۰/۰۱، تفاوت معناداری وجود داشت و میزان اختلافات، سردمزاجی، بدرفتاری زناشویی زوجین گروه آزمایش به شکل معناداری کاهش یافته بود. اثربخشی معنویت‌درمانی در دو گروه آزمایش و گواه از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار بود و با ۰/۹۵ اعتماد معنویت‌درمانی بر اختلافات، سردمزاجی و بدرفتاری زوجین تأثیر دارد. با توجه به اثربخشی معنویت‌درمانی، توصیه می‌گردد برای ارتقای سلامت و تحکیم بنیان خانواده‌ها، در کارگاه‌ها و آموزش‌های معنویت‌درمانی مشارکت نمایند.

کلیدواژه‌ها: معنویت‌درمانی، اختلافات، سردمزاجی، بدرفتاری زناشویی زوجین.

«معنویت‌درمانی» (Spiritual Therapy) به‌مثابه یکی از روش‌های مهم در درمان اختلالات زناشویی شناخته شده است و به نظر می‌رسد دین مبین اسلام و توصیه‌های آن در درمان این اختلالات مؤثر است. معنویت به باورها و اعمالی نسبت داده می‌شود که بر فرض مزبور استوار است و ابعاد متعالی - نه جسمانی - در زندگی انسان وجود دارد و او را به خداوند نزدیک کرده است و دامنه‌ای از فضیلت‌ها را در او شکل می‌دهد. در معنویت‌درمانی سعی می‌شود از ظرفیت‌های وجودی، گرایش‌ها، انگیزه‌های الهی و فضیلت‌های اخلاقی در درمان مشکلات و بیماری استفاده گردد.

آنچه در معنویت‌درمانی حائز اهمیت است جنبه معناگرایانه آن است که محتوای درمان را شکل می‌دهد و در قالب عبارت در هر دینی تجلی پیدا می‌کند. این فنون در معنویت‌درمانی می‌توانند جنبه رفتاری، شناختی، فراشناختی، عاطفی و اخلاقی داشته باشند و در مفاهیم و رفتارهای دینی، همچون توکل، صبر، نماز، دعا، نیت، و مراقبه تجلی یابند (سلیگمن، ۲۰۰۵).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند: معنویت‌درمانی موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود: *فینچام و بیچ* (DiBlasio, F.D. & Beach, S.R.H.; 2007)، *رانستین و همکاران* (۲۰۰۶)، *دی پلاس و بند* (Schramm, D.G., marshal, J.p., Haris, v.w.; 2008)، *اسچرام، مارشال، هریس و لی* (F, Benda B; 2008)، *کاترونا و همکاران* (۲۰۱۳)، *صفاریان و همکاران* (۱۳۹۴)، *غفوری و همکاران* (۱۳۹۲).

خانواده کوچک‌ترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است که نقش مهمی در تکوین شخصیت، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی افراد، رشد و شکوفایی استعدادهای اعضای آن و بهبود مشکلات خانواده دارد. این واحد اجتماعی مهم نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده روانی و اجتماعی و مداخله بموقع است (ورثینگتون، ۲۰۰۸).

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه به‌شمار می‌رود. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده، و تحقق خانواده سالم منوط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است. با توجه به پیامدهای ویرانگر ازدواج ناموفق بر بهداشت روانی و جسمانی زوجین، فرزندان و جامعه، لزوم بررسی رضایت زناشویی و ابعاد گوناگون آن و همچنین عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی زناشویی بیش از پیش ضرورت می‌یابد (نظرزاده، ۱۳۹۶).

خانواده با پیمان ازدواج و پیوند همسری زن و مردی هوشمند و آگاه و برخوردار از بلوغ فکری و قابلیت‌های اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود و این زوج ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده را تشکیل می‌دهند. بنابراین سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل نظام خانواده نیز

به کیفیت روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزند بستگی دارد. هر قدر روابط بین همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد زندگی شیرین‌تر و باصفا‌تر می‌گردد و فرزندان بانشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند.

در مقابل، خانواده‌های لجام‌گسیخته و متزلزل جامعه‌های متزلزل پدید می‌آورند که در آن نشانی از سلامت روانی یافت نمی‌شود، میزان طلاق روز به روز بالا می‌رود و ازدواج‌های مطلوب و برنامه‌ریزی‌شده کمتر صورت می‌گیرد، خانواده‌ها به زودی متلاشی می‌شوند، و به‌طور کلی اساس کجروی‌های اجتماعی را باید در همین جست‌وجو کرد. بنابراین چنین می‌نماید که هرچه زن و شوهر روابط صمیمانه‌تری داشته باشند سه عنصر عشق، یعنی تعهد (Commitment)، صمیمیت (intimacy) و اشتیاق (Desire) در آنها فعال‌تر خواهد بود. عشق کامل عشقی است که در آن رابطه‌ای ایده‌آل، شامل تعهد، صمیمیت و اشتیاق باشد. در نهایت، این عشق کامل موجب بالا رفتن میزان رضایتمندی زناشویی می‌شود (وولف، ۲۰۱۳).

متأسفانه در مقایسه با گذشته، مشکلات خانواده‌ها رشد چشمگیری داشته که افزایش تعداد زوج‌های مشکل‌دار، به هم خوردن تعادل خانواده‌ها، مختل شدن روابط زوجین و نیز سیر صعودی آمار طلاق شاهد این ادعاست (رزاقی و دیگران، ۱۳۹۰). در این واحد اجتماعی زنان بیش از سایر اعضا در معرض آسیب هستند که به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل آنان در خانواده در زمینه رضایت زناشویی است.

ازدواج یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات مدنظر جامعه بشری است و به‌مثابه یکی از مهم‌ترین مسائل در زندگی افراد تلقی می‌شود و صرفاً جنبه‌های فردی ندارد. در واقع می‌توان گفت: نهاد جامعه بشری بر پایه ازدواج قرار گرفته است. ازدواج از جمله قدیمی‌ترین پیوندهای انسانی است که ارضاکنده و رشددهنده شخصیت آدمی است. ازدواج همواره در کانون توجه نویسندگان، فلاسفه و به‌ویژه اخلاق‌مداران و پیروان ادیان بزرگ قرار داشته است و چون می‌دانسته‌اند عوامل بسیاری خانواده را تهدید می‌کند، توصیه‌هایی در حفظ بنیادهای آن داشته‌اند (قلیلی، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، از دیدگاه اسلام، یگانه چیزی که می‌تواند نیاز انسان به آرامش را برآورده سازد یاد خداست. قرآن کریم با تأکید تمام اعلام می‌دارد که آرامش روان تنها در سایه توجه به خداوند امکان‌پذیر است: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸). علامه طباطبائی این حصر را چنین تبیین می‌کند که تلاش انسان به منظور دستیابی به سعادت و ایمنی از بدبختی است. انسان در این راه به هر وسیله‌ای چنگ می‌زند، ولی همه این وسایل و اسباب اگر از یک جهت توانمند باشند از جهت دیگر ناتوان هستند، جز خداوند متعال که توانای مطلق است و ناتوانی در او راه ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۱۲۶-۱۲۹ و ۱۳۲). توجه به این نکات و استفاده از ظرفیت‌های معنوی انسان در درمان اختلال‌هایی همچون اختلالات زناشویی و رضایت زناشویی، نه تنها مؤثر، بلکه با توجه به خداوند امکان‌پذیر است.

بحران‌ها و مشکلات تجاری هستند که همواره زوجین را برای بررسی کردن زندگی و ارزش‌هایشان برمی‌انگیزند. بحران، چه شدید باشد، چه خفیف، برای زوجینی که درگیر آن می‌شوند تکان‌دهنده است. آنها ممکن است با توانایی و شهامت به آن پاسخ گویند و یا با ناتوانی و ضعف. توجه به این نکته مهم است که عمر مشکلات زناشویی به قدمت ازدواج و آن نیز به قدمت تاریخ است. سلامت یا نارساکنش‌وری (Dysfunction) خانواده به‌مثابه یک کلیت یا سیستم بر اعضای آن تأثیر دارد. آمارهای منتشرشده در کشور طی چند دهه گذشته، حکایت از افزایش روزافزون نارضایتی زناشویی در بین زوجها دارد که در پی آن در بسیاری از موارد، اقدام به طلاق صورت می‌پذیرد (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

رویدادهای زندگی یعنی: راه‌حل، انتقاد و رشد و شرایط حاد و مزمن که می‌توانند با تعارض زناشویی رابطه داشته باشند. گفته می‌شود: مشکلات رابطه‌ای به احتمال زیاد طی دوره‌هایی به وجود می‌آیند که میزان تغییرات و رویدادهای تنش‌زا زیاد باشد. البته متغیرهای دیگری همچون حمایت و تعهد می‌توانند تأثیر این رویدادها را در رابطه زناشویی تعدیل نمایند. تاریخچه زندگی هریک از زوجین نیز عامل مؤثری در تعارض زناشویی به‌شمار می‌رود.

طلاق والدین با مشکلات زناشویی رابطه‌ای ثابت‌شده دارد. این امر تأثیر شدیدی بر زنان دارد، به‌گونه‌ای که ازدواج زانی که سابقه طلاق والدینی دارند به میزان ۶۰٪ بیش از زنان دیگر به طلاق منجر می‌شود. بدرفتاری در خانواده نیز عامل خطر در روابط زوجین محسوب می‌شود. میزان و کیفیت شناخت زوجین از یکدیگر در قبل از ازدواج، با تعارض مرتبط است. هرچه این شناخت بهتر و بیشتر باشد رضایت زناشویی افزایش می‌یابد.

ویکتور فرانکل (Victor Frankl)، یکی از روان‌شناسان برجسته اروپایی، در زمینه یافتن پاسخ به این سؤال نتیجه گرفت: اگر زندگی برای افراد معنا و مفهوم داشته باشد فشار ناشی از آن نیز قابل تحمل است. موقعیت‌های فشارزای زندگی همواره می‌توانند بر جریان توانایی افراد در کنار آمدن با شرایط گوناگون مؤثر باشند و تداوم شرایط دشوار به نوبه خود، موجب بروز یا تشدید نابسامانی جسمی و روانی می‌شود (مور، هالفورد، ویلسون و فاریگیو، ۲۰۱۶).

امروزه بسیاری از پژوهشگران بر نقش شفابخش دین و معنویت صحه گذاشته‌اند و روان‌شناسان از نقش مهم دین و معنویت در دنیای امروز سخن به میان می‌آورند؛ زیرا آنان با مراجعانی مواجهند که با وجود برخوردارگی از امکانات و وسایل نوین زندگی، از تنهایی رنج می‌برند.

کم‌رنگ شدن روابط خانودگی و اجتماعی انسان‌ها را دچار سردرگمی و تعارض با ارزش‌ها، معیارها و اولویت‌ها کرده است. آنان به دنبال چیزی بیش از اینها می‌گردند. در چنین شرایطی دیگر درمان‌های سنتی پاسخگوی نیازهای مراجعان نیستند. این روش‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند احساس خلأ و پوچی مراجعان را از بین ببرند؛ زیرا بیشتر

آنها بر گفت‌وگو در محیط درمان مبتنی هستند. توجه به نقش معنویت در بهداشت روانی، به پژوهش‌های متفاوتی در این زمینه منجر شده است. بیشتر این پژوهش‌ها بر تأثیر مثبت ارزش‌های دینی، به‌ویژه نماز و دعا بر بهداشت روانی تأیید کرده‌اند.

برای نمونه، عبادی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش مثبت‌نگری با تأکید بر آیات قرآن، بر افزایش امید به زندگی زنان مطلقه پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش، بیانگر آن است که مثبت‌نگری با تأکید بر آیات قرآن کریم بر افزایش امید به زندگی زنان مطلقه مؤثر بوده است. همچنین نتایج پژوهش ققیه‌ی و رفیعی‌مقدم (۱۳۸۸) نشان داد که آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در بهبود روابط همسران و در نتیجه، رضایتمندی زناشویی آنها مؤثر بوده است.

پژوهش توان و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان دادند: بین نگرش دینی و سلامت روانی رابطه‌ای مثبت معنادار وجود دارد. به‌طور کلی، باورها و اعمال مذهبی تأثیر مثبتی در پیشگیری و بهبود بیماری‌های جسمی روانی و افزایش کیفیت و رضایتمندی از زندگی دارد. از سوی دیگر، داشتن امید، سلامت جسمی و روانی را پیش‌بینی می‌کند (اسنایدر، ۲۰۰۴).

افراد امیدوار سالم‌تر و شادترند، دستگاه‌های ایمنی آنها بهتر کار می‌کند و با راهبردهای کنار آمدن مؤثرتر (مانند ارزیابی مجدد و مسئله‌گشایی) با فشارهای روانی کنار می‌آیند، و در نهایت، از رضایتمندی بیشتری از زندگی برخوردارند.

روان‌شناسان در پژوهشی به تأثیر معنویت بر مشکلات پرداختند و در نتایج خود اعلام کردند: معنویت با سازگاری روان‌شناختی، احساس پذیرش، بهزیستی هیجانی، امید، شادی و کیفیت زندگی ارتباط قوی دارد. امیدواری و گرایش‌های معنوی رشدیافته همچنین موجب رضایت از زندگی می‌شود (پروپست، ۲۰۰۸).

در زمینه تأثیر معنویت بر بهبود کیفیت زندگی و سلامت جسمانی و روانی، نشان داده شده است: رضایت از زندگی متأثر از میزان خودآگاهی، خوش‌بینی و معنویت‌گرایی فرد است؛ هرچه افراد خودآگاه‌تر و خوشبین‌تر و از معنویت‌گرایی بالاتری برخوردار باشند، به همان میزان از رضایت بالاتری برخوردارند. به‌طور کلی، معنویت تأثیر مثبتی در پیشگیری و بهبود بیماری‌های جسمی و روانی و افزایش کیفیت و رضایتمندی از زندگی دارد (غفوری و همکاران، ۱۳۹۲).

معنویت یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش شادکامی و سلامت عمومی گزارش شده است. یکی از نیازهای روانی بشر شادی و نشاط است که به علت تأثیر عمده‌ای که بر زندگی افراد دارد، ضرورت و نیاز دنیای امروز است و نیروی محرکی است که باعث انگیزه و فعالیت و توانمندی و امیدواری در فرد می‌شود و عنصر مرکزی زندگی

مطلوب است. نشاط و شادی از نیازهای اولیه فطری و ضروری انسان به‌شمار می‌رود و می‌توان آن را از مهم‌ترین عوامل سلامت خانواده و جامعه انگاشت (واحدیان، ۲۰۱۳).

قرآن درباره گفت‌وگوی حضرت ابراهیم علیه السلام با خداوند، از قول او می‌فرماید که گفت: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي» (بقره: ۲۶۰). و حتی زمانی که خداوند می‌خواهد اوج یک انسان را نشان دهد، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر: ۲۷). این آرامش و رها بودن از اضطراب و تشویش علامت یک انسان معنوی است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲). حزنی ندارند و شادند و به خداوند امید دارند و هیچ‌گاه دچار ناامیدی نمی‌شوند.

انسان‌های معنوی این‌گونه پرورش می‌یابند که به تعبیر علی‌بن ابی‌طالب «لا یرجون احد منکم الا ربه»، و این همان بهداشت روانی انسان معنوی است (ویسی، ۱۳۹۱).

می‌توان گفت: معنویت اندازه شناخت انسان از ماهیت معنوی خود است و اجازه می‌دهد که این ماهیت را به‌واسطه روان در رفتار و زندگی دنیوی متجلی کند. معنویت هر قدر بیشتر تجلی یابد، انسان به خدا نزدیک‌تر شده، مشیت او را به انجام می‌رساند. بنابراین از لحاظ نظری اعتقاد به معنویت، مانند اعتقاد دینی مسئولیت‌هایی (همانند دلسوزی و درک متقابل نسبت به دیگران) به‌وجود می‌آورد؛ اما در انسان معنویت‌گرا، اعتقاد شخصی است که تعیین‌کننده این مسئولیت‌هاست، نه عقیده دینی رسمی. همچنین معنویت در سطح دینی عمیق‌تر، به معنای تلاش برای تجربه، منشأ معنوی خود انسان است (فوتانا، ۱۳۸۵، ص ۳۸-۳۷؛ ملکیان، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶).

در تحقیقی با ۱۶۳/۰۰۰ شرکت‌کننده از چهارده کشور اروپایی، معلوم شد ۸۵ درصد کسانی که - دست‌کم - یک بار در هفته به کلیسا می‌روند از زندگی خود بسیاری راضی هستند (۱۹۹۰)، ولی در میان افرادی که هرگز به کلیسا نمی‌رفتند این درصد ۷۷ بود (اینگل هارت، ۲۰۰۳). این تحقیق نشان‌دهنده تأثیر مثبت، ولی متوسط رفتن به کلیسا بر رضایت و شادمانی در زندگی است. این همبستگی میان افراد مسن بیشتر است.

در تحقیقی که بر ۱۳۳۴ تن افراد بالای ۶۵ سال سن در «مینه سوتا» صورت گرفت، تأثیر نیرومند حضور در کلیسا بر خشنودی و رضایت افراد سالمند از زندگی معلوم گردید (سالاری‌فر، ۱۳۹۳). اهمیت معنویت و رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است (اسپلیکا و همکاران، ۲۰۰۳).

آتن و ورثینگتون (۲۰۰۹)، *صفریان* و همکاران (۱۳۹۷) و حمید و زمستانی (۱۳۹۲) پیشرفت روان‌شناسی و ماهیت پیچیده و پویایی جوامع نوین را عاملی می‌دانند که در پرتو آن نیازهای معنوی بشر در برابر نیازهای مادی قد علم کرده، اهمیت بیشتری بیابند (فردریکسون، ۱۳۸۷).

بنابراین در این پژوهش محقق درصدد است میزان اثر بخشی معنویت‌درمانی بر کاهش اختلافات، سردمزاجی و بدرفتاری زناشویی زوجین شهر کرمانشاه را بررسی کند.

روش پژوهش

طرح پژوهش «نیمه‌آزمایشی» و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده (زندگی) شهر کرمانشاه در ماه‌های اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۸ بودند. از بین جامعه آماری، ۳۰ تن با استفاده از روش «نمونه‌گیری در دسترس» در دو گروه آزمایش و کنترل (در هر گروه ۱۵ تن) انتخاب شدند. این آزمودنی‌ها به صورت داوطلبانه به شرکت در کلاس‌های آموزشی تمایل داشتند. معیار ورود آزمودنی‌ها مشکلات خانوادگی و زناشویی بود.

ابزار گردآوری داده‌ها

(۱) پرسشنامه «اختلافات زناشویی» (MDQ)

پرسشنامه «اختلافات زناشویی» (Marital Disputes Questionnaire) توسط براتی (۱۳۷۵) ساخته شده و یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجیدن اختلافات زن و شوهری بر مبنای تجربیات بالینی به کار می‌رود. این پرسشنامه هشت بُعد از اختلافات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، و کاهش ارتباط مؤثر. مشاوران و سایر متخصصان بالینی می‌توانند از این پرسشنامه برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری و ابعاد آن استفاده کنند.

برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب از نمره ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. حداکثر نمره هر خرده‌مقیاس مساوی با تعداد سؤال‌های آن خرده‌مقیاس ضربدر ۵ است. در این ابزار، نمره بیشتر به معنای تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنای رابطه بهتر و تعارض کمتر است. نمره‌گذاری گزینه‌ها به صورت هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثراً (۴)، و همیشه (۵) است.

اعتبار (پایایی) و روایی: آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به‌دست آمد و برای هشت خرده‌مقیاس آن عبارت است از: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱، و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹.

این پرسشنامه از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به سبب همبستگی مناسب تمام سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد.

۲) مقیاس «دلزدگی زناشویی» (CBM)

مقیاس «سردمزاجی زناشویی» (Marital Boredom criterion) یک ابزار خودسنجی است که توسط پانیز (Paniz, C.; 1996) با هدف اندازه‌گیری درجه سردمزاجی زناشویی در بین زوجین ساخته شد. این مقیاس از یک ابزار خودسنجی دیگری که برای اندازه‌گیری دلزدگی به کار می‌رود، اقتباس شده است (پانیز و نانز، ۲۰۱۳؛ لانس و لانس، ۲۰۰۱).

این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (مانند احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می‌شود. تمام این موضوعات روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. شیوه نمره‌گذاری و اجرای پرسشنامه «دلزدگی زناشویی» (پانیز، ۱۹۹۶) و طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت است.

روایی و پایایی پرسشنامه: یک ماده این پرسشنامه شامل عبارات منفی (مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن) و چهار ماده آن شامل عبارات مثبت (مانند خوشحال و پرانرژی بودن) است. نمره‌گذاری این مقیاس در یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) می‌شود که آزمودنی تعداد دفعات اتفاق افتاده و موارد مطرح‌شده در رابطه زناشویی خود را مشخص می‌سازد. نمره‌گذاری چهار ماده نیز به صورت معکوس انجام می‌شود.

برای به دست آوردن نمره سردمزاجی زناشویی فرد، مجموع نمره به‌دست‌آمده از ۲۱ سؤال، میزان سردمزاجی زناشویی آزمودنی را مشخص می‌کند، که نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس، سردمزاجی بیشتر را نشان می‌دهد. ضریب اطمینان آزمون - بازآزمون ۸۹٪ برای یک دوره یک‌ماهه، ۷۶٪ برای یک دوره دو ماهه، و ۶۶٪ برای دوره چهارماهه بود. تداوم درونی برای بیشتر آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۹۱٪ تا ۹۳٪ بود (پانیز، ۱۳۸۱).

در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در خصوص ۲۴۰ نمونه (۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم) اندازه‌گیری کرد که ۸۶٪ به دست آمد.

این مقیاس به صورت موفقیت‌آمیزی در مطالعات گوناگون در کشورهای نروژ، مجارستان، فنلاند، اسپانیا، پرتغال و مکزیک مورد استفاده قرار گرفته است (نویدی، ۱۳۸۴، به نقل از: پانیز و نانز، ۲۰۱۳؛ لیز و لیز، ۲۰۰۱).

نعیم (۱۳۸۷) در پژوهش خود، پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است.

۳) پرسشنامه «بدرفتاری زناشویی» (AGQ)

پرسشنامه «بدرفتاری زناشویی» (Marital Aggressive questionnaire) توسط باس و پری (Buss & Perry; 1998) ساخته و مشتمل بر ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن مربوط به عامل خشم، ۸ ماده آن مربوط به عامل تهاجم و ۸ ماده آن نیز سنجش عامل کینه‌توزی است و به منظور بررسی میزان بدرفتاری افراد ساختارسازی شده که در موقعیت‌های بالینی و تحقیقاتی نیز کاربرد دارد.

روش نمره‌گذاری پرسشنامه: مقیاس AGQ یک مقیاس خودگزارش‌دهی مداد - کاغذی است و آزمودنی به یکی از چهار گزینه (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، و همیشه) پاسخ می‌دهد. برای هر یک از چهار گزینه مذکور - به ترتیب - مقادیر ۱، ۲، ۳، ۴ در نظر گرفته می‌شود. بجز ماده ۱۸ که بار عاطفی منفی دارد و نمره‌گذاری در آن معکوس است. نمره کلی این پرسشنامه از ۰ تا ۹۰ و با جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید. افرادی که نمره آنان در این مقیاس از میانگین کمتر است، بدرفتاری پایینی دارند.

اعتبار و روایی پرسشنامه: ضرایب بازآزمایی به‌دست‌آمده بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت (آزمون و آزمون مجدد) برای کل آزمودنی‌ها $N=91$ ، آزمودنی‌های دختر $N=48$ و آزمودنی‌های پسر $N=38$ به ترتیب $r=0/70$ و $r=0/79$ بوده است. همچنین در مقیاس AGQ ضرایب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل آزمودنی‌ها $\alpha=0/874$ ، برای آزمودنی‌های زن $\alpha=0/86$ و برای آزمودنی‌های مرد $\alpha=0/89$ بوده است.

ضرایب همبستگی توسط زهدی‌فر و همکاران (۱۳۸۹) بین نمره خرده‌مقیاس Pd (یکی از خرده‌مقیاس‌های MMPI) و مقیاس AGQ برای کل آزمودنی‌ها $N=105$ ، $r=0/58$ و $p=0/001$ و ضرایب همبستگی میان کل پرسشنامه BDVIT، پرسشنامه «خصوصیت - گناه» باس و دورکی (۱۹۵۷) و مقیاس AGQ برای کل آزمودنی‌ها $N=215$ ، $r=0/56$ و $P=0/001$ گزارش شده است. آلفای کرونباخ پرسشنامه ۳۵ عاملی در این مطالعه ۰/۹۲ است.

روش اجرای پژوهش

پس از هماهنگی‌های لازم با مراکز مشاوره، با توجه به انتخاب نمونه به تعداد آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه کنترل، برگه سؤال و پاسخنامه آماده گردید و با اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات، ضمن تشریح موضوع و توجیه افراد برای شرکت در این تحقیق، از آنها خواسته شد نهایت همکاری را با پژوهشگر داشته باشند. سپس به تعداد آنها برگه سؤالات پیش‌آزمون توزیع گردید. در هر جلسه ابتدا

درباره هدف از تشکیل جلسه صحبت گردید. سپس موضوعات مربوط به آن جلسه مطرح و اعضای گروه به بحث و تبادل نظر تشویق شدند و پس از جمع‌بندی هر جلسه، مطالب به صورت تکالیفی برای جلسه بعد ارائه می‌گردید. پس از پایان دوره (دو هفته بعد) پس‌آزمون اجرا گردید. برنامه مداخله معنوی برگرفته از کتاب **آموزش مهارت‌های معنوی** (نوری، ۱۳۹۲) به شرح ذیل است:

جدول ۱: نوع فعالیت جلسات

جلسه	هدف	فرایند و تمرین
اول	آشنایی اعضا با یکدیگر، دلایل تشکیل گروه و آشنایی با قوانین گروه، خودآگاهی	سؤالات مطرح‌شده در زمینه خودآگاهی: چگونه خود را تعریف می‌کنید؟ ملاک‌های ارزشمندی خود را چه می‌دانید؟ هنگام سختی‌ها چه می‌کنید؟ لذت‌های شما چه چیزهایی هستند؟ و...
دوم	آگاهی از معنای ضمنی و شخصی «معنویت» و تعریف آن از نظر هریک از اعضا، بررسی وجود اعتقاد به نیروی برتر و مقدس در اعضا	معنویت چیست؟ آیا به نیروی مقدس معتقدید؟ در مقابل این نیرو چه کاری انجام می‌دهید؟ اعمالی که انجام می‌دهید چه احساسی در شما ایجاد می‌کنند؟ این اقدامات در برابر مشکلات و کنار آمدن با آنها چطور به شما کمک می‌کنند؟ آیا تا کنون این کارها برای شما مشکلی ایجاد کرده‌اند؟
سوم	خودمشاهده‌گری و توضیح مراقبه	از افراد خواسته شد آنچه را در رابطه با اعمال معنوی انجام داده‌اند همراه با احساسشان بیان کنند. در نهایت، فنون مراقبه آموزش داده شد و جزو تمرین روزانه آنها قرار گرفت.
چهارم	حل مسئله، توضیح تجربیات افراد از مراقبه و تمرکز بر موضوعی خاص، بررسی اثرات مراقبه	آمادگی برای شناسایی موقعیت و شرایط مسئله مدنظر، تعریف دقیق مسئله، بارش فکری، ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین راه‌حل و اجرای بازبینی راه‌حل‌ها توضیح داده شد. در پایان، دعاخوانی دسته‌جمعی اجرا شد. کمک خواستن از خداوند و طلب توانمندی، عقل و دانش از ذات اقدس را می‌توان از جمله دعاها دانست.
پنجم	توضیح عشق، کمک‌رسانی و انجام خدمات داوطلبانه	توضیح در زمینه عشق و اینکه کلمه «عشق» با معنویت همراه است و موجب احساسی معنوی می‌شود، احساس همانگی با خدا، نجات از خودبینی و عشق ورزیدن به دیگران مطرح گردید.
ششم	فهم عفو و بخشودگی	توضیح در زمینه بخشش و اینکه چه کسانی را قرار است ببخشیم: بخشش کسانی را که با آنها رابطه‌ای نداریم، بخشش کسانی که با آنها رابطه‌ای داریم و...
هفتم	ترس و ایمان، بررسی تجربیات ناشی از بخشودگی	توضیح درباره دور شدن از دل‌های آکنده از تردید و به دست آوردن یقین، جایگزین کردن ایمان و اعتقاد به جای ترس و تردید، پرسش در زمینه بیان و سپس اتمام جلسه با دعای بخشش.
هشتم	شکر و توجه به تغییرات مثبت حاصل از معنویت و معنادهی به تجربیات سخت	کمک به پیدا کردن معنا در آنچه آن را ناخوشایند می‌دانند و شکرگزاری، شرح روش‌های معنا دادن به زندگی و اینکه معنای زندگی با معنویت گره خورده است، به‌گونه‌ای که اگر دین و معنویت از زندگی کنار گذاشته شوند معنا دادن به بسیاری از تجارب زندگی غیرممکن خواهد بود.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمره اختلافات زناشویی، سردمزاجی زناشویی و بدرفتاری زناشویی زوجین در گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مرحله	شاخص آماری	
		میانگین	انحراف معیار
اختلافات زناشویی	پیش‌آزمون	گروه آزمایش	۱۳۳/۸۶
		گواه	۱۲۹/۸۵
	پس‌آزمون	گروه آزمایش	۱۰۶/۶۸
		گواه	۱۳۱/۴۸
سردمزاجی زناشویی	پیش‌آزمون	گروه آزمایش	۵۱/۴۵
		گواه	۴۸/۳۹
	پس‌آزمون	گروه آزمایش	۴۰/۰۱
		گواه	۴۸/۶۹
بدرفتاری زناشویی	پیش‌آزمون	گروه آزمایش	۵۹/۶۲
		گواه	۵۸/۱۱
	پس‌آزمون	گروه آزمایش	۴۷/۳۲
		گواه	۵۷/۹۸

همان‌گونه که از جدول مشاهده می‌شود، میانگین گروه آزمایش در هر سه پرسشنامه بعد از مداخله معنوی افزایش یافته است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون اختلافات، سردمزاجی و بدرفتاری زناشویی زوجین گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پیش‌آزمون

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معناداری (p)	مجذور اتا	توان آماری
آزمون اثر پیلایی	۰/۸۰۶	۳	۲۶	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۱/۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۱۹۴	۳	۲۶	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۱/۰۰
آزمون اثر هنتینگ	۴/۱۴۸	۳	۲۶	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۱/۰۰
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۴/۱۴۸	۳	۲۶	۱۵/۹۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۱/۰۰

همان‌گونه که در جدول (۲) نشان داده شده، با کنترل پیش‌آزمون، سطوح معناداری همه آزمون‌ها بیانگر آن است که بین زوجین گروه‌های آزمایش و گواه - دست‌کم - از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (اختلافات زناشویی، سردمزاجی زناشویی و بدرفتاری زناشویی) تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $F = ۱۵/۹۰$). برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام‌یک از متغیرهای وابسته بین دو گروه تفاوت وجود دارد، دو تحلیل کوواریانس یک‌راهه

در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج حاصل در جداول ذیل ارائه شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۴ است. به عبارت دیگر، ۴۴ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون مؤلفه‌های اختلافات زناشویی، سردمزاجی زناشویی و بدرفتاری زناشویی مربوط به تأثیر معنویت‌درمانی است. توان آماری برابر با ۱/۰۰ است. به عبارت دیگر، امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس یک‌راهه در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون اختلافات زناشویی، سردمزاجی زناشویی و بدرفتاری زناشویی زوجین گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پیش‌آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری p	مجذورات آتا	توان آماری
زناشویی اختلافات زناشویی	پیش‌آزمون	۱	۳۲۶۹/۵۲	۲۴/۶۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۰/۹۹۲
	گروه	۱	۱۳۵۸/۶۵	۲۷/۴۱	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱	۰/۹۹۷
	خطا	۲۷	۳۲۵/۸۵	۱۲۰/۹۶			
سردمزاجی سردمزاجی	پیش‌آزمون	۱	۱۱۳۴/۴۱۸	۲۱/۲۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۱/۰۰
	گروه	۱	۷۱۹/۰۷۸	۲۵/۴۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸	۰/۹۹۸
	خطا	۲۷	۷۶۲/۵۱۵	۲۸/۲۴۱			
بدرفتاری بدرفتاری	پیش‌آزمون	۱	۱۵۴۲/۸۵	۲۵/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱	۰/۹۹۲
	گروه	۱	۱۱۲۵/۸۵	۲۰/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۹	۰/۹۹۹
	خطا	۲۷	۲۵۶/۹۶	۱۱۴/۲۸			

همان‌گونه که در جدول (۳) نشان داده شده است، با کنترل پیش‌آزمون بین زوجین گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ اختلافات زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد ($F= ۲۷/۴۱$ و $p < ۰/۰۰۰۱$). به عبارت دیگر، معنویت‌درمانی با توجه به میانگین اختلافات زناشویی زوجین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش اختلافات زناشویی زوجین گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۵۱ است. به عبارت دیگر، ۵۱ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون اختلافات زناشویی مربوط به تأثیر معنویت‌درمانی است. با کنترل پیش‌آزمون بین زوجین گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ سردمزاجی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۰۱$) و $F= ۱۸/۰۹$). به دیگر سخن، معنویت‌درمانی با توجه به میانگین سردمزاجی زناشویی در زوجین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش سردمزاجی زناشویی زوجین گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۸ است؛ یعنی ۴۸ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون سردمزاجی زناشویی مربوط به تأثیر معنویت‌درمانی است.

همچنین با کنترل پیش‌آزمون بین زوجین گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ بدرفتاری زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد ($F= ۲۲/۷۴$ و $p < ۰/۰۰۰۱$). به عبارت دیگر، معنویت‌درمانی با توجه به میانگین بدرفتاری

زناشویی در زوجین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش بدرفتاری زناشویی زوجین گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۴۹٪ است؛ یعنی ۴۹ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون بدرفتاری زناشویی مربوط به تأثیر معنویت‌درمانی است.

بحث و نتیجه‌گیری

تیل هارد دی چاردین معتقد است: انسان‌ها موجودات بشری نیستند که تجربه معنوی دارند، بلکه آنها موجوداتی معنوی هستند که تجربه بشری دارند (ریچارد، ۱۹۹۰). پژوهش‌های تجربی نیز به‌طور قطع نشان داده‌اند که ایمان و تعهد مذهبی با عملکرد سالم جسمی، عاطفی و اجتماعی، رابطه‌ای مثبت دارند. باورهای معنوی - مذهبی را دیگر نمی‌توان صرفاً به‌عنوان روان‌رنجوری‌ها یا باورهای غیرمنطقی که باید معالجه شوند، نگرید، بلکه اکنون بسیاری از درمانگران، باورها و رفتارهای معنوی را به‌مثابه منابع قدرتمند تغییردرمانی در درمان فردی، گروهی و یا خانواده در نظر می‌گیرند.

خانواده کوچک‌ترین زیرمجموعه جامعه و مهم‌ترین و اثرگذارترین واحد در رشد و پرورش اعضای جامعه و نیازمند تعادل و سلامت جسمی و روانی برای عملکرد مطلوب است. از بین اعضای خانواده، محوری‌ترین نقش از آن زن و شوهر است که وضعیت روانی آنها تأثیری اجتناب‌ناپذیر بر عملکرد این واحد کوچک دارد. تعارضات و نارضایتی از زندگی، هزینه‌های گزاف‌درمانی و روانی را به جامعه و اعضای خانواده تحمیل می‌کند. این شیوه درمان با عنایت به بافت فرهنگی و در نظر گرفتن بعد معنوی انسان‌ها می‌تواند کمک شایانی برای این موضوع باشد.

بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دینداری عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی در خصوص رضایتمندی زناشویی است (جدیری، ۱۳۹۶، به نقل از: استفارد، ۲۰۱۳؛ صابی، راور و جنسن ۲۰۱۴). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد: گرایش‌ها و مداخله‌های مذهبی یکی از مؤثرترین روش‌ها برای بهبود وضعیت مراجعان است (جدیری ۱۳۹۶، به نقل از: اکبرپور بنی و توکلی، ۱۳۹۰؛ وحیدی مطلق، چوپانی و همکاران، ۱۳۸۹).

عواملی همچون مذهب و معنویت، تفاوت‌های قومی و نژادی و باورهای فرهنگی متفاوت، ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگی هستند که بر روابط زوجین تأثیر می‌گذارند. از این‌روست که یافته‌ها نشان می‌دهند: عوامل مؤثر بر پایداری ازدواج و رضایت از زندگی زناشویی در فرهنگ‌های گوناگون متأثر از آن فرهنگ است (هالفورد و بادمن، ۲۰۱۳).

متخصصان به این واقعیت اذعان دارند که رابطه دین و فرهنگ رابطه‌ای ناگسستگی است و آنچه فرهنگ را شکل می‌دهد دین است. به بیان دیگر، نیاز انسان به کلام متعال الهی خمیرمایه فرهنگ است. دین بر مهم‌ترین معنا و مفهومی که زندگی خانوادگی برای هر یک از افراد آن دارد، اثری عمیق می‌گذارد. ارزش‌ها و باورهای دینی

باید به دقت مورد توجه قرار گیرند. در غیر این صورت فرایندهای خانواده که در حقیقت از درون یک دین خاص بهنجار است، ممکن است اختلالات روانی تلقی شود (کارلسون و همکاران، ۱۳۷۸). از این رو در این پژوهش سه فرضیه مدنظر بود که هر یک براساس یافته‌های آن تحلیل و تبیین گردید:

در فرضیه اول نتایج نشان داد: معنویت‌درمانی بیانگر آن است که بین زوجین گروه‌های آزمایش و گواه از لحاظ متغیر اختلافات زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های شیرالی (۱۳۹۳)، اعتماد (۱۳۹۲)، مرادی‌مهر (۱۳۹۲)، جوادی (۱۳۹۲)، عباس‌وند (۱۳۹۱)، گارلند (Garland, E.L.; 2015)، لونگ (۲۰۱۳)، فینچ، لامبرت و بیچ (Fincham, F. D. & Lambert, N. M. & Beach, S. R. H.; 2012) و هالفورد، مارکمن (۲۰۱۱) همسویی داشت.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: اختلاف بخش جدایی‌ناپذیر زندگی زناشویی است و به‌خودی‌خود برای زندگی زناشویی خطرناک نیست. آنچه می‌تواند خطرناک باشد نحوه مواجهه همسران با اختلافاتشان است. اگر اختلافات به درستی حل نشوند، می‌توانند زندگی زناشویی را دچار بحران‌های جدی کنند. یکی از شکایات معمول این است که چرا زن و شوهر با هم اختلاف دارند و در بعضی مسائل با هم توافق نمی‌کنند؟ چون هیچ‌کس شبیه دیگری نیست. حتی دوقلوهایی که از نظر جسمی کاملاً به هم شبیه هستند و در یک محیط بزرگ می‌شوند، از نظر شخصیتی با هم تفاوت‌هایی دارند. به همین سبب اختلاف بین دو شخص، به‌ویژه در میان زن و شوهر امری کاملاً طبیعی است. لیکن دو نکته مهم را باید در نظر گرفت: درجه اختلاف و چگونگی حل اختلاف.

همان‌گونه که اشاره شد، تا زمانی که این اختلاف‌ها فاصله زیادی نداشته باشند، با گذشت و چشم‌پوشی هماهنگ شوند، و راه‌حل منطقی برایشان ارائه شود، مشکل جدی به وجود نمی‌آید. یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند چگونه با هم ارتباط برقرار کنند و چگونه از هم متفاوت باشند. تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوجین به خاطر همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند درجات متفاوتی از استقلال و همبستگی را نشان می‌دهند. این تفاوت‌ها را می‌توان روی یک پیوستار، از تعارضی متوسط تا تعارضی کامل طبقه‌بندی کرد. همسرانی که در ابراز تفاوت‌های خود ناکارآمد هستند، نسبت به زوجین کارآمد ناراضی‌تر هستند (طاهری، ۱۳۹۶).

در مطالعات گوناگون، زوجین دارای تعارض میزان زیادی عواطف منفی، شکایت و انزوا در مقایسه با زوجین کارآمد نشان می‌دهند که علت آن ناتوانی آنها در حل اختلافات است (ظهیرالدین و خدایفر، ۱۳۸۲؛ خلیلی، ۱۳۷۸؛ شیری، ۱۳۸۷؛ معتمدین، ۱۳۹۳).

ولمن (Wolman, R.; 2001) «معنویت» را «تلاش دائم بشر برای پاسخ دادن به چراهای زندگی» تعریف کرده است. معنویت جست‌وجوی معنا و هدف به منظور ارتباط با منبعی مقدس یا واقعیتی غایی است. معنویت، چه

به دنبال ارتباط با منبعی مقدس باشد، یا واقعیتی غایی، با نوعی تعالی و اخلاق مسئولانه در قبال این منبع مقدس یا واقعیت غایی همراه است.

«معنویت‌درمانی» به‌مثابه یک روش‌درمانی مؤثر در سال‌های اخیر مدنظر قرار گرفته است. مذهب و معنویت مجموعه‌ای را ارائه می‌دهند که از راه آنها انسان می‌تواند معنا و مفهوم زندگی خود را درک کند. به همین علت است که معنویت پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای امید و سلامت روان و منبعی مهم در حل بروز مشکلات زناشویی است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۲). بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که بپذیریم معنویت‌درمانی بر کاهش اختلافات زناشویی زوجین مؤثر است. براساس ایمان به خدا، دلپره، نگرانی و نارضایتی - که بسیاری از انسان‌ها در معرض ابتلای به آن هستند - کاهش می‌یابد و یا از بین می‌رود. توجه به زندگی مادی بر جهان سیطره دارد و رقابت شدیدی برای به دست آوردن مادیات بر مردم حکومت می‌کند. این در صورتی است که توجه به نیازهای روحی در همین زمان بسیار محسوس‌تر است. همین گرایش به مادیات و رقابت در تملک آنها موجب فشار روحی بر انسان معاصر و سردرگمی او شده، او را در معرض ته‌اجم نگرانی‌ها، ناامیدی‌ها و بیماری‌های گوناگون روانی قرار داده است. درمانگری مذهبی زوجین را به دیدن نکات مثبت زندگی زناشویی تشویق می‌کند تا از سودمندی‌ها و آرامشی که از طریق معنویت کسب می‌کنند، آگاهی و اطلاعات بیشتری به دست آورند.

در فرض دوم نشان داد: با کنترل پیش‌آزمون بین زوجین گروه آزمایش و گروه گواه، از لحاظ سردمزاجی زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، معنویت‌درمانی با توجه به میانگین سردمزاجی زناشویی در زوجین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش سردمزاجی زناشویی زوجین گروه آزمایش شده است.

این یافته با یافته‌های پژوهش‌های معتمدین (۱۳۹۳)، مهروی (۱۳۹۲)، دیناری (۱۳۹۲)، عباس‌وند (۱۳۹۱)، نظرزاده (۱۳۸۹)، یاس (۲۰۱۳)، گرین برگ (Gerin berg; 2008). به نقل از: انتظاری، (۱۳۸۷)، امانو و برون (Amato, E.S. & Brown, M.N.; 2011) و مارکمن (Markman, H.J; 2012) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته، می‌توان گفت: سردمزاجی معمولاً از شکایت و گله‌گذاری زوجها نسبت به هم شروع می‌شود؛ انتظاراتی که به زبان آورده می‌شوند، ولی به وقوع نمی‌پیوندند. درواقع دو طرف این رابطه به نیازها و خواسته‌های دیگری اهمیت نمی‌دهند، به‌گونه‌ای که گویا زن و شوهر یکدیگر را می‌بینند، ولی صدای هم را نمی‌شنود و به وجود همدیگر - تنها - عادت کرده‌اند. کسی که دچار سردمزاجی شده است به خود و سلامت فردی و اجتماعی خود بی‌توجه می‌شود و حتی به سلامت دیگر افراد خانواده نیز کم اهمیت می‌دهد، وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد و مسئولیت‌های خود را در مقابل دیگر افراد خانواده با سردی و بی‌میل و رغبت انجام می‌دهد؛ روابطی که با گذشت زمان و گذر از این مرحله منجر به متفاوت شدن خواسته‌ها، نگرش‌ها و نیازهای زن و

مرد و در پی آن دور شدن آنها از هم شده است که در چنین شرایطی تنها وجود انگیزه‌های خاص می‌تواند دو شخص را به زندگی در کنار هم وادارد که معمولاً این انگیزه نیز وجود فرزندان و یا در کشور ما مسائل خاص اجتماعی است؛ مسائلی که منجر به تحمل زندگی و ادامه آن می‌شود، درحالی‌که این‌گونه زندگی هر لحظه آماده رخدادی جدید است (پیرانی، ۱۳۹۷).

معنویت‌درمانی به توانایی‌ها و مهارت‌هایی برای توسعه، حفظ و ارتباط با منشأ غایی همه موجودات و کامیابی در جست‌وجوی معنای زندگی، یافتن یک مسیر اخلاقی که به هدایت ما در زندگی کمک کند، درک معنویات و ارزش‌ها در زندگی شخصی و روابط بین فردی اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، معنویت همان توانایی است که به ما قدرت می‌دهد تا برای به دست آوردن رؤیاهایمان تلاش کنیم. این هوش زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آنها معتقدیم و دربردارنده نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش‌ها در فعالیت‌هایی است که بر عهده می‌گیریم (ابراهیمی، ۱۳۹۸).

درواقع به واسطه معنویت است که ما به سؤال‌سازی در ارتباط با مسائل اساسی و مهم زندگی خود پرداخته و به وسیله آن در زندگی خویش تغییراتی ایجاد می‌کنیم. با استفاده از معنویت و با توجه به جایگاه معنا و ارزش آن به حل مشکلات می‌پردازیم و قادریم توسط آن به کارها و فعالیت‌هایمان معنا و مفهوم بخشیده، با استفاده از آن بر معنای عملکردمان آگاه شویم و دریابیم که کدامیک از اعمال و رفتارهایمان از اعتبار بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی‌مان بالاتر و عالی‌تر است تا آن را الگو و اسوه خود سازیم. معنویت ما را قادر می‌سازد هر چیزی را آن‌گونه که است، ببینیم (نظرزاده، ۱۳۹۶).

امروزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند تفکر و اندیشه در باب تأثیرگذاری تقییدات دینی بر تمام امور انسانی، به‌ویژه مسائل عاطفی و روحی هستیم. بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بر این باورند که معنویت تأثیر انکارناپذیری بر سلامت روح و جسم و دیگر ابعاد زندگی بشر دارد. بیمارانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های استرس‌زا دارند، هنگام بیماری سریع‌تر از افراد غیرمذهبی بهبود پیدا می‌کنند، میزان پایین‌تری از هیجانانگیزی منفی و افسردگی را تجربه می‌کنند، اضطراب کمتری دارند و از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند. بنابراین می‌توان پذیرفت که معنویت‌درمانی بر کاهش سردمزاجی زناشویی زوجین مؤثر است.

در فرض سوم نشان داد: با کنترل پیش‌آزمون بین زوجین گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ بدررفتاری زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، معنویت‌درمانی با توجه به میانگین بدررفتاری زناشویی در زوجین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب کاهش بدررفتاری زناشویی زوجین گروه آزمایش شده است.

این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دیناری (۱۳۹۳)، نظرزاده (۱۳۹۶)، باس (۲۰۱۳)، الدوس (۲۰۰۹) و هالفورد، مارکمن و استانلی (۲۰۱۳) همسو بوده است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: با وجود دگرگونی در ساختار خانواده و نقش‌های خانوادگی، بی‌تردید خانواده همچنان یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به‌شمار می‌رود. اهمیت خانواده از آن‌روست که نه تنها محیط مناسبی برای همسران به‌شمار می‌آید، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز بر عهده دارد. اهمیت والای خانواده زمانی بهتر درک می‌گردد که به کارکردهای اساسی و بنیادین آن توجه نماییم. یکی از این کارکردهای اصلی تکوین و شکل‌دهی شخصیت‌های انسان‌هاست. ایفای بهینه این کارکردها نه تنها برای بقای خانواده ضروری است، بلکه برای تداوم جامعه و انسجام اجتماعی نیز لازم است. ولی با این وجود، در حال حاضر خانواده دچار آسیب‌هایی نظیر طلاق، اختلافات زناشویی، خودکشی، کودکان فراری و خشونت خانوادگی شده است.

«خشونت خانوادگی» پدیده‌ای است که روابط سالم خانوادگی را که برای بقا و تحکیم خانواده ضروری است، متزلزل ساخته، بعضاً از بین می‌برد. ممکن است برخی افراد تعجب کنند، اما این واقعیت دارد که بیشتر خشونت‌ها در خانواده‌ها روی می‌دهند.

توکل به خدا و داشتن امید در تمام مراحل زندگی به‌مثابه مؤلفه معنویت به زوجین آموزش داده شد تا بتوانند معنایی را در رنج و سختی پیدا کنند. بنابراین وقتی زوجین دچار مشکلات می‌شوند عزت نفس خود را حفظ کرده، امید خود را ازدست نمی‌دهند و با توکل به خدا سعی می‌کنند معنایی را در رنج و مشکلی که درگیر آن شده‌اند، بیابند و با موفقیت آن را حل و فصل کنند.

یکی از راه‌های کاهش بدرفتاری زناشویی زوجین «معنویت‌درمانی» است. هرگاه معنویت بخواهد نقش خود را در مواجهه‌درمانی به‌طور کامل ایفا کند، باید دیدگاه یا رویکردی وجود داشته باشد که به درمانگر کمک کند تا بتواند این نقش را به‌درستی درک نماید. بی‌تردید هر درمانگری برای خود دیدگاه‌هایی در زمینه معنویت دارد.

در این باره، نکته این است که درمانگر چگونه می‌تواند در تجربه معنوی مراجعان در طول زندگی آنان و در اتاق درمان حضور پیدا کند؟ موضع خاصی که درمانگر اتخاذ می‌کند به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که «کدام رویکرد را باید پذیرفت؟» البته این هم راه‌حلی است که درمانگر با افراد و مراجعان متعلق به مذهب خودش کار کند و بدین‌روی نقشی شبیه نقش یک هدایت‌کننده معنوی داشته باشد. درمانگر انعطاف‌پذیر که در یک چارچوب مذهبی کار می‌کند، می‌تواند فرازونشیب‌های معنوی مراجعان خود را به خوبی درک نماید (حمید و همکاران، ۱۳۹۱).

داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی - همگی - از جمله روش‌هایی هستند که افراد با دارا بودن آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. فرد معنوی کسی است که

امید دارد و به تبع آن انرژی و انگیزه لازم را برای رسیدن به هدف‌های منطقی دارد و می‌داند که چه چیزی می‌خواهد و همچنین می‌داند که چگونه و از چه راهی می‌تواند به هدف‌های خود برسد. چنین شخصی اگر در یک مسیر به مانع برخورد کرد از مسیرهای دیگری اهداف خود را دنبال می‌کند.

بدون امید که یک گرایش مثبت در مقابله با سختی‌هاست، بسیاری از افراد دچار افسردگی یا تسلیم بیماری خود می‌شوند. معنویت پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای امید و سلامت روان محسوب می‌شود. امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی از جمله روش‌هایی است که افراد با دارا بودن آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری متحمل شوند. با توجه به بررسی‌ها و مطالعات به‌عمل‌آمده، تأثیرات درمان معنویت، بسیاری از مشکلات و اختلافات خانوادگی را کاهش داده، با توجه به تأکید بر نیازهای عاطفی و روانی خانواده، می‌توان پذیرفت معنویت‌درمانی بر کاهش بدرفتاری زناشویی زوجین مؤثر است.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

از محدودیت‌های این پژوهش، ابزار اندازه‌گیری است که می‌تواند بر تعمیم‌پذیری نتایج اثر بگذارد. پیشنهاد می‌شود از ابزار ارزیابی جامع‌تری همراه با مصاحبه بالینی استفاده شود. آزمودنی‌های شهر کرمانشاه نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. بنابراین نتایج به‌دست‌آمده محدودیت داشته، فقط بر این شهر قابل تعمیم است.

عدم پیگیری به علت کمبود وقت نیز از جمله محدودیت‌های این پژوهش است. معنویت‌درمانی یکی از راه‌های اساسی و پراهمیت و یک روش درمانی است که بشر می‌تواند به کمک آن پیش‌بینی و پیشگیری کند و با کمک گرفتن از دین، نماز و نیایش، به منبع لایزال و نامتناهی قدرت الهی وابسته شده و احساس امید و آرامش داشته باشد.

شرکت در مراسم مذهبی آثار روانی اجتماعی مهمی به همراه دارد که علاوه بر انجام فرایض دینی، نوعی ارتباط سالم و عاطفی بین افراد خانواده و جامعه ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان از یافته‌های این تحقیق در افزایش رضایتمندی خانواده و ارتقای میانی تحکیم خانواده استفاده نمود. از این‌رو براساس نتایج به‌دست‌آمده از معنویت‌درمانی، پیشنهاد می‌گردد برای افزایش سلامت خانواده، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی معنویت‌درمانی را به‌مثابه عامل پیش‌بینی و پیشگیری‌کننده در کاهش اختلافات، سردم‌زاجی و بدرفتاری زناشویی مورد استفاده قرار دهند.

منابع

- ابراهیمی، محمداسماعیل، ۱۳۹۸، *روان‌شناسی مثبت‌نگر*، تهران، امین‌نگار.
- براتی، طاهره، ۱۳۷۵، *تأثیر تعارض‌های زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- پانیز، آیلاملاج، ۱۳۸۱، *چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نیجامد*، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس.
- پیرانی، ذبیح‌الله، ۱۳۹۷، *اثر بخشی روان‌درمانی گروهی مبتنی بر کیفیت زندگی بر تعهد زناشویی در زنان نابارور*، *زنان و خانواده*، دوره سیزدهم، ش ۴۵، ص ۹۷-۱۱۵.
- توان، بهمن و همکاران، ۱۳۸۸، *«رابطه نگرش دینی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک»*، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ش ۴، ص ۲۷-۳۴.
- جدیری، جعفر و همکاران، ۱۳۹۶، *«اثر بخشی زوج‌درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی»*، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۲۰، ص ۷-۳۷.
- جوادی، هادی، ۱۳۹۲، *بررسی تأثیر معنویت‌درمانی بر صمیمیت زوجین شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- حمید، نجمه و مهدی زمستانی، ۱۳۹۲، *«رابطه هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی دانشجویان پزشکی»*، *مجله پزشکی هرمزگان*، سال هفدهم، ش ۴، ص ۳۴۷-۳۵۵.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۱، *«اثر بخشی روان‌درمانی شناخت - رفتاری مذهب‌محور توأم با بازآموزی بخشودگی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش رضایت از زندگی در زوجین»*، *روانشناسی و دین*، ش ۱۵(۲)، ص ۵-۳۴.
- خلیلی، مهدی، ۱۳۷۸، *بررسی تضاد در خانواده (با تأکید بر تضاد میان همسران) و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- دیناری، علی، ۱۳۹۳، *بررسی تأثیر معنویت‌درمانی بر سردمزاجی زناشویی زوجین شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- رزاقی، نرگس و دیگران، ۱۳۹۰، *«رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی»*، *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ش ۷ (۲۷)، ص ۱۷۷-۲۶۹.
- زاهدی‌فر، شهین و همکاران، ۱۳۸۹، *«ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری»*، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۳، ص ۷۳-۱۰۲.
- سالاری‌فر، محمدرضا، ۱۳۹۳، *طراحی زوج‌درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر متون اسلامی و مقایسه کارآمدی آن با زوج‌درمانی توسعه یافته اسلامی در افزایش رضایت زناشویی*، رساله دکتری روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیرالی، مهناز، ۱۳۹۳، *بررسی تأثیر معنویت‌درمانی بر الگوهای ارتباطی و صمیمیت با همسر در زوجین شهر کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- شیری، زهره، ۱۳۸۷، *مهارت حل تعارض برای همسران*، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- صفریان، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۷، *«نقش واسطه‌های بخشش و امید در تأثیر گذاری ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت زناشویی زوجین در معرض طلاق»*، *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، سال چهارم، ش ۲، ص ۷۱-۸۵.
- طاهری، نیلوفر، ۱۳۹۶، *«اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر افزایش سازگاری و رضایتمندی زناشویی زنان مبتلا به سرطان»*، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره پانزدهم، ش ۴ (۹۳)، ص ۳۰۱-۳۱۲.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۶، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی.

ظهيرالدين عليرضا و فاطمه خديفر، ۱۳۸۲، «بررسی نیمرخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران»، *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی کاشان*، ش ۷، ص ۱-۷.

عبادی، ندا و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی اثربخشی آموزش مثبت‌نگری با تأکید بر آیات قرآن بر افزایش امید به زندگی زنان مطلقه شهر اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال سوم، ش ۲، ص ۷۱-۸۴.

غفوری، سمانه و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد»، *اصول بهداشت روانی*، ش ۱۵، ص ۴۵-۵۷.

فردریکسون، بارابا، ال، ۱۳۸۷، «دین چگونه به سلامتی و بهزیستی ما کمک می‌کند»، ترجمه سیدهدانی موسوی، *روانشناسی و دین*، سال اول، ش ۳، ص ۱۲۷-۱۴۰.

فقیهی، علینقی و فاطمه رفیعی‌مقدم، ۱۳۸۸، «بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های روانشناختی مبتنی بر روایات اسلامی در رضایت زناشویی زوجین»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، ص ۸۹-۱۰۴.

فوتنانه، دیوید، ۱۳۸۵، *روانشناسی دین و معنویت*، ترجمه الف ساوار، قم، ادیان.

قاسمزاده، مهدی، ۱۳۹۲، *بررسی تاثیر طرحواره درمانی بر میزان تعامل روانشناختی و بهداشت روان در افراد شرکت‌کننده در کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج شهرستان اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

قلیلی، زهره، ۱۳۹۳، «اثر بخشی آموزش شیوه حل مسئله بر کاهش تعارضات زناشویی»، *روانشناسی کاربردی*، دوره ۲، ش ۲، ص ۲۳۱-۲۴۳.

کارلسون، ج. و دیگران، ۱۳۷۸، *خانواده‌درمانی تضمین درمان کارآمد*، ترجمه شهین نوایی‌نژاد، تهران، روان.

محسن‌زاده، فرشاد و همکاران، ۱۳۹۰، «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۳، ص ۷-۴۲.

مرادی‌مهر، مجتبی، ۱۳۹۲، *تأثیر معنویت‌درمانی بر صمیمیت و بهبود روابط متقابل افراد متقاضی ازدواج شرکت‌کننده در کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، تهران، دانشگاه الزهراء.

معتدین، رضا، ۱۳۹۲، *بررسی تأثیر آموزش معنویت‌درمانی بر رضایت زناشویی و باورهای غیرمنطقی زوجین کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج استان کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، کرمانشاه دانشگاه آزاد اسلامی.

ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۸، *راهی به راهی*، تهران، نگاه معاصر.

مهدوی، رضا، ۱۳۹۲، *تأثیر معنویت‌درمانی بر سردمزاجی زناشویی و بهداشت روان زوج‌های شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، تهران، انستیتو روانپزشکی.

نظرزاده، علی، ۱۳۹۶، *بررسی اثربخشی معنویت‌درمانی بر سردمزاجی زناشویی زوجین هر دو ناساغل آموزش و پرورش شهرستان شاهرو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی*، تهران، انستیتو روانپزشکی.

نعیم، سامیه، ۱۳۸۷، *رابطه بین دلزدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

نوری، ربابه، ۱۳۹۲، *آموزش مهارت‌های معنوی*، تهران، دانشگاه تهران.

نویدی، فاطمه، ۱۳۸۴، *بررسی و مقایسه رابطه دلزدگی زناشویی با عوامل جو سازمانی در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

وزیری، شهرام و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی امید درمانی گروهی در کاهش پریشانی روانشناختی زنان دچار سرطان پستان»، *روانشناسی کاربردی*، ش ۲۸، ص ۴۵-۵۸.

ویسی، اسدالله، ۱۳۹۱، «طراحی و مقایسه اثربخشی دو برنامه درمانی مبتنی بر اصول درمان روایتی و درمان مبتنی بر آموزه‌های قرآنی در کاهش تعارض‌های زناشویی»، *روان‌درمانی و مشاوره خانواده*، دوره دوم، ش ۳ (۶)، ص ۳۴۰-۳۵۷.

- Aldous, J, 2009, *Family Careers: rethinking the developmental perspective*, Sag Publication, Inc.
- Amato, E.S & Brown, M.N, 2011, *Love and intimate relationship*, London, Brunner Mazzel press.
- Aten, D.J. & Worthington, E. L., 2009, "Next Steps for Clinicians in Religious and Spiritual Therapy: An Endpiece", *Journal of clinical psychology*, N. 65(2), p. 224-229.
- Bush, B., 2013, "The relationship between communication skill and maritalisfaction", *Journal of marital and family*, N. 53, p. 110-340.
- buss, A. H., & Perry, M., 1998, "The Aggression Questionnaire", *Journal of Personality and Clinical Psychology*, N. 63, p. 452-459.
- Cutrona, C. E., Russell, D. W., Burzette, R. G., Wesner, K. A., & Bryan, C. M, 2013, "Predicting relationship stability among midlife African American couples", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, N. 79(6), p. 814-825.
- Diblasio F, Benda B., 2008, "Forgiveness intervention with married couples: Two empirical analyses", *Journal of psychology and Christianity*, N. 5, p. 511-523.
- Fincham, F. D. & Lambert, N. M. & Beach, S. R. H. (2012), Faith and Unfaithfulness: Can Praying for Your Partner Reduce Infidelity? *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 99(4), p. 649-659.
- Fincham, F.D & Beach, S.R.H, 2007, "Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well established relationship?", *The Journal of Positive Psychology*, N. 92, p. 260-268.
- Garland EL, Farb NA, R. Goldin P, Fredrickson BL., 2015, "Mindfulness broadens awareness and builds eudaimonic meaning: A process model of mindful positive emotion regulation", *Psychological Inquiry*, N. 26(4), p. 293-314.
- Halford, W. K. & Bodenmann, G., 2013, "Effects of relationship education on maintenance of couple relationship satisfaction", *Clinical Psychology Review*, N. 33(4), p. 512-525.
- Halford, W.K. Markman, H.J. Stanly S.M., 2011, *Fighting for your marriage new and evised version*, San Francisco: jossey- Bass.
- Inglehart, Ronald and Pippa Norris, 2003, *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change around the World*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Leas, Timo. & Leas, Tuula, 2001, *Career burnout & its relationship to couple burnout in finland*, [http:// www.eric. ed. Gov](http://www.eric.ed.Gov).
- Longh, H., 2013, "Political bias, moral, values, and spirituality in the training of psychotherapists", *Bulletin of the Menninger clinic*, N. 60, p. 88-502.
- Mahaffey, Barbara A., 2010, "Couples Counseling Directive Technique: The effect of Emotion Management training to Promote Insight, Catharsis, Disclosure, intimacy, and marital satisfaction", *The Family Journal*, N. 1, p. 45-49.
- Markman, H.J. Halford, W.K. Stanly S.M., 2012, *Fighting for your marriage new and evised version*, San Francisco, jossey- Bass.
- Moor, E, Halford, W.K.Wilson, K.L.,Farrugia, C., 2016, "Benefits of fiexible delivery relationship education: An evaluatiom of the effect of communication skills training", *Family Relaiions*, N. 59, p. 12-23.

- Paniz, C., 1996, *Theoretical and empirical connections between forgiveness*, Mental health, and well-being.
- Paniz, Nanz, C. J., 2013, "Gender and forgiveness: A meta-analytic review and research agenda", *Journal of Social and Clinical Psychology*, N. 8(27), p. 876-843.
- Propest, L. R., 2008, *Psychotherapy in a religious frame work*, Man Sciences Pries, Inc.
- Ranestin, T. A' Gan, C. M. Arasenkai.D.E, 2006, "Does coping help? A reexamination of the relation between coping and mental health", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 53, p. 337-348.
- Richards P, Bergin A, 1990, *A spiritual strategy for counseling and psychotherapy*, 3rd ed, Washington, American psychological association.
- Schramm, D.G, marshal. J. p, Haris, v. w. and Lee. T, R, 2012, "Religiosity.homojamy and marital adjustment. journal of family therapy", *homogamy and marital adjust journal of family issues*, N. 33(2), p. 246-247.
- Seligman, M. E. P, Steen, 2005, "Positive psychology progress, empirical validation of interventions", *The American Psychological Association*, N. 60(5), p. 410-421.
- Snyder, M. B., 2004, *Senior Student affairs officer Round Table: Hottest topics in student affairs. Session held at the annual meeting of the national association of student*, Personnel Administrators, Denver, Colorado.
- Spilka, Bernard.et all, 2003, *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*, New York, Guilford Press.
- Vahedian azimi, A, Rahimi, A, 2013, "Concept of Spirituality: A Conventional Content Analysis", *Journal of qualitative Research in Health Sciences*, N. 2(1), p. p:11-20.
- Wolfsdorf, F. Groth, T., 2013, "The efficacy of compact psychoeducational group training program for mental health", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, N. 66, p. 735-760.
- Wolman R., 2001, *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*, New York, Harmony Books Press.
- Worthington, E. L., 2008, "Hope-focused and forgivenessbased group interventions to promote marital enrichment", *Journal of Counseling and Development*, N. 80, p. 452-463.


خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه «هوش اخلاقی» کودکان

glp_e@yahoo.com

الهه گلپایگانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

مهناز علی‌اکبری دهکردی / استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

aliakbaridehkordi@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-8918-3346

t.mohtasham@gmail.com

طیبه محتشمی / کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

چکیده

با توجه به اهمیت اخلاق در اسلام و رابطه تنگاتنگ دین و اخلاق، از مهم‌ترین مسائل تربیتی در جامعه اسلامی، پرورش هوش اخلاقی است. در داخل کشور، ابزار اندازه‌گیری این مفهوم برای کودکان وجود ندارد. این پژوهش با هدف تولید ابزار بومی‌شده، به بررسی روایی و پایایی «پرسشنامه سنجش هوش اخلاقی» در کودکان ۳ تا ۷ ساله ایرانی پرداخته است. ۳۸۷ تن از دختران و پسران ۳ تا ۷ ساله ساکن مناطق ۲۲گانه شهر تهران با روش «نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده» انتخاب شدند. چارچوب نظری تحقیق براساس عقاید الگوی بوربا (۲۰۰۵) شکل گرفته است. از روش «پیمایشی» استفاده شده و برای بررسی روایی این پرسشنامه از روایی سازه و روایی عملی، و برای پایایی ابزار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با حذف برخی گویه‌ها و تغییر در برخی گویه‌ها در عوامل اولیه، این الگو تأیید شده و این مقیاس به‌عنوان الگویی برای سنجش هوش اخلاقی در کودکان شهر تهران با توجه به تغییرات اجتماعی - شناختی در جامعه ایرانی ابزاری پایا و رواست.

کلیدواژه‌ها: هوش اخلاقی، کودکان، روایی، پایایی.

اخلاق از چنان ارزش و جایگاهی برخوردار است که پیامبر اکرم ﷺ هدف بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» می‌داند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۵). این بدان علت است که اخلاق افزون بر آنکه صاحبش را به عالی‌ترین درجات انسانیت می‌رساند و بر دیگر افراد بشر فضیلت می‌دهد، او را در آخرت نیز به عالی‌ترین درجات ارتقا خواهد داد و همچون مصالح ساختمانی برای پی‌ریزی بنای حیات ابدی او به حساب می‌آید. از منظر قرآن کریم، دین با اخلاق عجین و همراه است؛ به این معنا که اخلاق بدون دین و دین بدون اخلاق قابل تصور نیست (محمدنژاد عمران، ۱۳۹۳).

با اندک تأملی در مفاهیم متعالی اسلامی می‌توان به ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین پی برد. دین بر اهمیت توجه به مسائل انسانی و ارزشی، از جمله عدالت، صداقت و نودوستی تأکید دارد. از سوی دیگر این مفاهیم اساساً وظیفه اخلاقی را در اجتماع برای ما به‌مثابه موجودی اجتماعی نمایان می‌کند. بدین‌روی، بین مضامین دین و اخلاق مشترکات زیادی می‌توان یافت (کریمی، ۱۳۸۹).

یکی از مباحث مهم در مبانی اخلاق، ارتباط میان اخلاق و دین است. اخلاق با مبانی عقل عرفی، استنتاجات اخلاقی دارد. از سوی دیگر، نص صریح دین حکمی اخلاقی ارائه می‌دهد. مبانی مطرح در اخلاق اسلامی با لحاظ الزامات اخلاق دینی، راهبردهایی برای حل مشکلات اخلاقی ارائه می‌کنند. فضایل اخلاقی نقش اساسی در تربیت روحی و معنوی انسان دارد و موجب می‌شود انسان برای ارزش‌های والای انسانی ارزش قائل شده، همواره خدا را ناظر اعمال خود ببیند (فاطمی‌تبار، ۱۳۸۷).

علامه طباطبائی اخلاق را بخشی از دین معرفی می‌کند؛ به این صورت که دین وظیفه دارد اصول اخلاقی را به انسان تعلیم دهد و از امور قبیح پرهیز دهد. این کار دین، خود کاشفیت از ارزش‌های اخلاقی است (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۱).

شهید مطهری درباره رابطه دین و اخلاق می‌گوید: اعتقاد بر اخلاق و عمل تأثیر می‌گذارد و اخلاق و عمل نیز به نوبه خود، بر اعتقاد اثر می‌گذارند. برای اعتقاد محکم و استوار، باید فضای مساعد اخلاقی و عملی فراهم آورد. برای مثال، اعتقاد الهی در فضای مساعد اخلاقی و عملی معنوی استحکام یافته، پایدار می‌ماند. در غیر این صورت، مادیت اخلاقی به تدریج آن را مضمحل و فرسوده می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۴). هوش اخلاقی، به‌مثابه توانایی کاربرد اصول اخلاق جهانی در اهداف و مراودات یک فرد از روی قاعده است (لنیک و کیل، ۲۰۰۷).

«هوش اخلاقی» در حقیقت، «ظرفیت و توانایی فهمیدن درست از غلط، به معنای داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار به شیوه درست و پسندیده» تعریف می‌شود.

بوریا در کتاب **ساختن هوش اخلاقی** به هفت فضیلت اساسی شامل: همدلی (Empathy)، وجدان (Conscience)، خویشتنداری (Self-control)، احترام (Respect)، مهربانی (Kindness)، بردباری

(Tolerance) و انصاف (Fairness) توجه می‌کند و برای آموزش این فضیلت‌های اساسی به سبب انجام آنچه درست است و مقاومت در برابر هر فشاری که ممکن است رفتارها و عادت‌های درست آنها را به مبارزه بطلبد، مراحمی را نیز در نظر می‌گیرد (ر.ک: بوربا، ۱۳۹۰).

اگر «هوش» را «ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید» قلمداد کنیم، «اخلاق» ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد. از این رو «هوش اخلاقی» در کنار «هوش عقلانی» می‌تواند ژرفای توانمندی‌های فکری و عاطفی کودک را در ابعاد زندگی وی نمایان ساخته، نیک‌اندیشی و نیک‌خویی را در او پدید آورد (همان). در زمینه ارتباط هوش و اخلاق نیز اگر «هوش» را «ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید» قلمداد کنیم، «اخلاق» «ظرفیت سازماندهی ارزشی به آن موقعیت» خواهد بود؛ زیرا مفاهیم اخلاقی توصیف‌کننده اعتقادات و ارزش‌های هدایتگر افراد در تصمیم‌گیری‌هایشان است. می‌توان ادعا کرد: هوش اخلاقی با هفت مؤلفه‌ای که بوربا ارائه کرده است، تمام انواع دیگر هوش انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند هدایت می‌کند (بهشتی‌فر و همکاران، ۲۰۱۱).

آنچه ما برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم (سبادت و دیگران، ۱۳۸۸).

کودکان از اوایل زندگی با موضوعات اخلاقی در خانواده خود روبه‌رو می‌شوند. اصطکاک میان امیال و نیازهای کودک و موضوعات کنترل، انضباط، رابطه متقابل، عدالت و حقوق، وظایف و سعادت دیگران، همه روزه تجربه می‌شود و با سایر اعضای خانواده در این باره گفت‌وگو می‌شود. دانستن اینکه تحول روانی کودک از مراحل خاصی عبور می‌کند و هریک از مراحل اقتضاهای ویژه‌ای را به لحاظ روش، محتوا و هدف می‌طلبد، می‌تواند به اولیا و مربیان کمک کند تا در هر مرحله از تحول اخلاقی فرزند خود، انتظاراتی متناسب از او داشته باشند.

مسئله تبیین علمی و روان‌شناختی مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک و روش‌های علمی پرورش ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های رسمی و غیررسمی از جدیدترین مباحثی است که از دهه هفتاد به این سو جزو جدیدترین و عمده‌ترین مقوله‌های روان‌شناسی تربیت کودک قرار گرفته است. توجه والدین به مراحل تحول هوش و اخلاق دوران کودکی و زمینه‌سازی مناسب برای پرورش توانمندی عقلانی و رفتار اخلاقی او از مهم‌ترین رسالت‌های آنها در شکل‌دهی شخصیت فرزند است (کریمی، ۱۳۸۹).

رشد اخلاقی فرایندی است که افراد از طریق آن به توانایی انطباق رفتار خود با معیارهای درست و نادرست دست پیدا می‌کنند. این توانایی در سه زمینه «تشخیص رفتار درست از نادرست»، «ایجاد نظامی از ارزش‌های اخلاقی» و «یادگیری انجام عمل مطابق اصول و معیارهای اخلاقی» ظاهر می‌شود (کریمی‌زاده، ۱۳۹۱). در موقعیت‌های آموزش اخلاق به کودکان و نوجوانان و جوانان در مراکز تربیتی همه مؤلفه‌های اخلاق باید مورد اهتمام مربیان باشد و برای هریک از آنها از ابزارهای مناسب همان مؤلفه بهره برد (همان).

پژوهش‌ها نشان داده است: کودکانی که به هر علت هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این کودکان به سبب وجدان متزلزل، ضعف در مهار امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهایی که به گونه‌ای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب‌افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار، و در بزرگسالی به شخصیت‌های نابهنجار و ناموفق تبدیل می‌شوند. شاید بتوان گفت: مهم‌ترین نکته در مبحث هوش اخلاقی این است که این هوش به‌طور کامل آموختنی است و به‌هیچ‌وجه جنبه وراثتی ندارد و تنها از طریق تربیت به کودکان منتقل می‌شود (درنجفی شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳).

افزایش آمار مشکلاتی همچون سوءاستفاده جنسی از کودکان کم‌سن، افزایش بی‌احترامی به والدین و معلمان، افزایش بی‌ادبی، ابتذال، رواج تقلب و بی‌اعتمادی، خشونت در بین همسالان، استفاده زیاد از مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین نوجوانان و مشکلاتی مانند آن نگران‌کننده است. در دنیایی که عمدتاً از لحاظ اخلاقی مسموم است، آنچه کودکان بیش از هر چیز برای حفظ رفتار اخلاقی‌شان بدان نیاز دارند، نیروی اخلاقی است (بوربا، ۲۰۰۵).

«هوش اخلاقی» توسط بوربا (۲۰۰۵) مطرح شده و مفهومی جدید است. در این حوزه، چه در داخل کشور و چه در بین متفکران غربی، با کمبود منابع نظری و مقالات مواجهیم و تا کنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی اعتبار و پایایی مقیاس هوش اخلاقی برای کودکان ۳-۷ ساله به‌منظور سنجش هوش اخلاقی در کودکان این رده سنی و در جهت افزایش هوش اخلاقی در میان کودکان و بالتبع، افزایش فضای آرام در جامعه و پیشگیری از خشونت‌ها و رفتارهای غیراخلاقی صورت نگرفته است.

با توجه به اهمیتی که رشد اخلاقی برای کودکان و نوجوانان جامعه اسلامی دارد و نبود مقیاسی برای سنجش این مفهوم در این محدوده سنی، ضرورت این مطالعه بیشتر آشکار می‌شود. بنابراین مطالعه حاضر در عین اینکه می‌تواند زمینه‌ساز ادبیات پژوهشی مربوط به ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هوش اخلاقی کودکان باشد و زمینه مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با تحقیقات مشابه در بزرگسالان باشد، در عین حال می‌تواند زمینه کاربرد این پرسشنامه را در شرایط بومی با توجه به نوع نتایج به‌دست‌آمده در عرصه کارهای پژوهشی و کارهای تربیتی ویژه کودکان فراهم آورد.

در بررسی پژوهش‌های موجود، کریمی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای که به بررسی رشد هوش عقلانی و هوش اخلاقی در کودکان پرداخته است، بیان می‌دارد: توجه والدین به مراحل تحول هوش و اخلاق دوران کودکی و زمینه‌سازی مناسب برای پرورش توانمندی عقلانی و رفتار اخلاقی او، از مهم‌ترین رسالت‌های تربیتی والدین در شکل‌دهی شخصیت فرزند به‌شمار می‌رود.

اصغری و قاسمی جوبنه (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند: بین هوش اخلاقی و گرایش مذهبی درونی با رضایت زناشویی در معلمان ارتباط معناداری وجود دارد و هوش اخلاقی می‌تواند به‌طور معناداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید.

یافته‌های نوقی پایدار و دیگران (۱۳۹۶) نشان دادند: میان جهتگیری مذهبی درونی با هوش اخلاقی و هوش معنوی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در این پژوهش، «هوش معنوی» و «هوش اخلاقی» توانستند ۱۲ درصد از واریانس جهتگیری مذهبی درونی را پیش‌بینی کنند. از راه آشنایی با آموزه‌های اخلاقی و دینی در مباحث اسلامی، آموزش اخلاقیات و رعایت اصول اخلاقی در تربیت افراد، می‌توان به رشد هوش اخلاقی و نیز پایداری بیشتر به تعهدات مذهبی دست یافت.

بوربا (۲۰۰۵) در تحقیقات خود در زمینه رشد اخلاقی نشان می‌دهد: کودکان شش ماهه به ناراحتی دیگران واکنش نشان می‌دهند و اصل ابتدایی «همدلی» را کسب می‌کنند.

نتایج تحقیق پری (۱۹۹۷) از دانشکده پزشکی «بیلور» نشان می‌دهد: سه سال اول زندگی کودک در ایجاد همدلی یا کاشتن بذر خشونت، نقش مهمی دارد. یک عامل تعیین‌کننده مهم در رشد اخلاقی کودک این است که مراقبان نخستین چگونه با او رفتار می‌کنند. پری اشاره می‌کند که در ۳۶ ماه نخست تولد کودک، «همدلی» می‌تواند در نتیجه فشارهای عصبی، سوءاستفاده، بی‌اعتنایی و ضربه‌های روحی مکرر تا حد زیادی آسیب ببیند.

در حوزه تقویت هوش اخلاقی نیز نتایج پژوهش بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴) نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان موجب افزایش هوش اخلاقی دانش‌آموزان می‌شود.

خالقی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان داد: آموزه‌های فضایل اخلاقی بر بهبود شکل‌گیری هویت دینی منع شده، زودرس، آشفته و موفق، مؤثر بود؛ ولی بر هویت دینی قالبی اثربخش نبود. آموزه‌های اخلاقی مبتنی بر دین، می‌تواند آگاهی و تعهد به ارزش‌های بنیادین دینی را افزایش داده، بر شکل‌گیری هویت دینی موفق تأثیرگذار باشد. در داخل کشور پژوهش‌هایی که هوش اخلاقی را با استفاده از یک آزمون منحصر به کودکان زیر هفت سال بررسی کنند، موجود نیست و - در واقع - تاکنون در داخل کشور پژوهشی بنیادی در رابطه با هوش اخلاقی کودکان انجام نشده و بیشتر مطالعات مرتبط با نمونه‌های دیگر گروه‌های سنی است.

با بررسی پژوهش‌های موجود، مشاهده شد که تنها پرسشنامه هنجار شده در ایران به منظور سنجش هوش اخلاقی، مقیاس لینک و کیلی است که در دامنه سنی بزرگسالان طراحی گردیده است و فقط چهار مؤلفه هوش اخلاقی از دید لینک و کیلی (۲۰۰۷)، یعنی: درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش را در افراد بزرگسال مطالعه می‌کند.

همچنین آزمون «هوش اخلاقی» که توسط ارشاد حسینی و همکاران (۱۳۹۴) ساخته شده نیز بر جامعه بزرگسال هنجارسازی گشته است و خلأ مقیاسی مناسبی برای دامنه سنی کودکان مشاهده می‌گردد.

در پژوهش حاضر، با توجه به طبقه‌بندی سنی بوربا در حوزه هوش اخلاقی و سؤالات طبقه‌بندی شده مرتبط با هر دامنه سنی، کودکان ۳-۷ ساله انتخاب شدند. با توجه به این نکته که هوش اخلاقی آموختنی است و باید

آگاهانه شکل داده شود و پرورش یابد (بوربا، ۱۳۹۰)، کم بودن سن کودک در این دامنه، به والدین و مربیان کمک می‌کند که در صورت پایین بودن میزان هوش اخلاقی، از راهکارهای افزایش و تقویت آن بهره بیشتری بگیرند و تلاش‌های آنان مؤثرتر واقع گردد.

پژوهش حاضر میزان پایایی و روایی آزمون هوش اخلاقی برای کودکان ۳-۷ ساله در جمعیت ایرانی را کاویده است. این پژوهش سعی دارد ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ساخته شده برای هوش اخلاقی را در جمعیت ایرانی کودکان ۳-۷ ساله بررسی کند و این آزمون را به‌عنوان آزمون معتبر سنجش هفت مؤلفه هوش اخلاقی برای کودکان ۳-۷ ساله ایرانی معرفی نماید و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا آزمون مذکور از پایایی و روایی مناسب و لازم در جامعه ایرانی برخوردار است؟

روش انجام پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر کودکان دختر و پسر ۳ تا ۷ سال ساکن تهران در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ است که در مهد کودک و مراکز پیش‌دبستانی مشغول به فعالیت بودند. برای پژوهش حاضر، نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ تن با استفاده از روش نمونه‌گیری «خوشه‌ای چندمرحله‌ای» انتخاب شدند. بدین‌روى از بین مناطق ۲۲گانه شهر تهران، مناطقی (بر پایه پنج بخش غرب، شرق، مرکز، جنوب و شمال) به منظور پوشش دادن تمام مناطق شهر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هریک از آن مناطق، مهد کودک‌هایی به شیوه تصادفی ساده انتخاب گردید که تعداد زیادی از مهد کودک‌ها همکاری لازم را با طرح پژوهشی نداشتند و در نتیجه، نمونه‌گیری مجدد انجام شد و در نهایت، این پرسشنامه در تعداد ۱۵ مرکز انجام گردید.

کودکان دختر و پسر به‌عنوان نمونه و به‌طور تصادفی ساده برگزیده شدند. پس از انتخاب نمونه، برای جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگر در محل‌های مدنظر حضور پیدا کرد و اطلاعات لازم را برای آشنایی با پژوهش و تکمیل پرسشنامه، به والدین کودکان نمونه ارائه داد و والدین اقدام به پاسخ‌دهی به سؤالات پرسشنامه نمودند. لازم به ذکر است که پس از بررسی پرسشنامه‌ها قریب ۱۱۳ پرسشنامه به علت نقص، از پژوهش حذف گردید. در پژوهش حاضر ۱۹۹ دختر و ۱۸۸ پسر شرکت کردند و بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۶ سال بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش اخلاقی کودکان: برای انجام این پژوهش از مقیاس «هوش اخلاقی» کودکان ۳-۷ ساله استفاده گردید که توسط درنجفی و علی‌اکبری (۱۳۹۳) برای کودکان ایرانی و براساس نظریه «هوش اخلاقی» طراحی شده بود. این پرسشنامه دارای ۷۰ سؤال است و هفت مؤلفه هوش اخلاقی (همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری، و انصاف) را سنجیده است.

پرسشنامه توسط والدین کودکان تکمیل گردید. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای به صورت «خیلی زیاد=۵»، «زیاد=۴»، «متوسط=۳»، «کم=۲» و «خیلی کم=۱» انجام شد.

روایی محتوای پژوهش درنحقی و علی‌اکبری توسط جمعی از استادان متخصص برآورد گردیده و میزان پایایی آن با استفاده از روش «بازآزمایی» آلفای ۰.۹۵٪ اطمینان محاسبه گردیده است (درنحقی شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش برای خلاصه‌سازی، توصیف و نمایش اطلاعات از جداول توزیع فراوانی، و شاخص‌های توصیفی (مانند: میانگین، انحراف استاندارد، میانه) حسب مورد استفاده گردید. علاوه بر آن، به منظور اعتباریابی آزمون از روش «تحلیل عاملی تأییدی» و برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ و برای محاسبه هنجارهای ایرانی از میانه، میانگین و انحراف استاندارد استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار «SPSS» و نرم‌افزار «LISREL» تحلیل ابعاد آماری گردید.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه «هوش اخلاقی کودکان» از انواع روایی و پایایی استفاده شد که در جداول ذیل بدان اشاره می‌گردد.

برای بررسی میزان انسجام درونی پرسشنامه «هوش اخلاقی کودکان» با مؤلفه‌های آن، ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل محاسبه گردید که خلاصه نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱: ماتریس همبستگی نمره کلی هوش اخلاقی کودکان و مؤلفه‌های آن

متغیر	همدلی	وجدان	خویشتنداری	احترام	مهربانی	بردباری	عدالت
ضریب پیرسون	**۰/۸۰۱	**۰/۸۵۹	**۰/۸۰۸	**۰/۸۶۸	**۰/۸۵۲	**۰/۸۴۴	**۰/۸۸۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با نمره کلی این مقیاس دارای رابطه‌ای معنادار است. در مجموع، الگوی ضرایب همبستگی در جدول (۱) نشان می‌دهد: روابط درونی خوبی بین مؤلفه‌ها وجود دارد.

همچنین به‌منظور تشخیص پایایی مناسب هریک از سؤال‌ها در کل پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج آن نشان می‌دهد همبستگی همه سؤال‌ات غیر از سؤال‌ات ۵، ۶، ۲۰، ۲۲ و ۶۶ با بقیه سؤال‌ات در حد مناسب است، ولی سؤال‌ات مشخص شده با ضریب همبستگی پایین تر از ۰.۳. با بقیه سؤال‌ات همبستگی ضعیفی دارند که باید قبل از تحلیل عاملی این سؤال‌ات حذف گردند.

روایی عاملی: روایی عاملی نوعی روایی است که از طریق تحلیل عاملی به دست می‌آید. به منظور بررسی روایی عاملی و تعیین برازش پرسشنامه هوش اخلاقی در جامعه کودکان ایرانی، از روش «تحلیل عامل تأییدی» و نرم‌افزار «لیزرل ۸/۵» استفاده شد که نتایج حاصل از بررسی برازندگی پرسشنامه «هوش اخلاقی» در جدول (۲) ارائه گردیده است:

جدول ۲: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری در کل آزمودنی‌های پژوهش (N=۳۸۷)

شاخص‌های نیکویی برازش	عدد به دست آمده
مجذور خی	۵۵۷۵/۵
درجه آزادی	۲۷۵۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب	۰/۰۶۷
شاخص نیکویی برازش	۰/۷۵
شاخص تعدیل شده نیکویی برازش	۰/۷۳
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۱
شاخص برازش هنجار شده	۰/۸۸
شاخص برازش افزایشی	۰/۹۲

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار مجذور خی (Chi-Square) می‌توان بیان کرد که الگوی مدنظر از برازش کامل برخوردار نیست و الگو رد می‌شود؛ اما برای الگوهای با حجم نمونه بزرگ، مجذور خی تقریباً همیشه به لحاظ آماری معنادار است. به همین سبب برای برازش الگوها، اندازه‌های دیگری توسعه یافته است. برای مثال، مقدار شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (Root Mean Square Error of Approximation) که به باقیمانده الگو مربوط است بین صفر و یک در نوسان است و هر چه مقدار آن کوچک‌تر باشد نشان‌دهنده برازش الگوست. زمانی که مقدار این آماره کوچک‌تر از ۰/۰۶ باشد، الگو از برازش قابل قبولی برخوردار است که با توجه به آنکه شاخص مذکور در این پژوهش ۰/۰۶۷ به دست آمده، می‌توان گفت: الگو از برازش خوبی برخوردار است.

مقادیر شاخص نیکویی برازش (Goodness of Fit Index) و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (Adjusted Goodness of Fit Index) بین صفر و یک در نوسان است. هرچه مقدار این شاخص‌ها بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده برازش بهتر الگوست. زمانی که مقدار این آماره‌ها بزرگ‌تر از ۰/۹ باشد، الگو از برازش قابل قبولی برخوردار است که با توجه به آنکه شاخص‌های مذکور در این پژوهش - به ترتیب - برابر با ۰/۷۵ و ۰/۷۳ است، می‌توان گفت: الگو از برازش متوسطی برخوردار است. مقدار شاخص برازش تطبیقی (Comparative Fit Index)، شاخص برازش هنجار شده (Normed Fit Index) و شاخص برازش افزایشی (Incremental Fit Index) هم

بررسی خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه «هوش اخلاقی» کودکان ♦ ۹۱

بین صفر و یک در نوسان است و هرچه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده برآزش بهتر الگوست که با توجه به آنکه شاخص مذکور در این پژوهش به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۸ و ۰/۹۲ به‌دست آمده، نشان‌دهنده برآزش خوب الگو می‌باشد.

عوامل الگوی اندازه‌گیری هوش اخلاقی کودکان شامل بارهای عاملی، خطای معیار، آماره T و مجذور همبستگی چندگانه مقیاس مذکور در جدول (۳) ارائه گردیده است:

جدول ۳: مقادیر الگوی اندازه‌گیری مقیاس هوش اخلاقی در تحلیل عاملی تأییدی

مجدور همبستگی چندگانه	T	خطای معیار	بارهای عاملی	گویه
۰/۲۳	۱۳/۲۵	۰/۰۶	۰/۷۶	۱
۰/۲۷	۱۳/۲۱	۰/۰۶	۰/۷۹	۲
۰/۱۳	۱/۶۳	۰/۰۸	۰/۰۹	۳
۰/۲۶	۱۳/۳۸	۰/۰۵	۰/۶۴	۴
۰/۱۳	۱۳/۸۷	۰/۰۵	۰/۷۳	۷
۰/۲۲	۱۳/۳۷	۰/۰۵	۰/۶۳	۸
۰/۳۲	۱۲/۹۹	۰/۰۵	۰/۶۵	۹
۰/۲۹	۱۳/۱۳	۰/۰۷	۰/۸۶	۱۰
۰/۲۱	۱۳/۵۱	۰/۰۶	۰/۷۴	۱۱
۰/۳۱	۱۳/۱۳	۰/۰۵	۰/۶۷	۱۲
۰/۲۸	۱۳/۱۱	۰/۰۵	۰/۶۸	۱۳
۰/۱۹	۱/۸۲	۰/۰۸	۰/۰۵	۱۴
۰/۲۱	۱۳/۴	۰/۰۴	۰/۶	۱۵
۰/۲۶	۱۳/۲۴	۰/۰۵	۰/۶	۱۶
۰/۱۱	۱۳/۶۸	۰/۰۶	۰/۸۸	۱۷
۰/۲۷	۱۳/۳۷	۰/۰۶	۰/۸۳	۱۸
۰/۱	۱/۷۱	۰/۰۹	۰/۲۴	۱۹
۰/۱۳	۱/۸۷	۰/۰۷	۰/۰۳	۲۱
۰/۲۱	۱۳/۴	۰/۰۶	۰/۷۵	۲۳
۰/۲۲	۱۳/۳۸	۰/۰۷	۰/۸۸	۲۴
۰/۳۶	۱۳/۰۷	۰/۰۷	۰/۸۷	۲۵
۰/۱۱	۱۳/۶۸	۰/۰۸	۰/۱۶	۲۶
۰/۳۲	۱۲/۹۱	۰/۰۵	۰/۶۶	۲۷
۰/۱۶	۱۳/۸۵	۰/۰۷	۰/۹۷	۲۸
۰/۳۳	۱۳/۰۱	۰/۰۵	۰/۶	۲۹
۰/۳۴	۱۳/۲۹	۰/۰۵	۰/۷۲	۳۰
۰/۳۲	۱۳/۳۷	۰/۰۶	۰/۸۱	۳۱
۰/۲۱	۱۳/۵۲	۰/۰۷	۰/۹	۳۲
۰/۲۹	۱۳/۲	۰/۰۶	۰/۸۵	۳۳
۰/۳۴	۱۲/۸۴	۰/۰۶	۰/۷۵	۳۴

۰/۳۱	۱۳/۶۴	-۰/۰۵	۰/۷۱	۳۵
۰/۴۱	۱۲/۵۸	-۰/۰۴	۰/۵۶	۳۶
۰/۳	۱۳/۰۷	-۰/۰۶	۰/۸	۳۷
۰/۱۹	۱۳/۳۶	-۰/۰۹	۰/۱۵	۳۸
۰/۳۵	۱۳/۰۹	-۰/۰۵	۰/۶۷	۳۹
۰/۱۴	۱/۶۳	-۰/۰۹	۰/۳۳	۴۰
۰/۱	۱/۶۸	-۰/۱۱	۰/۱۷	۴۱
۰/۲۸	۱۳/۶۹	-۰/۰۵	۰/۷۲	۴۲
۰/۳۹	۱۲/۷۲	-۰/۰۴	۰/۵۴	۴۳
۰/۲۷	۱۳/۲۱	-۰/۰۴	۰/۵۹	۴۴
۰/۲۲	۱۳/۳۶	-۰/۰۶	۰/۸۵	۴۵
۰/۲۴	۱۳/۴۵	-۰/۰۶	۰/۸۱	۴۶
۰/۳۳	۱۳/۰۳	-۰/۰۵	۰/۶۵	۴۷
۰/۲۱	۱/۳۸	-۰/۰۹	۰/۲۲	۴۸
۰/۲۹	۱۳/۶۷	-۰/۰۷	۰/۹۲	۴۹
۰/۳۸	۱۲/۷۳	-۰/۰۶	۰/۷۱	۵۰
۰/۲۵	۱۳/۲۸	-۰/۰۶	۰/۷۸	۵۱
۰/۴۵	۱۲/۱۸	-۰/۰۴	۰/۴۵	۵۲
۰/۳۶	۱۳/۰۵	-۰/۰۵	۰/۶۸	۵۳
۰/۵۷	۱۱/۴۴	-۰/۰۴	۰/۴	۵۴
۰/۲	۱/۴۳	-۰/۰۸	۰/۰۱	۵۵
۰/۲۴	۱۳/۶۷	-۰/۰۷	۰/۹۲	۵۶
۰/۲۵	۱۳/۲۹	-۰/۰۵	۰/۷۱	۵۷
۰/۲۸	۱۳/۱۵	-۰/۰۶	۰/۸۱	۵۸
۰/۱۶	۱۳/۵۶	-۰/۰۶	۰/۷۷	۵۹
۰/۲۹	۱۳/۳	-۰/۰۵	۰/۶۹	۶۰
۰/۳۳	۱۳/۰۷	-۰/۰۴	۰/۴۷	۶۱
۰/۱۹	۱۳/۴۳	-۰/۰۷	۰/۸۸	۶۲
۰/۲۴	۱۳/۷۷	-۰/۰۷	۰/۹	۶۳
۰/۲	۱۳/۴۵	-۰/۰۶	۰/۷۷	۶۴
۰/۳۳	۱۲/۹۸	-۰/۰۶	۰/۷۴	۶۵
۰/۲۹	۱۳/۲۹	-۰/۰۵	۰/۶۶	۶۷
۰/۱۹	۱۳/۵۱	-۰/۰۴	۰/۵۱	۶۸
۰/۲۱	۱۳/۳۶	-۰/۰۶	۰/۷۸	۶۹
۰/۲۴	۱۳/۸۹	-۰/۰۷	۰/۹۶	۷۰

بارهای عاملی از اهمیت زیادی در تحلیل عاملی برخوردارند. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از $۰/۳$ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده است و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین $۰/۳$ تا $۰/۶$ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از $۰/۶$ باشد خیلی مطلوب است (کلاچین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰-۱۶۰).

همان‌گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد، همه سؤالات، غیر از سؤالات ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱ و ۴۸ از ۵۵ بار عاملی مناسبی برخوردارند و سؤال ۲۸ «مایل است میانداری کند تا نیازهای همه برآورده شود» دارای بیشترین بار عاملی است.

در مجموع، با توجه به تمام شاخص‌های برازش می‌توان گفت: الگو از برازش برخوردار است، اما مقدار شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش نشان از ناهماهنگی سؤالات در این مقیاس دارد. برای برطرف کردن این ایراد، سؤالاتی که از بار عاملی مناسبی برخوردار نیستند از پرسشنامه حذف و دوباره با مقیاس «تحلیل عامل تأییدی» سنجیده شد. بنابراین سؤالات ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۸ و ۵۵ از پرسشنامه حذف گردید و با توجه به این تغییرات، دوباره مقیاس تحت «تحلیل عامل تأییدی» قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۴) ارائه گردید:

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری هوش اخلاقی کودکان در تحلیل عاملی مرتبه دوم ($N=328$)

شاخص‌های نیکویی برازش	عدد به دست آمده
مجذور خی	۲۸۸۹/۹۶
درجه آزادی	۱۲۵۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱
ریشه خطای میانگین مجنورات تقریب	۰/۰۶
شاخص نیکویی برازش	۰/۸۵
شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش	۰/۸۱
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۳
شاخص برازش هنجار شده	۰/۹
شاخص برازش افزایشی	۰/۹۳

همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است و با توجه به کل شاخص‌های برازش می‌توان گفت: الگو از برازش قابل قبولی برخوردار است. نمودار برازش شده نهایی در شکل (۲) ارائه شده است.

با توجه به تأیید الگوی هفت عاملی پرسشنامه «هوش اخلاقی» و احراز روایی و اعتبار این پرسشنامه می‌توان از نتایج آن برای ارزیابی پرسشنامه «هوش اخلاقی» استفاده کرد.

برای محاسبه هنجارهای ایرانی از میانه، میانگین و انحراف استاندارد استفاده گردید که خلاصه نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. همچنین از جداول مربوط به هنجار (نرم)‌های درصدی نیز بهره برده شده و نرمات استاندارد شده (Z) و نرمات تی (T) برای هر عامل ارائه شده است.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی نمرات عامل‌های هوش اخلاقی در آزمودنی‌های پژوهش (N=۳۸۷)

میانها	انحراف استاندارد	میانگین	عامل‌ها
۴۳	۶/۳۳	۴۲/۷۵	همدلی
۴۱	۶/۲۵	۴۰/۸۱	وجدان
۳۶/۵	۶/۸۳	۳۶/۳۴	خوبشنداری
۳۹	۶/۶	۳۸/۹۸	احترام
۴۲	۵/۷	۴۱/۸۱	مهربانی
۳۸/۵	۵/۹	۳۸/۵۹	بردباری
۳۹	۶/۲	۳۹	عدالت
۲۷۷	۳۶/۵	۲۷۸/۳	هوش اخلاقی

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، نمرات میانگین، انحراف استاندارد و میانها در هوش اخلاقی و هفت مؤلفه آن گزارش شده است.

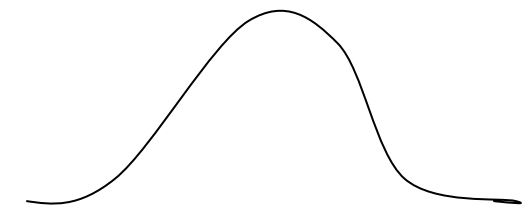
در ادامه، جدول مربوط به رتبه درصدی (P۹۰ - P۱۰) نمرات خام و انواع نمرات استاندارد قابل مشاهده است:

جدول ۶: رتبه درصدی (P۹۰ - P۱۰)، نمرات خام، استاندارد شده و تی (T) عوامل هوش اخلاقی

رتبه درصدی									نوع نمرات	عوامل
۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰		
۵۱	۴۸	۴۶	۴۴	۴۳	۴۲	۴۰	۳۸	۳۵	نمرات خام	همدلی
۱/۳۲	۰/۸۴	۰/۵۲	۰/۱۹	۰/۰۳	-۰/۱۲	-۰/۴۴	-۰/۷۶	-۱/۲۴	نمرات استاندارد	
۶۳/۲	۵۸/۴	۵۵/۲	۵۱/۹	۵۰/۳	۴۸/۸	۴۵/۶	۴۲/۴	۳۷/۶	نمرات تی	
۴۹	۴۶	۴۴	۴۲	۴۱	۴۰	۳۷	۳۵	۳۳	نمرات خام	وجدان
۱/۳	۰/۸۲	۰/۵	۰/۱۸	۰/۰۲	-۰/۱۳	-۰/۶	-۰/۹۲	-۱/۲۴	نمرات استاندارد	
۶۳	۵۸/۲	۵۵	۵۱/۸	۵۰/۲	۴۸/۷	۴۴	۴۰/۸	۳۷/۶	نمرات تی	
۴۴	۴۱	۳۹	۳۸	۳۶	۳۵	۳۳	۳۱	۲۹	نمرات خام	خوبشنداری
۱/۳۱	۰/۷۹	۰/۴۵	۰/۲۸	-۰/۰۵	-۰/۲۳	-۰/۵۷	-۰/۹۱	-۱/۲۵	نمرات استاندارد	
۶۳/۱	۵۷/۹	۵۴/۴	۵۲/۸	۴۹/۵	۴۷/۷	۵۵/۷	۴۰/۹	۳۷/۵	نمرات تی	
۴۸	۴۴	۴۲	۴۱	۳۹	۳۷	۳۵	۳۳	۳۱	نمرات خام	احترام
۱/۳۵	۰/۷۵	۰/۴۵	۰/۳	۰/۰۲	-۰/۲۹	-۰/۵۹	-۰/۸۹	-۱/۱۹	نمرات استاندارد	
۶۳/۵	۵۷/۵	۵۴/۵	۵۳	۵۰/۲	۴۷/۱	۴۴/۱	۴۱/۱	۳۸/۱	نمرات تی	
۵۰	۴۷	۴۵	۴۳	۴۲	۴۰	۳۹	۳۷	۳۵	نمرات خام	مهربانی
۱/۴۳	۰/۹	۰/۵۵	۰/۲	۰/۰۳	-۰/۳۱	-۰/۴۹	-۰/۸۴	-۱/۱۹	نمرات استاندارد	
۶۴/۳	۵۹	۵۵/۵	۵۲	۵۰/۳	۴۶/۹	۴۵/۱	۴۱/۶	۳۸/۱	نمرات تی	
۴۶	۴۴	۴۱	۴۰	۳۸/۵	۳۷	۳۵	۳۴	۳۱	نمرات خام	بردباری
۱/۲۴	۰/۹	۰/۴	۰/۲۳	-۰/۰۹	-۰/۲۶	-۰/۶	-۰/۷۶	-۱/۱۹	نمرات استاندارد	
۶۲/۴	۵۹	۵۴	۵۲/۳	۴۹/۱	۵۲/۶	۴۴	۴۲/۴	۳۸/۱	نمرات تی	

۴۷	۴۴	۴۲	۴۰	۳۹	۳۷	۳۶	۳۴	۳۱	نمرات خام	عدالت
۱/۲۷	۰/۷۹	۰/۴۷	۰/۱۵	-۰/۰۰۴	-۰/۳۱	-۰/۴۷	-۰/۷۹	-۱/۲۷	نمرات استاندارد	
۶۲/۷	۵۷/۹	۵۴/۷	۵۱/۵	۴۹/۹	۴۶/۹	۴۵/۳	۴۲/۱	۳۷/۳	نمرات تی	هوش اخلاقی
۳۲۸	۳۰۹	۲۹۷	۲۸۶	۲۷۷	۲۶۹	۲۵۹	۲۴۶	۲۳۵	نمرات خام	
۱/۳۵	۰/۸۳	۰/۵۱	۰/۲۱	-۰/۰۳	-۰/۲۵	-۰/۵۲	-۰/۸۸	-۱/۱۸	نمرات استاندارد	
۶۳/۵	۵۸/۳	۵۵/۱	۵۲/۱	۴۹/۷	۴۷/۵	۴۴/۸	۴۱/۲	۳۸/۲	نمرات تی	

همچنین با استفاده از منحنی طبیعی و با استفاده از نمرات میانگین و انحراف استاندارد هریک از عوامل هوش اخلاقی، طیف درجه‌بندی هریک از عوامل نیز قابل بررسی است که در جدول (۷) این نتایج گزارش شده است.



شکل (۱): منحنی طبیعی

جدول ۷: مقادیر نمرات استاندارد در هوش اخلاقی

عوامل	بسیار قوی	قوی	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
همدلی	۴۱-۴۸	۳۳-۴۰	۲۵-۳۲	۱۷-۲۴	۹-۱۶
وجدان	۴۳-۵۰	۳۵-۴۲	۲۷-۳۴	۱۹-۲۶	۱۰-۱۸
خویشنداری	۳۰-۳۵	۲۴-۲۹	۱۸-۲۳	۱۳-۱۷	۷-۱۲
احترام	۴۳-۵۰	۳۵-۴۲	۲۷-۳۴	۱۹-۲۶	۱۰-۱۸
مهربانی	۲۶-۳۰	۲۱-۲۵	۱۶-۲۰	۱۱-۱۵	۶-۱۰
بردباری	۲۱-۲۵	۱۷-۲۰	۱۳-۱۶	۹-۱۲	۵-۸
عدالت	۳۶-۴۲	۲۹-۳۵	۲۲-۲۸	۱۵-۲۱	۸-۱۴
هوش اخلاقی	۲۳۹-۲۸۴	۱۹۳-۲۳۸	۱۴۷-۱۹۲	۱۰۱-۱۴۶	۵۵-۱۰۰

همان‌گونه که جدول (۷) نشان می‌دهد، هریک از عوامل هوش اخلاقی در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از «بسیار قوی» تا «بسیار ضعیف» به نمرات استاندارد تبدیل شده‌اند. در عامل «همدلی» کمترین نمره ۹ و بیشترین نمره ۴۸ گزارش شده است. کمترین و بیشترین نمره در عامل «وجدان» به ترتیب ۱۰ و ۵۰ و در عامل «خویشنداری» کمترین و بیشترین نمره ۷ و ۳۵ و در عامل «احترام» کمترین و بیشترین نمره به ترتیب ۱۰ و ۵۰ و در عامل «مهربانی» کمترین و بیشترین نمره ۶ و ۳۵ و در عامل «بردباری» کمترین و بیشترین نمره ۵ و ۲۵ و در عامل «عدالت» نیز - به ترتیب - کمترین و بیشترین نمره ۸ و ۴۲ و در مجموع، برای «هوش اخلاقی» کمترین و بیشترین نمره ۵۵ و ۲۸۴ گزارش شده است.

همچنین برای مقایسه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دختران و پسران، از روش «تحلیل واریانس چندمتغیری» استفاده شد. براساس تحلیل واریانس چندمتغیری ($Wilks\ Lambda = 0/9$ و $F = 4/89$ در سطح معناداری $P = 0/0001$) می‌توان بیان کرد: این بررسی از لحاظ آماری در سطح $P < 0/05$ معنادار است. برای پی بردن به اینکه کدامیک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دختران و پسران دارای تفاوتی معنادار است، از تحلیل واریانس یک‌راهه در متن MANOVA استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول (۸) آمده است:

جدول ۸: نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌راهه در متن MANOVA بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی

متغیر وابسته	میانگین مجزورات	F	Sig	اندازه اثر	توان آزمون
همدلی	۳۹۶/۵۲	۱۰/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۰۳۱	۰/۹
وجدان	۱۴۶/۲۲	۳/۷۶	۰/۰۵۳	۰/۰۱۱	۰/۴۹
خویشنداری	۶۱۴/۶۳	۱۹/۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۵	۰/۹۹
احترام	۴۹۲/۶۹	۱۱/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۵۲	۰/۹۲
مهربانی	۵۵۸/۴۸	۱۸/۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۲	۰/۹۸
بردباری	۲۴۲/۴۵	۶/۹۳	۰/۰۰۹	۰/۰۲۱	۰/۷۴
عدالت	۶۴۲/۳۲	۱۷/۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵	۰/۹۸

براساس جدول (۸) نمرات هریک از مؤلفه‌ها به شرح ذیل است: همدلی ($F = 10/59$ و $p = 0/001$)، وجدان ($F = 3/76$ و $p = 0/053$)، خویشنداری ($F = 19/03$ و $p = 0/0001$)، احترام ($F = 11/43$ و $p = 0/001$)، مهربانی ($F = 18/04$ و $p = 0/0001$)، بردباری ($F = 6/93$ و $p = 0/009$) و عدالت ($F = 17/04$ و $p = 0/0001$). همان‌گونه که جدول (۸) نشان می‌دهد، به‌طورکلی بین «هوش اخلاقی» در دختران و پسران تفاوتی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از جدول (۸) نشان می‌دهد: مؤلفه‌های همدلی، خویشنداری، احترام، مهربانی، بردباری و عدالت در سطح $p < 0/05$ در بین دختران و پسران دارای تفاوتی معنادار است، درحالی‌که بین دو گروه از لحاظ مؤلفه «وجدان» تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین روایی و پایایی پرسشنامه «هوش اخلاقی کودکان» به‌منظور ارائه الگویی برای سنجش هوش اخلاقی کودکان در دامنه سنی ۳ تا ۷ سال صورت گرفت. براساس نتایج این پژوهش، مقیاس هوش اخلاقی به‌منزله الگویی برای سنجش هوش اخلاقی در کودکان شهر تهران با توجه به تغییرات اجتماعی - ساختی در جامعه ایرانی ابزاری پایا و رواست.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد: تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با نمره کلی این مقیاس دارای رابطه‌ای معنادار است و در مجموع، الگوی ضرایب همبستگی نشان می‌دهد: روابط درونی خوبی بین مؤلفه‌ها

وجود دارد. همبستگی همه سؤالات، غیر از سؤالات ۵، ۶، ۲۰، ۲۲ و ۶۶ با دیگر سؤالات در حدی مناسب است؛ ولی سؤالات مشخص شده با بقیه سؤالات همبستگی ضعیفی دارند که منجر به حذف این سؤالات (قبل از تحلیل عامل تأییدی) گردید.

نتایج تحلیل عامل تأییدی بیانگر برازش متوسط پرسشنامه بود که به مطلوبیت قطعی نمی‌رسید. در مجموع، توجه به تمام شاخص‌های برازش نشان می‌دهد: الگو از برازش برخوردار است، اما مقدار شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش نشان از ناهماهنگی سؤالات در این مقیاس می‌دهد. برای برطرف کردن این ایراد سؤالاتی که از بار عاملی مناسب برخوردار نیستند، از پرسشنامه حذف و دوباره مقیاس مورد تحلیل عامل تأییدی قرار گرفت. بنابراین سؤالات ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۸ و ۵۵ از پرسشنامه حذف شد و با توجه به این تغییرات، دوباره مقیاس تحت «تحلیل عامل تأییدی» قرار گرفت.

شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است و براساس سؤالات باقی‌مانده و نتایج نهایی و با توجه به کل شاخص‌های برازش می‌توان گفت: الگو از برازش قابل قبولی برخوردار است و برای جامعه کودکان ایرانی تأیید گردید. در الگوی تأییدشده، هفت عامل «هوش اخلاقی» که توسط بوربا ارائه گردیده بود، تأیید شد؛ ولی در تعداد گویه‌ها تغییراتی رخ داد؛ بدین صورت که گویه‌های... از عامل «همدلی»، گویه‌های... از عامل «وجدان»، گویه‌های... از عامل «خویشتنداری»، گویه‌های... از عامل «احترام»، گویه‌های... از عامل «مهربانی»، گویه‌های... از عامل «بردباری»، گویه‌های... از عامل «عدالت» حذف گردید و پرسشنامه نهایی شامل ۶۰ گویه شد که هفت عامل «هوش اخلاقی» را می‌سنجد؛ بدین صورت که در نسخه نهایی مؤلفه «همدلی» توسط گویه‌های...، مؤلفه «وجدان» توسط گویه‌های...، مؤلفه «خویشتنداری» توسط گویه‌های...، مؤلفه «احترام» توسط گویه‌های...، مؤلفه «مهربانی» توسط گویه‌های...، مؤلفه «بردباری» توسط گویه‌های... و مؤلفه «عدالت» توسط گویه‌های... سنجد می‌شوند.

در تبیین نتایج می‌توان گفت: بوربا «هوش اخلاقی» را «ظرفیت و توانایی فهمیدن درست از غلط، به معنای داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار به شیوه درست و پسندیده» تعریف می‌کند و در کتاب *ساختن هوش اخلاقی* به هفت فضیلت اساسی توجه می‌کند و برای آموزش این فضیلت‌های اساسی به سبب انجام آنچه درست است و مقاومت در برابر هر فشاری که ممکن است رفتارها و عادت‌های درست آنها را به مبارزه بطلبد، مراحل را نیز در نظر می‌گیرد (بوربا، ۱۳۹۰).

چنان که بوربا معتقد است: هوش اخلاقی شامل هفت فضیلت اساسی است: همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف که به فرزند کمک می‌کند تا از بحران‌های اخلاقی و فشارهایی که در طول زندگی خود، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با آنها مواجه خواهد شد، عبور کند. این ویژگی‌های اساسی همان‌هایی هستند که شکیبایی اخلاقی را به او هدیه می‌کنند تا او در مسیر نیکی باقی بماند و به او کمک می‌کنند تا به صورت اخلاقی رفتار کند (بوربا، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر، نمره حاصل از مقیاس «هوش اخلاقی» محقق ساخته (درنجفی و علی اکبری، ۱۳۹۳) برای تعیین هوش اخلاقی استفاده گردید. هریک از گزاره‌های «همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف» عبارت است از: مجموعه نمره‌هایی که کودک از این خرده‌مقیاس‌ها در پرسشنامه «هوش اخلاقی» مورد استفاده (۱۳۹۳) به دست می‌آورد.

چون چارچوب نظری تحقیق براساس عقاید الگوی میشل بوریا شکل گرفته است و هفت فضیلت مذکور را به‌عنوان عوامل اصلی الگوی خود در نظر گرفته، گویه‌های مدنظر در این مقیاس، این هفت مؤلفه را می‌سند. نتایج تحقیق با استفاده از آماره‌های توصیفی و استنباطی نشان می‌دهد: براساس روش «تحلیل عاملی تأییدی»، روایی و پایایی پرسشنامه مذکور تأیید شد، لیکن با تغییراتی که به سبب بومی‌سازی در سؤالات اعمال گردید، الزاماً منطبق با نسبت سنجش عوامل پژوهش با گویه‌های مدنظر بوریا نگردید و ضمن تأیید روایی و پایایی، مؤلفه‌ها و عوامل بر دیگر گویه‌ها و سؤالات تحقیق منطبق و سنجش گردید.

انتظار می‌رفت پرسشنامه مدنظر در تحقیق، از ابتدا برازش مناسبی ارائه دهد و نیاز به حذف سؤالات نباشد. عدم تحقق این پیش‌بینی می‌تواند علل متفاوتی داشته باشد؛ از جمله: ناآشنایی خانواده‌ها با هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن و توجه ضعیف به تربیت اخلاقی کودکان که با توجه به تأکید دین بر اخلاق، در جامعه اسلامی انتظار بیشتری از والدین می‌رود. همچنین با توجه به تکمیل نمودن پرسشنامه توسط والدین، احتمال سوگیری در پاسخ‌دهی و تمایل والدین به بهتر جلوه دادن کودک خود محتمل است.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

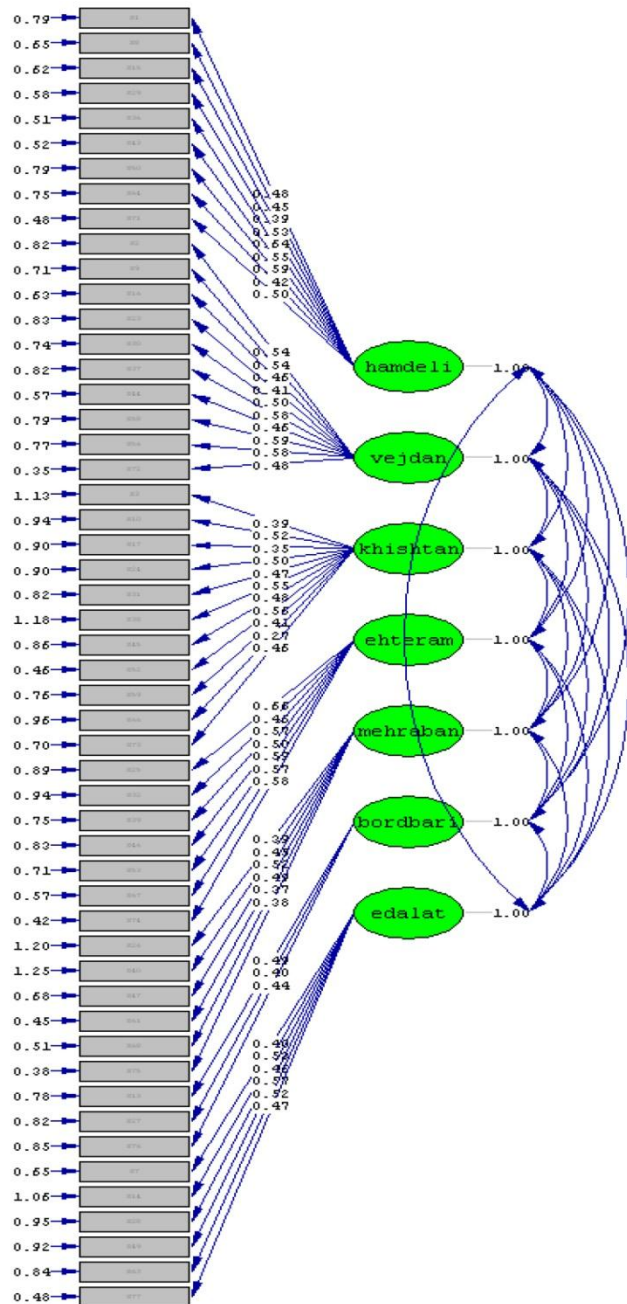
این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ از جمله اینکه گاهی همکاری لازم از طرف مهد کودک‌ها و گاهی از طرف اولیا صورت نمی‌گرفت که در صورت همکاری بیشتر، تعداد حجم نمونه افزایش می‌یافت. همچنین به علت تعداد زیاد گویه‌ها پرسشنامه با بی‌حوصلگی تکمیل می‌گردید که پس از اصلاح سؤالات این مشکل برطرف گردید. همچنین پژوهش حاضر فقط از بین کودکان ساکن در شهر تهران انتخاب گردید که تعمیم نتایج را به کل کودکان ایرانی با احتیاط همراه می‌کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی از این مقیاس در سطح شهرستان‌ها نیز استفاده گردد. همچنین با توجه به نبود چنین مقیاس بومی در سنجش هوش اخلاقی، می‌توان به پژوهش‌هایی برای بررسی ارتباط هوش اخلاقی با سایر مؤلفه‌های روان‌شناختی کودک و همچنین پژوهش‌هایی در تبیین نمرات این مقیاس و نیز شناسایی راهکارهایی برای افزایش هوش اخلاقی کودکان پرداخت.

منابع

- ارشادحسینی، هادی و دیگران، ۱۳۹۴، «هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن براساس منابع اسلامی»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، سال اول، ش ۳، ص ۲۶-۷.
- اصغری، فرهاد و رضا قاسمی جوینه، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش‌های مذهبی با رضایت زناشویی در معلمان متأهل»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال چهارم، ش ۱ (۱۳)، ص ۸۴-۶۵.
- بدری گرگری، رحیم و زهرا واحدی، ۱۳۹۴، «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، *تفکر و کودک*، سال ششم، ش ۱، ص ۱۷-۱.
- بوربا، میشل، ۱۳۹۰، *پرورش هوش اخلاقی هفت فضیلت اساسی که برای درست رفتار کردن به فرزندان باید آموخت*، ترجمه فیروزه کاوسی، بی‌جا، رشد.
- خالقی‌پور، شهناز، ۱۳۹۵، «اثربخشی آموزه‌های فضایل اخلاقی دین محور بر بهبود شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان»، *روان‌شناسی و دین*، سال نهم، ش ۴ (۳۶)، ص ۵۶-۴۱.
- درنجفی شیرازی، مهناز و مهناز علی اکبری، ۱۳۹۳، «اثربخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش دبستانی در شهر اصفهان»، *شناخت اجتماعی*، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۳-۳۴.
- ذوقی پایدار، محمدرضا و دیگران، ۱۳۹۶، «پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی براساس هوش معنوی و هوش اخلاقی در دانشجویان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۲۱، ص ۱۳۱-۱۵۰.
- سیادت، سیدعلی و دیگران، ۱۳۸۸، «رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیرآموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۸۷-۸۸»، *مدیریت سلامت*، دوره دوازدهم، ش ۳۶، ص ۶۳-۷۱.
- فاطمی‌تبار، سیداحد، ۱۳۸۷، «استنتاج اخلاق از دین»، *اخلاق و تاریخ پژوهشی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۴-۷.
- کریم‌زاده، صادق، ۱۳۹۱، «رشد اخلاقی: تغییر در رویاروهای معاصر»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۳، ص ۹۵-۶۳.
- کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۹، «رشد هوش عقلانی و هوش اخلاقی در کودک»، *بیوند*، ش ۳۷۵، ص ۱۵-۱۱.
- کلاین، پاول، ۱۳۸۱، *راهنمای آسان تحلیل عاملی*، ترجمه محمودلی علیی و سیدمحمد میرسندهی، تهران، دانشگاه امام حسین ع.
- محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت ع.
- محمدنژاد عمران، مرتضی، ۱۳۹۳، «رابطه اخلاق و دین از منظر قرآن کریم»، *فتوحات مکیه*، ص ۲۹-۷.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار*، چ دوم، تهران، صدرا.
- وجدانی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۱، «پایه‌های فطری اخلاق در نظریه علامه طباطبائی و اصول تربیتی مبتنی بر آن»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیستم، دوره جدید، ش ۱۵، ص ۲۷-۹.
- Beheshtifar, M. Esmaili, Z & Nekoie Moghadam, M, 2011, "Effect of moral intelligence on leadership", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, N. 43, p. 1-7.
- Borba, M, 2005, *The step-by-step plan to building moral intelligence. Nurturing kid's heart & souls*, National Educator Award, National council of Self-esteem, Jossey-Bass.
- Lennick, Doug & Kiel, Fred, 2007, *Moral Intelligence: Enhancing business and leadership success*, Tim Moor Publisher.
- Perry, B., 1997, "Incubated in Terror: Neurodevelopmental factors in the Cycle of Violence", in J.d. Osofsky (ed.), *Children in a Violent Society*, New York, Guilford Press.

شکل (۱): نمودار ساختاری تحلیل عاملی در کل آزمودنی‌های پژوهش




Chi-Square=2902.48, df=1253, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه دینی

محمد زارعی توپخانه / استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Mohammadz@rihu.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-3788-3401

janbo@rihu.ac.ir

مسعود جان‌بزرگی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

rasoolza@modares.ac.ir

سید کاظم رسول‌زاده طباطبایی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی

psy.dep@rihu.ac.ir

سید محمد غروی‌راد / مدیر دانشکده علوم رفتاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه دینی صورت پذیرفته است. این پژوهش از نوع بنیادین نظری است و از روش «اجتهادی» استفاده کرده است. با استفاده از این روش، داده‌های لازم استخراج، دسته‌بندی و تحلیل گردیدند. به منظور ارزشیابی، صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن از شاخص‌های «اعتمادپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «وابستگی و اتکاپذیری»، و «تأییدپذیری» گابا و لینکلن استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جداول و نمودارهای فراوانی و بررسی اعتمادپذیری از دو شیوه «نسبت روایی محتوا» (CVR) و شاخص «روایی محتوا» (CVI) استفاده گردیده است. نتایج حاصل از زمینه‌یابی و روایی‌سنجی، گویای این مطلب است که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی برای زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی ۳۳ مقوله قابل استخراج است که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی جای می‌گیرند. این یافته می‌تواند زمینه را برای ساخت مقیاس و مداخلات بالینی بر اساس اندیشه اسلامی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: پیمان‌شکنی زناشویی، زنا، خیانت.

ازدواج الگوی «رابطه سالم» است و تعهد در ازدواج^۱ نیمی از رابطه سالم محسوب می‌شود (اسپانیر، ۱۹۷۹). یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری تعارضات زناشویی و طلاق، پیمان‌شکنی زناشویی زوجین است (گایر، ۲۰۱۰؛ مک‌دنیل، بروین، کراونس، ۲۰۱۷). پیمان‌شکنی زناشویی پایه‌های ازدواج را لرزان نموده، به نابودی نهاد مستحکم خانواده می‌انجامد.

«پیمان‌شکنی زناشویی» به «تقلب و غیرقابل اعتماد بودن در رابطه، با وجود داشتن تعهد در زندگی زناشویی» تعریف شده است (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸). این روابط می‌تواند عاطفی، جنسی یا هر دو باشد (دریگوتاز، ساف استروم، ژنتیلیا، ۱۹۹۹). «پیمان‌شکنی جنسی» اشاره به فعالیت جنسی با کسی به غیر از شریک زندگی دارد. «پیمان‌شکنی عاطفی» زمانی رخ می‌دهد که منابع شریک زناشویی (مانند عشق رمانتیک) صرف زمان و توجه به کسی دیگر معطوف شود و شامل ارتباط عاطفی با فردی غیر از شریک زندگی می‌شود (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۱). زنان بیشتر پیمان‌شکنی عاطفی و مردان بیشتر پیمان‌شکنی جنسی دارند (براون، ۲۰۱۳). نظریه‌پردازان زمینه‌ها و عوامل گوناگونی برای شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی ذکر کرده‌اند. نظریه‌های «توصیفی و هنجاری»، «دلبستگی»، «سرمایه‌گذاری تکاملی»، و «اجتماعی‌شدن»، هر کدام درصد تبیین پدیده «خیانت» برآمده‌اند (جرم، ۲۰۱۲).

الگوهای «توصیفی و هنجاری» (Descriptive and normative models) درصد توصیف و تبیین پیمان‌شکنی زناشویی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناختی و مؤلفه‌های هنجاری هستند (دریگوتس و باراتا، ۲۰۰۱). «نظریه دلبستگی» (Attachment theory) حکایت از آن دارد که پیمان‌شکنی زناشویی ناشی از شکل‌گیری «دلبستگی نایمن» (Insecure attachment) در دوران کودکی است که از - به‌ویژه - تعامل نامناسب با مادر شکل گرفته است (میشل، ۲۰۰۰).

در الگوی «سرمایه‌گذاری» (Insecure attachment) فرد براساس سرمایه‌گذاری که در رابطه داشته است، تعهد و عدم تعهد خود را نشان می‌دهد (دریگوتس و همکاران، ۱۹۹۹).

«الگوی تکاملی» (Evolutionary model) می‌کوشد پیمان‌شکنی را در چارچوب روابط در ارتباط با حسادت و غیرت (jealousy) به‌مثابه یک سازوکار روان‌شناختی تفسیر کند که برای حل مسائل مربوط به تولید نسل افراد رخ می‌دهد (بارکو و همکاران، ۱۹۹۲؛ باس و همکاران، ۱۹۹۲).

الگوی «اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری» (Socialization model) معتقد است: مردان و زنان در خیانت جنسی یا عاطفی با هم تفاوت دارند و این مسئله از اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری نشئت می‌گیرد (فینگستین و پلتز، ۲۰۰۲). یکی از نظریه‌های جامعه‌پذیری، «نظریه اجتماعی - فرهنگی» (Sociocultural theory) است که اعتقاد دارد: پیمان‌شکنی از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری جامعه شکل می‌گیرد (اگلی و وود، ۱۹۹۱).

پژوهش‌ها نیز از نقش فرهنگ و مذهب در میزان و نوع پدیده پیمان‌شکنی حکایت دارند. نتایج پژوهش پزن و همکاران (۱۹۹۷) درباره نقش نگرش‌های مذهبی در شکل‌گیری روابط جنسی و پیمان‌شکنی زناشویی نشان می‌دهد: مذهب کاتولیک بر تولیدمثل تأکید دارد. براین اساس از زنان و مردان انتظار پاکدامنی دارد. اسلام ازدواج را به پیوند دو خانواده و زوج تعبیر کرده است. بنابراین، احترام و جایگاه خانواده با پاکدامنی پابرجا می‌ماند. در عین حال، چندهمسری هم ممکن است تجویز گردد.

پروتستان ازدواج را مقدس می‌داند و بر پیوند اعضای خانواده در پرتو عنایات خداوند تمرکز دارد. بنابراین، در تمام مذاهب، پیمان‌شکنی زناشویی ممنوع شمرده شده است و آن را از زمینه‌های شکل‌گیری طلاق می‌دانند. کاتو و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی ۱۹۲ دانشجوی پرتغالی و ۴۱۵ دانشجوی برزیلی دریافتند: متغیرهای اجتماعی - فرهنگی (فرهنگ احترام، ویژگی‌های مردانه و زنانه) با نوع خیانت (جنسی یا عاطفی) در ارتباط است. نتایج پژوهش توپلو دمیرتاس و فینچم بر روی ۴۲۰ تن از دانشجویان کشور ترکیه از دخیل بودن فرهنگ در نگرش و انگیزه خیانت حکایت دارد.

تاریخ و فرهنگ ایران باستان پیش از اسلام نشان می‌دهد: پیمان‌شکنی در طول قرون متوالی امری مذموم و نکوهیده بوده است و افراد پیمان‌شکن کیفر سنگینی متحمل می‌شدند. بعد از ورود اسلام به ایران، فرهنگ پوشیدگی و حفظ حریم تأیید شد و پیمان‌شکنی زناشویی امری مذموم و هنجارشکنانه تلقی گردید (فلور، ۲۰۰۸).

قرآن کریم پیوند میان زن و مرد را «میثاق غلیظ» نامیده است: «زنانتان از شما پیمان محکم و استواری گرفته‌اند» «وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱) و بنیادی محبوب‌تر از ازدواج (خانواده) نزد خدا، نهاده نشده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۴). در اسلام پیمان‌شکنی زناشویی نکوهش شده و آن از عوامل اصلی از هم پاشیدن پیوند زناشویی به‌شمار آمده است.

در روایتی از امام معصوم وارد شده است: روابط نامشروع وارد خانه‌ای نمی‌شود، مگر اینکه آن را ویران می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶، ص ۱۹). همچنین در روایات، پیمان‌شکنی زناشویی یکی از زوجین از عوامل خیانت زوج دیگر و درگیر شدن فرزندان در روابط نامشروع دانسته شده است (همان، ص ۲۶-۲۷).

آیات قرآن پیمان‌شکنی زناشویی را عاطفی و جنسی می‌داند: «مهر (زنان) را بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند» «أَتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: ۲۵).

با این وجود، در منابع دینی پیمان‌شکنی زناشویی جنسی بیشتر تقبیح شده است و در صورت اثبات در محاکم قضایی، پیامد بسیار سختی به دنبال دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۵۰-۲۶۰). در نهایت، از دیدگاه اسلامی، هرگونه روابط عاطفی یا جنسی غیرشرعی که فرد با غیر همسر خود داشته باشد پیمان‌شکنی زناشویی شمرده می‌شود (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸، ص ۱۹).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه پیمان‌شکنی زناشویی، در بررسی ادبیات موجود، پژوهشی به‌دست نیامد که براساس اندیشه اسلامی، پیمان‌شکنی زناشویی را زمینه‌یابی و روایی‌سنجی نموده باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد زمینه‌یابی و روان‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی است و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی کدام است؟ روایی‌سنجی زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی چگونه است؟

روش پژوهش

این تحقیق از نوع بنیادین نظری است. به‌منظور جمع‌آوری آموزه‌های دینی درباره پیمان‌شکنی زناشویی از روش «اجتهادی» استفاده شده است. این روش نوعی تحلیل محتوای کیفی است که از دیرباز مسلمانان برای تحلیل متون قرآنی و روایی از آن استفاده می‌کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

روش «اجتهادی» یکی از مهم‌ترین روش‌ها در فهم متون دینی است که به استنباط، استخراج، بررسی مبانی و مسائل از منابع دینی می‌پردازد (علیپور و حسنی، ۱۳۸۹؛ نورعلی‌زاده، ۱۳۹۷؛ زارعی توپخانه، ۱۳۹۸). برخی از محققان به جای روش «اجتهادی» از تعابیر دیگری، مانند روش «تحلیل محتوا در متون دینی»، روش «نقلی» (شجاعی، ۱۳۹۴)، و روش «فقه الحدیث» (مسعودی ۱۳۹۵) استفاده کرده‌اند.

از دیرباز، پژوهشگران کنترل کیفیت پژوهش خود را از طرق اعتبار و روایی به‌دست آورده‌اند؛ اما «اعتبار» و «روایی» از اصطلاحاتی هستند که پژوهشگران کمی از آن استفاده نموده‌اند و در روش‌شناسی کیفی - که روش «اجتهادی» نیز نوعی تحلیل محتوای کیفی است - بر این مفاهیم، توافقی وجود ندارد. بنابراین، یکی از چالش‌های عمده پژوهش‌های کیفی، کشمکش برای حصول توافق بر سر ملاک‌هایی است که باید در داوری درباره کیفیت پژوهش به کار برده شود (هومن، ۱۳۸۵، ص ۵۳). گابا و لینکلن به منظور ارزشیابی، صحت، اطمینان و توثیق (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) از شاخص‌های اعتمادپذیری (credibility)، انتقال‌پذیری (transformability)، وابستگی و اتکاپذیری (dependability)، و تأییدپذیری (conformability) استفاده نموده‌اند. «اعتمادپذیری» معادل «روایی درونی» است. بر این اساس، در این پژوهش به منظور حصول معیار قابلیت اطمینان یا موثق بودن (trustworthiness) از شاخص‌های روایی گابا و لینکلن (۱۹۸۹؛ هومن، ۱۳۸۵) بهره برده شد. برای اطمینان از اعتمادپذیری داده‌ها (معادل روایی محتوا)، نتایج داده‌ها به کارشناسان ارائه شد تا نظرات اصلاحی آنها - حتی‌الامکان - اعمال شود. پژوهشگران معمولاً از بررسی نظر صاحب‌نظران برای بررسی روایی محتوای مقیاس‌ها و طرح‌های درمانی - آموزشی استفاده می‌کنند (واکسر، ۲۰۱۳؛ رادیچز و همکاران، ۲۰۱۷؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷). این روش برای ساخت مقیاس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیدانی و برادن، ۲۰۱۱، ص ۱۳۳).

اعتمادپذیری یا روایی یافته‌های مربوط به عوامل و الگوی مفهومی است و میزان مطابقت و عدم مطابقت یافته‌ها با منابع اسلامی توسط کارشناسان انجام می‌گیرد. بررسی روایی محتوا با دو شیوه «نسبت روایی محتوا» (CVR) و «شاخص روایی محتوا» (CVI) صورت می‌پذیرد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲).

شیوه اجرا

برای زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی لازم است مراحل ذیل طی شود:

اول. استخراج کلیدواژه‌های عربی متناسب با پیمان‌شکنی زناشویی و زمینه‌های آن (مانند: زنا، خیانت، اخدان، محصنات، فاحشه، وعفت).

دوم. تعیین منابع معتبر اسلامی:

الف. قرآن که اعتبار آن قطعی است و دلالت آن براساس نوع آیات با مراجعه به لغت و مفاهیم و تفاسیر به‌دست می‌آید.

ب. روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ﷺ که منابع روایی با معیار درجه‌بندی کتب روایی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶) کتاب‌های درجه «الف» (کتاب‌های مقبول و معتمد شیعیان)، کتاب‌های درجه «ب» (دارای صلاحیت نسبی) و کتاب‌های درجه «ج» (کتاب‌های ضعیف که به‌عنوان مؤید از آنها استفاده می‌شود) مورد استناد قرار گرفته‌اند. سوم. استخراج آموزه‌های مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی و اعمال مبتنی بر آن، از متون معتبر اسلامی و تشکیل خانواده حدیث (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳): لازم به ذکر است به منظور جمع‌آوری دقیق‌تر گزاره‌های دینی، منابع مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی، عفت و خانواده، مانند جلد ۲۰، ۲۱ و ۲۸ کتاب *وسائل الشیعه* و جلد ۱۴ کتاب *مستدرک الوسائل* از ابتدا تا انتها مطالعه و احادیث مرتبط استخراج گردید.

چهارم. دسته‌بندی گزاره‌های دینی مرتبط؛ در اینجا گزاره‌های مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی از لحاظ موضوعی و مفهومی استخراج گردیدند.

پنجم. استنباط و استخراج زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی با کمک متخصصان؛ در روش «اجتهادی» که نوعی تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی است، محقق براساس سؤال و هدف پژوهش، مفهوم کلی را به‌دست می‌آورد و رمزها استخراج می‌شود و نام‌گذاری آنها صورت می‌گیرد و آن رمزها براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها طبقه‌بندی و در زیرطبقه‌ها / زیرمقوله‌ها و طبقه‌ها / مقوله‌ها جای می‌گیرند. در پایان، به ازای هر مفهوم شواهدی از متن ذکر می‌گردد (شانون، ۲۰۰۵) در این پژوهش ابتدا داده‌ها رمزگذاری شد و در زیرطبقه‌ها / زیرمقوله‌ها قرار گرفت و با مشورت با متخصصان زمینه‌ها نیز شکل یافت.

ششم. کسب اتکاپذیری (معادل اعتبارسنجی) و اعتمادپذیری (معادل روایی محتوا) داده‌ها؛ اگر یافته‌های مطالعه قابل اتکا باشند دارای دقت، ثبات و هماهنگی خواهند بود. یادداشت‌های انعکاسی، اندیشه‌های تحلیلی و ثبت و ضبط آنها به وابستگی و اتکاپذیری پژوهش کمک می‌کند. توصیف دقیق و عمیق فرایند، متن و افراد درگیر با پژوهش بدین‌منظور به کار گرفته می‌شود (گابا و لینکلن، ۱۹۸۹).

برای اطمینان از اتکاپذیری (dependability) داده‌ها، محقق با غرق شدن در بطن تحقیق، همه داده‌ها را استخراج و تحلیل کرد و کوشید فرایند، متن و افراد درگیر در پژوهش به دقت ثبت و ضبط گردد.

وقتی یک مطالعه اعتمادپذیر است (معادل روایی محتوا) که افراد معقول بودن و درستی یافته‌ها را در

زمینه اجتماعی خود تشخیص دهند. یکی از راهبردهای مهم اعتمادپذیری بررسی به وسیله اعضا یا روسازی فردی (Member checks) است. در این شیوه پژوهشگر داده‌هایی را به اعضای گروه (مثلاً، روان‌شناس متخصص) ارائه می‌دهد تا درباره صداقت و صحت آنها نظر بدهند. راهبرد دیگر کسب اطلاعات از همگنان (Peer debriefing) است که براساس آن از یک یا چند همکار آموزش دیده خواسته می‌شود سیر فرایند داده‌ها را تحلیل نمایند و دیدگاه خود را درباره تفسیر داده‌ها ارائه دهند (هومن، ۱۳۸۵، ص ۶۲-۶۶).

برای اعتمادپذیری (credibility) داده‌ها، از راهنمایی و نظارت متخصصان در این زمینه استفاده شد؛ رمزه‌ها، مقوله‌ها، مضمون‌ها، و الگوی نظری برگرفته از داده‌ها، در قالب فرم «ارزیابی نسبت روایی محتوا» و «شاخص روایی محتوا»، به ۱۱ متخصص ارائه شد که تحصیلات حوزوی و دکترای روان‌شناسی داشتند. همچنین یک متخصص فرایند تحلیل داده‌ها و تفاسیر را مجدد بررسی کرد.

یافته‌های پژوهش

طی نتایج حاصل از تحلیل کیفی متون دینی، ۳۳ زیرطبقه / زیرمقوله به‌منزله زمینه پیمان شکنی زناشویی به‌دست آمد که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی دسته‌بندی شد. فرایند رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها در مشورت با کارشناسان به‌دست آمد. همان‌گونه که در جدول ذیل گزارش شده، فرایند رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها به تفصیل ذکر آمده است:

جدول ۱: رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها

حوزه	مقوله	کدها
فردی	ضعف پابندی مذهبی	کفر، ضعف ایمان، فسق، نفاق
	ضعف پختگی عقلانی	جهالت، زوال عقل، عدم تدبیر
	ضعف خویشتن‌داری	ضعف عفت، ضعف حیا، ضعف ورع
	ضعف ثبات هیجانی	عدم وزانت و وقار، رشدنا یافتگی، عجله، تبدیل
	ضعف حرمت خود	کرامت نفس، مروت، شرافت نفس
	اباحه‌گری	ضعف غیرت، دیانت
	بدبینی	گمان، غیرت نابجا
	تنوع‌طلبی	ذواق، کثرت طلاق
	گم‌گشتگی هویت	اشتغال نفس به غیر خود، جهل به خود
	جنون	جنون، عدم مالکیت بر نفس
	موسیقی محرک	غنا، لغو حدیث، نواختن آلات لهو
	عدم مدیریت ذهن	فکر گناه، وسوسه، حدیث نفس، تسلط شیطان، توجیه، تسویل
	آمادگی سرشتی	طبیعت، طینت، ولد زنا، خلقت، نطفه
	تغذیه نامشروع	شراب، گوشت خوک
	فقر و نیاز مالی	فقر، گرسنگی، تشنگی
	ضعف تکیه‌گاهی مردان	بلا تکلیف گذاردن زنان، ضایع کردن همسر، دوری از همسر، بخل و خست، ضعف غیرت، حفاظت، غفلت، واگذاری همسر به غیر، عدم تأمین مالی

زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی ۱۰۷

خضراء الدمن، ضعف عفت در خانواده، مزاحمت نوامیس	زمینه‌های خانوادگی	ارتباطی
طایفه غیرعقیف، زنان فاسق، زنان قریش	زمینه‌های قومی و اجتماعی	
آرایش، لباس نو، کوتاه کردن مو، مسواک، پاکیزگی، خضاب، عطر	عدم آراستگی ظاهری	
کتک و بددهنی، دلسوزی، شاد نمودن، هدیه	نیاز عاطفی زنان	
آرایش برای نامحرم، زینت، کلاه متروکه، موها، پوشش بدن نما	پوشش نامناسب	
عجله در رابطه جنسی، ملاحظه، دوری از رابطه جنسی، عدم تأمین جنسی، متعه	نیاز جنسی	
اطاعت‌پذیری، گوش ندادن، صبر نکردن، عبوس بودن، بددهنی، اصرار بر رفتارهای محرک	ضعف پذیرندگی زنان	
برخورد با نامحرم، دیدار، خلوت با نامحرم، خوابیدن در حضور نامحرم	تعامل ناسالم (اختلاط)	
عصیان، نسبت زنا به خود	انتقام از همسر	
زینت در مقابل غیر همسر، رابطه زناشویی در مقابل فرزندان، لمس آلت فرزند، عدم پوشش در رابطه جنسی	ابهام مرزهای درون خانوادگی	
چشم‌های خیانتکار، نگاه به موها و زینت نامحرم، تکرار نگاه به جنس مخالف، مطالعه متون محرک، زنا، چشم	عدم مدیریت دیدار	
عدم مالکیت بر نفس، کراهت، اضطراب، عدم تجاوز از حدود اخلاق تند، نسبت زنا، غضب	اجبار و اضطراب ارتباط کلامی مخرب	
شنیدن مطالب شهوات‌انگیز، شنیدن صدای نازک زنان، گوش ندادن به توصیف زنان دیگر، زنا، گوش	عدم مدیریت شنیدار	
دست دادن، سوار بر زین شدن بانوان، زنا، دستان، بوسیدن - لمس کردن	عدم مدیریت لمس	
سخن شهوات‌انگیز با نامحرم، شوخی کردن، هم‌کلامی و گفت‌وگوی غیرضروری با جنس مخالف	عدم مدیریت گفتار	
عطر زنان، استنشام عطر مردان	عدم مدیریت شامه	

یافته پژوهش نشان می‌دهد: صحت، اطمینان و توثیق (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) زمینه‌ها و الگوی مفهومی با استفاده از شاخص‌های اعتماد‌پذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) تأیید گردید. به منظور کسب اطلاعات از همگان، فرایند تحلیل و تفسیر داده‌ها به تأیید متخصص دیگری هم رسید. در نسبت روایی محتوا (CVR) که توسط لاوشه (Lawsh C. H.; 1975) برای تعیین روایی محتوایی الگو یا پرسشنامه ابداع شد، محاسبه نظرات کارشناسان براساس مقیاس لیکرت سه درجه‌ای «ضرورتی ندارد»، «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضروری است» یافته‌ها طبقه‌بندی گردید (شولتز و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۸۵). براساس محاسبه صورت‌گرفته برای ۳۳ زمینه با ارزیابی ۱۱ کارشناس، مقدار CVR برای ۹ زمینه ۱/۰ و برای ۱۵ زمینه ۰/۹۰ و برای ۴ زمینه ۰/۷۰ و برای ۵ زمینه ۰/۶۰ به‌دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۵۹ است (لاوشه، ۱۹۷۵) نسبت روایی محتوا تأیید گردید. مقدار CVR به شرح ذیل است:

جدول ۲: نسبت روایی محتوا (CVR) زمینه‌های پیمان شکنی زناشویی

CVR	زمینه‌ها	CVR	زمینه‌ها	CVR	زمینه‌ها
۰/۷۰	ارتباط کلامی مخرب	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۰/۹۰	ضعف پایبندی مذهبی
۰/۶۰	انتقام از همسر	۰/۷۰	تغذیه نامشروع	۰/۹۰	ضعف قوه عقلانی
۰/۹۰	زمینه‌های قومی - اجتماعی	۰/۹۰	فقر و نیاز مالی	۰/۹۰	ضعف خویشتن‌داری
۱/۰	پوشش نامناسب	۰/۶۰	آمادگی‌های سرشتی - ژنتیکی	۰/۹۰	ضعف ثبات هیجانی
۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	ضعف حرمت خود
۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۰/۹۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۰/۹۰	اباحه‌گری
۰/۹۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۰/۹۰	بدبینی
۰/۹۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۰/۹۰	تنوع‌طلبی
۰/۹۰	عدم مدیریت لمس	۰/۶۰	ضعف‌پذیرندگی زنان	۰/۷۰	گم‌گشتگی هویت
۰/۹۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰	نیاز جنسی	۰/۶۰	جنون
۰/۶۰	اجبار و اضطراب	۰/۹۰	مرزهای درون خانوادگی درهم‌تنیده	۰/۷۰	موسیقی محرک

در شاخص روایی محتوا کارشناسان به‌طور مستقیم درصد ارزیابی ارتباط و تطابق داده‌ها با محتوای مدنظر هستند (واینده، اسمیت، شیفرم، ۲۰۰۳، ص ۵۱۰). در پژوهش حاضر میزان تطابق یافته‌ها با مستندات دینی با استفاده از مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای «مطابق نیست»، «نسبتاً مطابق است»، «مطابق است» و «کاملاً مطابق است» به‌دست می‌آید. به منظور محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که نمره ۲ و ۳ داده‌اند بر کل کارشناسان تقسیم می‌شود (همان).

مقدار قابل قبول برای شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۷۹ است. اگر شاخص گویه یا داده‌ای کمتر از این باشد کنار گذاشته می‌شود (پولیت و بک، ۲۰۰۶، ص ۴۹۳). با توجه به محاسبه صورت‌گرفته برای ۳۳ زمینه با ارزیابی ۱۱ کارشناس با تحصیلات حوزوی و دکتری روان‌شناسی، مقدار CVI برای ۲۴ زمینه ۱/۰ و برای ۴ زمینه ۰/۹۰ است و برای ۵ زمینه ۰/۸۱ است که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۷۹ شاخص روایی محتوا تأیید می‌شود. مقدار CVI پژوهش مذکور به شرح ذیل است:

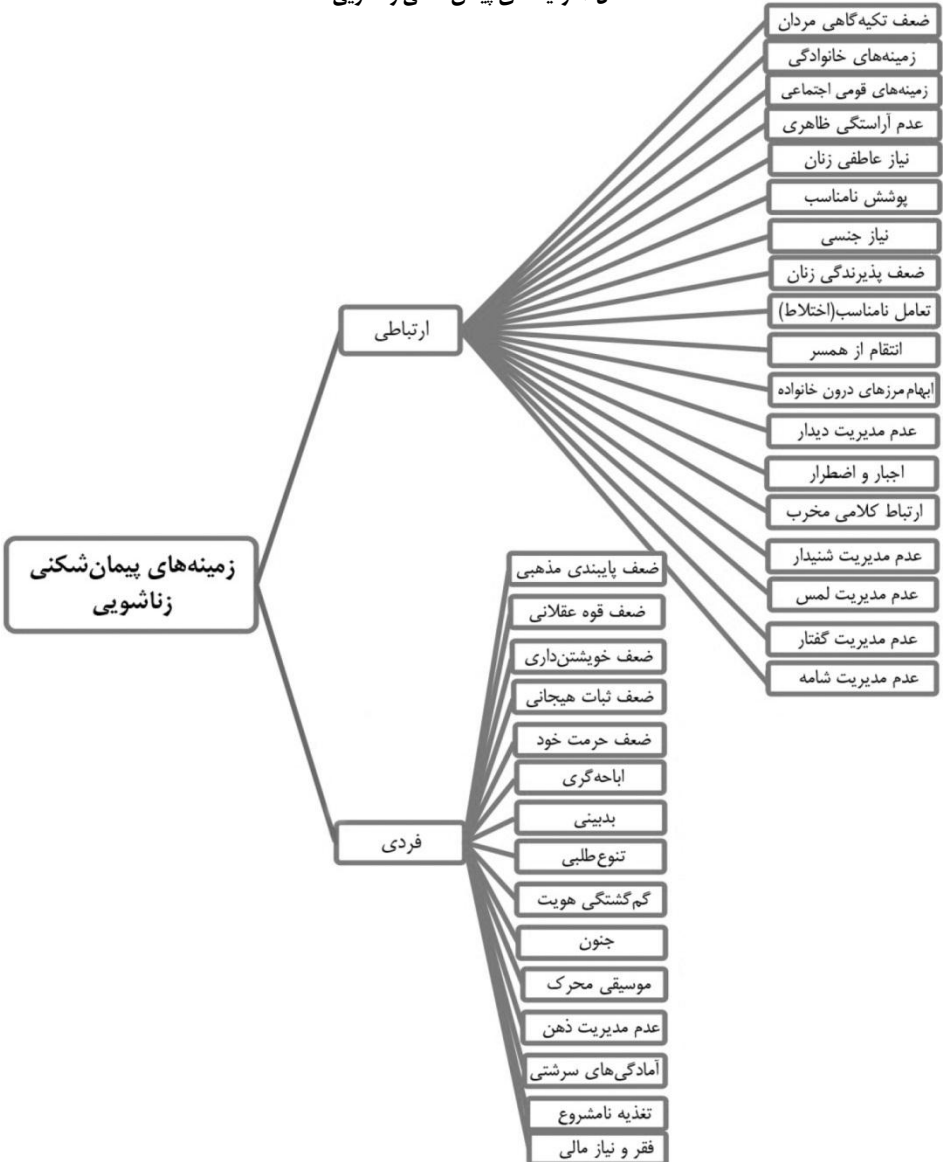
جدول ۳: شاخص روایی محتوا (CVI) زمینه‌های پیمان شکنی زناشویی

CVI	زمینه‌ها	CVI	زمینه‌ها	CVI	زمینه‌ها
۰/۹۰	ارتباط کلامی مخرب	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۱/۰	ضعف پایبندی مذهبی
۰/۸۱	انتقام از همسر	۱/۰	تغذیه نامشروع	۱/۰	ضعف قوه عقلانی
۱/۰	زمینه‌های قومی - اجتماعی	۱/۰	فقر و نیاز مالی	۱/۰	ضعف خویشتن‌داری
۱/۰	پوشش نامناسب	۰/۸۱	آمادگی‌های سرشتی، ژنتیکی	۰/۸۱	ضعف ثبات هیجانی
۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	ضعف حرمت خود
۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۱/۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۰/۹۰	اباحه‌گری
۱/۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۱/۰	بدبینی
۱/۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۱/۰	تنوع‌طلبی
۱/۰	عدم مدیریت لمس	۰/۸۱	ضعف پذیرندگی زنان	۰/۹۰	گم‌گشتگی هویت
۱/۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰	نیاز جنسی	۱/۰	جنون
۰/۸۱	اجبار و اضطراب	۱/۰	مرزهای درون خانوادگی درهم‌تنیده	۰/۹۰	موسیقی محرک

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی صورت پذیرفت و به دو پرسش پژوهش پاسخ داد. در پاسخ به پرسش اول که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی را جست‌وجو می‌نماید، ۳۳ مقوله به‌دست آمد که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی جای گرفت:

شکل ۱: زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی



در پاسخ به پرسش دوم چنین به دست آمد که روایی محتوا با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) در همه زمینه‌های ۳۳ گانه تأیید گردید.

پژوهش‌های گوناگونی نتایج به دست آمده را تأیید می‌نمایند. پژوهش‌ها این موارد را نشان می‌دهند: کمبود جنسی - عاطفی، خشم، حسادت، انتقام، تنوع‌طلبی، روابط جنسی پیش از ازدواج، نارضایتی در رابطه کنونی، احساس ناامنی یا نامطمئن بودن در خصوص رابطه، علاقه مفرط برای برقراری رابطه عاشقانه با فرد خارج از رابطه زناشویی، نارضایتی جنسی، ناتوانی در کنترل وسوسه‌ها، مصرف دارو یا الکل (روسو و همکاران، ۱۹۸۸؛ دریگوتاس و همکاران، ۱۹۹۹؛ گلاس و رایت، ۱۹۸۸).

برخی پژوهش‌ها تفاوت‌های فردی (نگرش‌ها و صفات شخصیتی)، کیفیت رابطه جنسی - عاطفی و رضایت از زندگی، شرایط محیطی (فریکر، ۲۰۰۶؛ ویدرمن، هرد، ۱۹۹۹)، فقدان رابطه صمیمی با همسر، هرزگی و فساد اخلاقی همسر، احساس تنهایی، عوامل فردی، اختلالات شخصیت، زندگی مجردی و دور از همسر، مشکلات اقتصادی، تنوع‌طلبی و فقدان رضایت جنسی، پیمان‌شکنی شوهر، ماجراجویی و حسادت، کمبود توجه و مراقبت توسط شوهر و ابراز علاقه زیاد توسط مردان دیگر را از زمینه‌ها و عوامل پیمان‌شکنی زنان دانسته‌اند (شاکلفورد، بسر و گوتز، ۲۰۰۸؛ بلو و هارتنت، ۲۰۰۵؛ آلن و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهش‌های دیگری سن، تحصیلات، وجود فرصت‌ها، طول مدت رابطه، تاریخچه طلاق، مذهبی بودن، رضایت از رابطه و عوامل و ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در این زمینه مؤثر دانسته‌اند (آتکینز و همکاران، ۲۰۰۱).

روزا و روزا (Ruza, I. & Ruza, A.; 2012) دریافتند که زمینه‌ها و عوامل فرهنگی - اجتماعی از عوامل اصلی پیمان‌شکنی به‌شمار می‌روند.

یافته‌های *شونین* (Schonian, S.; 2013) نشان می‌دهند: ادراک پیمان‌شکنی متأثر از جنسیت، وضعیت ارتباط، گرایش‌های جنسی، دینداری، وضعیت زناشویی والدین، درگیر شدن عاطفی فرد در روابط خارج از ازدواج و درگیر شدن عاطفی والدین فرد در پیمان‌شکنی عاطفی زناشویی مؤثر است.

میشل (Michelle M. J.)، *آنتونی* (Anthony P. J.) و *میشل* (Michael D. M.; 2014) دریافتند فقدان زمان با کیفیت، ناتوانی در حل مشکلات، بی‌توجهی به ازدواج، و رابطه مهم‌ترین عوامل پیمان‌شکنی از منظر زنان درگیر پیمان‌شکنی زناشویی بود.

مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) عوامل فردی، کشمکش‌های زناشویی و مسائل جنسی را از علل شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی در بین زنان دانسته‌اند.

برخی پژوهش‌ها گویای این مطلب است که افراد برخوردار از قدرت، بیش از افراد ضعیف درگیر پیمان‌شکنی می‌شوند (لامرز و منر، ۲۰۱۶).

براساس پژوهش *بلدراما* درین (Balderrama-Durbin, C.) و همکاران (۲۰۱۷) خانواده‌های نظامیانی که از همسران خود دور هستند بیش از دیگران درگیر پیمان‌شکنی زناشویی می‌شوند. این خانواده‌ها اگر سابقه جدایی، زمینه‌های طلاق و سابقه پریشانی و تعارضات زناشویی داشته باشند، به احتمال بیشتری دچار پیمان‌شکنی می‌شوند.

آلن و اتکینز (Atkins, D. C.; 2005) چهار حوزه اساسی را در تبیین زمینه‌ها و عوامل پیمان‌شکنی ذکر کرده‌اند: حوزه اول مسائل درون‌فردی است؛ یعنی: ویژگی‌های فردی که افراد از آن برخوردارند؛ مانند مسائل جمعیت‌شناختی یا روان‌شناختی.

حوزه دوم مربوط به شریک زندگی است. ویژگی‌های شریک زندگی در اقدام به پیمان‌شکنی مؤثر است؛ مانند اینکه از نظر هیجانی همسر در دسترس نباشد.

حوزه سوم به مسائل ازدواج و رابطه برمی‌گردد. برای مثال، رضایت جنسی پایین باشد. حوزه چهارم عوامل زمینه‌ای یا خارجی دخیل در ارتباط را برجسته می‌کند؛ مانند فرهنگ، محیط کار، شبکه همکاران، شریک بیرونی.

در تبیین یافته مذکور می‌توان چنین تبیین نمود که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی از دیدگاه اسلامی تبیین چندگانه دارند. برخی زمینه‌ها و عوامل، مانند سرشتی، اباحه‌گری، تنوع‌طلبی و ضعف تکیه‌گاهی مردان با الگوی تکاملی (بارکو و همکاران، ۱۹۹۲؛ باس و همکاران، ۱۹۹۲) همسویی بیشتری دارند که بر مسائل دارای ریشه فطری، ژنتیکی و تفاوت جنسیتی تمرکز بیشتری دارند.

زمینه‌های دیگری مانند ضعف پایبندی مذهبی، زمینه‌های قومی و اجتماعی، زمینه‌های خانوادگی با نظریه اجتماعی، فرهنگی (اگلی و وود، ۱۹۹۱) و الگوی هنجاری (دریگوتس، بارانا، ۲۰۰۱) همسو بوده، معتقد است: پیمان‌شکنی از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، باورها، هنجارها و الگوهای رفتاری جامعه شکل می‌گیرد. دیگر زمینه‌ها و عوامل مانند ضعف ثبات هیجانی، ضعف خویشتن‌داری، اباحه‌گری، ضعف حرمت خود، تنوع‌طلبی، بدبینی، جنون، و گم‌گشتگی هویت با نظریه‌های دلبستگی نایمن (میشل، ۲۰۰۰) و سلامت روانی و شخصیت بیشتر همسو می‌باشد که شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی را نتیجه آسیب‌های ناشی از دلبستگی ایمن و اختلالات روانی و شخصیت می‌داند.

زمینه‌ها و عوامل دیگری، مانند نیاز عاطفی زنان، نیاز جنسی، عدم آراستگی ظاهری همسر با الگوهای سرمایه‌گذاری همسو است که سرمایه‌گذاری کم در رابطه یا جایگزینی جذاب‌تر در زندگی را از عوامل پیمان‌شکنی زناشویی می‌داند (دریگوتس و همکاران، ۱۹۹۹؛ روزبلت و همکاران، ۱۹۹۴) که با الگوی «ارضای نیازها» (Need fulfillment) همسویی دارد که معتقد است: نیازهای زیستی - روانی زمینه شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی را فراهم می‌آورد (مومنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

زمینه‌های پوشش نامناسب، تعامل ناسالم (اختلاط)، نبود مدیریت دیدار (نگاه)، فقدان مدیریت شنیدار، عدم مدیریت شامه، فقدان مدیریت گفتار و نبود مدیریت لمس هم از ابهام در مرزگذاری حکایت دارد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸، ص ۶۶-۶۹) که پیمان‌شکنی زناشویی را پدید می‌آورد.

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی با محدودیت‌هایی همراه است؛ ازجمله اینکه به علت گستردگی منابع دینی امکان دارد زمینه‌ها و عوامل دیگری در منابع موجود باشد که به‌دست نیامده است. با توجه به زمینه‌های به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌گردد مقیاس زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی و ساخت دستورالعمل‌های درمانی در دستور کار قرار گیرد.

منابع

- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی‌هنر، حمید، ۱۳۹۷، *الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زارعی توپخانه، محمد، ۱۳۹۸، *طراحی و تدوین بسته زوج درمانگری چندوجهی با رویکرد اسلامی برای مداخله در روابط خارج از ازدواج*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۴، *روان‌شناسی اسلامی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۰، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- علی‌پور، مهدی و سیدحمیدرضا حسنی، ۱۳۸۹، *بارادایم اجتهادی دانش دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۷، *تحکیم خانواده*، قم، دارالحدیث.
- مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۵، *درسنامه فقه الحدیث*، قم، دارالحدیث.
- مومنی جاوید، مهرآور و مهرانگیز شعاع کاظمی، ۱۳۹۵، *دیدگاه‌های نظری پیمان‌شکنی زناشویی و بهبود روابط*، تهران، آوای نور.
- نورعلیزاده، مسعود، ۱۳۹۷، *روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران، سمت.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C., 2005, "The multidimensional and developmental nature of infidelity", *Practical applications clinical psychology*, N. 61(11), p. 1371-82.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. L., 2008, "Premarital precursors of marital infidelity", *Family process*, N. 47(2), p. 243-259.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S., 2001, "Understanding infidelity: Correlates in a national random sample", *Journal of Family Psychology*, N. 15, p. 735-749.
- Balderrama-Durbin, C., Stanton, K., Snyder, D. K., Cigrang, J. A., Talcott, G. W., Smith Slep, A. M., Heyman, R. E., Cassidy, D. G., 2017, "The risk for marital infidelity across a year-long deployment", *Journal of Family Psychology*, N. 31(5), p. 629-634.
- Barkow, J. H., Cosmides, L., & Tooby, J. (Eds.), 1992, *The adapted mind: Evolutionary psychology and the generation of culture*, New York, Oxford University Press.
- Blow, A. J., & Hartnett, K., 2005, "Infidelity in committed relationships ii: A substantive review", *Journal of marital and family therapy*, N. 31(2), p. 217-233.
- Brown, E. M., 2013, *Patterns of infidelity and their treatment*, London, Routledge.
- Buss, D. M., Larsen, R. J., Westen, D., & Semmelroth, J., 1992, "Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology", *Psychological Science*, N. 3, p. 251-255.
- Canto, J. M., Alvaro, J. L., Pereira, C., Garrido, A., Torres, A. R., Pereira, M. E., 2017, "Jealousy, Gender, and Culture of Honor: A Study" in *Portugal and Brazil*, N. 151(6), p. 580-596.
- Drigotas, S. M., & Barta, W., 2001, "The cheating heart: Scientific explorations of infidelity", *Current Directions in Psychological Science*, N. 10(5), p. 177-180.

- Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T., 1999, "An investment model prediction of dating infidelity", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 77(3), p. 509-515.
- Eagly, A., & Wood, W., 1991, "Explaining sex differences in social behavior: A metaanalytic perspective", *Personality and Social Psychology Bulletin*, N. 17, p. 306-315.
- Fenigstein, A., & Peltz, R., 2002, "Distress over the infidelity of a child's spouse: A crucial test of evolutionary and socialization hypotheses", *Personal Relationships*, N. 9, p. 301-312.
- Floor, W. M., 2008, *A social history of sexual relations in Iran*, Washington, DC, Mage Publishers.
- Fricker, J., 2006, *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovestyles, and the investment model*, Swinburne University of Technology Melbourne, Australia.
- Gemmer, S. J., 2012, "Exploring Infidelity: Developing the GEM RIM (Gemmer's Risk of Infidelity Measure)", *the requirement for the degree of doctor of psychology*, Wright State University.
- Ghayyur, T., 2010, *Marriage: Conflict, Divorce in the Muslim Community: 2010 Survey Analysis*, Copyright © 2010 Sound Vision Foundation.
- Glass, S. P., & Wright, T. L., 1988, "Clinical Implications of research on extramarital involvement", in R. Brown and J. Field (Eds.), *Treatment of Sexual Problems in Individual and Couples Therapy*, New York, PMA.
- Guba, e. g. & Lincoln, y., 1989, *fourth generation evaluation*, Newbury park, CA sage.
- Lammers, J., Maner, J., 2016, "Power and Attraction to the Counternormative Aspects of Infidelity", *Journal of Sex Research*, N. 53(1), p. 54-63.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., Cravens, J. D., 2017, "Do You Have Anything to Hide? Infidelity-Related Behaviors on Social Media Sites and Marital Satisfaction", *Computers in Human Behavior*, N. 66, p. 88-95.
- Messripour, M. E., O. Ahmadi, S. A. Jazayeri, R., 2016, "Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-marital Relationships: A Qualitative Study", *Canadian Center of Science and Education*, N. 10, p. 1913-1852.
- Mitchell, L., 2000, "Attachment to the missing object: Infidelity and obsessive love", *Journal of Applied Psychoanalytic Studies*, N. 2(4), p. 383-395.
- Penn, C. D., Hernandez, S. L., & Bermudez, J. M., 1997, "Using a cross-cultural perspective to understand infidelity in couples therapy", *The American Journal of Family Therapy*, N. 25(2), p. 169-185.
- Polit, D. F., Beck, C. T., 2006, "The Content Validity Index", *Research in Nursing & Health*, N. 29, p. 489-497.
- Rodrigues, I. B., Adachi, J. D., Beattie, K. A., MacDermid, J. C., 2017, "Development and validation of a new tool to measure the facilitators, barriers and preferences to exercise in people with osteoporosis", *Musculoskeletal Disorder*, N. 18(1), p. 1-9.
- Roscoe, B., Cavanaugh, L. E., Kennedy, D. R., 1988, "Dating infidelity: behaviors, reasons and consequences", *Adolescence*; N. 23(89), p. 35-43.
- Rusbult, C. E., Drigotas, S. M., & Verette, J., 1994, "The investment model: An interdependence analysis of commitment processes and relationship maintenance phenomena", in D. Canary & L. Stafford (Eds.), *Communication and relationship maintenance*, San Diego: Academic Press.
- Ruza, I., & Ruza, A., 2012, "Causal explanation for infidelity of Latvian residents in dating and marital relationships", *Journal of Family Psychology*, N. 28(1), p. 236-242.
- Schonian, S., 2013, "Perceptions and Definition of Infidelity: A Multimethod Study", *Master of Science Department of Marriage and Family Therapy*, University of Nevada.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T., 2008, "Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity", *Individual Differences Research*, N. 6(1), p. 13-25.

- Shannon, S., 2005, "Three approaches to qualitative content analysis", *Qualitative Health Research*, N. 15(9), p. 1277-1288.
- Shultz, K. S., Whitney, D. J., Zickar M. J., 2014, *Measurement theory in action: action: case studies and exercises*, New York, NY, Routledge.
- Sidani, S., Braden, C. J, 2011, *design evaluation and translation of nursing interventions*, Chichester: Wiley-Blackwell.
- Spanier, G.B., 1979, "The measurement of marital quality", *Journal of Sex & Marital Therapy*, N. 5(3), p. 288-300.
- Walker, H. C., 2013, *Establishing Content Validity of an Evaluation Rubric for Mobile Technology Applications Utilizing the Delphi Method*, Baltimore, Maryland, Johns Hopkins University.
- Wiederman, M. W., Hurd, C., 1999, "Extradynamic involvement during dating", *J Soc Pers Relatsh*; N. 16(2), p. 265-74.
- Wilson, K., Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., Bequette, A. W., 2011, "The gray area: Exploring attitudes toward infidelity and the development of the Perceptions of Dating Infidelity Scale", *The Journal of social Psychology*, N. 51(1), p. 63-86.
- Wynd, C. A., Schmidt, B., Schaefer M. A., 2003, "Two Quantitative Approaches for Estimating Content Validity", *Nursing Research*, N. 25(2), p. 508-518.


بازنمایی ادراک دانشجویان دختر از مصادیق رفتاری «معاشرت نیکو با همسر»: یک مطالعه کیفی

a.jalalikhah20@gmail.com

اعظم جلالی خواه / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه بجنورد

حسین احمد برابادی / استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه بجنورد

habarabadi@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-4410-7793

shayestejangiroodi@gmail.com

شایسته جنگی رودی / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه بجنورد

h.abbasi@ub.ac.ir

هادی عباسی / استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه بجنورد

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مصادیق «معاشرت نیکو با همسر» از نگاه دانشجویان دختر دانشگاه بجنورد است. بدین منظور از پژوهش کیفی و روش «پدیدارشناسی توصیفی» استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، تعداد ۲۹ تن از دانشجویان دختر دانشگاه بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بودند که به روش «نمونه‌گیری هدفمند» انتخاب شدند. گذراندن درس «خانواده در اسلام و آشنایی با مفاهیم آن» نیز ملاک ورود به پژوهش در نظر گرفته شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. رمزنگاری (کدبرداری) و تحلیل داده‌ها با روش کولایزی انجام شد و ۱۵۰ جمله مهم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها براساس شباهت معنایی در ۲۹ زیرمضمون (خوشه معنایی) جای گرفت و در نهایت نیز معانی مرتبط با یکدیگر تحت عنوان ۹ مضمون (درون‌مایه) دسته‌بندی شد که عبارتند از: پذیرش بدون قید و شرط همسر به‌عنوان یک انسان آزاد، القای احساس امنیت به همسر در طول زندگی مشترک، مسئولیت‌پذیری در قبال تأمین آرامش و آسایش خانواده، پاسخ‌گویی به نیاز همسر در خصوص عشق و تعلق در عمل و رفتار، تلاش برای تقویت رابطه صمیمانه با خانواده همسر، پختگی شخصیتی، احترام به همسر و قدردانی از زحمات او، برخورداری از روحیه گذشت و فداکاری، و خوش‌خلقی. مردان با استفاده از این خصوصیات می‌توانند به دستور قرآن مبنی بر «معاشرت نیکو با همسر» عمل کرده، زندگی رضایت‌بخشی برای خود و همسرشان رقم بزنند.

کلیدواژه‌ها: معاشرت نیکو، دانشجویان دختر، پدیدارشناسی.

از ابتدای تاریخ، خانواده به‌مثابه کوچک‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی محسوب شده و وجود جامعه سالم وابسته به تشکیل خانواده پایدار، پویا و با نشاط است (رسولی، ۱۳۹۶). این واحد اجتماعی کانون بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی است. اولین جوانه‌های ارتباط بین انسان‌ها در حریم خانواده پدیدار می‌شود و بهترین خاستگاه روابط سالم نیز خانه و خانواده است (مطهری و همکاران، ۱۳۹۴).

ازدواج^۱ اولین گام در تشکیل خانواده، منبع بسیار مهمی از امنیت‌خاطر برای زنان و جایگاه مهمی از احساس مسئولیت برای مردان به وجود می‌آورد. این آرامش و احساس مسئولیت تنها در سایه تفاهم در رابطه زناشویی و رضایت زوج‌ها از زندگی خویش حاصل می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸) و استحکام و تداوم زیرمنظومه زن و شوهری، به‌منزله اساسی‌ترین و مهم‌ترین زیرمنظومه خانواده، به ثبات آن می‌انجامد (نیلفروشان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).

هر مکتب و مذهبی سبک زندگی خاص خود را برای بشریت می‌آورد و مدعی است: جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روشی که او ارائه داده به دست می‌آید. در این میان دین اسلام با بهره‌گیری از کتاب آسمانی قرآن و زندگی ائمه معصوم^{علیهم‌السلام}، سبک زندگی خاص خود را ارائه می‌کند که می‌تواند روش خوب و سالمی برای زندگی افراد بشر باشد (مطهری و همکاران، ۱۳۹۴).

در میان تعالیم آیات قرآن کریم و احادیث امامان معصوم^{علیهم‌السلام}، تعداد بسیاری به موضوع خانواده، ازدواج و روابط زن و مرد اختصاص دارد؛ از جمله اینکه خداوند متعال در سوره «روم» آیه ۲۱ به موضوع خانواده و رابطه زن و شوهر پرداخته، می‌فرماید: «از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید که با آنها انس بگیرید و در میانتان محبت و مهربانی برقرار کرد و هرآینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هایی وجود دارد». مطابق این آیه یکی از کارکردهای خانواده سالم، آرامش‌دهی به همسر و خانواده است. پس هرگاه خانواده محل امن و آرامش نباشد، اختلالی در روابط آن وجود دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵).

روابط خوشایند و آرامش‌بخش زن و شوهر نه‌تنها مناسب‌ترین بستر رشد و شکوفایی و تعالی شخصیت آنها را فراهم می‌کند، بلکه چنین رابطه‌ای از نیازهای ضروری فرزندان نیز به‌شمار می‌رود و در رشد و تعالی آنها مؤثر است. از منظر دینی مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای کسب این رضایتمندی و خرسندی ایفای درست نقش و انجام وظایف زن و شوهر است (مطهری و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان زن که موجودی عاطفی و کانون محبت است، بیشتر نیاز به محبت همسرش دارد. زندگی او وابسته به عشق و علاقه است و هرچه محبوب‌تر باشد، شاداب‌تر بوده و برای به‌دست آوردن این محبوبیت، بیشتر تلاش می‌کند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

لطافتی که علامه طباطبائی نیز به آن اشاره می‌کند حقی را برای زن ایجاد می‌کند که مسئولیت مرد رفتار ملاحظت‌آمیز با اوست (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵)؛ زیرا به نظر می‌رسد آرامش او برای پرورش‌دهندگی، به این ملاحظت همراه با عقلانیت متکی است. به همین سبب خداوند متعال در آیه ۹ سوره «نساء» به مردان توصیه می‌کند که با همسر خود معاشرت نیکو داشته باشند: «و عاشروهنّ بالمعروف».

دین اسلام معتقد است: زنان نسبت به مردان از پیچیدگی ذهنی و عاطفی بیشتری برخوردارند و نیاز افزون‌تری به آرامش و تکیه‌گاه در زندگی احساس می‌کنند. در ترسیم جایگاه مرد نیز وی را مظهر اعتماد، نقطه اتکا در مسائل گوناگون و سرپرست امور خانواده، همچنین در مقام تمنا، طلب و خواهش در برابر زن قرار داده است (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت تفاوت‌های بین زن و مرد است که می‌تواند رفتار انتخابی و مورد انتظار آنها را تحت تأثیر قرار دهد و بر برداشت‌های فرد مقابل نیز اثر مستقیم بگذارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹). بنابراین رفتارهای انتخاب‌شده از طرف مرد که مصداق معاشرت نیکو با همسر به‌شمار می‌آیند، ممکن است با رفتارهایی که زن انجام آنها را مصداقی از معاشرت نیکوی مرد با خود قلمداد می‌کند، متفاوت باشد.

تفاوت در خلقت زن و مرد موجب نگاهی متفاوت به مسائل گوناگون، از جمله روابط زناشویی و انتظارات از همسر در آنها شده است. ناآگاهی زن و شوهر از زبان عشق یکدیگر و رفتارهای خوشایند برای هر کدام، ممکن است موجب کژفهمی آنها از رفتارهای یکدیگر شده، روابطشان را متزلزل کند؛ زیرا به نظر هر کدام، دیگری نتوانسته است انتظار او را از ازدواج و زندگی مشترک برآورده سازد، و حال آنکه اگر زوجین نسبت به نگاه متفاوت یکدیگر به این مسئله آگاه بوده و سعی در آشنایی با ملاک‌های طرف مقابل داشته باشند، می‌توانند با سوءتفاهم کمتر، نرخ تعاملات مثبت خود را بالاتر برده، به تبع آن رضایت بیشتری از رابطه زناشویی خود احساس کنند.

در این میان، با توجه به پیچیدگی شخصیتی زن نسبت به مرد، انجام پژوهش‌هایی که در آن به ملاک‌ها و مصادیق «رفتار معروف» مرد با همسر از نگاه زنان پرداخته شده، می‌تواند به مردان در شناسایی رفتارهایی که برای همسرشان خوشایند است و معنای «معاشرت نیکو» را دارد، کمک کند تا در تعاملات خود از آنها بیشتر بهره ببرند. قربان‌نیا و حافظی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی اصل «معاشرت به معروف» از منظر قرآن کریم پرداخته و در یکی از کامل‌ترین معانی، «معروف» را هر فعلی معرفی می‌کند که توسط عقل و شرع پسندیده باشد. آنها در پژوهش خود، تفاسیر گوناگونی را که مفسران برای این آیه بیان کرده‌اند، برشمرده‌اند. برای مثال، در تفاسیر معاصر، این عبارت به‌عنوان دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی متناسب با زن، خوش‌رفتاری با زن و اذیت نکردن بدون سبب وی بیان شده است.

هاشمی (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن» به اصل «معاشرت نیکو» و تعاریف آن از نظر بزرگان دین پرداخته است.

در پژوهش‌های گوناگونی به وظایف مرد در قبال همسر و خانواده پرداخته شده و پژوهشگران معتقدند: آشنایی مردان با آموزه‌های همسرمداری، بر چهار بعد تأمین نیازهای فردی، اجتماعی، مالی و معنوی همسر تأثیر می‌گذارد (حیدری خورمیزی و همکاران، ۱۳۹۵).

همچنین تقوی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود، وظایف مرد را به دو بخش «وظایف در برابر همسر» و «وظایف در برابر همسر و فرزندان» تقسیم می‌کنند و انجام وظیفه در قبال مسائل عاطفی همسر، فعالیت‌های او و پرداخت مهریه را با عنوان وظایف مرد در قبال همسر قرار می‌دهند.

با وجود این پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد جایگاه پژوهشی کیفی که ادراک پدیداری دختران از مصادیق معاشرت نیکوی مردان با همسر را بررسی کند خالی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی مصادیق معاشرت نیکو با همسر از منظر دختران دانشجو با بهره‌گیری از نظرات خود آنهاست.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش «پدیدارشناسی» انجام گرفت. برای درک پدیده‌های اجتماعی از روش تحقیق کیفی استفاده می‌شود. داده‌های پژوهش کیفی عموماً از طریق مشاهده، مصاحبه و تعاملات شفاهی جمع‌آوری می‌شود و بر تفسیرهای شرکت‌کنندگان از موضوع، عقاید، ارزش‌ها و رفتار آنها در بستر دست‌نخورده اجتماعی تمرکز می‌کند. چنانچه پژوهشگر بخواهد ساختار و معنای ضمنی یک پدیده را با توجه به معنایی که افراد در زندگی خود تجربه کرده‌اند آشکار سازد، از روش تحقیق «پدیدارشناسی» استفاده می‌کند (نمازی اصفهانی، ۱۳۹۷).

روش «پدیدارشناسی» با هدف درک لایه‌های عمیق معنایی تجارب زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده خاص انجام می‌شود. در این نوع پژوهش، ساختار آگاهی در تجربه‌های انسانی بررسی شده و به رفتار انسان در بستر روابط خود با اشیاء، افراد و موقعیت‌ها می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۸۶) و برای هدف این پژوهش (یعنی شناسایی ادراک دختران از مصادیق معاشرت نیکو با همسر) روش مناسبی به نظر می‌رسد.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تعداد ۲۹ تن از دانشجویان دختر دانشگاه بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بودند که به صورت هدفمند از بین تمام دانشجویان دختر این دانشگاه انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه، گذراندن درس «خانواده در اسلام و آشنایی با جایگاه و مفاهیم مربوط به آن» و نیز تمایل به مشارکت در پژوهش و در اختیار قرار دادن دیدگاه خود در موضوع بحث بود.

داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها با این سؤال کلی شروع شد: «بعد از آشنایی با مفاهیم مربوط به خانواده در اسلام، و با توجه به اینکه یکی از دستورات قرآن برای مردان این است که با همسران خود معاشرت نیکو داشته باشند، از نظر شما چه رفتارهایی از جانب آقایان به‌عنوان همسر، مصداق

معاشرت نیکو به حساب می‌آید؟» سپس سؤالات پیگیری و با توجه به پاسخ‌های قبلی به صورت عمیق‌تر و اختصاصی‌تر پرسیده شد. نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به نقطه اشباع در هر مفهوم ادامه یافت و داده‌های بیشتر، اطلاعات جدیدی ارائه نداد.

تحلیل داده‌ها در این مطالعه با استفاده از روش کولایزی انجام شد که شامل هفت مرحله است: ۱. خوانش توصیف‌های افراد نمونه؛ ۲. استخراج عبارات‌های مهم و مرتبط با موضوع؛ ۳. فرمول‌بندی معانی؛ ۴. سازماندهی مفاهیم؛ ۵. ترکیب نتایج در قالب یک توصیف مفصل از پدیده و به‌دست آمدن مقوله‌ها؛ ۶. صورت‌بندی توصیف در قالب یک عبارت شناختی؛ و ۷. معتبرسازی نهایی (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۲۸۰).

روش‌شناسان و محققان کیفی در چند دهه اخیر، راهبردها و معیارهایی را برای ارزیابی کیفیت داده‌ها و معتبرسازی نتایج این نوع تحقیقات ارائه داده‌اند که نه‌تنها بعد از اتمام پژوهش، بلکه در حین انجام آن نیز قابل استفاده بوده و نسبت به طرح‌های کمی بسیار متنوع هستند. برای مثال، کولایزی (Colaizzi) درباره اعتبار پایانی یا نهایی که با مراجعه به هریک از مطلعان صورت می‌گیرد، معتقد است: محقق در بسیاری موارد باید در فرآیندی گفت‌وگومحور با موضوعات تحت بررسی قرار بگیرد. وی اعتباریابی توصیف‌های جامع از پدیده مورد مطالعه از سوی خود مشارکت‌کنندگان را مهم‌ترین معیار ارزیابی یافته‌های تحقیق پدیدارشناسی تلقی می‌کند (کولایزی، ۱۹۷۸، به نقل از: محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴).

ازاین‌رو در پژوهش حاضر نیز به این منظور یافته‌های نهایی شامل جدول حاوی مضامین و خوشه‌های معنایی به دو تن از شرکت‌کنندگان ارائه شد و نتایج توسط آنها تأیید گردید. همچنین از استادان رشته «مشاوره خانواده» و متخصص در زمینه پژوهش کیفی درخواست شد تا نظرات خود را درباره نتایج رمزگذاری بیان کرده، در صورت نیاز رمزگذاری را مجدد انجام دهند. در نهایت با توجه به نظرات این افراد، تغییرات جزئی بر روی جداول اعمال شد و نتایج نهایی به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مصادیق «معاشرت نیکوی مرد با همسر» از نگاه دانشجویان دختر دانشگاه بجنورد انجام شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و جملات مهم و فراهم‌کننده اطلاعاتی در خصوص موضوع، مشخص و استخراج شد. از این جملات، تعداد ۱۵۰ رمز اولیه به‌دست آمد. در مرحله بعد رمزهای مرتبط با هم در قالب یک خوشه معنایی قرار داده شد و در نهایت ۲۹ خوشه معنایی حاصل، به صورت ۹ مضمون اصلی دسته‌بندی گردید. در جدول (۱) به مضامین و خوشه‌های معنایی مربوط به هریک به همراه درصد کسانی که به این مفاهیم اشاره کرده‌اند، ارائه شده است:

جدول ۱: مضامین و خوشه‌های معنایی مربوط به هر مضمون

مضامین	خوشه‌های معنایی
۱. پذیرش بدون قید و شرط همسر به‌عنوان یک انسان آزاد	پذیرش بدون قید و شرط همسر (۶۲٪) به رسمیت شناختن حقوق همسر به‌عنوان یک انسان آزاد (۲۴٪) نظرخواهی از همسر و مشورت با او در تصمیم‌گیری‌ها (۹۳٪)
۲. القای احساس امنیت به همسر در طول زندگی مشترک	محافظت از همسر و امنیت بخشیدن به او (۱۰۰٪) حضور فیزیکی در کنار همسر در شرایط گوناگون (۵۸٪) رازداری در مسائل خصوصی زندگی (۳۸٪)
۳. مسئولیت‌پذیری در قبال تأمین آرامش و آسایش خانواده	سخت‌مندی و تأمین مخارج زندگی (۱۰۰٪) تلاش برای حفظ آرامش روحی همسر در زندگی (۳۱٪) اهمیت دادن به تفریح خانواده (۵۲٪)
۴. پاسخ‌گویی به نیاز همسر در خصوص عشق و تعلق در عمل و رفتار	ابراز محبت کلامی و فیزیکی به همسر (۵۵٪) نشان دادن توجه خود به همسر در رفتار عملی (۹۳٪) توجه به نقاط قوت همسر و تشویق و تمجید او (۶۹٪) خودرأی نبودن در رابطه جنسی و توجه به نیازهای همسر (۲۸٪)
۵. تلاش برای تقویت رابطه صمیمانه با خانواده و همسر	برقراری رابطه صمیمانه با اعضای خانواده همسر (۲۱٪) ایجاد فضایی صمیمانه و عاری از ترس بین خود و همسر (۳۸٪) عدم پنهان‌کاری از همسر در مسائل گوناگون (۱۴٪)
۶. پختگی شخصیتی	چارچوب‌مندی از نظر عقاید مذهبی و اخلاقی (۹۶٪) مستقل بودن از خانواده خود از نظر شخصیتی و مالی (۲۷٪) رعایت نظم و بهداشت فردی (۳۱٪) داشتن رفتار منطقی در شرایط بحرانی (۱۰۰٪) آینده‌نگری (۱۰٪) تلاش برای ارتقای سطح دانش و شخصیت خود (۲۷٪)
۷. احترام به همسر و قدردانی از زحمات او	قدردانی از زحمات همسر (۲۱٪) محترم شمردن همسر و خانواده او (۱۰۰٪)
۸. برخورداری از روحیه گذشت و فداکاری	گذشتن از بخشی از خواسته‌های خود به نفع همسر (۵۵٪) هماهنگی با همسر در عقاید و علایق (۱۷٪) پذیرفتن بخشی از مسئولیت‌های منزل و فرزندان (۱۰۰٪)
۹. خوش خلقی	عطوفت و نرمش در قبال همسر (۷۶٪) تلاش برای حفظ نشاط خانواده (۳۱٪)

در ادامه به نمونه‌هایی از رمزهای مربوط به هر خوشه مفهومی اشاره می‌گردد:

۱. پذیرش بدون قید و شرط همسر به‌عنوان یک انسان آزاد: این مضمون نشان می‌دهد که زنان حتی بعد از ازدواج و متعهد شدن به زندگی زناشویی نیز دوست دارند به‌عنوان یک انسان مستقل و آزاد پذیرفته شوند و حقوق آنها رعایت گردد. در این باره سه زیرمضمون به دست آمد که هر کدام به همراه بخشی از رمزهای مربوط به آن ذکر می‌گردد:

الف) پذیرش بدون قید و شرط همسر: مقایسه نکردن همسر خود با دیگران؛ پذیرش نقاط ضعف همسر و عدم تحقیر وی به خاطر آنها؛ پذیرش تفاوت‌های فردی خود با همسر در عقاید و ارزش‌ها؛ اجتناب از نكوهش همسر به خاطر اشتباهات یا گذشته وی؛ و پرهیز از زورگویی و تحمیل عقاید خود به همسر.

ب) به رسمیت شناختن حقوق همسر به‌عنوان یک انسان آزاد: به رسمیت شمردن آزادی همسر برای داشتن تفریحات شخصی خود؛ اجازه دادن به وی برای معاشرت با دوستان و خانواده خود؛ عدم نیاز به کسب اجازه مکرر از شوهر برای بیرون رفتن از خانه؛ به رسمیت شناختن استقلال مالی همسر در صورت داشتن حقوق و درآمد؛ و آزادی عمل دادن به همسر برای نشان دادن و رشد استعدادها و توانایی‌های خود.

ج) نظرخواهی از همسر و مشورت با او در تصمیم‌گیری‌ها: توجه به نظر همسر در تصمیم‌گیری‌ها و پرسیدن نظر وی؛ هماهنگی با همسر قبل از دعوت مهمان به خانه؛ و پرسیدن نظر همسر در تصمیم‌گیری‌های جمعی در خانواده یا جمع دوستان.

۲. القای احساس امنیت به همسر در طول زندگی مشترک: در این مضمون شرکت‌کنندگان به یکی از نیازهای مهم خود (یعنی داشتن احساس امنیت از نظر فیزیکی و روانی) اشاره کردند و از همسر خود انتظار داشتند با حمایت روحی و حضور فیزیکی خود، به این نیاز آنها پاسخ بگوید. در ادامه، به مفاهیم مربوط به این مضمون و نمونه‌هایی از رمزهای هر یک اشاره می‌گردد:

الف) محافظت از همسر و امنیت بخشیدن به او: حمایت از همسر و دفاع از او در جمع خانواده، حتی در غیاب خودش؛ جا باز کردن و نشان دادن همسر در کنار خود؛ مراقبت از همسر در مکان‌های شلوغ؛ همراهی با همسر در بحران‌ها و اتفاقات سخت زندگی؛ و گرفتن وسایل سنگین از همسر در مسافرت.

ب) حضور فیزیکی در کنار همسر در شرایط گوناگون: همدوشی در راه رفتن و قدم زدن؛ همراهی خانواده در تفریحات، خرید و سفرها؛ رساندن همسر به مقاصد گوناگون و رفتن به دنبال او؛ و حضور داشتن در کنار همسر در زمان زایمان.

ج) رازداری در مسائل خصوصی زندگی: برملا نکردن بحث‌ها و مشکلات زناشویی در حضور دیگران؛ و پنهان کردن نقاط ضعف همسر از دیگران.

۳. مسئولیت‌پذیری در قبال تأمین آرامش و آسایش خانواده: توجه به این موضوع که از جمله وظایف مرد، تأمین مالی و فراهم کردن وسایل آسایش و آرامش خانواده است. مصاحبه‌شوندگان نیز از همسران خود انتظار داشتند در انجام این وظیفه خود کوتاهی نکرده، بدون نیاز به گوشزد کردن، در جهت تأمین مالی زن و حفظ روحیه شاد خانواده تلاش کنند. در ادامه خوشه‌های معنایی و رمز(کدهای)های مربوط به هر کدام ارائه می‌گردد:

الف) سخاوتمندی و تأمین مخارج زندگی: هدیه دادن و گل خریدن برای همسر؛ تأمین مالی همسر بدون نیاز به گوشزد کردن؛ آزادی عمل دادن به همسر در پول خرج کردن و عدم بازخواست وی؛ و واگذار کردن بخشی از مدیریت مالی به همسر.

ب) تلاش برای حفظ آرامش روحی همسر در زندگی: منتقل نکردن درگیری‌های ذهنی خود به منزل؛ اطمینان‌بخشی به همسر درباره حضور و حمایت از او در تمام مراحل زندگی؛ تلاش برای حفظ آرامش روحی همسر در بحران‌ها و بیماری‌ها و ایجاد فضایی صمیمانه در رابطه خود با همسر، به‌گونه‌ای که وی بدون ترس خواسته خود را بیان کند.

ج) اهمیت دادن به تفریح خانواده: رفتن به تفریح بیرون از منزل در روزهای تعطیل؛ اهمیت دادن به اوقات فراغت خود و همسر و برنامه‌ریزی برای آن؛ غذا خوردن در رستوران - دست‌کم - ماهی یک‌بار؛ اهل سفر بودن؛ و پرداختن به سرگرمی‌های دونفره، مثل آشپزی و فیلم دیدن.

۴. پاسخ‌گویی به نیاز همسر در خصوص عشق و تعلق در عمل و رفتار: نیاز به عشق و تعلق یکی از نیازهای اساسی هر انسانی است و زنان با توجه به لطافت و حساسیت روحی خود، نیاز بیشتری به محبت و ابراز آن از طرف همسر در کلام و رفتار عملی دارند. شرکت‌کنندگان در تأیید این موضوع، به مفاهیم و رمزهای ذیل اشاره کردند:

الف) ابراز محبت کلامی و فیزیکی به همسر: دست دادن با همسر در هنگام سلام و خداحافظی؛ در آغوش گرفتن همسر و بوسیدن وی؛ تماس گرفتن و ارسال پیام عاشقانه در طول روز و ابراز محبت کلامی؛ و گفتن «دوستت دارم» به همسر.

ب) نشان دادن توجه خود به همسر در رفتار عملی: به یاد سپردن تاریخ‌های مهم زندگی و تبریک گفتن به همسر؛ اولویت دادن به خانواده در مقابل دوستان؛ تشخیص و برآورده کردن نیازهای همسر بدون گوشزد کردن آنها؛ و توجه نشان دادن به همسر در جمع‌ها و جوینا شدن احوال وی.

ج) توجه به نقاط قوت همسر و تشویق و تمجید آنها: توجه نشان دادن به ظاهر همسر و تعریف کردن از او؛ تعریف از همسر در جمع خانواده و دوستان؛ تشویق همسر در صورت کسب موفقیت در زندگی و توجه به علایق و استعدادهای همسر در زمینه تحصیلی، هنری و مانند آن؛ و تلاش برای شکوفا کردن آنها.

د) خودرأی نبودن در رابطه جنسی و توجه به نیازهای همسر: توجه به تأمین نیازهای جنسی همسر در کنار تأمین نیازهای خود؛ تحقیر نکردن همسر در رابطه جنسی؛ و شوخی‌های جنسی در خلوت دونفره.

۵. تلاش برای تقویت رابطه صمیمانه با خانواده و همسر: مصاحبه‌شوندگان ازدواج و رابطه زناشویی را بستری برای تجربه یک رابطه صمیمانه می‌دانستند و معتقد بودند: در چنین شرایطی زن می‌تواند در یک فضای امن و بدون ترس، درباره نیازها و خواسته‌های خود حرف بزند. در ادامه به زیرمضمون‌ها و بخشی از رمزهای مربوط به هر کدام اشاره می‌گردد:

الف) برقراری رابطه صمیمانه با اعضای خانواده: رفیق بودن و برقرار کردن رابطه دوستانه با همسر؛ وقت‌گذرانی با فرزندان و صمیمیت با آنها؛ و داشتن رابطه دوستانه با اعضای خانواده خود.

ب) ایجاد فضایی صمیمانه و عاری از ترس بین خود و همسر: اختصاص زمانی برای همنشینی و همصحبتی صمیمانه با همسر و پرسیدن احوال او؛ صحبت کردن با همسر درباره مشکلات و ناراحتی‌ها در فضایی دوستانه؛ و اعتماد داشتن به همسر و بازجویی نکردن وی.

ج) پنهان کاری نکردن از همسر در مسائل گوناگون: در میان گذاشتن مسائل مالی خود با همسر؛ قرار دادن رمز گوشی و وسایل ارتباطی خود در اختیار همسر؛ و نداشتن مسئله خصوصی و پنهان از همسر.

۶. پختگی شخصیتی: این مضمون اگرچه جزء خصوصیات شخصیتی مرد به‌شمار می‌آید، اما به اشاره مصاحبه‌شوندگان، به نظر می‌رسد که می‌تواند در رفتار وی با دیگران تأثیر زیادی داشته باشد و موجب معاشرت نیکوی مرد با همسر خود شود. در ادامه به مفاهیم و رمزهای مربوط به این مضمون اشاره شده است:

الف) چارچوب‌مندی از نظر عقاید مذهبی و اخلاقی: ایمان به خدا؛ نماز خواندن؛ توجه به کسب روزی حلال؛ دروغ نگفتن به همسر؛ خیانت نکردن به همسر؛ چشم‌پاک بودن و حفظ حریم خود در برخورد با نامحرم؛ منت نگذاشتن به همسر؛ و سوءاستفاده نکردن از حق تمکین خود نسبت به وی.

ب) مستقل بودن از خانواده پدری خود از نظر شخصیتی و مالی: استقلال از خانواده خود و توانایی زندگی در یک شهر دور؛ قرار دادن مرزی مشخص بین خانواده اصلی خود با همسر و فرزندان؛ استقلال مالی از خانواده خود؛ و داشتن شغلی ثابت و حفظ حریم زناشویی و اجازه دخالت به کسی ندادن.

ج) رعایت نظم و بهداشت فردی: رعایت بهداشت فردی و اهمیت دادن به سلامت خود؛ رعایت نظم و پاکیزگی در منزل و خارج از منزل؛ و اهمیت دادن به ظاهر و نوع لباس پوشیدن خود.

د) داشتن رفتار منطقی در شرایط بحرانی: درک شرایط روحی همسر در زمان کسالت یا قاعدگی؛ شکیبایی و سکوت در زمان عصبانیت؛ صبور بودن زمانی که همسر مشغول انجام کاری است؛ اهل قهر نبودن؛ و برخورد نرم و منعطف با همسر در صورت بروز اشتباه از وی.

ه) آینده‌نگری: هدفمند بودن در زندگی و داشتن برنامه‌ریزی برای مخارج زندگی.

و) تلاش برای ارتقای سطح دانش و شخصیت خود: اهل مطالعه بودن؛ داشتن روابط اجتماعی قوی؛ و شرکت در بحث‌ها با اطلاعات کافی.

۷. احترام به همسر و قدردانی از زحمات او: به گفته شرکت‌کنندگان در این پژوهش، محترم شمردن زن در زندگی و تشکر و قدردانی از او می‌تواند نقش مهمی در دلگرمی وی برای ادامه راه و همراهی با همسر در فرازونشیب زندگی داشته باشد. در این باره به خوشه‌های مفهومی و رمزهای ذیل اشاره شد:

الف) قدردانی از زحمات همسر: تشکر کلامی از همسر به خاطر همراهی در شرایط سخت زندگی؛ رفتن به محل کار همسر و قدردانی از زحمات وی؛ و محبت صمیمانه و تقدیم گل به او برای تشکر.

ب) محترم شمردن همسر و خانواده او: احترام گذاشتن به همسر در جمع و در خلوت؛ استفاده از الفاظ زیبا و محترمانه برای صدا زدن همسر؛ احترام به عقاید مذهبی همسر؛ احترام به خانواده همسر و رسوم آنها و تفاوت قایل نشدن بین آنها با خانواده خود؛ حفظ حرمت همسر در مواقع عصبانیت؛ باز کردن در برای همسر؛ و حفظ احترام همسر در مقابل فرزندان.

۸. برخورداری از روحیه گذشت و فداکاری: طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، برخورداری مرد از روحیه گذشت و فداکاری و پذیرفتن بخشی از مسئولیت زندگی که شاید به ظاهر جزو وظایف زن به حساب آید، می‌تواند نشان از حسن معاشرت وی با همسر داشته باشد. در ادامه نیز به مفاهیم و رمزهای مربوط به این مضمون اشاره شده است: الف) گذشتن از بخشی از خواسته‌های خود به نفع همسر: کنار گذاشتن غرور خود و دلجویی کردن از همسر در بحث‌ها و مشاجرات؛ توانایی «نه» گفتن به مهمان در صورت مساعد نبودن حال همسر؛ اولویت دادن به نیازهای همسر در مقابل خود و کوتاه آمدن از موضع خود؛ و توجه به نظر همسر در انتخاب‌هایی مثل مقصد سفر یا نام فرزندان.

ب) هماهنگی با همسر در عقاید و علایق: هم‌عقیده بودن با همسر در مسائل مذهبی و ویژگی‌های شخصیتی؛ و هم‌سلیقه بودن در نوع تفریح، عقاید سیاسی، ورزش مورد علاقه و نوع لباس پوشیدن.

ج) پذیرفتن بخشی از مسئولیت‌های منزل و فرزندان: کمک به همسر در کارهای منزل، مهمانی‌ها و سفر؛ کمک به همسر در طول دوران بارداری؛ صبحانه حاضر کردن در روزهای تعطیل و کمک در نگهداری و تربیت فرزندان.

۹. خوش‌خلقی: اخلاق خوب و شوخ‌طبعی مرد می‌تواند به حفظ نشاط خانواده کمک کرده، مصداق بارز معاشرت نیکوی مرد با همسر و خانواده باشد. در این زمینه شرکت‌کنندگان به نکات ذیل اشاره کردند:

الف) عطف و نرمش در قبال همسر: خوش‌خلقی در خانه و سفر و شوخ‌طبع بودن؛ توجه به لطافت زنانه و اجازه ندادن به او برای انجام کارهای سنگین؛ خوش‌قول بودن در قرارها و وعده‌های خود؛ مؤدبانه حرف زدن با همسر و پرهیز از فحاشی؛ و خوشحال کردن همسر با غافلگیر کردن او.

ب) تلاش برای حفظ نشاط خانواده: داشتن روحیه شاد و استفاده از فرصت‌ها برای شاد بودن و دورهمی؛ تلاش برای حفظ سرزندگی خانواده بعد از گذشت سال‌ها از زندگی؛ و تلاش برای القای حس شادی و سرزندگی به فرزندان.

بحث و نتیجه‌گیری

در منطق قرآن کریم، اصل «معاشرت به معروف» به منزله یکی از اصول اساسی حاکم بر روابط همسران مطرح است. چنین اصلی در روابط همسران، یک اصل اخلاقی است که به علت قرابت اخلاق و حقوق، در زمره مبانی و قواعد

حقوقی حاکم بر روابط همسران نیز درآمده است، به گونه‌ای که قانونگذار بدان عنایت داشته و ضمن ماده ۱۱۰۳ «قانون مدنی» بدان تصریح نموده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» (قربان‌نیا و حافظی، ۱۳۸۸).

در این پژوهش به دنبال شناسایی مصادیق معاشرت نیکو با همسر از نگاه دختران، ۹ مضمون اصلی به دست آمد که هر کدام به همراه خوشه‌های معنایی مربوط به آن ذکر می‌گردد:

اولین مضمون کشف‌شده در جهت شناسایی مصادیق «معاشرت نیکوی مرد با همسر» از نگاه شرکت‌کنندگان در این پژوهش، پذیرش بدون قید و شرط همسر و احترام به حقوق او به‌عنوان یک انسان آزاد بود. این مضمون و رفتارهای حاصل از آن، در رابطه زناشویی تأثیر زیادی داشته، موجب می‌شود زن بدون ترس از مقایسه شدن، قضاوت شدن و یا تمسخر و سرزنش، تمام ابعاد وجودی خود را در رابطه نمایان سازد.

در این‌باره به گفته حسین‌زاده (۱۳۸۹)، پذیرش دنیای متفاوت همسر روشی برای احترام به اوست. وی در پژوهش خود در این زمینه اظهار می‌دارد: مقایسه کردن همسر با دیگران و برشمردن محاسن دیگران نزد وی به رابطه نیکوی بین همسران آسیب وارد کرده، موجب می‌شود او دریابد که به‌عنوان یک انسان منحصربه‌فرد و دارای ویژگی‌های مثبت و منفی، پذیرفته نشده است. بنابراین اوج احترام مرد به همسرش این است که طوری رفتار کند که زن احساس کند همان‌گونه که هست، مورد لطف و توجه مرد قرار دارد.

مفهوم دیگر مربوط به این مضمون، به رسمیت شمردن حقوق خود به‌مثابه یک انسان آزاد از جانب همسر بود. در همین زمینه، اسلام نیز با اشاره به برابری مرد و زن در آفرینش (کریمی عقدا و همکاران، ۱۳۹۷)، به مردان توصیه کرده است: خود را صاحب اختیار مطلق زنان ندانند (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶) و از غیرت‌ورزی بیجا و بدون دلیل عقلی و شرعی بپرهیزند (حیدری خورمیزی و همکاران، ۱۳۹۵).

همچنین به گفته علامه طباطبائی، سرپرستی مرد نسبت به زن، به معنای سلب آزادی او و تصرفاتش از آنچه مالک آن است، نبوده، زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد و می‌تواند حقوق اجتماعی خود را حفظ کند. بنابراین مرد باید قوام‌بخشی به زندگی و سرپرستی زن را در کنار احترام به استقلال و آزادی فردی و اجتماعی او انجام دهد و با عمل صالح و خضوع این نقش را ایفا نماید (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵).

در حوزه اشتغال زنان نیز پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در زمان خود، نه‌تنها زنان را از کار و فعالیت اجتماعی نهی نمی‌کردند، بلکه اگر متناسب با روحیات و شرایط زنان بود و عفاف و حجاب آنها را خدشه‌دار نمی‌کرد، ادامه فعالیت آنها را تشویق می‌کردند (حکیم‌زاده، ۱۳۹۴).

دومین مضمون شناسایی‌شده که از نظر مصاحبه‌شوندگان، مصداق حسن معاشرت مرد با همسر به حساب می‌آید، القای احساس امنیت به وی در طول زندگی مشترک بود. زنان با توجه به لطافت روحی خاص خود، نیاز دارند همسرشان به‌عنوان حامی آنها در شرایط مختلف زندگی، احساس امنیت و آرامش را به ایشان منتقل کند.

در همین زمینه به گفته ناموران گرمی و همکاران، (۱۳۹۷) نقش حمایتی و حفاظتی مردان به منزله یکی از نقش‌های جنسیتی آنها در نظر گرفته شده است، و هرچه مرد بیشتر از همسر خود در جمع‌ها حمایت کند، اعتماد او را بیشتر جلب می‌نماید. در واقع مرد نقش مراقبتی از حریم، حیات و تأمین امنیت روان‌شناختی و عاطفی، و به عبارت دیگر، وظیفه تأمین محبت و عشق و امنیت عاطفی و مالی خانواده را برعهده دارد، و زن نیز این محبت را تبدیل به نیروی سازنده برای اعضای خانواده می‌کند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). اشاره تمام شرکت‌کنندگان به این مفهوم نشان از اهمیت این موضوع برای زنان دارد.

رازداری مرد و بازگو نکردن مسائل خصوصی بین زن و شوهر نیز از دیگر مصادیق معاشرت نیکوی مرد با همسرش به حساب می‌آید، به گونه‌ای که طبق گفته شیخ حرعاملی، یکی از ویژگی‌های همسران شایسته و وفادار، «رازداری» است و زن و شوهر باید حافظ اسرار یکدیگر باشند؛ چنان که خداوند در آیه ۱۸۷ سوره «بقره» می‌فرماید: زن و شوهر باید لباس یکدیگر باشند و عیب‌ها، ضعف‌ها و کمبودهای زندگی را برای دیگران نقل نکنند (فرزندوحی و کوهی، ۱۳۹۱).

از دیگر مضامینی که افراد شرکت‌کننده در این پژوهش به‌مثابه نمونه‌ای از معاشرت نیکوی مرد به آن اشاره کردند، مسئولیت‌پذیری وی در قبال تأمین آرامش و آسایش خانواده بود. یکی از وظایفی که اسلام بر عهده مرد گذاشته تأمین لوازم و مایحتاج زندگی است که از آن جمله می‌توان به خوراک، پوشاک، مسکن، اثاثیه و خرید منزل اشاره کرد (همان). دین اسلام همان گونه که مرد را سرپرست خانواده قرار داده، وظیفه تأمین نیازهای مادی اعضای خانواده را نیز بر عهده وی گذاشته است (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

به گفته بهشتی، (۱۳۸۶)، به نقل از: مطهری و همکاران، (۱۳۹۴) در آیین اسلام، مرد نه تنها باید مهریه زن را بپردازد، بلکه افزون بر ضروریات زندگی، باید بکوشد رفاه و آسایش بیشتری برای اهل و عیال خود فراهم آورد و بخل نرزد تا محبوب خانواده باشد. اشاره تمام افراد شرکت‌کننده به این موضوع، نشان از اهمیت آن برای ایشان دارد. تلاش برای ایجاد و حفظ آرامش روحی خانواده و همسر در زندگی نیز یکی دیگر از مصادیق حسن معاشرت مرد محسوب می‌شود. در این زمینه، تقوی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) یکی از وظایف عاطفی مرد را ارضای نیازهای معنوی همسر برشمرده‌اند که شامل خوش‌اخلاقی، تعامل با اعضای خانواده، شادکردن آنها، پرهیز از وارد کردن مشکلات خارجی به فضای خانه و اختصاص دادن ساعاتی برای همسر و فرزندان می‌شود.

سومین مضمون کشف‌شده برای شناسایی مصادیق معاشرت نیکوی مرد با همسر، پاسخ‌گویی به نیاز وی در زمینه عشق و تعلق در عمل و رفتار بود. زنان با توجه به لطافت روحی و عاطفی خود نسبت به مردان، نیاز به محبت بیشتر و ابراز آن از راه‌های گوناگون دارند و با توجه به تفاوت‌های فردی در روش‌های تبادل عشق و محبت، هریک مصادیق خاصی را به‌عنوان نشانه‌های پاسخ‌گویی مرد به این نیاز بیان می‌کنند.

طبق پژوهش جدیری و همکاران (۱۳۹۶)، رفتارهایی در رابطه زناشویی که در آن ابراز محبت و عشق وجود دارد، «رفتارهای ابرازی مثبت» نامیده می‌شوند و اقدام به آنها بر توجه، مراقبت، مهرورزی و عشق دلالت دارد و بر جنبه‌های عاطفی رابطه متمرکزند.

در همین زمینه، به گفته مرحوم کلینی، گفتن جملاتی از قبیل «دوست دارم» موجب پایدارشدن محبت بین زن و شوهر می‌شود و به گفته محدث نوری، بوسیدن یکی از بهترین نشانه‌های عشق و محبت است که می‌تواند بین زن و شوهر اتفاق بیفتد (جدیری و همکاران، ۱۳۹۶).

پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «هر که از دوستان ما باشد به همسرش بیشتر ابراز محبت می‌کند، و هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد محبت به همسر را بیشتر می‌کند» (حسین زاده، ۱۳۸۹). ایشان همچنین می‌فرمایند: «این سخن مرد به همسرش که بگوید "تو را واقعاً دوست دارم" هرگز از قلب زن خارج نخواهد شد» (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

نشان دادن توجه به زن در رفتار عملی نیز نمونه دیگری بود که بیش از ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان از همسران خود انتظار داشتند. در این زمینه به گفته مرحوم کلینی توجه چشمی محبت‌آمیز از عوامل رسیدن به رضایت زناشویی و آرامش است (حیدری خورمیزی و همکاران، ۱۳۹۵) و مرد با یادسپاری تاریخ‌های مهم زندگی (مثل سالگرد ازدواج و تولد همسر) و هدیه دادن به او می‌تواند زمینه شادی وی را فراهم کند (فرزندوحی و کوهی، ۱۳۹۱).

مردان همچنین از طریق توجه نشان دادن به ظاهر همسر و تعریف کردن از نقاط قوت او، می‌توانند نیاز زن به دیده شدن و توجه را ارضا کنند (کریمی عقدا و همکاران، ۱۳۹۷).

توجه به نیازهای زن در رابطه جنسی، تلاش برای ارضای او و خودرأی نبودن مردان در این زمینه نیز از مصادیق معاشرت نیکوی آنها با همسرشان به حساب می‌آید. در این باره تقوی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان کردند: نیاز جنسی یکی از نیازهای پایه و فیزیولوژیک در انسان است که ارضای درست آن در رابطه زناشویی، می‌تواند موجب تحکیم خانواده از درون و رفع تهدیدهای بیرونی شود، به گونه‌ای که یانگ و لاریس (۱۹۹۸)، به نقل از: رستمی و همکاران، (۱۳۹۷) رضایت از رابطه جنسی را یکی از عوامل مهم مؤثر در رضایت از زندگی زناشویی نام بردند و اظهار داشتند: کسانی که رضایت جنسی بیشتری دارند کیفیت زندگی بالاتری را نیز تجربه می‌کنند.

در آموزه‌های اسلام نیز به تفاوت زن و مرد در گزینه و رفتار جنسی توجه شده است. مردان زمینه مناسبی برای ارضای زودرس دارند و زنان دارای صبر جنسی بالاتری هستند و برای ارضای گزینه جنسی به مقدماتی نیاز دارند که مردان باید آن را تأمین کنند (کریمی عقدا و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین در آداب ایجابی آمیزش

همسران در اسلام، به مردان توصیه شده است که تا هنگام ارضای نیاز جنسی همسرشان به آمیزش ادامه دهند (تقوی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از مصادیق معاشرت نیکوی مرد با همسر، تلاش وی برای برقراری و تقویت رابطه صمیمانه با خانواده و همسر بود. صمیمیت - که بیش از یک سوم شرکت کنندگان به آن اشاره کرده‌اند - یکی از نیازهای اصلی بشر است که از دل یکی دیگر از نیازهای او، یعنی نیاز به دل‌بستگی رشد می‌کند. نیاز به صمیمیت، نیاز به نزدیکی فیزیکی، پیوند و تماس با دیگران را دربر می‌گیرد (باگاروزی، ۲۰۱۳) و یکی از ضرورت‌های تداوم رضایتمندی و موفقیت ازدواج است؛ چنان‌که به گفته سعادت‌ی و همکاران (۲۰۱۴)، اهمیت اساسی در زندگی زناشویی داشته، میزان بالای صمیمیت در بین زوجین تأثیر شگرفی در رسیدن آنها به شادکامی در زندگی دارد. رابطه بین فردی نزدیک به افراد اجازه می‌دهد نیاز به پذیرفته شدن، مورد توجه بودن، ارزشمندی و دوست داشته شدن را برآورده کنند (فلیچر، ۲۰۰۲).

در همین زمینه، *فلاح‌زاده* و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود بیان کردند: بیشتر افراد ازدواج را به‌عنوان صمیمانه‌ترین رابطه بزرگسالی محسوب می‌کنند؛ رابطه‌ای که برای آنها منبع اصلی عاطفه و حمایت است. در این‌باره *ناموران گرمی* و همکاران (۱۳۹۷) یکی از ابعاد صمیمیت را وقت گذراندن با هم معرفی کرده، همشینی را نیز از مصادیق آن نام بردند.

تقوی پور و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود، اختصاص دادن ساعاتی برای همسر و فرزندان را یکی از نیازهای معنوی زن معرفی می‌کنند که ارضای آن از وظایف مرد است. عدم پنهان‌کاری مرد در مسائل گوناگون نیز نمونه‌ای از تلاش مرد برای ایجاد رابطه و فضای صمیمی بین خود و همسر است.

ناموران گرمی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود از پنهان‌کاری نکردن و دروغ نگفتن به‌منزله یکی از مفاهیم مرتبط با یک‌رنگ بودن و از ابعاد چهارگانه صمیمیت نام بردند.

از دیگر مضامین اشاره‌شده، پختگی شخصیتی مرد است که به همراه مفاهیم مرتبط با آن، اگرچه جزو خصوصیات فردی مرد به حساب می‌آیند، اما می‌توانند در رفتار او با دیگران و به‌ویژه حسن معاشرت وی با همسر، تأثیری مستقیم بگذارند. در این زمینه، به گفته *رزن - گراندن* (Rosen- Grandon) و همکاران (۲۰۱۰) تعهد به ازدواج، وفاداری به همسر، ارزش‌های اخلاقی مستحکم، در نظر گرفتن همسر به‌عنوان یک دوست، وفاداری جنسی، تمایل به والد خوبی‌بودن، و ایمان به خدا در کنار سایر خصوصیات، از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی بین همسران است.

به نظر مصاحبه‌شوندگان، رعایت نظم و بهداشت فردی در داخل و بیرون از منزل و اهمیت دادن به ظاهر و نحوه لباس پوشیدن مرد، نشانه دیگری از رفتارهایی است که موجب حسن معاشرت وی با همسرش می‌شود.

اسلام نیز برای دلگرم شدن زنان به زندگی و جلب محبت آنان، به مردان توصیه می‌کند که لباس و سر و وضع خود را تمیز و اصلاح کنند و مسواک بزنند و تمیز باشند تا زانشان به نامحرم تمایل پیدا نکنند (فرزندوحی و کوهی، ۱۳۹۱). طبق اشاره تمام مصاحبه‌شوندگان، به نظر می‌رسد زنان از همسران خود انتظار دارند که در مواقع بحرانی، مثل کسالت، قاعدگی و شرایط روحی ناگوار خود، با او برخورد منطقی داشته باشند. در همین زمینه، از میان توصیه‌هایی که اسلام به زنان و شوهران کرده، گذشت و اغماض هریک از لغزش‌ها و کج‌خلقی‌های دیگری و چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن اشتباهات و خطاهای یکدیگر را در درجه اول قرار داده است (همان).

به گفته حسین‌زاده، (۱۳۸۹)، زن وقتی دچار مشکل می‌شود دوست دارد حرف بزند و مرد باید به او فرصت بدهد تا حرف‌هایش را بزند. زن می‌خواهد که مرد علاوه بر اینکه سنگ صبورش است، به حرف‌هایش گوش بدهد و مرد نیز در این مواقع باید از راه‌حل دادن پرهیز کرده، با کلماتی همدلی خود را نشان دهد. گوش دادن مرد به همسر این پیام را نیز به او منتقل می‌کند که «تو برایم مهم هستی» و وی را تشویق می‌کند تا مرد را در احساسات خود شریک کند (جدیری و همکاران، ۱۳۹۶).

از نظر شرکت‌کنندگان، هدفمندی و داشتن برنامه‌ریزی در زندگی و تأمین امنیت مالی برای آینده نیز نشانه آینده‌نگری مرد و پختگی شخصیتی اوست. در این زمینه، حکیم‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی را از اصول مهم دنیای امروز و تنها راه پیشرفت نامیده، مراد از «برنامه‌ریزی در معیشت» را این می‌داند که امکانات و اموال در زندگی به‌گونه‌ای مصرف شود که از آن بیشترین بهره‌وری به‌دست آید و در عین حال، سرمایه زندگی حفظ گردد. این نوع برنامه‌ریزی مالی موجب تأمین امنیت مالی خانواده در آینده می‌شود که یکی از نیازهای خانواده و وظایف اصلی مرد است.

چهارمین مضمون که نشان از حسن معاشرت مرد با همسر خود دارد و شرکت‌کنندگان نیز به آن اشاره کردند، احترام گذاشتن مرد به همسر و قدردانی از زحمات اوست. احترام به همسر و قدردانی از زحمات او این احساس را به زن منتقل می‌کند که مورد توجه قرار گرفته و زحمات او در زندگی دیده شده است و این به نوبه خود، موجب دلگرمی وی نسبت به ادامه همراهی با شوهرش می‌گردد.

به گفته صفورایی‌پاریزی (۱۳۸۸)، نیاز به احترام در زن و مرد وجود دارد و نباید به بهانه ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که بین آنها وجود دارد، از احترام به یکدیگر غفلت کنند و شخصیت و حرمت، خود یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فردی است که می‌خواهد دیگران، به‌ویژه همسر و اعضای خانواده آن را محترم بشمارند. در همین زمینه، در منابع دینی نیز رعایت احترام زن توسط مرد جزو حقوق او برشمرده شده و احترام به خانواده زن نیز احترام به خود او در نظر گرفته شده است (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

برخورداری مرد از روحیه گذشت، فداکاری و گذشتن از بخشی از خواسته‌های خود به نفع همسر، نشانه دیگری

از حسن معاشرت اوست. خداوند در قرآن کریم مهرورزی مردان نسبت به زنان را در زمان اختلاف و کشمکش تا مرز طلاق و جدایی نیز مدنظر قرار داده (طلاق: ۱، ۲۶) و از مردان خواسته است به نحو شایسته از زنان مراقبت کنند. در روایات هم نمونه‌های بسیاری از مهرورزی مردان به زنان، مثل اکرام همسر و گذشت از او (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵، به نقل از: حرعاملی، ۱۴۱۲ق) بیان شده است.

مصاحبه‌شوندگان همچنین انتظار داشتند همسرشان در زمینه علایق و عقاید، با آنها هماهنگ باشند و آن را نشانه‌ای از رفتار نیکوی مرد با همسر خود می‌دانستند. در همین زمینه، به گفته غفوری و همکاران، زوجینی که از نظر عقاید مذهبی، جهت‌گیری یکسان و مشابهی دارند نسبت به آنهایی که در این باره اختلاف عقیده دارند از رابطه خود بیشتر اظهار رضایت می‌کنند (غفوری و همکاران، ۱۳۸۸، به نقل از: مطهری و همکاران، ۱۳۹۴).

در نهایت، پنجمین و آخرین مضمون شناسایی‌شده در این پژوهش که معنای معاشرت نیکوی مرد با همسر را داشت، خوش‌خلقی او بود که شرکت‌کنندگان آن را در عطف و نرمش مرد در قبال همسر و تلاش وی برای حفظ نشاط خانواده می‌دیدند.

در این زمینه به گفته تقوی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کنند و سنگ‌بنای اخلاق انسان در خانواده بنا نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و اخلاق را از پدر و مادر خود می‌آموزد و بزرگترها نیز به سبب همنشینی طولانی‌مدت و مداوم با یکدیگر بر شکل‌گیری صفات اخلاقی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بنابراین خوش‌خلقی مرد در خانه و در قبال فرزندان و همسر، می‌تواند الگویی برای آنها باشد و فضایل اخلاقی را به آنها منتقل کند، به گونه‌ای که از جمله وظایف عاطفی مرد نسبت به زن برشمرده شده است. اسلام نیز بر لزوم وجود شادی و سرزندگی در خانواده تأکید می‌کند و خانه را محلی برای تجدید قوای اعضا می‌داند (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

همچنین در روایات متعددی بدزبانی و بدخلقی با همسر از ردای رفتار مردان برشمرده شده (عبداللهی و اکبری، ۱۳۹۷) و به مردان توصیه گردیده است با توجه به ظرافت زنانه، از واگذاری کارهای سنگین به همسرانشان بپرهیزند و به آنها در کارهای منزل کمک کنند و کارهای زنان را در خانه تکریم و در برابر زحمات از ایشان تشکر نمایند (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

نگاه متفاوت زنان به زندگی و رابطه زناشویی و همچنین نیازهای متفاوت آنها نسبت به مردان و حتی نسبت به یکدیگر، موجب شده است طیف وسیعی از رفتارهای گوناگون از جانب همسر را «حسن معاشرت» او با خود به‌شمار آورند. آشنایی مردان با این خصوصیات و تقویت آنها در وجود خود، موجب شکل‌گیری روابط زناشویی سالم و رضایت‌بخش برای هر دو طرف خواهد شد؛ زیرا رفتار نیکوی مرد با همسر، متقابلاً بروز رفتار نیکو از طرف زن را در پی خواهد داشت.

منابع

- اکبری، بهمن و همکاران، ۱۳۹۸، «نقش سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ش ۳۳، ص ۹۵-۱۱۴.
- تقوی‌پور، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۶، «الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی»، *زنان و خانواده*، ش ۱۱(۳۸)، ص ۱۱۹-۱۴۸.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۹۵، «اثر خانواده درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده (الگوی مهر و قدرت)»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۴(۶)، ص ۳۸-۹.
- جدیری، جعفر و همکاران، ۱۳۹۶، «اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد اسلامی در رضایت‌مندی زناشویی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۱(۲۰)، ص ۷-۳۷.
- حسین‌زاده، علی، ۱۳۸۹، «احترام به یکدیگر و نقش آن در زندگی مشترک»، *معرفت اخلاقی*، ش ۲(۱)، ص ۱۴۷-۱۶۷.
- حکیم‌زاده، فرزانه، ۱۳۹۴، «تدابیر اقتصادی رسول خدا ﷺ در تأمین معیشت همسران خود»، *تاریخ اسلام*، ش ۱۶(۲)، ص ۲۹-۵۴.
- حیدری خورمیزی، سیدحسین و همکاران، ۱۳۹۵، «رابطه پایداری مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام با رضامندی زناشویی و کارآمدی خانواده»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۴(۷)، ص ۴۳-۵۴.
- رستمی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی و مقایسه آموزش زوج‌درمانی هیجان‌مدار و راه‌حل‌مدار بر کاهش ترس از صمیمیت و افزایش رضایت جنسی زوجین»، *مشاوره کاربردی*، ش ۸(۲)، ص ۱-۲۲.
- رسولی، آراس، ۱۳۹۶، «تدوین الگوی کارکردی خانواده براساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین»، *پژوهش پرستاری ایران*، ش ۱۲(۴)، ص ۸۱.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، «اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده»، *معرفت اخلاقی*، ش ۱(۱)، ص ۹۱-۱۱۸.
- عبدالهی، عباس و سکینه اکبری، ۱۳۹۷، «اخلاق جنسیتی از دیدگاه اسلام و رابطه آن با نسبیت اخلاقی»، *حوزه اخلاق*، ش ۸(۳)، ص ۳۳-۵۴.
- فرزندوحی، جمال و لیلا کوهی، ۱۳۹۱، «راه‌های استحکام خانواده در سیره نبوی»، *آفاق دین*، ش ۳(۹)، ص ۱۸۱-۲۸۱.
- فلاح‌زاده، هاجر و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی سیستمی تلفیقی بر کاهش اضطراب صمیمیت زوجها»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۸(۲۳)، ص ۴۶۵-۴۸۴.
- قربان‌نیا، ناصر و معصومه حافظی، ۱۳۸۸، «بررسی اصل «معاشرت به معروف میان همسران» از منظر قرآن کریم»، *بانوان تسبیح*، ش ۶(۲۰)، ص ۹۷-۱۱۸.
- کریمی عقده‌هادی و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی تفاوت زن و مرد در اسلام و دلالت‌های آن بر برنامه درسی نظام تربیت رسمی»، *معرفت*، ش ۲۴۶، ص ۷۷-۸۷.
- محمدپور، احمد، ۱۳۹۲، *روشن تحقیق کیفی*، صدرنوش، تهران، جامعه‌شناسان.
- مطهری، سجاد و همکاران، ۱۳۹۴، «پیش‌بینی رضامندی زناشویی اسلامی براساس مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در دانشجویان متأهل»، *پاسداران فرهنگی انقلاب اسلامی*، ش ۵(۱۲)، ص ۴۷-۶۹.
- ناموران گرمی، کبری و همکاران، ۱۳۹۷، «تعیین ابعاد صمیمیت زوج‌های ایرانی، یک مطالعه کیفی»، *زنان و خانواده*، ش ۱۲(۴۲)، ص ۶۱-۷۸.
- نمازی اصفهانی، محمود، ۱۳۹۷، «بررسی پدیدارشناسی به مثابه مبنای معرفت‌شناسی اگزیستانسیالیسم»، *معرفت فلسفی*، سال ۱۶، ش ۲، ص ۱۰۳-۱۱۸.


نیلفروشان، پریسا و همکاران، ۱۳۹۲، *آسیب‌شناسی خانواده، طبقه‌بندی و سنجش*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
هاشمی، سیدحسین، ۱۳۸۰، «مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن»، *ب پژوهش‌های قرآنی*، ش ۲۶ و ۲۵ (ویژه‌نامه زن در قرآن)،
ص ۸۲-۱۱۱.

- Bagarozzi, D.A., 2013, *Enhancing Intimacy in Marriage: A clinician Guide*, New York, Routledge.
Fletcher, G, 2002, *The new science of intimate relationships*, Oxford, Blackwell Publishers Ltd.
Rosen- Grandon, J.R, et al, 2010, "The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction", *Journal of Counseling & Development*, N. 2(1), p. 58-68.
Saadatian, E, et al, 2014, "Mediating intimacy in long-distance relationships using kiss messaging", *International Journal of Human-Computer Studies*, N. 72(10-11), p. 736-746.

الگوی ارتباطی بین معنویت در محیط کار و استرس شغلی کارکنان بیمارستان با نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی

حسن غفاری / دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

hassan_ghaffari@ut.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-3008-7015

abdolmajidimani@gmail.com

عبدالمجید ایمانی / استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

ahang1989@yahoo.com

فرحناز آهنگ / دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

ghasabzadeh64@pgs.usb.ac.ir

زینب قصاب‌زاده لنگری / دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

چکیده

یکی از عوامل مؤثر بر سلامت انسان، محیط شغلی اوست. این پژوهش به بررسی رابطه معنویت در محیط کار و استرس شغلی کارکنان بیمارستان، با نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی می‌پردازد. روش پژوهش از حیث هدف، کاربردی و به طور مشخص مبتنی بر الگویی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos بوده است. جامعه آماری کلیه کارکنان یکی از بیمارستان‌های خیریه در شهر قم است که بالغ بر ۱۳۸ تن از کارکنان بیمارستان بر حسب روش «نمونه‌گیری طبقه‌ای» انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های استاندارد است. یافته‌های پژوهش بیانگر ارتباط مستقیم و غیرمستقیم منفی و معنادار معنویت در محیط کار با استرس شغلی کارکنان، ارتباط مثبت و معنادار معنویت در محیط کار با سرمایه روان‌شناختی کارکنان و ارتباط منفی و معنادار سرمایه روان‌شناختی با استرس شغلی کارکنان است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: وجود معنویت در محیط کار می‌تواند با تأمین منابع حمایتی برای فرد و نیز به شکلی غیرمستقیم‌تر از طریق تأثیرگذاری بر امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی، به سازگاری روانی بیشتر و کاهش استرس منجر گردد. از این رو ترویج و حمایت از فضایی نظیر عبادت، حیا، احترام به بزرگ‌تر، مهربانی، غیرت، سخاوت و مانند آن موجب افزایش معنویت در محیط کار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معنویت در محیط کار، استرس شغلی، سرمایه روان‌شناختی، کارکنان بیمارستان.

محیط بشر شامل عوامل فیزیکی، اجتماعی و روانی می‌شود که هریک در سلامتی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی و جسمانی انسان محیط شغلی اوست (شاهمرادی و معافی مدنی، ۱۳۹۷). انسان بخش عمده‌ای از حیات خود را در محیط‌های شغلی سپری می‌کند. از این رو استرس شغلی می‌تواند برای فرد آسیب‌زا باشد (بوداگی و فیضی، ۱۳۹۶).

استرس شغلی نتیجه عدم انطباق توانایی‌های فرد با شرایط مورد نیاز برای انجام کار است (علی و میرعلام (Miralam)، ۲۰۱۹) و غالباً به‌عنوان «آگاهی یا احساس بد به نتیجه شرایط یا رویدادهای درک‌شده در محیط کار» مفهوم‌سازی می‌شود. تحقیقات اولیه نشان داده که سطح بالای استرس کاری با رفتارهای نامطلوبی از قبیل کاهش بهره‌وری و غیبت مرتبط است (فسبندر و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع اصطلاح «استرس» برای افراد گوناگون معانی متفاوتی دارد.

تعاریف معاصر «استرس» را به صورت عاملی از محیط بیرونی به‌مثابه یک محرک استرس‌زا (مانند مشکلاتی در محیط کار)، پاسخی به این محرک استرس‌زا به‌منزله استرس یا آشفتگی (مانند احساس تنش و مفهوم استرس به‌عنوان چیزی که با تغییرات زیست - شیمیایی، فیزیولوژیکی، رفتاری و روان‌شناختی سروکار دارد) مدنظر قرار داده‌اند.

یکی از عللی که استرس همواره موضوع مطالعه قرار گرفته تأثیر بالقوه آن بر سلامت فرد است. استرس از طریق تعامل پیچیده بین عوامل رفتاری و فیزیولوژیکی با بیماری‌های گوناگون در ارتباط است (عابد و همکاران، ۱۳۹۷). اگرچه استرس شغلی در تمام مشاغل وجود دارد، ولی در حرفه‌هایی که با سلامتی انسان‌ها سروکار دارند این موضوع اهمیت و فراوانی بیشتری پیدا می‌کند؛ مانند کارکنان بیمارستان که در محیط کار با عوامل استرس‌زای فیزیکی و روانی فراوانی مواجهند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به حجم کاری زیاد، سروکار داشتن با مرگ‌ومیر بیماران (تضاد نقش)، ارتباطات ضعیف با همکاران (روابط انسانی)، ابهام در میزان اختیار و افزایش روزافزون دیوانسالاری (محیط شغلی) و عوامل خانوادگی اشاره کرد.

استرس موجب فرسودگی شغلی، برخورد میان کارکنان، آسیب‌پذیری در ارتباطات حرفه‌ای و در نهایت، نارضایتی و ترک حرفه می‌شود. استرس‌های موجود در این حرفه افت کیفی و کمی خدمات بهداشت و درمان را به دنبال دارد که آثار نامناسبی بر سلامت جامعه خواهد داشت (درویش‌پور و جوادی پاشاکی، ۱۳۹۷).

برآورد شده است که در کشور انگلستان، استرس شغلی بعد از اختلالات اسکلتی - عضلانی بزرگ‌ترین مسئله سلامت شغلی کارکنان است (بوداگی و فیضی، ۱۳۹۶).

استرس در علوم روان‌شناختی، احساس تنش و فشار روانی است (شهسواری و همکاران، ۱۳۹۶). استرس مثبت بر تازگی و ابتهاج زندگی می‌افزاید. همه ما با تحمل میزان معینی از استرس زندگی می‌کنیم. سررسیدن مهلت‌ها، رقابت‌ها، برخوردها و حتی ناکامی‌ها و نگرانی‌ها، به زندگی ما عمق و غنا می‌بخشد. استرس کمتر از حد، عامل خمودگی است و در ما احساس خستگی و رخوت بر جای می‌گذارد.

از سوی دیگر، استرس مفراط تنش ایجاد می‌کند (قراخانی و زعفرانچی، ۱۳۹۸) و دارای عوارض و پیامدهای متعدد جسمی، روانی و رفتاری است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). عوارض جسمی آن شامل بیماری‌های قلبی عروقی، گوارشی، عضلانی اسکلتی، اختلال دستگاه ایمنی، سرطان‌های گوناگون و افزایش بروز صدمات و حوادث است. پیامدهای رفتاری آن نیز شامل غیبت از کار، مصرف دخانیات، اختلال خواب، سوء مصرف دارو، الکل، و اعتیاد می‌شود (عیسی‌مراد و خلیلی صدرآبادی، ۱۳۹۶). از این‌رو آنچه ما بدان نیازمندیم یافتن سطح بهینه و مطلوبی از استرس است که ما را برمی‌انگیزد، ولی در خود غرق نمی‌سازد (سوادکوهی و معتمدی، ۱۳۹۶).

برخی از صاحب‌نظران «سرمایه روان‌شناختی» را به‌مثابه نوعی ضربه‌گیر به‌شمار می‌آورند که در مقابل نامالایمات زندگی (نظیر استرس شغلی) از انسان پشتیبانی می‌کند (ریولی و همکاران، ۲۰۱۲). «سرمایه روان‌شناختی» یکی از شاخص‌های روان‌شناسی مثبت‌گرایی است که با ویژگی‌هایی از قبیل باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات تعریف شده است (عمومی و همکاران، ۱۳۹۶).

ریشه مفهوم «سرمایه روان‌شناختی» در مطالعات سلیگمن (Seligman; 1998) قرار دارد. وی را «پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا» می‌شناسند. از آن پس این رویکرد به تدریج وارد حوزه رفتار سازمانی شد و عنوان «رفتار سازمانی مثبت‌گرا» به خود گرفت. رفتار سازمانی مثبت‌گرا «مطالعه و کاربرد مثبت‌گرایی در توانمندی‌های منابع انسانی و ظرفیت‌های روان‌شناسی» تعریف گردیده که می‌تواند برای بهبود عملکرد در محیط کار، توسعه‌یافته، مدیریت شود. سرمایه روان‌شناختی ضمن اینکه قابلیت‌های سرمایه اجتماعی و انسانی را دربرمی‌گیرد، می‌تواند از آنها فراتر رفته، به‌مثابه مزیتی رقابتی برای سازمان‌های امروزی مورد بهره‌برداری قرار گیرد (سوادکوهی و معتمدی، ۱۳۹۶).

درواقع به منظور مواجهه با پیچیدگی‌ها در سازمان، کارکنان نیاز به دسترسی به منابع در محل کار دارند. بر این اساس، ساختار سرمایه روان‌شناختی (مادرید و همکاران، ۲۰۱۸) به «یک وضعیت روان‌شناختی مثبت در جهت توسعه» تعریف شده است (کای و همکاران، ۲۰۱۹) که با استفاده از نقاط قوت منابع انسانی و ظرفیت‌های روان‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (نوانزو و ببالوا، ۲۰۱۹). این ساختار شامل چهار جنبه اصلی است:

۱) خودکارآمدی یعنی: داشتن اعتماد به نفس و بسیج تلاش‌ها برای موفقیت در وظایف چالش‌برانگیز؛

۲) خوش‌بینی یعنی: امید به افراد و تخصیص مثبت نسبت به نتایج مثبت برای موفقیت در حال حاضر و در آینده؛

۳) امید یعنی: پایداری به اهداف و در صورت لزوم، هدایت مسیرها به سمت اهداف برای موفقیت؛

۴) تاب‌آوری یعنی: توانایی افراد برای بازگشت از خطرات یا شکست و انطباق با پویایی و موفقیت (کارمونا - هلتی و همکاران، ۲۰۱۹).

پژوهش‌های گذشته‌نگر نشان داده‌اند که سرمایه روان‌شناختی با طیف متنوعی از متغیرها، نظیر عملکرد در موقعیت‌های کاری و اجتماعی، تعهد و رضایت (پیترسون و بایرون، ۲۰۰۸)، اضطراب، فشار ادراک‌شده (اوکل گنیران، ۲۰۱۲)، توانایی مقابله با فشارها و مشکلات (یوسف و لوتانز، ۲۰۰۷) رفتارهای جست‌وجوگرانه، شادکامی و بهزیستی (آوی و همکاران، ۲۰۱۰) دارای رابطه است.

از سوی دیگر معنویت در محیط کار می‌تواند سلامت عمومی را بهبود بخشد و استرس شغلی را کاهش دهد (نوروزی کوهدهشت و همکاران، ۱۳۹۸). در واقع، ورود مفاهیمی همچون اخلاق، حقیقت، باور به خدا، درستکاری، وجدان، رادمردی، و اعتماد در ادبیات سازمان، منجر به ظهور الگوواره (پارادایم) جدیدی به نام «معنویت» شد (جلالی فراهانی و فریدونی، ۱۳۹۶).

معنویت در دهه‌های اخیر، توجه زیادی را به خود جلب کرده است (گیبونز، ۲۰۰۰). «معنویت» احساس وابستگی و درهم‌تنیدگی عمیق و به شدت شهودی بین انسان و جهانی است که در آن زندگی می‌کند و ترکیبی از فلسفه اصلی زندگی و ارزش‌ها و اعمال ماست (مقیم و همکاران، ۱۳۸۶) که چارچوبی از ارزش‌های مشهود در فرهنگ سازمان را به وجود می‌آورد که موجب تعالی کارکنان ضمن فرایند کار می‌شود و حس در کنار هم بودن را به گونه‌ای در آنها رونق می‌دهد تا احساس کمال و شادی کنند (گیاکالون و جور کیویز، ۲۰۰۳).

معنویت در محیط کار شامل ابعادی مانند خلاقیت (سودمندی و مفید بودن)، احترام (احترام به زندگی معنوی)، ارتباط و همکاری (احساس خوب درباره آینده)، نیروی مثبت (داشتن حس مثبت نسبت به ارزش‌ها) و انعطاف‌پذیری است (پورملا و همکاران ۲۰۱۹). در تعریفی دقیق‌تر، می‌توان گفت: معنویت در محیط کار عبارت است از: تلاش‌های یک فرد برای یافتن هدف در زندگی، تعلق و همبستگی با همکاران و دیگر افراد در محل کار، و هماهنگی و همسو بودن با ارزش‌ها و اهداف سازمان با بهبود و تقویت جو معنوی در سازمان.

مدیران می‌توانند نگرش‌های شغلی و در پی آن عملکرد فردی و سازمانی را ارتقا دهند. احتمالاً این کار به این علت صورت می‌گیرد که افراد با درک امنیت روانی، احساس می‌کنند به وجودشان بها داده می‌شود و شایسته رفتاری محترمانه‌اند. در چنین شرایطی اعضای سازمان احساس هدفمندی، اعتماد به نفس و حس تعلق و رضایتمندی خواهند داشت (جلالی فراهانی و فریدونی، ۱۳۹۶).

اعتقاد بر این است که معنویت یادگیری سازمانی را افزایش می‌دهد (بیرلی و همکاران، ۲۰۰۰) و موجب اتحاد و ساخت جوامع می‌گردد (کاونق و همکاران ۲۰۰۱). معنویت در محیط کار نیرویی الهام‌بخش و برانگیزاننده برای یافتن هدف و معنا در زندگی کاری، و موجب تعالی (کروسمن، ۲۰۱۰؛ میلیمان و همکاران، ۲۰۱۸) و تقویت سرمایه روان‌شناختی کارکنان می‌شود (مهرداد، اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). با چنین نیرویی، کارکنان با هزاران ساعت کاری هم می‌توانند کاری لذت‌بخش و معنادار داشته باشند (مددی‌زاده و پورسلطانی زرنندی، ۱۳۹۷).

شواهد تجربی به تأثیر مثبت جوّ معنوی در محیط کار بر خلاقیت، صداقت، اعتماد درون سازمان، افزایش حس کامیابی شخصی، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، کاهش میل به خروج از سازمان، مشارکت فعال شغلی، تفکر انتقادی و مانند آن اشاره دارند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ساغروانی، ۱۳۸۹؛ فن‌گیدی و همکاران ۲۰۱۶).

در رابطه با هر سه متغیر ذکرشده، پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است:

تقوی و همکاران (۱۳۹۳) طی پژوهشی در خصوص بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر معنویت سازمانی در بیمارستان «شهید صدوقی» یزد بیان کردند: آنچه در حال حاضر بر سر راه مشاغل و تصور درست درباره آنها مانع ایجاد می‌کند این است که کار را به‌مثابه وسیله‌ای برای امرار معاش، راه سود بردن، ترفیع گرفتن، و ذخیره‌ای برای بازنشستگی در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که روح معنوی در کار چیزی است که به‌دست فراموشی سپرده شده است و به آن توجهی نمی‌شود.

دسائی (Desai; 2009) در پژوهشی درخصوص معنویت سازمانی نشان داد: اگر معنویت در محل کار به‌عنوان بهترین عمل پذیرفته شده باشد، برای سازمانی که در پی تمرین و آموزش معنویت است، از لحاظ اقتصادی نیز بهتر است.

مهرداد و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند: معنویت در محیط کار و رهبری اخلاقی نقش مهمی در ایجاد و گسترش سرمایه روان‌شناختی محیط کار دارد. یافته‌های آنها نشان داد: بین ابعاد معنویت در محیط کار با رهبری اخلاقی، بین ابعاد معنویت در محیط کار با ابعاد سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی)، و بین رهبری اخلاقی با ابعاد سرمایه روان‌شناختی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

مک‌گی و گرانت (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند: توسعه و تشویق معنویت در محیط کار به بروز رفتارهای اخلاقی بیشتر و ایجاد فضای اخلاقی در سازمان‌ها کمک می‌کند. آنها الگویی را نیز برای توضیح این فرایند پیشنهاد کردند.

حسب‌الله و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی بیان کردند که معنویت منجر به عملکرد سازمانی بهتر می‌شود.

نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر معنویت بر سایش اجتماعی با نقش میانجی جوّ اخلاقی در محیط کاری» نشان دادند: معنویت بر جوّ اخلاقی تأثیر مثبت و بر سایش اجتماعی تأثیر منفی دارد. گتلینگ (Gatling; 2015) در پژوهشی با ارائه الگوی علیّی از روابط معنویت سازمانی و ارتباط آن با تحول سازمانی نشان داد: بین این دو متغیر ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. شیرینی و نصراللهی (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان کردند: معنویت در سازمان تأثیری مثبت بر پاسخ‌گویی اخلاقی سازمان دارد.

لیزانو (Lizano) و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از نمونه در دسترس ۱۳۳ تن از کارکنان خدمات انسانی، ارتباط بین معنویت، فرسودگی شغلی و مشارکت کارگران را بررسی کردند. در این پژوهش، معنویت از لحاظ آماری با تعهد (یکی از سه بعد مشارکت کارگری) و فرسودگی شغلی مرتبط بود. رابینسون (Robinson; 2019) در بررسی معنویت افسران پلیس بر کاهش استرس شغلی‌شان به این نتیجه رسید که معنویت استرس را کاهش می‌دهد.

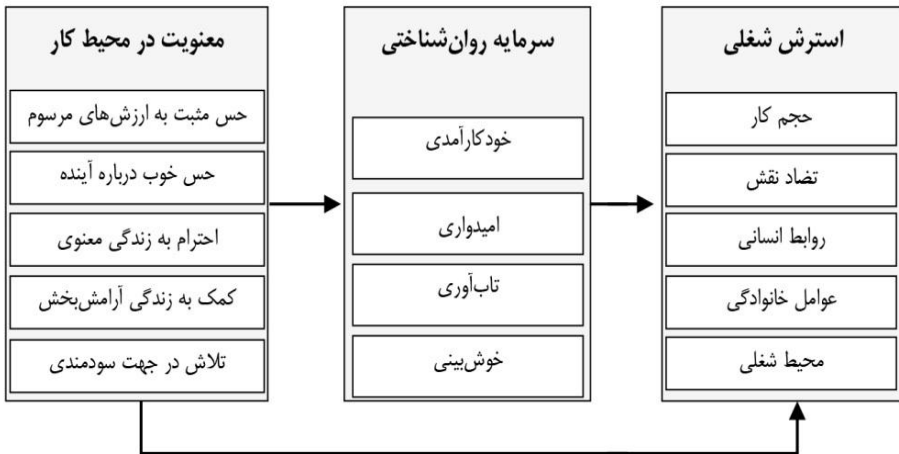
هانیبال (Honiball) و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی مفهوم «معنویت» در بین مدیران پرداختند. هدف از این مطالعه بررسی ادراک مدیران از معنویت و جنبه‌های مرتبط با سلامت در محیط کاری بود. هانیبال نشان داد: معنویت بر کار گروهی تأثیرگذار است. همچنین نشان داد: معنویت به افزایش درگیری شغلی کارکنان و کاهش خودخواهی آنان در سازمان منجر خواهد شد.

دنیل (Daniel; 2015) در یک کار پژوهشی با هدف بررسی رابطه سه بعد معنویت محیط کار (زندگی درونی، کار معنادار و حس اجتماعی) با استرس در فضای کار، از طریق الگوسازی معادلات ساختاری، نشان داد: ارتباط بین معنویت و استرس منفی و معنادار است، به‌گونه‌ای که وجود معنویت در سازمان به کاهش استرس در بین کارکنان منجر خواهد شد. درواقع استرس شغلی - همان‌گونه که بدان اشاره شد - در حرفه‌هایی که با سلامتی انسان‌ها سروکار دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است (درویش‌پور و جوادی پاشاکی، ۱۳۹۷).

نظام بهداشت و درمان در عصر حاضر به علت تماس مستقیم با بهداشت انسان‌ها، اصلی‌ترین حوزه توسعه پایدار در جوامع به‌شمار می‌آید (زرگر بالای جمع و علیمراد نوری، ۱۳۹۸). این نظام زمانی می‌تواند موفقیت کسب کند که از کارکنانی توانمند بهره‌مند باشد.

بدین‌روی پژوهش حاضر درصدد است به بررسی ارتباط معنویت سازمانی با استرس شغلی کارکنان با توجه به نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در کارکنان یکی از بیمارستان‌های خیریه شهر قم بپردازد. بنابراین الگوی مفهومی و فرضیه‌های پژوهش حاضر با توجه به مطالب مذکور به صورت ذیل تدوین شده است:

شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش



براساس الگوی مفهومی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به این صورت تدوین می‌گردد:

۱. معنویت در محیط کار با توجه به نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی، رابطه معناداری با استرس شغلی کارکنان دارد.
۲. معنویت در محیط کار با سرمایه روان‌شناختی کارکنان دارای رابطه‌ای معنادار است.
۳. سرمایه روان‌شناختی رابطه معناداری با استرس شغلی کارکنان دارد.
۴. معنویت در محیط کار با استرس شغلی کارکنان دارای رابطه معناداری است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها، از نوع «توصیفی» از گونه همبستگی به‌شمار می‌آید و به طور مشخص مبتنی بر الگویابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار «Amos» است. در پژوهش حاضر سعی شده است به بررسی روابط بین معنویت در محیط کار و استرس شغلی با نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی پرداخته شود.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کارکنان اداری و درمانی یکی از بیمارستان‌های خیریه واقع در شهر قم بوده که تعداد آن قریب ۲۱۰ تن است. نمونه آماری پژوهش حاضر برحسب روش «نمونه‌گیری طبقه‌ای» بوده و برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شده که بالغ بر ۱۳۸ تن از کارکنان بیمارستان است. در این روش، دو طبقه کارکنان اداری و کارکنان درمانی برای نمونه‌گیری انتخاب گردیدند و پرسشنامه در بین هر دو طبقه توزیع گردید.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است که در پژوهش‌های معمول از آنها استفاده می‌شود.

برای سنجش متغیر سرمایه روان‌شناختی، از مقیاس *لوتانز* و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. این پرسشنامه مقادیر استاندارد شده که به‌طور وسیعی برای ساختارهایی که امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی را می‌سنجند، مورد استفاده قرار گرفته و قابلیت اعتبار و پایایی این خرده‌مقیاس‌ها نیز اثبات شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال و هر خرده‌مقیاس شامل ۶ گویه است و آزمودنی به هر گویه در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ دادند.

نسبت خی دو در این آزمون برابر ۲۴/۶ است و آماره‌های CFI, RMSEA در این الگو به ترتیب ۰/۰۸ و ۰/۹۷ هستند (لوتاز و همکاران، ۲۰۰۷). *لوتانز* و همکارانش پایایی پرسشنامه را بالای ۰/۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر میزان پایایی این پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰۷ به دست آمد و روایی آن از طریق روایی محتوا تأیید شد.

برای سنجش استرس شغلی از مقیاس کوپر و همکاران (۱۹۸۷) و *اسمیت* (۱۹۸۱) استفاده گردیده است. در این پرسشنامه سعی شده است با بررسی تعدادی از عوامل شغلی، سطوح استرس در سازمان و موقعیت‌های استرس‌زا ارزیابی شود. این پرسشنامه در پنج عامل شغلی یا مؤلفه به ارزیابی استرس شغلی پرداخته که شامل حجم کار، تضاد نقش، روابط انسانی، عوامل خانوادگی و محیط شغلی است و از ۱۵ شاخص برای سنجش مؤلفه‌ها و عوامل شغلی مذکور استفاده کرده است.

رضائی‌منش و قربانی پاجی (۱۳۹۶) در پژوهش خود، از پرسشنامه مذکور استفاده نموده‌اند و مقدار پایایی مرکب و آلفای کرونباخ را در این پژوهش - به ترتیب - برابر با ۰/۹۳۸ و ۰/۹۲۹ گزارش کرده‌اند. در مجموع، با توجه به مناسب بودن پایایی پرسشنامه «استرس شغلی» کوپر و همکاران و *اسمیت* (۱۹۸۱) در پژوهش‌های گذشته، در پژوهش حاضر از این پرسشنامه برای سنجش استرس شغلی استفاده گردیده و مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برابر با ۰/۹۶۷ بوده که پایایی آن مورد تأیید است و روایی آن از طریق روایی محتوا تأیید گردید.

برای سنجش معنویت در محیط کار از مقیاس *میلیمان* و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است. در این پرسشنامه با استفاده از عوامل استاندارد شده، معنویت در محیط کار بررسی می‌شود. پرسشنامه مذکور معنویت در محیط کار را در سه سطح فردی، گروهی و سازمانی می‌سنجد.

در پژوهش حاضر سعی شده معنویت در محیط کار و در سطح سازمان بررسی شود و برای این منظور از پنج شاخص سنجش معنویت در سطح سازمان استفاده شده است. پرسشنامه *میلیمان* (۲۰۰۳) در پژوهش‌های متعددی استفاده شده است.

حسین‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود معنویت در محیط کار و در سطح سازمان را بررسی کرده‌اند و مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ را - به ترتیب - برابر با ۰/۸۳۰ و ۰/۸۷۷ گزارش نموده‌اند. چون پرسشنامه مذکور در پژوهش‌های گذشته دارای پایایی مناسبی بوده، در پژوهش حاضر از این پرسشنامه استفاده شده و مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۵۱ است که دارای پایایی مناسبی بوده و روایی آن از طریق روایی محتوا تأیید شده است.

یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی الگوی مفهومی پژوهش باید به این سؤال پاسخ داده شود: «آیا سرمایه روان‌شناختی نقش میانجیگری در الگوی مفهومی دارد؟» برای این منظور، از چارچوب مک‌آرتور (McArthur) استفاده شده است. مراحل این آزمون به نقل از مک‌گی (۲۰۰۸، ص ۷۲) عبارت است از: ۱. آزمون همبستگی (X) و (Y)؛ ۲. آزمون همبستگی X و M؛ ۳. رگرسیون چندگانه حاوی X و M.

اگر X و M هر دو با Y ارتباط معناداری داشته باشند میانجیگری جزئی وجود دارد و اگر X با Y ارتباط معناداری نداشته باشد، اما با M ارتباط معنادار نداشته باشد M میانجیگری کامل است. جدول (۱) مقادیر مذکور را نشان می‌دهد:

جدول ۱: چارچوب مک‌آرتور برای بررسی میانجیگری رضایت شغلی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر میانجی	ضریب تعیین	سطح معناداری
معنویت در محیط کار	استرس شغلی	-	۰/۳۴-	۰/۰۰۰-
معنویت در محیط کار	-	سرمایه روان‌شناختی	۰/۵۸	۰/۰۰۰-
معنویت در محیط کار	استرس شغلی	سرمایه روان‌شناختی	۰/۵۳-	۰/۰۰۰-

براساس جدول (۱) سطح معناداری برای همه روابط معنادار است. بنابراین نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی در ارتباط معنویت در محیط کار با استرس شغلی، به صورت جزئی است. بعد از تأیید نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از روش «دو مرحله‌ای» هالند (Hulland; 1999) برای الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد.

براساس این روش، در مرحله اول الگوی اندازه‌گیری با استفاده از مقادیر بارهای عاملی ارزیابی می‌شود. در مرحله دوم به بررسی الگوی ساختاری با استفاده از شاخص‌های برازش پرداخته می‌شود. این مرحله - در واقع - پاسخ به فرضیه‌های پژوهش است. قبل از ارزیابی الگوی پژوهش، متعادل بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف بررسی می‌شود. اگر مقادیر آماره آزمون مزبور در سطح تشخیص بالاتر از ۰/۰۵، برابر یا کمتر از $D_{138.0.05} = 0.116$ باشد، فرضیه H_0 پذیرفته شده و داده‌ها متعادل تشخیص داده می‌شود. جدول (۲) مقادیر مربوط را نشان می‌دهد:

جدول ۲: آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

ابعاد	آزمون کلموگروف - اسمیرنوف	
	آماره	ضریب تشخیص
معنویت در محیط کار	۰/۱۶۷	۰/۰۷۳
سرمایه روان‌شناختی	۰/۱۳۵	۰/۰۷۹
استرس شغلی	۰/۱۰۰	۰/۰۸۰

با توجه به اینکه ضریب تشخیص بالاتر از ۰/۵ است، بنابراین متعادل بودن داده‌ها تأیید می‌گردد. برای ارزیابی الگوی اندازه‌گیری، از مقادیر بارهای عاملی استفاده می‌شود. مطابق نظر *Farnell & Larker* (1981) و *Hair* و همکاران (2006) بارهای عاملی که دست‌کم برابر با ۰/۵ باشند، اعتبار را نشان می‌دهند و مطابق نظر *Hair* و همکاران (2006) در صورتی که این شاخص بالاتر از ۰/۷ باشد، اعتبار سازه بالاست و بین ۰/۶ تا ۰/۷ قابل قبول است. جدول (۳) مقادیر بارهای عاملی برای مؤلفه‌های مربوط به الگو را نشان می‌دهد:

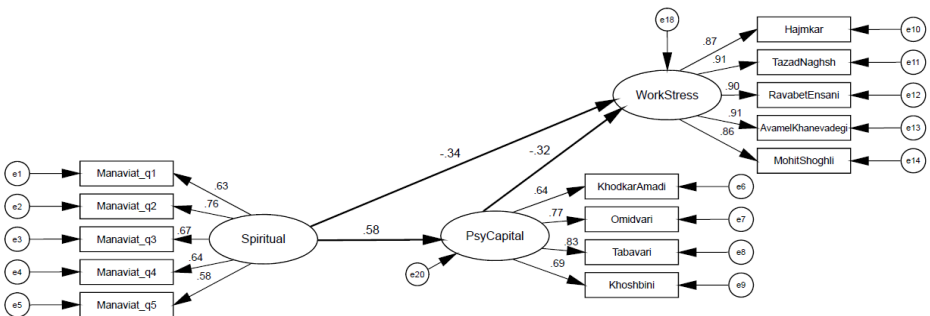
جدول ۳: مقادیر بارهای عاملی برای مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	بار عاملی	مؤلفه‌ها	بار عاملی
مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی		معنویت در محیط کار	
خودکارآمدی	۰/۶۴	داشتن حس مثبت نسبت به ارزش‌ها	۰/۶۳
امیدواری	۰/۷۷	احساس خوب درباره آینده	۰/۷۶
تاب‌آوری	۰/۸۳	احترام به زندگی معنوی	۰/۶۷
خوش‌بینی	۰/۶۹	زندگی با آرامش	۰/۶۴
استرس شغلی		سودمندی و مفید بودن	
حجم کار	۰/۸۷		۰/۵۸
تضاد نقش	۰/۹۱		
روابط انسانی	۰/۹۰		
عوامل خانوادگی	۰/۹۱		
محیط شغلی	۰/۸۶		

بر اساس جدول (۳)، بار عاملی همه مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۵ بوده و بنابراین مؤلفه‌های مدنظر در الگو مؤثر هستند. پس از بررسی الگوی اندازه‌گیری، به بررسی و برازش الگوی ساختاری پرداخته می‌شود. در این بخش فرضیه‌های پژوهش بررسی و آزموده می‌شوند. شکل (۲) آزمون الگوی مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد:

شکل ۲: آزمون الگوی مفهومی پژوهش

Chi-square (df) = 107.024 (74) ; P-Value (>=0.05) = .007;
 RMR (<=0.08) = .045 ; GFI (>=0.9) = .905 ; RMSEA (<=0.08) = .057;
 IFI (>=0.9) = .97 ; TLI (>=0.9) = .96 ; CFI (>=0.9) = .97 ; NFI (>=0.9) = .91 ;



الگوی ارتباطی بین معنویت در محیط کار و استرس شغلی کارکنان بیمارستان ... ♦ ۱۴۳

همچنین برای بررسی برازندگی الگو از شاخص‌های برازش به صورت جدول (۴) استفاده شده است:

جدول ۴: ارزیابی شاخص‌های برازش الگو

شاخص برازش	محدوده	مقدار	وضعیت
GFI	حداقل ۰/۹	۰/۹۱	قابل قبول
RMSEA	حداکثر ۰/۰۸	۰/۰۵۷	قابل قبول
RMR	حداکثر ۰/۰۸	۰/۰۴۵	قابل قبول
IFI	حداقل ۰/۹	۰/۹۷	قابل قبول
NFI	حداقل ۰/۹	۰/۹۱	قابل قبول
CFI	حداقل ۰/۹	۰/۹۷	قابل قبول
TLI	حداقل ۰/۹	۰/۹۶	قابل قبول

براساس جدول (۴)، مقادیر شاخص‌های برازش در محدوده قابل قبولی قرار دارند و بنابراین، الگوی مفهومی تأیید می‌شود. براین اساس، جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	رابطه	ارتباط مستقیم	ارتباط غیرمستقیم	ارتباط کل	ضریب تشخیص	نتیجه
۱	رابطه معنویت در محیط کار با استرس شغلی با توجه به نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی	۰/۳۴۰-	۰/۳۲×۰/۵۸-	۰/۵۳۰-	۰/۰۰۰	تأیید
۲	رابطه معنویت در محیط کار با سرمایه روان‌شناختی	۰/۵۸۴	-	۰/۵۸۴	۰/۰۰۰	تأیید
۳	رابطه سرمایه روان‌شناختی با استرس شغلی	۰/۳۲۳-	-	۰/۳۲۳-	۰/۰۰۵	تأیید
۴	رابطه معنویت با استرس شغلی	۰/۳۴۰-	-	۰/۳۴۰-	۰/۰۰۰	تأیید

براساس جدول (۵) همه فرضیه‌ها تأیید می‌شوند. می‌توان بیان داشت که بیمارستان‌ها به علت داشتن محیط خاص، همراه با استرس و فشار عصبی هستند و در تمام شرایط مقدار بالایی از استرس وجود دارد؛ ولی معنویت تا حد زیادی با کاهش استرس کارکنان رابطه دارد، هرچند سرمایه روان‌شناختی نیز با کاهش استرس کارکنان مرتبط است. درعین حال، نقش معنویت بسیار پررنگ‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که معنویت در محیط کار با استرس شغلی کارکنان به طور مستقیم ارتباط منفی و معناداری به میزان ۰/۳۴- دارد و در ضمن، ارتباط معنویت در محیط کار با استرس شغلی، به طور

غیرمستقیم و با توجه به نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی برابر با ۰/۵۳- است. این نتایج با پژوهش‌های کلاد (Claude; 2003)، فرانسسیس (Francis; 2004)، مالتبی (Maltby; 2000)، اکسلین (Exline; 1999) و میلیمان (۲۰۰۳) همراستا است.

کلاد در تحقیقش بیان داشت: محیط معنوی کار تأثیر مستقیمی بر موفقیت شرکت دارد؛ زیرا موجب کاهش جابه‌جایی کارکنان، استرس، خستگی و غیبت می‌شود.

ریپتروپ نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که «بهزیستی معنوی» می‌تواند سلامت روانی را پیش‌بینی کند. برای مثال، بیماران مبتلا به درد مزمن که توکل به خدا را دشوار می‌دانند و احساس می‌کنند که خداوند آنها را به حال خود رها کرده، در معرض خطر بیشتری برای از دست دادن سلامت روان هستند.

اکسلین در تحقیق خود به این نتیجه رسید که خشم نسبت به خداوند (به علت داشتن احساس رهاشدگی توسط خداوند متعال) با سلامت روان پایین‌تر و راهکارهای مقابله‌ای ضعیف‌تر در ارتباط است. از این رو معنویت، چه در سطح فرد و چه در سطح سازمان سپری در برابر مشکلات و ناراحتی‌های افراد به‌شمار می‌رود و به صورت ضربه‌گیر عمل می‌کند و موجب کاهش اختلالات روانی و ارتقای سطح سلامت روانی افراد می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد: معنویت در محیط کار بر سرمایه روان‌شناختی کارکنان تأثیر مثبت به میزان ۰/۵۸ دارد. از دیگر نتایج پژوهش تأثیر منفی سرمایه روان‌شناختی بر استرس شغلی کارکنان به میزان ۰/۳۲- بود. این نتایج با نتایج پژوهش‌های خمیسا (Khamisa) و همکاران (۲۰۱۷)، گربر (Gerber) و همکاران (۲۰۱۸)، قاسمزاده و همکاران (۲۰۱۵)، عباس و رجا (Raja) (۲۰۱۵)، شاهرودی و همکاران (۱۳۹۴)، فیاضی و همکاران (۱۳۹۶)، مهرداد و همکاران (۱۳۹۴) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) همراستا است.

می‌توان گفت: وجود معنویت می‌تواند با تأمین منابع حمایتی برای فرد و نیز به شکلی غیرمستقیم‌تر، از طریق تأثیرگذاری بر امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی، به سازگاری روانی بیشتر منجر شود. معنویت هسته مرکزی بعد سلامتی را تشکیل می‌دهد و آگاهی از نیازهای معنوی امری ضروری محسوب می‌گردد (تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۵). وجود معنویت در محیط منجر به تعادل بین جوانب جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی خود و احساس تمامیت و تعالی و بهبود ارتباطات با دیگران و بنابراین افزایش سرمایه روان‌شناختی و پاسخ منفی به استرس می‌شود.

یکی از مهم‌ترین علل این تأثیرات حمایت‌های اجتماعی ایجادشده توسط گروه‌های معنوی است که موجب فراهم کردن انواع کمک‌های عاطفی و عملی برای افراد می‌شود. تغییر در باورها و نگرش‌های افراد و ایجاد معنا و هدف در زندگی جاری و پس از مرگ، از جمله دیگر تأثیرات معنوی بودن است. رابطه داشتن و وصل بودن به خداوند که در تجربه‌های مذهبی و عبادت تجربه می‌شود، به‌مثابه نوعی رابطه اجتماعی حمایت

و ایجاد امنیت و آرامش برای افراد عمل می‌کند. تشریفات و مناسک معنوی احساس اتحاد و همبستگی با دیگران را برای افراد فراهم می‌آورد.

همچنین معنویت با ایجاد آرامش، امید و هیجان مثبت موجب بهبود عملکرد ساختار ایمنی بدن و پیشگیری و افزایش بهبود از انواع بیماری‌های جسمانی و روانی می‌شود. همه این عوامل در بهزیستی و ایجاد سلامت افراد نقش دارند. معنویت در نگاه اسلام کاملاً دینی است و متفکران اسلام معنویت جدای از دین یا معنویت سکولار را نوعی فرار از واقعیت و به نوعی معنویت‌ستیزی می‌دانند.

در نگاه اسلام وحیانی بودن، جامعیت، حرکت، معرفت‌افزایی، و گرفتار نشدن در دام ملاک‌های بشری از مهم‌ترین امتیازات معنویت اسلامی است (پورشافی و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه بسیاری از روان‌شناسان بر نقش مؤثر ایمان به خدا تأکید می‌کنند و بر این باورند که نیروی خارق‌العاده‌ای در ایمان به خدا وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی به او کمک می‌کند و از نگرانی، اضطراب و در نتیجه پیامدهای زیانباری همچون افسردگی و خودکشی باز می‌دارد.

همچنین اعتماد به قدرت خداوند موجب افزایش صبر می‌شود و احساس امنیت و آرامش در نفس انسانی ایجاد می‌کند و آسودگی درونی پدید می‌آورد. قرآن امنیت و آرامش در نفس مؤمن را مرهون ایمان می‌داند. براساس تعالیم قرآن تنها کسانی که به خدا ایمان آورده و آن را با عبادت هیچ معبودی نیامیخته‌اند سزاوار آرامش و امنیت هستند.

خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گردد.

ایمان انسان به خداوند، او را به کمک، حمایت و لطف خداوند امیدوار می‌سازد و هرگونه شک و وحشت را از او دور می‌کند. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح: ۴)؛ اوست که بر دل‌های مؤمنان آرامش فروفرستاد، تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

میزان آرامش روحی هر کس بستگی به ایمان او دارد. انسان در پرتو بندگی خداوند از قید بندگی غیر او آزاد می‌شود و هرچه فرد ایمانش قوی‌تر باشد، آرامش روحی او نیز افزایش می‌یابد. کسانی که ایمان ناپایدار و ضعیفی دارند احساس آرامش کمتری دارند. به همین سبب، کافران هیچ بهره‌ای از آرامش و اطمینان ندارند.

قرآن روش‌های بسیاری برای روان‌درمانی پیشنهاد داده که مهم‌ترین آنها ایجاد تعادل یا تغییر در شخصیت و رفتار است. قرآن برای پرورش شخصیت مردم و ایجاد تغییر در رفتار آنان، شیوه ممارست عملی در زمینه افکار و عادات جدید رفتاری را که در نظر دارد در نفوس آنان تحکیم بخشد، به کار گرفته است. به همین منظور عبادات گوناگونی همچون نماز، روزه، زکات و حج را واجب کرده است.

با توجه به آنچه گذشت، ایجاد چنین جوّی در سازمان نیز با توجه به نتایج پژوهش‌های متعدد، منجر به آرامش گردیده، از اضطراب و استرس جلوگیری می‌نماید. از این رو برای کنترل استرس شغلی کارکنان بیمارستان توجه به معنویت در محیط کار امری ضرورتی است. در جوامعی که بیشتر مردم دین دارند امکان تقویت معنویت در محیط کار بیشتر است.

در سطح فردی اعتقاد قلبی کارکنان، رشد بلوغ روانی و مالکیت روان‌شناختی آنان منجر به معنویت بیشتری در محیط کار می‌شود. در سطح سازمانی مروری بر راهکارهای گوناگون پرورش معنویت نشان می‌دهد: تمام این راهکارها ریشه در فرهنگ سازمان دارد.

می‌توان گفت: پرورش معنویت مستلزم ایجاد تحول فرهنگی در سازمان است. فرهنگ سازمان چارچوبی برای هدایت رفتار افراد و نحوه تصمیم‌گیری آنان است. حاکم کردن یک جریان فکری معنوی در محیط کاری برای تقویت معنویت امری ضروری است. برای ایجاد این جریان فکری منشور اخلاقی محیط کار با همکاری تمام کارکنان می‌بایست براساس معنویت تدوین شود و سازوکارهای تئیهی و تشویقی مناسب از آن پشتیبانی نماید. ترویج و حمایت از فضایی نظیر عبادت، حیا، احترام به بزرگ‌تر، مهربانی، غیرت، سخاوت و مانند آن موجب افزایش معنویت در محیط کار می‌شود. دادن روحیه برتر به کارکنان برای احساس تعلق به سازمان و حمایت از کارکنان در شرایط سخت و دشوار در این زمینه مهم است. تجلیل از شخصیت‌های اخلاقی و معنوی سازمان و معرفی افراد نمونه با ذکر شاخص‌های برتری آنان، ایجاد و تقویت حس عمیق معنا و مقصود در کار، متناسب ساختن افراد با کارشان، و صادقانه رفتار کردن مدیران و سرپرستان با کارکنان در ایجاد معنویت تأثیر بسیار دارد.

منابع

- بوداغي، نسرین و محمد فیضی، ۱۳۹۶، «بررسی رابطه بین استرس شغلی و فرهنگ سازمانی با سلامت روان»، *رسالت مدیریت دولتی*، دوره هفتم، ش ۱۴، ص ۲۰۳-۲۱۳.
- پورشاعفی، هادی و همکاران، ۱۳۹۴، *نقش واسطه‌ای اعتماد سازمانی در رابطه معنویت سازمانی و استرس شغلی دبیران دوره اول دبیرستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، بیرجند، دانشگاه بیرجند.
- تاج‌بخش، فرشته و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر مراقبت معنوی - مذهبی بر استرس بیماران پس از عمل جراحی بای پس عروق کرونر قلب»، *پژوهش توانبخشی در پرستاری*، دوره دوم، ش ۴، ص ۵۷-۶۵.
- جلالی فراهانی، مجید و مسعود فریدونی، ۱۳۹۶، «ارائه مدل تأثیر معنویت و اخلاق سازمانی بر درگیری شغلی کارشناسان ستادی وزارت ورزش و جوانان»، *مدیریت ورزشی*، دوره نهم، ش ۲، ص ۲۷۳-۲۸۶.
- حسین‌پور، داوود و همکاران، ۱۳۹۳، «تأثیر رفتار شهروندی سازمانی و معنویت بر روی استراتژی نگهداشت منابع انسانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- درویش‌پور، آذر و نازیلا جوادی پاشاکی، ۱۳۹۷، «ارتباط ابعاد استرس بیمارستانی با نوع بخش کاری در پرستاران مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان»، *پرستاری ایران*، ش ۱۱۴، ص ۷۶-۸۵.
- رضایی، بیژن و همکاران، ۱۳۹۷، «تبیین نقش معنویت در بهبود عملکرد سازمانی»، *مدیریت منابع در نیروی انتظامی*، سال ششم، ش ۲، ص ۲۴۱-۲۶۴.
- رضایی‌منش، بهروز و عقیل قربانی پاچی، ۱۳۹۶، «تأثیر عوامل استرس‌زا شغلی با رفتار شهروندی سازمانی با نقش میانجی حمایت سازمانی ادراک‌شده»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، دوره بیست و ششم، ش ۸۶، ص ۲۵-۶۰.
- زرگر بالای جمع، ساناز و محمد علیمراد، ۱۳۹۸، «بررسی میزان فرسودگی شغلی و ابعاد آن در کارکنان درمانگاه‌های نظامی منتخب در شهر تهران در سال ۱۳۹۸»، *طب نظامی*، دوره یکم، ش ۲۹، ص ۸۲-۹۰.
- ساغروانی، سیما، ۱۳۸۹، «بهره‌های هوش معنوی برای فرد و سازمان»، *تدبیر*، ش ۲۱۵، ص ۳۶-۳۹.
- سوادکوهی، علیرضا و الهام معتمدی، ۱۳۹۶، «رابطه ابعاد سرمایه روان‌شناختی با عملکرد شغلی»، *مطالعات روانشناسی صنعتی و سازمانی*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۵۹-۷۴.
- شاهرودی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه بین معنویت در محیط کار با استرس شغلی کارکنان آموزش و پرورش استان گلستان»، در: *کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱*، تهران، مؤسسه سرآمد همایش کارین.
- شاهمردادی، سمیه و عاطفه معافی مدنی، ۱۳۹۷، «عوامل مرتبط با فرسودگی شغلی در مشاغل نظامی در ایران»، *پرستار و پزشک در رزم*، سال ششم، ش ۲۰، ص ۸۰-۸۶.
- شهریاری احمدی، منصوره، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی عوامل انسانی (ارگونومی)*، تهران، زرباف اصل.
- شهسوارانی، امیرمحمد و همکاران، ۱۳۹۶، «مبانی نظری استرس در رویکرد اسلامی: مرور سیستماتیک مباحث پزشکی، روان‌شناختی، رفتاری و اجتماعی از چشم انداز دین»، *قرآن و پزشکی*، دوره سوم، ش ۱، ص ۴۱-۵۳.
- شیری، اردشیر و سیمین نصرالهی وسطی، ۱۳۹۶، «تأثیر رهبری تعالی بخش بر پاسخ‌گویی اخلاقی: تبیین نقش معنویت در محیط کار»، *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، دوره بیست و ششم، ش ۸۴، ص ۳۳-۵۲.
- عابد، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی مولفه‌های سلامت عمومی و نوع شغل به‌عنوان پیش‌بین‌های استرس شغلی در بیمارستان شهید رجایی اصفهان»، *نوبین سلامت*، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۱-۱۸.
- عمویی، نوشین و همکاران، ۱۳۹۶، «نقش سرمایه روان‌شناختی در پیش‌بینی اشتیاق تحصیلی دانشجویان دانشکده تغذیه و صنایع غذایی»، *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، دوره نهم، ش ۲، ص ۶۶-۷۵.

- عیسی مراد، ابوالقاسم و مریم خلیلی صدرآبادی، ۱۳۹۶، «بررسی رابطه تعارض کار خانواده و استرس شغلی با نقش تعدیلگر سرمایه روان‌شناختی»، *فهرنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۱۸۸-۲۰۶.
- فیاضی، مرجان و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی تأثیر معنویت بر فرسودگی شغلی و تمایل به ترک خدمت کارکنان»، *مطالعات منابع انسانی*، دوره هفتم، ش ۲۳، ص ۶۵-۸۶.
- قاسمی جوینه، رضا و همکاران، ۱۳۹۵، «نقش سلامت معنوی و ذهن آگاهی در سرمایه روان‌شناختی دانشجویان»، *پژوهش در آموزش پزشکی*، سال هشتم، ش ۲، ص ۲۷-۳۶.
- قراخانی، داود و آرش زعفرانچی، ۱۳۹۸، «تأثیر فرسودگی شغلی بر قصد ترک خدمت کارکنان با در نظر گرفتن نقش میانجی رضات شغلی»، *سلامت و بهداشت*، سال دهم، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۱۷.
- محمدی، فرشته و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه محیط کاری و ادراک کارکنان از رهبری خدمتگذار»، *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، دوره بیستم، ش ۶ ص ۱۴۵-۱۶۴.
- مددی‌زاده، مجتبی و حسین پورسلطانی زرندی، ۱۳۹۷، «بررسی و تعیین وضعیت قابلیت‌های معنویت سازمانی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان»، *مدیریت ورزشی*، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۳۶۶-۳۵۵.
- مقیم، محمد و همکاران، ۱۳۸۶، «معنویت سازمانی و تأثیر آن در خلاقیت کارکنان (رویکرد تطبیقی)»، *اخلاق در علوم و فناوری*، دوره دوم، ش ۴، ص ۸۹-۹۸.
- مهرداد، علی و همکاران، ۱۳۹۴، «پیش‌بینی سرمایه روان‌شناختی از طریق معنویت در محیط کار و رهبری اخلاقی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال دهم، ش ۱، ص ۵۴-۶۲.
- نصر اصفهانی، علی و همکاران، ۱۳۹۶، «تأثیر معنویت بر سایش اجتماعی با نقش متغیر میانجی جو اخلاقی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره بیست و هفتم، ش ۶۶ ص ۱۷-۳۴.
- نقوی، سیدعلی و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر معنویت سازمانی در بیمارستان شهید صدوقی یزد: رویکرد اسلامی»، *اخلاق پزشکی*، دوره هشتم، ش ۳۰، ص ۱۵۷-۱۸۴.
- نوروزی کوهدشت، رضا و همکاران، ۱۳۹۸، «رابطه معنویت سازمانی با سلامت عمومی و استرس شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان»، *پژوهش در دین و سلامت*، دوره پنجم، ش ۲، ص ۲۳-۳۶.
- Abbas, M, & Raja, U, 2015, "Impact of psychological capital on innovative performance and job stress", *Canadian Journal of Administrative Sciences / Revue Canadienne Des Sciences de l'Administration*, N. 32, p. 128-138.
- Ali, N, & Miralam, M, 2019, "The effect of job stress and need deficiency on performance", *Management Science Letters*, N. 9, p. 945-956.
- Avey, J. B, et al, 2010, "Impact of positive psychological capital on employee well-being over time", *Journal of occupational health psychology*, N. 15, p. 17-28.
- Bierly, P, et al, 2000, "Organizational learning, knowledge and wisdom", *Journal of Organizational change management*, N. 13, p. 595- 618.
- Cai, W, et al, 2019, "Psychological capital and self-reported employee creativity: The moderating role of supervisor support and job characteristics", *Creativity and Innovation Management*, N. 28, p. 30-41.
- Carmona-Halty, M, 2019, "How psychological capital mediates between study-related positive emotions and academic performance", *Journal of Happiness Studies*, N. 20, p. 605-617.

- Cavanaugh, G, et al, 2001, "Toward a spirituality for the contemporary organization: implications for work, family and society", *Institute for Spirituality and Organizational Leadership: Proceedings from Bridging the Gap*, N. 16.
- Claude, J, 2003, "Workplace Spirituality and Organizational Performance", *J Public Administration Review*, N. 63, p. 355-364.
- Crossman, J, 2010, "Conceptualising Spiritual Leadership in Secular Organizational Contexts and Its Relation to Transformational", *Servant and Environmental Leadership and Leadership and Organization Development Journal*, N. 31, p. 596-608.
- Daniel, J. L, 2015, "Workplace spirituality and stress: Evidence from Mexico and US", *Management Research Review*, N. 38, p. 29-43.
- Desai, M, P, 2009, "Spiritual psychology: A way to effective management", *African Journal of Marketing Management*, N. 1, p. 165-171.
- Exline, J.J, et al 1999, "When God Disappoints Difficulty Forgiving God and its Role in Negative Emotion", *J Health Psychol*, v. 4, p. 365-79.
- Fanggidae, R. E, et al, 2016, "Effect of a Spirituality Workplace on Organizational Commitment and Job Satisfaction", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, N. 219, p. 639- 646.
- Fasbender, U, et al, 2019, "Job satisfaction, job stress and nurses' turnover intentions: The moderating roles of on-the-job and off-the-job embeddedness", *Journal of advanced nursing*, N. 75, p. 327-337.
- Francis, L.J, et al, 2004, "Religiosity and general health among undergraduate students: a response to", *Personality and Individual Differences*, N. 37, p. 485-494.
- Gatling, A, 2015, "A causal model for integrating workplace spirituality into hospitality organizational transformation", *Journal of Human Resources in Hospitality & Tourism*, N. 14, p. 177-194.
- Gerber, M, et al, 2018, "Effects of stress and mental toughness on burnout and depressive symptoms: A prospective study with young elite athletes", *Journal of Science and Medicine in Sport*, N. 21, p. 1200-1205.
- Ghasemzadeh, A, et al, 2015, "Impact of Psychological Capital and Social Capital on the Job Stress and Deviant Behaviors in Clinical Staff", *International Journal of Hospital Research*, N. 4, p. 149-153.
- Giacalone, R. A, Jurkiewicz, C. L., 2003, "Toward a science of workplace spirituality", in Giacalone, R. A., Jurkiewicz, C. L. (Eds.), *Handbook of Workplace Spirituality and Organizational Performance*, New York, M.E. Sharpe.
- Gibbons, P, 2000, *Spirituality at work: Definitions, measures, assumptions, and validity claims*, Proceedings of the Academy.
- Hair, J. F., et al., 2006, "SEM: confirmatory factor analysis", *Multivariate data analysis*, N. 6, p. 770-842.
- Hasbullah, N. Aet al, 2016, "The Relationship of Work Influence, Sense of Community and Individual Spirituality towards Organizational Performance", *Procedia Economics and Finance*, N. 35, p. 591-596.
- Honiball, G, 2014, "Acknowledging others as 'whole beings'. Managers' perceptions of spirituality and health in the South African workplace", *International Review of Psychiatry*, N. 26, p. 289-301.

- Hulland, J., 1999, "Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies", *Strategic management journal*, N. 2, p. 195-204.
- Khamisa, N, et al, 2017, "Effect of personal and work stress on burnout, job satisfaction and general health of hospital nurses in South Africa", *Health SA Gesondheid*, N. 22, p. 252–258.
- Lizano, E. L, 2019, "Spirituality and worker well-being: Examining the relationship between spirituality, job burnout, and work engagement", *Journal of Religion & Spirituality in Social Work: Social Thought*, N. 38, p. 197-216.
- Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M, 2007, "Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction", *Personnel psychology*, N. 60, p. 541-572.
- Madrid, H. P, et al, 2018, "A finer grained approach to psychological capital and work performance", *Journal of Business and Psychology*, N. 33, p. 461-477.
- Maltby, J., & Day, L, 2000, "Depressive symptoms and religious orientation: Examining the relationship between religiosity and depression within the context of other correlates of depression", *Personality and Individual Differences*, N. 2, p. 383-393.
- McGhee, P, & Grant, P, 2008, "Spirituality and ethical behaviour in the workplace: Wishful thinking or authentic realit", *EJBO-Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, N. 2, p. 61-69.
- Milliman, J, et al, 2003, "Workplace spirituality and employee work attitudes: An exploratory empirical assessment", *J organ change manage*, N. 16, p. 426-447.
- _____, 2018, "The effect of workplace spirituality on hospitality employee engagement, intention to stay, and service delivery", *Journal of Hospitality and Tourism Management*, N. 35, p. 1-92.
- Nwanzu, C. L, & Babalola, S. S, 2019, "Examining psychological capital of optimism, self-efficacy and self-monitoring as predictors of attitude towards organizational change", *International Journal of Engineering Business Management*, N. 11, p. 1-12.
- Peterson, S. J, & Byron, K, 2008, "Exploring the role of hope in job performance: Results from four studies, Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial", *Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, N. 29, p. 785-803.
- Pourmola, M, et al, 2019, "Investigating the impact of organizational spirituality on human resources productivity in manufacturing organizations", *Management Science Letters*, N. 9, p. 121-132.
- Riulli, L, et al, 2012, "Psychological capital as a buffer to student stress", *Psychology*, N. 3, p. 1202-1207.
- Robinson, L, 2019, *Police Officers' Perceptions of Spirituality for Managing Occupational Stress and Job Performance*, Doctoral dissertation, Walden University.
- Seligman, M.E, 1998, *Building human strength: Psychology's forgotten mission*, American Psychological Association.
- Ucol-Ganiron Jr, T, 2012, "The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers", *International Journal of Social Science and Humanity*, N. 2, p. 291-295.
- Youssef, C. M , & Luthans, F, 2007, "Positive organizational behavior in the workplace: The impact of hope, optimism, and resilience", *Journal of Management*, N. 33, p. 774-800.

نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در عملکرد تحصیلی با واسطه‌گری عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان

ک. کاظم برزگر بفرویی / استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یزد

k.barzegar@yazd.ac.ir  orcid.org/0000-0002-5649-0016

f.rezaeipour1396@gmail.com

pakdideh1372@gmail.com

فهیمة رضایی پور / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یزد

طاهره پاک‌دیده / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یزد



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در عملکرد تحصیلی دانشجویان با واسطه‌گری عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان است. در این پژوهش «توصیفی - همبستگی» ۳۲۶ دانشجوی معلم (۱۴۷ دختر و ۱۷۷ پسر) به روش «نمونه‌گیری در دسترس» انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ای متشکل از مقیاس‌های هوش هیجانی، هوش معنوی، عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان پاسخ دادند. عملکرد تحصیلی دانشجویان نیز براساس میانگین نمرات دروس آنان سنجیده شد. یافته‌های الگوسازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد: هوش معنوی به‌طور مثبت و معنادار عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، نقش واسطه‌ای عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان در رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی با عملکرد تحصیلی تأیید شد. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد: با ارتقای هوش هیجانی، هوش معنوی، تقویت روحیه عمل به اعتقادات مذهبی و افزایش سلامت روان می‌توان عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، هوش معنوی، عملکرد تحصیلی، عمل به اعتقادات مذهبی، سلامت روان.

یکی از اهداف مهم «دانشگاه فرهنگیان» ارتقای سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان است. از مسائل بزرگ تحصیل و نظام‌های آموزشی پایین بودن سطح عملکرد تحصیلی است (گیون چیگلیا و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین یکی از مهم‌ترین معیارهای کارایی نظام‌های آموزشی عملکرد تحصیلی مناسب یادگیرندگان آن نظام است و رشد و ارتقای آن یکی از اهداف اصلی نظام‌های آموزشی است (سو و پارک، ۲۰۱۶).

بنابراین، در سال‌های اخیر، پژوهشگران درصدد شناسایی متغیرهایی هستند که عملکرد تحصیلی و آموزشی یادگیرندگان را ارتقا دهند. واژه «عملکرد تحصیلی» به جلوه‌ای از جایگاه تحصیلی یادگیرنده اشاره دارد که بیانگر نمره‌ای برای یک دوره یا میانگین نمره‌های دوره‌های گوناگون باشد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴).

به عبارت ساده‌تر به همه فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که هر فرد در جهت کسب علم، دانش و گذراندن پایه‌ها و مقاطع تحصیلی گوناگون در مراکز آموزشی از خود نشان می‌دهد، «عملکرد تحصیلی» گفته می‌شود (هانگ، ۲۰۰۵). حتی به نظر برخی صاحب‌نظران همچون گرنز و مولدوان (Gernat & Moldvan; 2018) «عملکرد تحصیلی» به معنای توانایی برنامه‌ریزی، خودکارآمدی، انگیزش، کاهش اضطراب، استفاده از اهداف سودمند و انجام فعالیت‌های مربوط به مطالعه است.

امروزه عملکرد تحصیلی را بسیار فراتر از آن می‌دانند که تنها علت آن مطالعه زیاد و بهره‌وری مناسب باشد. بنابراین «عملکرد تحصیلی» به‌مثابه متغیر درونزا، تحت تأثیر یک عامل نیست، بلکه عوامل متعددی بر آن تأثیر دارند. بنا بر نظر پژوهشگران، یکی از عامل‌های تعیین‌کننده عملکرد تحصیلی هوش است. اما برای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی، به‌ویژه در سطوح بالاتر، افزون بر هوش عمومی باید انواع دیگر هوش را عنوان کرد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰).

برای مثال، هوش هیجانی به‌منزله عامل پیش‌بینی‌کننده سلامت روان، پیشرفت تحصیلی و شغلی اهمیت شایانی دارد (لیف، ۲۰۰۳). در تعریف «هوش هیجانی» می‌توان گفت: مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که توانایی فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با فشارهای محیطی افزایش می‌دهد (بار آن، ۲۰۰۶).

به بیان دیگر، هوش هیجانی شامل توانایی ما در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی است و مهارت‌های لازم در این حوزه را اندازه‌گیری می‌کند (ویتازیسکی، ۲۰۰۴). مایر و همکاران (۲۰۰۸) در جدیدترین تعریف خود، «هوش هیجانی» را توانایی استدلال دقیق درباره هیجان‌ها و دانش هیجانی می‌دانند که تفکر را ارتقا می‌دهد. بویاتریس (۲۰۰۹) نیز «هوش هیجانی» را توانایی تشخیص، فهم و استفاده از اطلاعات هیجانی می‌داند که منجر به عملکرد مؤثر و بهتر می‌شود.

افزون بر این، می‌توان به «هوش معنوی» نیز به‌عنوان تبیین‌کننده عملکرد تحصیلی اشاره کرد. هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آن در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف‌های موجود از «هوش معنوی»، به‌ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (ولمن، ۲۰۰۷). هوش معنوی به فرد توانایی سازگاری مؤثر و رفتارهای حل مسئله را می‌دهد (زوه‌ر و مارشال، ۲۰۰۰). از نظر سیسک (Sisk; 2009) هوش معنوی می‌تواند به‌مثابه یک خودآگاهی عمیق که در آن، فرد بیش از پیش از ابعاد خویشتن آگاه می‌شود، تعریف شود.

پژوهش‌هایی که به بررسی ارتباط متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی با عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند نشان می‌دهند بین هوش هیجانی و هوش معنوی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش جنبه‌های هوش هیجانی و معنوی (نظیر کنترل هیجان‌ها و عواطف، توانایی سازگاری مؤثر و رفتارهای حل مسئله) عملکرد تحصیلی افزایش می‌یابد (سانچز روبر و همکاران، ۲۰۱۳؛ مولازاده و همکاران، ۱۳۹۳؛ رئیسی و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر بر آن است که با معرفی متغیرهای واسطه‌ای اثربخش این رابطه را تبیین نماید.

ازجمله متغیرهایی که می‌تواند این نقش را ایفا کند عمل به اعتقادات مذهبی است. یافته‌های جینس (Jeynes; 2003) و شیشو (Shishu; 2013) نشان داده‌اند: هرچه عمل به اعتقادات مذهبی یادگیرندگان بالا باشد، عملکرد تحصیلی نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این ارتباط می‌توان گفت: عمل به اعتقادات مذهبی با ایجاد گرایش‌های مثبت، افزایش توان، مقاومت و صبر فرد در برابر مشکلات، تحمل سختی‌ها را آسان نموده، تأثیر عوامل منفی روی تحصیل فرد را کاهش می‌دهد.

براساس آنچه اهل لغت تصریح کرده‌اند، «عمل» کار، فعل و خدمتی است که با قصد و اراده انجام می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۱). «عمل به اعتقادات مذهبی» عنصر سوم دین، بعد از شناخت و ایمان است؛ به این معنا که آنچه را فرد از باورهای مذهبی می‌داند و به آن ایمان دارد در مرحله عمل نیز آشکار سازد (احسانی، ۱۳۸۸، به نقل از عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، عمل به اعتقادات مذهبی اشاره به اعمال و مناسک و رفتارهایی دارد که مخصوص یک دین و مذهب است. برای نمونه، در مذهب شیعه و دین اسلام، خواندن نماز، گرفتن روزه، پرداخت خمس و زکات و مانند آن از اعمال مذهبی است. عمل به اعتقادات مذهبی از اعتقادات مذهبی جداست؛ به این معنا که فرد می‌تواند به اصولی معتقد باشد، ولی به هر علت، اعمال مربوط به آن اعتقاد را به انجام نرساند. چنین فردی عمل به اعتقادات مذهبی ندارد (حسین ثابت و مومی‌پور، ۱۳۹۳، به نقل از: گلزاری، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر، هوش هیجانی را می‌توان به منظور اهداف عالی یا پست به کار گرفت و اینجاست که نقش مذهب و آموزه‌های اسلامی آشکار می‌شود؛ زیرا مذهب نقش مهمی در آموزش و رشد اخلاقیات ایفا می‌کند. با توجه به اینکه استفاده از هوش هیجانی در هر محدوده‌ای نیازمند حد و مرزهای اخلاقی خاص خود است، می‌توان گفت: آموزه‌های اسلامی در بسیاری از موارد به‌طور غیرمستقیم هوش هیجانی را ارتقا می‌دهد (حسینی و رشیدی، ۱۳۹۴).

در این زمینه گرانچر (Granacher; 2000) نیز معتقد است: تحول اخلاقی که با انجام اعمال مذهبی روی می‌دهد در رشد هوش هیجانی نقش مهمی دارد. در نتیجه، این احتمال هست که افراد برای ارتقای مهارت‌های هوش هیجانی در جهت نیل به اهداف عالی، گرایش بیشتری به باورهای مذهبی و عمل به آنها داشته باشند. افزون بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند: هوش معنوی نیز بر عمل به اعتقادات مذهبی اثر می‌گذارد (انیسی و همکاران، ۱۳۹۲؛ چابکی‌نژاد و حسینیان، ۱۳۹۰).

در این باره چابکی‌نژاد و حسینیان (۱۳۹۰) مطرح کردند: با توجه به اینکه عمل به اعتقادات مذهبی یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی است، به نظر می‌رسد می‌توان وجود رابطه بین هوش معنوی و عمل به اعتقادات مذهبی را تا اندازه‌ای توجیه نمود.

در کنار عمل به اعتقادات مذهبی، می‌توان از سلامت روان نیز به‌مثابه یکی از پیشایندهای روانی عملکرد تحصیلی نام برد (نامدار ارشتناب و همکاران، ۱۳۹۲؛ میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نمازی و همکاران، ۱۳۹۴). سلامت روان علل روان‌شناختی احتمالی عملکرد تحصیلی را نشان می‌دهد. سلامت روان یادگیرندگان اثر مثبتی بر اعتماد به نفس، هدف‌مداری، رقابت‌جویی و قدرت‌طلبی می‌گذارد. این ویژگی‌ها خود ضرورت تلاش و تحرک یادگیرندگان محسوب می‌شود. از این رو هر اقدامی که به منظور سلامت روان آنان برداشته شود پویایی، نشاط و تلاش بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. این نشاط و پویایی، بستری برای ارتقای عملکرد تحصیلی یادگیرندگان فراهم می‌کند.

براساس تعریف «سازمان بهداشت جهانی»، «سلامت روان» در بهترین منظر عبارت است از: یک حالت پایا و کامل از نبود نشانه‌های بیماری و حضور نشانه‌های سلامت که دارای ابعاد فاعلی، روانی و اجتماعی است. بنابراین سلامت روانی، نه تنها بیماری روانی را دربر می‌گیرد، بلکه به سطحی از کارکرد اشاره می‌کند که فرد با خود و سبک زندگی خویش آسوده و بدون مشکل است (ده آرا و همکاران، ۱۳۹۵).

سلامت روان نیز می‌تواند تحت تأثیر عواملی، نظیر هوش هیجانی (اوچینسکا بیلک، ۲۰۰۵؛ جین و سیاه، ۲۰۰۵؛ قادری و شمسی، ۱۳۹۴) و هوش معنوی (ایمونز، ۲۰۰۰؛ مهربانی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۹۶؛ تاج‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶؛ برزگر بفرویی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سورانی، ۱۳۹۷) قرار گیرد. به عبارت دیگر افراد دارای هوش

هیجانی بالا با توانایی بهتری برای مقابله با استرس، بیان هیجان‌ها، مدیریت و کنترل هیجان‌ها مشخص می‌شوند؛ زیرا هوش هیجانی بر توانایی افراد برای مقابله مؤثر با فشارها و مطالبات محیطی تأثیر می‌گذارد و حتی می‌تواند عامل مهمی در تعیین موفقیت‌های زندگی و بهزیستی روان‌شناختی باشد (اسلاسکی و کارترایت، ۲۰۰۲). از همین رو به نظر می‌رسد هوش هیجانی با افزایش توانایی سازگاری با مشکلات، به میزان بیشتری بر سلامت روانی اثرگذار است.

از سوی دیگر، روان‌شناسان نیز بر این باورند که به‌کارگیری صحیح، تقویت و پرورش هوش معنوی در افراد موجب افزایش سلامت روان می‌گردد (الکساندر و همکاران، ۲۰۰۶).

در مجموع با در نظر گرفتن دیدگاه‌های نظری و پژوهش‌های تجربی در خصوص نحوه ارتباط متغیرهای هوش هیجانی و معنوی، عمل به اعتقادات مذهبی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی، هدف این پژوهش کمک به درک بهتر ارتباط متغیرهای «هوش هیجانی» و «هوش معنوی» با «عملکرد تحصیلی» با در نظر گرفتن نقش عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان به‌عنوان واسطه ارتباط این سه متغیر است.

جامعه پژوهش حاضر، دانشجومعلم‌ان استان یزد در نظر گرفته شد؛ بدین دلیل که جامعه دانشجومعلم‌ان یک جامعه خاص دانشجویی است. آنها علاوه بر تحصیل، مسئولیت آموزش و پرورش جمع زیادی از دانش‌آموزان را بر عهده دارند.

بدین‌روی توجه به عملکرد تحصیلی آنها اهمیت خاصی دارد. پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده، اطلاعاتی را در اختیار ما گذاشته است؛ اما این اطلاعات انسجام ندارد و همچنین به جامعه دانشجومعلم‌ان مربوط نیست. از این رو لازم بود رابطه این متغیرها به صورت همزمان و در قالب الگو بررسی شود و نتایج حاصل از آن در خدمت برنامه‌ریزان، متصدیان دانشگاه فرهنگیان و همچنین مسئولان و مدیران آموزش و پرورش قرار گیرد. بنابراین مطالعه حاضر به نقش هوش هیجانی و هوش معنوی بر عملکرد تحصیلی دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان یزد با نقش واسطه‌گری عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان می‌پردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر «توصیفی» از نوع همبستگی است که به بررسی روابط متغیرها با استفاده از الگوسازی معادلات ساختاری می‌پردازد. «هوش هیجانی» و «هوش معنوی» متغیرهای برونزا، و «عمل به اعتقادات مذهبی» و «سلامت روان» متغیرهای واسطه و عملکرد تحصیلی متغیر درونزا هستند. جامعه آماری این پژوهش ۱۲۶۶ (۶۸۶ پسر و ۵۸۰ دختر) دانشجوی دانشگاه فرهنگیان یزد (پردیس شهید پاک‌نژاد و پردیس حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام) است که در نیمسال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند. برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر، براساس حجم جامعه پژوهش و با مراجعه به جدول کرجسی و مورگان و با احتساب ده درصد برای پیشگیری از افت نمونه،

حجم نمونه ۳۳۴ تن تعیین شد. انتخاب نمونه نیز با روش «نمونه‌گیری سهمیه‌ای» از همه دانشجومعلم‌ان دختر و پسر این دو پردیس انجام شد؛ بدین‌سان که از میان تمام دانشجومعلم‌ان پردیس خواهران ۱۴۸ دانشجو و از پردیس برادران ۱۸۲ دانشجو به‌طور تصادفی انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه هوش هیجانی

این پرسشنامه ۴۰ سؤالی که شَرینگ (امینی و دیگران، ۱۳۸۷، به نقل از شَرینگ، ۱۹۹۹) برای ارزیابی هوش هیجانی ساخته، مشتمل بر یک نمره کلی (هوش‌بهر هیجانی کلی EQ) و پنج مؤلفه است. در اجرای مقدماتی این پرسشنامه، هفت سؤال به علت همبستگی کم با نمره کل آزمون حذف شد و در اجرای نهایی به ۳۳ سؤال تقلیل یافت. پنج زیرمقیاس این پرسشنامه عبارتند از: خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، هوشیاری اجتماعی یا همدلی، و مهارت‌های اجتماعی. پاسخ به سؤالات بر روی طیف لیکرت پنج بخشی از یک (همیشه) تا پنج (هرگز) نمره‌گذاری شد. بیشترین و کمترین نمره در این آزمون به ترتیب ۱۶۵ و ۳۳ بوده است. در پژوهش یعقوبی و همکاران (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کلی ۰/۷۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی به شیوه آلفای کرونباخ برای نمره کلی ۰/۸۷ به‌دست آمد.

۲. پرسشنامه هوش معنوی

عبده/زاده و همکاران (۱۳۸۷) به کمک این پرسشنامه درباره دانشجویان پژوهشی انجام دادند. در این آزمون به گزینه‌های «کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی، موافقم و کاملاً موافقم» - به‌ترتیب - امتیازهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ داده شد. دامنه نمره‌ها نیز از ۲۹ تا ۱۴۵ بود. در چرخش به روش «واریماکس» برای کاهش متغیرها دو عامل اصلی به‌دست آمد که عامل اول با دوازده سؤال، «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» و عامل دوم با هفده سؤال، «زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی» نامیده شد.

پایایی آزمون در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر با ۰/۸۷ بود. در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ محاسبه و - به‌ترتیب - برای کل مقیاس و ابعاد آن ۰/۸۹، ۰/۷۹ و ۰/۸۳ به‌دست آمد.

۳. پرسشنامه خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی

این ابزار برای اندازه‌گیری رفتارهای دینی مسلمانان توسط نویسی (۱۳۷۶) تدوین شده است. در انتخاب جملات این مقیاس، به آن دسته از فرایض دینی (مانند نماز و روزه واجب) که معمولاً هر مسلمانی بجا می‌آورد توجه شده است. برای بررسی روایی ابزار، از نظر متخصصان استفاده شد. شماری از روحانیان، اندیشمندان مسلمان و استادان دانشگاه «مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی» را برای اندازه‌گیری دانش‌آموزان و دانشجویان به

نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در عملکرد تحصیلی با واسطه‌گری عمل به ... ♦ ۱۵۷

اعتقادات اسلامی نسبتاً مناسب دانستند. برای بررسی پایایی این ابزار از روش «بازآزمایی» استفاده گردید و ۰/۸۱ به‌دست آمد. این مقیاس ۴۵ ماده دارد که پاسخ به هریک از مواد در مقیاس پنج درجه‌ای قابل رتبه‌بندی است (نویدی، ۱۳۷۶). در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به‌دست آمد.

۴. پرسشنامه سلامت روان

امیدیان و علوی لنگرودی (۱۳۸۷) این ابزار را بر روی دانشجویان دانشگاه یزد آزمودند. ابتدا این پژوهشگران از میان گویه‌های پنج پرسشنامه (جمعاً ۱۷۴ گویه) با روش «تحلیل عاملی» ۴۶ گویه به‌دست آوردند. بدین‌سان، پرسشنامه‌ای با ۴۶ گویه با هدف اندازه‌گیری وضعیت بهداشت روانی در دو بعد مثبت (ویژگی‌های مرتبط با احساس رضایت از زندگی) و منفی (مشکلات روانی و احساس نارضایتی) پدید آوردند.

در رابطه با محاسبه ضریب پایایی آزمون نیز از روش آلفای کرونباخ و روش گاتمن استفاده کردند که ضرایب پایایی به‌دست‌آمده برای گویه‌های مثبت و منفی بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ بود. به‌طورکلی، سازندگان این ابزار روایی و پایایی مناسبی برای این آزمون بیان کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۴ به‌دست آمد.

۵. عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی دانشجو معلمان براساس میانگین نمرات دروس آنها در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر در جدول (۱) آمده است:

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف	حداقل	حداکثر نمره
هوش هیجانی	پسر	۱۷۷	۱۰۶	۱۳/۶۰	۷۴	۱۴۰
	دختر	۱۴۷	۱۱۱	۱۲/۹۱	۶۱	۱۴۱
هوش معنوی	پسر	۱۷۷	۱۱۸	۱۵/۷۹	۶۶	۱۴۵
	دختر	۱۴۷	۱۱۷	۱۴/۵۵	۷۷	۱۵۷
عمل به اعتقادات	پسر	۱۷۷	۱۹۸	۲۶/۰۲	۹۱	۲۲۵
	دختر	۱۴۷	۲۰۰	۲۱/۸۴	۱۲۶	۲۵۷
سلامت روان	پسر	۱۷۷	۱۵۷	۳۰/۰۶	۵۷	۲۲۳
	دختر	۱۴۷	۱۶۲	۲۴/۹۲	۵۹	۲۱۹
عملکرد تحصیلی	پسر	۱۷۷	۱۷/۲۳	۱/۳۶	۱۲	۱۹/۹۹
	دختر	۱۴۷	۱۸/۵۰	۰/۵۸	۱۶	۱۹

برای تعیین نحوه ارتباط میان متغیرهای پژوهش با یکدیگر از آزمون «ضریب همبستگی» پیرسون بهره گرفته شد. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش حاضر در جدول (۲) آمده است:

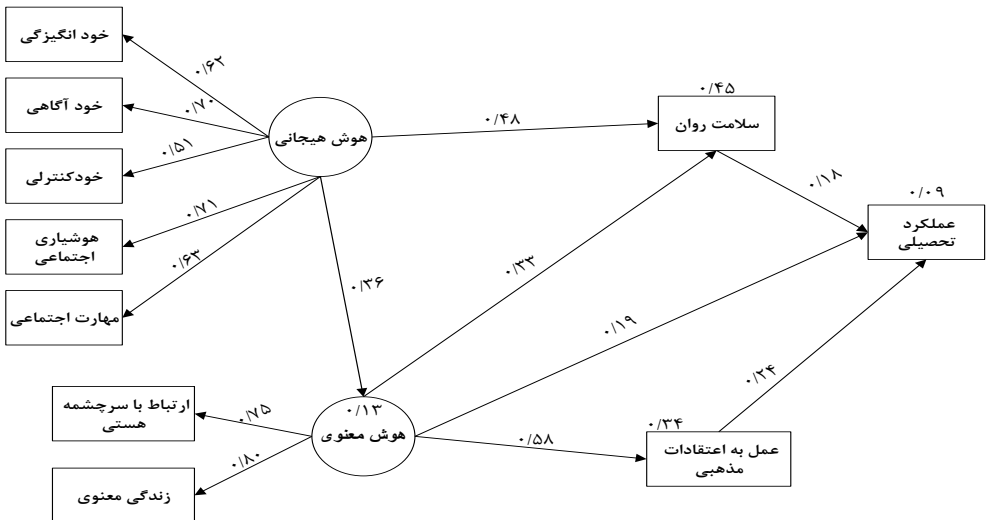
جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. هوش هیجانی	۱							
۲. هوش معنوی	۰/۲۸**	۱						
۳. عمل به اعتقادات مذهبی	۰/۱۵**	۰/۵۱**	۱					
۴. سلامت روان	۰/۵۳**	۰/۴۳**	۰/۲۸**	۱				
۵. عملکرد تحصیلی	۰/۰۹**	۰/۴۳**	۰/۱۹**	۰/۱۵**	۱			

**p<0/01

نتایج جدول (۲) حاکی از آن است همه ضرایب همبستگی متغیرهای نهفته کمتر از ۰/۹۰ بوده و مشکل همبستگی چندگانه در کار نیست (تات، ۱۹۹۸). دامنه ضرایب همبستگی از ۰/۰۹ تا ۰/۵۳ گسترده است. بیشترین ضریب همبستگی به رابطه هوش هیجانی و سلامت روان اختصاص دارد و کمترین ضریب همبستگی متعلق به رابطه هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی است.

در ادامه، برای تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی و هوش معنوی بر عملکرد تحصیلی با واسطه‌گری سلامت روان و عمل به اعتقادات مذهبی از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار «Amos» استفاده شد. نمودار (۱) الگوی ساختاری پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: الگوی ساختاری نهایی پژوهش

همان‌گونه که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، از میان این ضرایب، بالاترین ضریب (۰/۵۸) به هوش معنوی و عمل به اعتقادات مذهبی، و ضعیف‌ترین ضریب (۰/۱۸) به مسیر سلامت روان و عملکرد تحصیلی اختصاص دارد. اعداد روی مستطیل‌ها میزان واریانس تبیین‌شده هستند. همان‌گونه که این خروجی آموس نشان می‌دهد، ۱۳ درصد از واریانس هوش معنوی، ۳۴ درصد از واریانس عمل به اعتقادات مذهبی، ۴۵ درصد از واریانس سلامت روان و ۹ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی توسط الگوی پیشنهادی تبیین شده است.

برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، از ترکیبی از شاخص‌های برازندگی حاصل خروجی‌های آموس، مانند مقدار مجذور کای (χ^2)، شاخص هنجار شده مجذور کای (χ^2/df)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص تاکر - لویس یا شاخص برازش هنجار نشده (TLI) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) استفاده شد. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی پیشنهادی تحقیق در جدول (۳) آورده شده است:

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی پیشنهادی تحقیق

مقدار	شاخص
۱۲۸/۷۹	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
۳۱	درجه آزادی (df)
۰/۰۰۱	ارزش (p)
۴/۱۵	نسبت مجذور کای به درجات آزادی (CMIN/df)
۰/۹۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۶	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI)
۰/۸۶	شاخص استاندارد شده برازش (NFI)
۰/۸۹	شاخص برازش هنجار نشده یا شاخص تاکر - لویس (TLI)
۰/۸۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
۰/۲۳۴	احتمال نزدیکی برازندگی (PCLOSE)

این شاخص‌ها را نمی‌توان به تنهایی دلیل برازندگی دانست، بلکه آنها را باید در کنار یکدیگر تفسیر کرد. اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنادار نباشد و نسبت مجذور کای به درجات آزادی کمتر از ۳ باشد بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند. در تحقیق حاضر این مقدار ۱/۸۰ به دست آمد که حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای الگو است. در صورتی که شاخص‌های NFI، AGFI، GFI، CFI و TLI بزرگتر از ۰/۹۰ باشد بر برازش مناسب و مطلوب الگو دلالت دارند.

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، این شاخص‌ها همگی بزرگتر از $0/9$ هستند. همچنین شاخص RMSEA و احتمال نزدیکی برازندگی نشان می‌دهند که الگوی اصلی از برازش مناسبی برخوردار است. زمانی که مقدار این آماره کمتر از $0/5$ باشد، نشان می‌دهد که الگو از برازش خوبی برخوردار است. در صورتی که مقدار آن بین $0/5$ تا $0/8$ باشد برازش قابل قبول، اگر بین $0/8$ تا $0/1$ باشد برازش متوسط، و اگر بزرگتر از $0/1$ باشد، برازش ضعیف است. برای آزمون RMSEA مشخصه‌ای به نام «PCLOSE» وجود دارد که از طریق آن می‌توان این فرضیه صفر را که RMSEA بزرگتر از صفر نیست، آزمود. چنانچه PCLOSE بزرگتر از $0/5$ باشد، می‌توان نتیجه گرفت: الگو از برازش مناسبی برخوردار است.

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، الگوی اصلی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. طبق این اطلاعات فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد.

علاوه بر شاخص‌های برازندگی الگو، خروجی‌های آموخ ضرایب مسیر، سطح معناداری، واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته پژوهش، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می‌دهند. از این رو برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی این خروجی‌ها حائز اهمیت است.

جدول (۴) اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر یکدیگر را نشان می‌دهد. همگی این ضرایب استاندارد شده‌اند و مقدار آنها حتماً باید بین صفر تا یک باشد.

جدول ۴: اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر یکدیگر

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی عملکرد تحصیلی از: هوش هیجانی هوش معنوی عمل به اعتقادات مذهبی سلامت روان	- * $0/19$ ($1/98$) * $0/24$ ($3/37$) * $0/18$ ($2/71$)	* $0/226$ * $0/20$ - -	* $0/226$ * $0/39$ * $0/24$ * $0/18$	$0/09$
به روی سلامت روان از: هوش هیجانی هوش معنوی عمل به اعتقادات مذهبی	* $0/48$ ($7/29$) * $0/33$ ($5/75$) -	* $0/12$ * $0/16$ -	* $0/60$ * $0/49$ -	$0/45$
به روی عمل به اعتقادات مذهبی از: هوش هیجانی هوش معنوی	- * $0/58$ ($9/13$)	* $0/207$ -	* $0/207$ * $0/58$	$0/34$
به روی هوش معنوی از: هوش هیجانی	* $0/26$ ($7/29$)	-	* $0/36$	$0/13$

همان‌گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، همگی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها معنادارند. از میان متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی، بیشترین اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل - به ترتیب - به متغیرهای عمل به اعتقادات مذهبی (۰/۲۴)، هوش هیجانی (۰/۲۲۶)، و هوش معنوی (۰/۳۹) اختصاص دارد. این در حالی است که از میان متغیرهای تأثیرگذار بر سلامت روان، بالاترین اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل - به ترتیب - به هوش هیجانی (۰/۴۸) و هوش معنوی (۰/۱۶) و هوش هیجانی (۰/۰۶) اختصاص دارد. همچنین هوش معنوی بالاترین اثر مستقیم (۰/۵۸) را بر روی عمل به اعتقادات مذهبی دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای عمل به اعتقادات مذهبی و سلامت روان در رابطه با هوش هیجانی و هوش معنوی با عملکرد تحصیلی دانشجوی معلمان انجام شد. براساس یافته‌های پژوهش، هوش معنوی توانست به‌طور مستقیم و معنادار عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کند.

همسو با این یافته، رئیسی و همکاران (۱۳۹۲) و مولازاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود بر نقش هوش معنوی در عملکرد تحصیلی تأکید کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های اصلی انسان‌های معنوی این است که در دستیابی به اهداف، خود را با کسی مقایسه نمی‌کنند و یا خود را در حال مقایسه با دیگران نمی‌بینند. این بدان معناست که اگر می‌توانند از آنچه در حال حاضر هستند بهتر باشند تلاش می‌کنند تا بهتر شوند. این ویژگی در زمینه تحصیل نیز صدق می‌کند. یک دانش‌جو معلم معنوی به احتمال زیاد، در زمینه تحصیل دارای جهت‌گیری «هدف تسلط - مدار» است و انگیزش او از نوع درونی است. چنین فردی به جای توانایی، بر روی فعالیت، تکلیف و هدف متمرکز می‌شود و برای او مهم است که خودش چقدر یاد می‌گیرد و به عملکرد دیگران توجهی ندارد. او خود را در فرایند یادگیری غرق می‌کند و به جای اینکه نگران باشد که مبادا از دیگران عقب بماند در فکر بهبود مهارت خویش است.

افزون بر این، وجود مؤلفه‌های هوش معنوی منجر به توانایی بیشتر در مقابله با مشکلات و استرس‌های تحصیلی می‌شود و به تبع آن، عزت نفس و خودکنترلی دانشجوی معلمان را افزایش می‌دهد که همین عملکرد تحصیلی بالا را به دنبال دارد.

علاوه بر این، عمل به اعتقادات مذهبی در رابطه هوش هیجانی و معنوی با عملکرد تحصیلی دارای نقش واسطه‌ای بود. می‌توان ادعان داشت: افراد با هوش هیجانی بالا از خودآگاهی، خودکنترلی، مهارت‌های اجتماعی و مسئله‌گشایی بالایی برخوردارند. آنها به احتمال زیاد، به انتخاب‌هایی دست می‌زنند که در جهت شکوفایی استعدادها و توانایی‌هایشان باشد. از سوی دیگر آموزه‌های اسلام مسیر سعادت را نشان داده، انسان را در انتخاب راه سعادت

یا شقاوت آزاد گذاشته است. قرآن کریم در این زمینه در آیه اول سوره «انسان» می‌فرماید: «ما او را به راه راست (در ابعاد زندگی‌اش به هدایت تکوینی و تشریحی) راهنمایی کردیم، خواه سپاسگزار باشد، خواه ناسپاس».

بنابراین، می‌توان گفت: دانشجو معلم با هوش هیجانی بالا، به احتمال زیاد برای رسیدن به موفقیت راه سعادت را برمی‌گزیند و خود را در قبال عمل به ارزش‌ها و باورهای مذهبی متعهد و مسئول می‌داند. هوش معنوی نیز ارتباط تنگاتنگی با عمل به اعتقادات مذهبی دارد. به عبارت دیگر، هوش معنوی نقش ارزش‌ها و عقاید را در کارهایی که فرد انجام می‌دهد ایفا می‌کند و به فرد نگاهی کامل‌تر درباره زندگی می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. در نتیجه چنین معرفت عمیقی است که یک دانشجو معلم با هوش معنوی بالا، گرایش زیادی در عمل به اعتقادات مذهبی پیدا می‌کند.

امید به کمک خدا در شرایط مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی در مراسم مذهبی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با بهره‌گیری از آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث پرفشار زندگی آسیب‌ها بهتر متحمل شوند. دانشجو معلمی که در مراسم مذهبی شرکت می‌کند و اعمال دینی خود را انجام می‌دهد با توکل به خدا به چنان آرامش روحی و روانی می‌رسد که می‌تواند در مطالعه و یادگیری مباحث درسی توانایی بیشتری از خود نشان دهد و به تبع آن، عملکرد تحصیلی بالایی داشته باشد.

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن بود که هوش هیجانی و معنوی به‌طور مثبت و معناداری سلامت روان را پیش‌بینی می‌کند. سلامت روان نیز پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار عملکرد تحصیلی است. در نتیجه، می‌توان گفت: سلامت روان رابطه هوش هیجانی و معنوی با عملکرد تحصیلی را میانجیگری می‌کند.

در ارتباط بین هوش هیجانی و سلامت روان، این یافته‌ها نشان می‌دهند دانشجو معلمانی که در مؤلفه‌های هوش هیجانی، از قبیل خودآگاهی، خودانگیزی، خودکنترلی، هوشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نمرات بالاتری می‌گیرند به احتمال زیاد از سلامت روان بالاتری برخوردارند. از منظر هوش هیجانی - اجتماعی، هیجان‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های اجتماعی و فردی پدیده‌های مهم زندگی انسان هستند که دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی درباره چگونگی حل مسائل روزمره هستند. بدین‌روی کاربرد هوشمندانه آنها عامل ضروری در سازگاری جسمانی و روان‌شناختی است.

درواقع، می‌توان گفت: دانشجویانی که توانایی مدیریت فردی، خودآگاهی، درک و فهم عواطف و احساسات دارند به راحتی می‌توانند در مقابله با ناراحتی‌های ایجادشده در شرایط تحصیلی و خانوادگی ایستادگی کنند. از سوی دیگر، دانشجو معلمانی که در مؤلفه‌های هوش معنوی نمرات بالاتری می‌گیرند به احتمال زیاد از سلامت روان بالاتری برخوردارند. تأثیراتی که هوش معنوی فرد بر چگونگی تعبیر و تفسیر وی از رویدادها می‌گذارد فرایند سازگاری و پذیرش رویدادها را آسان می‌کند.

به بیان دیگر، هوش معنوی به‌مثابه چتری است که مفاهیم گوناگونی، مانند سلامت معنوی ایمان، باورها و سازگاری معنوی را پوشش می‌دهد. هوش معنوی بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده کرده، خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی او را پر می‌کند، امید و قدرت را بالا می‌برد، خصوصیات اخلاقی و معنوی را در فرد و اجتماع استحکام می‌بخشیده و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند. همچنین معنویت شامل ویژگی‌هایی از قبیل اصالت‌ها، رها کردن گذشته، مواجه شدن با هراس‌ها، بینش و بخشش، عشق و همدردی، جامعه‌پذیری، آگاه بودن، صلح و آزادی است. دانش‌جو معلمی که از این ویژگی برخوردار باشد به احتمال زیاد می‌تواند در برابر نامالایمات زندگی خانوادگی، تحصیلی و دانشجویی روحیه خود را حفظ کند و با درایت کافی مشکلات خود را حل نماید. چنین ویژگی‌هایی می‌توانند تضمین‌کننده سلامت روان او باشند.

دانش‌جو معلمانی که از سلامت روانی بالاتری برخوردارند به احتمال زیاد دارای تمرکز حواس بالاتر، علاقه و انرژی بیشتری برای طی کردن فرایند یادگیری هستند. علاوه بر این، سلامت روان بالاتر منجر به افزایش واکنش مثبت از سوی استادان و همکلاسی‌ها می‌گردد که افزایش حمایت اجتماعی و علاقه فرد به تحصیل را به دنبال دارد و عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد.

نمونه در دسترس و استفاده صرف از پرسشنامه به‌عنوان ابزار سنجش از محدودیت‌های عمده این پژوهش است. بدین‌روی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی مشابه روی دانش‌جو معلمان سایر مناطق انجام گیرد و در پژوهش‌های آتی از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه نیز استفاده شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود، این نتایج مدنظر مسئولان «دانشگاه فرهنگیان» قرار گیرد تا در کنار مطالب تخصصی، با برنامه‌ریزی و آموزش‌های لازم، در جهت ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌جو معلمان اقدام نمایند. با ارتقای هوش هیجانی، هوش معنوی، سلامت روان و با ترویج عمل به اعتقادات مذهبی در نهایت، می‌توان عملکرد تحصیلی دانش‌جو معلمان را ارتقا بخشید.

منابع

- احسانی، محمد، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در خانواده*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- امیدیان، مرتضی و سیدکاظم علوی لنگرودی، ۱۳۸۷، «بررسی مقدماتی اعتبار و پایایی ابزاری جدید برای اندازه‌گیری بهداشت روانی»، *دانش و رفتار*، ش ۳۱، ص ۳۹-۴۸.
- امینی، زرار محمد و همکاران، ۱۳۸۷، «رابطه هوش هیجانی با خود کارآمدی و سلامت روان و مقایسه آن‌ها در دانش‌آموزان ممتاز و عادی»، *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۰۷-۱۲۲.
- انیسی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۲، «ارتباط هوش معنوی با میزان التزام عملی به اعتقادات دینی در کارکنان»، *علوم رفتاری*، ش ۷ (۲)، ص ۱۶۷-۱۷۲.
- برزگر فریوپی، کاظم و همکاران، ۱۳۹۶، «نقش هوش معنوی و عمل به اعتقادات مذهبی در سلامت روان دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان»، *اخلاق*، ش ۷ (۲۶)، ص ۱۳۵-۱۵۶.
- تاج‌الدینی، اورانوس و همکاران، ۱۳۹۶، «هوش معنوی و سلامت روان در کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی»، *مطالعات دانش‌شناسی*، ش ۳ (۱۱)، ص ۹۵-۱۱۰.
- چابکی‌نژاد، زهرا و سیمین حسینیان، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه هوش معنوی با نگرش مذهبی در بین دختران دانشجو»، *بانوان سبیه*، ش ۸ (۲۶)، ص ۳۳-۴۸.
- حسین ثابت، فریده و مهرنوش مومی‌پور، ۱۳۹۳، «رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر»، *روانشناسی و دین*، ش ۸ (۳)، ص ۱۴۵-۱۶۱.
- حسینی، سیدرضا و سعیده رشیدی، ۱۳۹۴، «بررسی هوش هیجانی در آموزه‌های اسلامی»، در: *چهارمین همایش ملی روانشناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر.
- ده‌آرا، بهنوش و همکاران، ۱۳۹۵، «مروری بر سلامت روانشناختی و پدیده اعتیاد»، در: *کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی*، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۳۹۲، *معجم المفردات الفاظ القرآن*، تحقیق ندیم مرعشی، تهران، المکتبه الرضویه.
- رحیمی، حمید و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بر میزان کارآفرینی، خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانشجویان»، *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ش ۶ (۲)، ص ۸۵-۱۰۸.
- رئیس‌ی، مرضیه و همکاران، ۱۳۹۲، «ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم»، *آموزش در علوم پزشکی*، ش ۱۳ (۵)، ص ۴۳۱-۴۳۹.
- سورانی، رضا، ۱۳۹۷، «تأثیر هوش معنوی بر سلامت روان معلمان مدارس»، *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ش ۴۰، ص ۱۲۰۲-۱۲۱۱.
- شریفی، نسترن و همکاران، ۱۳۹۰، «مقایسه سهم هوش‌شناختی، خلاقیت و هوش هیجانی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی»، *تازه‌های روانشناسی صنعتی سازمانی*، ش ۲ (۶)، ص ۱۷-۲۹.
- عبداله‌زاده، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، *هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)*، تهران، روان‌سنجی.
- عزیزی، سمیه و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه عمل به باورهای دینی و راهبردهای کنارآمدن با مشکل در دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی مذهبی و معمولی دخترانه شهر تهران»، *روانشناسی تربیتی*، ش ۸ (۲۵)، ص ۵۶-۸۷.
- قادری، مصعب و افضل شمس، ۱۳۹۴، «همبستگی بین هوش هیجانی و سلامت روان در دانشجویان شهر جیرفت»، *مدیریت ارتقای سلامت*، ش ۵ (۱)، ص ۶۲-۷۲.


- مولازاده، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۳، «ارتباط هوش معنوی با موفقیت تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا»، *سلامت جامعه*، ش ۷ (۲)، ص ۵۶-۶۴.
- مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز و همکاران، ۱۳۹۶، «رابطه هوش معنوی و منبع کنترل درونی با سلامت روان در دانشجویان»، *پژوهش‌های روانشناختی*، ش ۲۰ (۱)، ص ۶۲-۷۵.
- میرکمالی، سیدمحمد و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش سلامت روان بر عملکرد تحصیلی دانشجویان، با میانجی‌گری انگیزش پیشرفت تحصیلی»، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ش ۱۶ (۲)، ص ۱۰۹-۱۰۱.
- نامدار ارشتاب، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «سلامت روان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی»، *آموزش در علوم پزشکی*، ش ۱۳ (۲)، ص ۱۴۶-۱۵۲.
- نویدی، احمد، ۱۳۷۶، *مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا.
- یعقوبی، حسن و همکاران، ۱۳۹۸، «نقش حرمت خود و هوش هیجانی در پیش‌بینی تاب‌آوری دانش‌آموزان دارای آسیب شنوایی»، *سلامت روان کودک*، ش ۶ (۳)، ص ۱۶۲-۱۷۲.

- Alexander, M. A., Francisco, L. N., & Harold, G. K., 2006, "Religiousness and mental health: a review", *Rev Bras Psiquiatr*, N. 28 (3), p. 50-242.
- Boyatzis, R. E., 2009, "Competencies as a behavioral approach to emotional intelligence", *Journal of Management Development*, N. 28, p. 49-770.
- Emmons, R. A., 2000, "Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern", *The international for the psychology of Religion*, N. 10 (1), p. 3-26.
- Gernat, V., & Moldvan, L., 2018, "Emotional problems and academic performance of students in manufacturing", *Proc Manufact*, N. 22, p. 9-833.
- Giunchiglia, F., Zeni, M., Gobbi, E., Bignotti, E., Bison, I., 2018, "Mobile social media usage and academic performance", *Comput Hum Behav*, N. 82, p. 85-177.
- Granacher, JR, R. P., 2000, *Emotional intelligence and the impacts of morality*, Retrieved for world eide web, [http://www. Info.com](http://www.Info.com).
- Hung, H. P, 2005, *Ethnicity, gender and the Academic Performance of adolescents: An examination of the influence of culture*, Thesis of master of art, the State university of New York.
- Jain, A. K., & Sinha, A. K., 2005, "General health in organizations: relative relevance of emotional intelligence, trust, and organization support", *International Journal of stress Management*, N. 12, p. 257-273.
- Jeynes, W., 2003, "The effect of religious commitment on the academic achievement of urban and other children, California state university", *Education and urban society*, N. 36 (1), p. 44-62.
- Liff, S., 2003, "Social and emotional intelligence", *Journal of Developmental Education*, N. 26, p. 28-35.
- Mayer, J. D., Roberts, R. D., & Barsade, S. G., 2008, "Human abilities: emotional intelligence", *Annual Review of Psychology*, N. 59, p. 507-536.
- Ogin ska-Bulik, N., 2005, "Emotional intelligence in the workplace: exploring its effects on occupational stress and health outcomes in human service workers", *International Journal of Occupational Medicine and Environmental Health*, N. 18, p. 167-175.
- Sanchez Ruiz, M. J., Mavroveli, S., & Poullis, J., 2013, "Trait emotional intelligence and its links to university performance", *An examination personality and individual Differences*, N. 54 (5), p. 658-662.

- Shishu, Z., 2013, *Religious participations and educational attainment: An empirical investigation*, University of incarnet mord, USA, Available at: <http://cdn.intechopen.com>.
- Sisk, D. A., & Torrance, E. P., 2009, *Spiritual intelligence: developing higher consciousness*, Buffalo, New York, Creative Education Founication Foundation Press.
- Slaski, Cartwright, S., 2002, "Health, performance and emotional intelligence: an exploratory study of retail managers", *Stress and Health*, N. 18 (2), p. 8-63.
- So, E. S., & Park, B. M., 2016, "Health Behaviors and Academic performance Among Korean Adolescents", *Asian Nurs Res* (Korean Soc Nurs Sci), N. 10 (2), p. 7-123.
- Tate, R., 1998, *An ntroduction to modeling outcomes in the behavioral and social sciences* (2 ed.), Burgess Publishing.
- Woitaszewski, S, A., 2004, "Emotional Intelligence and social Reticence of post-Graduate Female student", *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, N. 34 (1), p. 93-1000.
- Wolman, R, N., 2007, *Spiritual quotient questionnaire*, Available from: www.consciouspursuits.com.
- Zohar, D., & Marshall, A., 2000, *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*, London, Bloomsbury.

ارزیابی سلامت روان براساس سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با نقش میانجی دینداری

پرویز فداکار گبلو/ دکتری سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
parviz_fadakar@yahoo.com

سلیمان احمدبوکانی/ دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
arezbookani@yahoo.com  orcid.org/0000-0003-4010-3496

سپیده بشیر گنبدی/ دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
bashiri.sepideh@yahoo.com

مهدی مولایی یساولی/ دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
molaei.atu92@yahoo.com



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

چکیده

مشکلات بهداشت روانی کودکان و نوجوانان سراسر جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر ارزیابی الگوی سلامت روان براساس سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با نقش میانجی دینداری است. روش پژوهش «توصیفی» از نوع تحلیل مسیر است. برای انجام پژوهش ۳۷۴ تن از دانش‌آموزان متوسطه شهر کرج در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ به روش «خوشه‌ای» انتخاب و پرسشنامه‌های «دینداری»، «سلامت‌روان»، «مذهبی بودن والدین» و «سبک‌های فرزندپروری» را تکمیل کردند. نتایج ضریب همبستگی نشان داد: بین مذهبی بودن والدین، دینداری و سبک فرزندپروری «مقتدرانه» با سلامت روانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما دو سبک فرزندپروری «سهل‌گیرانه» و «مستبدانه» با سلامت روان ارتباط منفی داشتند. بالاترین همبستگی نیز بین مذهبی بودن والدین و سلامت روان گزارش شد. همچنین نقش واسطه‌ای دینداری در رابطه متغیرهای مذهبی بودن والدین و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سلامت روان معنادار بود. با توجه به نتایج می‌توان گفت: انتخاب سبک مناسب تربیت فرزندان، مذهبی بودن والدین و دینداری می‌تواند در سلامت روانی افراد تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: دینداری، سلامت روان، سبک‌های فرزندپروری، مذهبی بودن والدین.

با توجه به ارتباط نزدیک سلامت روان (Mental Health) با بهداشت عمومی و عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، می‌توان گفت: بدون سلامت روان، دستیابی به بخش‌های دیگر سلامت امکان‌پذیر نیست (دماری و همکاران، ۱۳۹۸).

سلامت روانی از دید سازمان بهداشت جهانی چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی است و شامل مواردی مانند خوب بودن ذهنی، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و شایستگی، وابستگی بین‌نسلی و خودشکوفایی توانمندی‌های بالقوه فکری و هیجانی می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۸).

نوع سبک تربیتی والدین از عوامل مهم در سلامت روان فرزندان است. هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی - اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد (باربارا و همکاران، ۲۰۱۴). این شیوه‌ها که «شیوه‌های فرزندپروری» (Parenting) نامیده می‌شود، روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و می‌تواند در رشد و تکامل فرد در دوران کودکی و خصایص بعدی شخصیت آنها تأثیر فراوان و عمیقی داشته باشد (ماش و بارکلی، ۲۰۱۲).

بامریند (Baumrind; 1991)، سه سبک فرزندپروری «مستبدانه» (Authoritarian)، «مقتدرانه» (Authoritative) و «سهل‌گیرانه» (Permissive) را معرفی کرده است. هریک از این سبک‌ها دارای دو بعد تقاضاکنندگی و پاسخ‌گویی است. پاسخ‌گویی به این نکته اشاره می‌کند که والدین تا چه اندازه به نیازهای کودک خود پاسخ می‌دهند و تا چه اندازه او را حمایت کرده، با او رابطه‌ای گرم و صمیمی برقرار می‌کنند.

والدین مقتدر بسیار تقاضاکننده و پاسخگو هستند و کنترلی که بر رفتارهای کودک خود دارند، متعادل است. والدین مقتدر تلاش می‌کنند تا فعالیت‌های کودک خود را به سمتی منطقی و مسئله‌مدار هدایت کنند.

والدین مستبد تلاش می‌کنند تا رفتار و نگرش‌های کودک خود را مطابق با مجموعه‌ای رفتارهای استاندارد و ثابت شکل داده، کنترل و ارزیابی کنند. این والدین بیشتر تنبیه‌کننده و تقاضاکننده هستند و پاسخ آنها به نیازهای فرزندشان کم است (اکسیو، نی، ران و ژان، ۲۰۱۷).

رجب‌تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزندپروری و سلامت روانی در دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد و سبک فرزندپروری «مستبدانه» موجب کاهش سلامت روان در دانش‌آموزان می‌گردد.

توزنده‌جانی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود به بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با سلامت روان در دانشجویان پرداخته، به این نتیجه رسیدند که تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روان افراد متفاوت است، به گونه‌ای که شیوه فرزندپروری «مقتدرانه» نسبت به شیوه «مستبدانه» و «سهل‌گیرانه» تأثیر بیشتری بر سلامت روان دارد.

حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مطالعه خود به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سلامت روان در دانش‌آموزان پرداخته، نشان دادند سبک فرزندپروری مقتدرانه در ارتقای سلامت روانی فرزندان مؤثر است.

چان و همکاران (۲۰۱۸) طی پژوهشی بر روی جوانان هنگ‌کنگ نشان دادند که در سبک والدین مستبد، استفاده والدین از خصومت کلامی، قربانی شدن کلامی توسط همسالان، دستکاری اجتماعی و حمله به خصوصیات توسط همسالان، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در اضطراب و پرخاشگری افراد نقش داشتند که از مؤلفه‌های سلامت روان به‌شمار می‌آید.

روله و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و سلامت روان پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سلامت روان متأثر از شیوه‌های فرزندپروری والدین بوده، می‌تواند سازگاری افراد را پیش‌بینی کند.

اسموکوسکی، باکالائو، کوتر و ایوانز (Smokowski, Bacallao, Cotter & Evans; 2015) به بررسی تأثیرات مثبت و منفی شیوه‌های فرزندپروری بر سلامت روان در برخی از نوجوانان پرداخته، نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری می‌تواند موجب تغییر در وضعیت سلامت روان فرزندان گردد.

یکی دیگر از متغیرهایی که به نظر می‌رسد سلامت روان دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد میزان اعتقاد والدین به باورهای دینی است؛ زیرا میزان مذهبی بودن والدین و نظام اعتقادی آنها از یک‌سو بر روش‌های تربیت فرزند و شکل‌گیری شخصیت مذهبی او تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر دینداری والدین یکی از عواملی است که می‌تواند تعیین‌کننده میزان دینداری کودک باشد و هرچه والدین مذهبی‌تر باشند نوجوانان رفتارهای اخلاقی و تمهد دینی بیشتری نشان می‌دهند (جعفری هرندی و رجایی موسوی، ۱۳۹۸). بدین‌سان، نگرش و نحوه رفتار فرد به زندگی، همسالان و اجتماع تحت تأثیر مذهب والدین قرار دارد که این موضوع شکل‌گیری سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خطیب و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «نقش عوامل شخصیت و سبک زندگی مذهبی در سلامت روان» به این نتیجه رسیدند که سبک زندگی مذهبی والدین تا حد زیادی موجب سلامت روان فرزندان می‌گردد. همچنین نتایج تحقیقات مالتبی و دی (Maltby & Day; 2003) نیز نشان داد که همبستگی بین سلامت روان و فعالیت‌های مذهبی خانواده مثبت و معنادار است.

مذهبی بودن والدین و گرایش‌های مذهبی خانواده می‌تواند بر دینداری فرزندان نیز تأثیرگذار باشد. دینداری بیشتر در عمل تجلی می‌یابد و اگر در عمل فرد ملتزم نشود و یا اگر فرد فقط احساس و شناختی نسبت به دین داشته باشد، دیندار محسوب نمی‌شود (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۹۴).

دینداری فصل مشترک تمام اعمال مذهبی، شکل‌گیری باورها و نگرش‌های دینی است. برخی تعاریف ارائه‌شده از دین بسیار گسترده بوده و شامل نظام باورها، فلسفه و یا اخلاقیات است. به وضوح دین یک ایدئولوژی، معنا و بخشی از فرهنگ است که به‌طور فعال با شکل‌گیری و دفاع از الگوی باورها و ارزش‌ها مرتبط است. اعتقاد بر این است که باورهای دینی محور دینداری افراد بوده، مشخص می‌کند که آیا افراد مذهبی‌اند یا نه (تقی‌زاده و بابایی، ۱۳۹۵).

دی‌روس، ایدما و میدما (De Roos, Iedema, Miedema; 2004) در مطالعه خود نشان دادند که نگرش مذهبی والدین بر دینداری نوجوانان اثر دارد و هرچه والدین مذهبی‌تر باشند، نوجوانان رفتارهای اخلاقی و تعهد دینی بیشتری نشان می‌دهند. همچنین نتایج پژوهش‌ها از نقش سبک‌های فرزندپروری نیز در دینداری و گرایش مذهبی فرزندان حمایت می‌کند.

رجب‌تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری با نگرش مذهبی فرزندان در ارتباط است.

هادیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به بررسی تأثیرات والدین بر دینداری فرزندان پرداخته، نشان دادند: والدین از طریق سبک‌های فرزندپروری و عوامل دیگر بر دینداری فرزندان خود تأثیر می‌گذارند.

از سوی دیگر، برخی محققان نشان داده‌اند که داشتن باورهای دینی ارتباط زیادی با سلامت کلی فرد دارد، به‌گونه‌ای که منبع مهمی برای سازگاری با وقایع تنش‌زای زندگی به‌شمار می‌آید (باقری و همکاران، ۱۳۹۵).

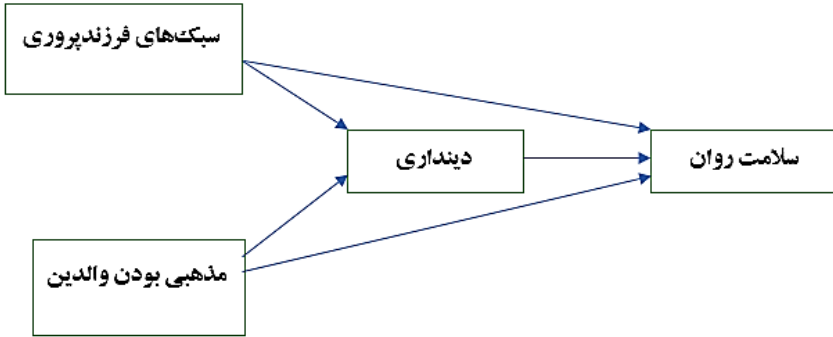
فتحی و امربی (۱۳۹۵) نشان دادند که دین و باورهای دینی سبک‌های مقابله‌ای افراد را در برابر مشکلات تقویت می‌کند و با استفاده از کارکردهای معنویت در ارتباط دادن انسان به خداوند، به‌مثابه منبع آرامش، کارکنان را از تنش، استرس و آسیب‌های روزمره دور می‌کند که این امر موجب تقویت سلامتی افراد می‌شود.

کوهی و زینالی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که دینداری موجب کاهش استرس و بهبود سلامت روان فرد می‌گردد.

الباد و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی نشان دادند که تصور مثبت از خدا می‌تواند یکی از پیش‌بین‌های سلامت روانی باشد.

بدین‌سان و با توجه به مطالب ذکرشده، به نظر می‌رسد می‌توان برای دینداری نقش واسطه‌ای و میانجی بین سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با سلامت روان در نظر گرفت؛ زیرا طبق پژوهش‌های پیشین سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین بر گرایش‌های مذهبی فرزندان و دینداری آنان تأثیرگذار است. از سوی دیگر نقش دینداری و نگرش‌های مذهبی در تقویت سلامت روان نیز محرز شده است. با این حال تاکنون پژوهشی به بررسی نقش دینداری به‌عنوان متغیر میانجی نپرداخته است.

براین اساس و با توجه به اینکه در این زمینه مطالعات کمی در ایران صورت پذیرفته و پژوهش در این زمینه از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی پژوهشگران است، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که آیا دینداری در رابطه سبک‌های فرزندپروری و میزان مذهبی بودن والدین با سلامت روان نقش واسطه‌ای دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا الگوی مربوط به نقش واسطه‌ای دینداری در پیش‌بینی سلامت روانی با داده‌ها برازش دارد یا خیر؟ الگوی فرضی برای این پژوهش به شکل ذیل است:



شکل ۱: الگوی پیشنهادی پژوهش

براساس الگوی پیش‌بینی، پژوهش حاضر فرضیات ذیل را بررسی کرده است:

۱. متغیرهای دینداری؛ سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین به‌طور مستقیم در سلامت‌روانی افراد جامعه مؤثر هستند.
۲. دینداری؛ در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و میزان مذهبی بودن والدین با سلامت‌روان دینداری نقش واسطه‌ای دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، همبستگی از نوع «تحلیل مسیر» است. تمام دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر کرج که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش با استفاده از روش «نمونه‌گیری خوشه‌ای» ۳۷۴ دانش‌آموز متوسطه شهر کرج انتخاب شدند که ۱۹۱ تن از آنها پسر و ۱۸۳ تن دختر بودند. ملاک این تعداد نمونه این بود که در معادلات ساختاری، اگر حجم ۵۰۰ تن و بیش از آن باشد عالی است. همچنین پیشنهاد شده است حجم نمونه همیشه باید ۱۰ برابر تعداد عوامل محاسبه شده در الگو باشد (هومن، ۱۳۹۱، ص ۷۴).

با توجه به وجود شش متغیر برای پژوهش، عوامل محاسبه شده اینچنین محاسبه می‌شوند:

تعداد مسیرها + تعداد واریانس‌های متغیر برونزاد + تعداد کوواریانس‌ها + تعداد واریانس‌های خطا
 بنابراین تعداد عوامل محاسبه شده الگوی حاضر ۲۱ و کمترین حجم نمونه از مضروب تعداد این عوامل در عدد
 ۲۱ (۲۱۰=۱۰*۲۱) به دست می‌آید؛ یعنی دست کم حجم نمونه‌ای برابر با ۲۱۰ برای انجام این تحلیل لازم است
 که در پژوهش حاضر ۳۷۴ تن در نظر گرفته شد (بشلیده، ۱۳۹۶، ص ۵۳). برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش
 از آزمون‌های «همبستگی پیرسون» و «تحلیل مسیر» با کمک نرم‌افزارهای SPSS-25 و AMOS-24 استفاده
 شد. سپس ابزارهای پژوهش در اختیار پاسخ‌گویان قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از چهار ابزار (مقیاس سنجش دینداری، پرسشنامه سلامت عمومی، پرسشنامه مذهبی بودن والدین،
 و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری) استفاده شد.

۱. مقیاس سنجش دینداری

«مقیاس سنجش دینداری» به منظور سنجش میزان دینداری فرد مسلمان و براساس هنجار جامعه ایرانی ساخته
 شده است (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۸). این پرسشنامه ۱۰۲ سؤال دارد و در مقیاس لیکرتی شش درجه‌ای ساخته شده
 است. اندازه‌گیری روایی ملاک «مقیاس سنجش دینداری» به کمک روش همزمان و با استفاده از پرسشنامه
آذربایجانی انجام گرفت. تحلیل ضرایب همبستگی نشان داد: بین پرسشنامه *آذربایجانی* و «مقیاس سنجش
 دینداری» همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۸).

برای مقیاس سنجش دینداری ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد که نشان می‌دهد از اعتبار خوبی
 برخوردار است. بنابراین پرسشنامه نامبرده از اعتبار مناسبی به منظور اجرای پژوهش‌ها در حیطه دینداری فرد
 مسلمان است (قدرتی میرکوهی و خرمایی، ۱۳۸۹).

۲. پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28)

«پرسشنامه سلامت عمومی» توسط گلدبرگ (Goldberg) و هیلر (Hiler) در سال ۱۹۷۲ تهیه شده است. نسخه
 اصلی «پرسشنامه سلامت عمومی» از ۶۰ سؤال تشکیل شده است؛ اما تعدادی از نسخه‌های کوتاه‌تر نیز تهیه شده
 است. فرم ۲۸ ماده‌ای آن دارای این مزیت است که برای تمام افراد جامعه طراحی شده است. این پرسشنامه دارای
 چهار زیرمقیاس است: خرده‌مقیاس نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، نارسا کنش‌وری اجتماعی، و
 افسردگی. نمرات هر آزمودنی در هر مقیاس به‌طور جداگانه محاسبه شده، پس از آن نمرات چهار زیرمقیاس را جمع
 کرده، نمره کلی را به دست می‌آوریم.

ویلسون (Wilson) و کالمن (Calman) (۱۹۸۳) دو پرسشنامه «سلامت عمومی» و «مقیاس ناامیدی» بک را اجرا کردند و ضریب روایی همزمان ۰/۶۹ را گزارش نمودند. پژوهشگران در ایران، ضریب اعتبار کلی این آزمون را ۰/۸۸ و ضریب اعتبار خرده‌آزمون‌ها را بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۱ گزارش دادند (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۱). تقوی (۱۳۸۰) اعتبار «پرسشنامه سلامت عمومی» را در پژوهشی از سه روش «دوباره‌سنجی»، «تصنیفی» و «آلفای کرونباخ» بررسی کرد که به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ گزارش شد.

۳. پرسشنامه میزان مذهبی بودن والدین

برای سنجش میزان مذهبی بودن والدین از پرسشنامه شانزده ماده‌ای گرنکوویست (۱۹۹۸) استفاده شده است. گرنکوویست (۱۹۹۸) با این پرسشنامه سطح مذهبی بودن والدین را به‌طور جداگانه به شکلی که فرزندان در دوران کودکی تجربه کرده‌اند و به خاطر می‌آورند، براساس مقیاسی هشت ماده‌ای برای هر والد ارزیابی کرد. گرنکوویست (۱۹۹۸) ضریب همسانی درونی این آزمون را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای هر والد در هشت ماده ۰/۹۲ به دست آورد.

این پرسشنامه توسط شهابی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) بر روی دانشجویان «دانشگاه شهید بهشتی» انجام شد و هماهنگی درونی ماده‌ها در همبستگی کرونباخ برای پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین پایایی آزمون با روش «اجرای مجدد» و ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه میزان همبستگی بین نمرات دوبار اجرای آزمون برای پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۵ به دست آمد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰).

۴. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند

«پرسشنامه سبک فرزندپروری» که دارای سی سؤال است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه سه شیوه فرزندپروری را دربر می‌گیرد که ده سؤال اول شیوه «آزادگذار»، ده سؤال دوم شیوه «مقتدرانه» و ده سؤال آخر شیوه «استبدادی» را می‌سنجد. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش «بازآزمایی» محاسبه شد. این میزان برای سبک «سهل‌گیرانه» ۰/۶۹؛ «مقتدرانه» ۰/۷۳ و «استبدادی» ۰/۷۷ و برای کل آزمون ۰/۷۶ به‌دست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴). در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای هر کل آزمون، پایایی ۰/۸۲ و برای سبک «آزادانه» ۰/۸۴ و سبک «مقتدرانه» ۰/۸۷ و سبک «استبدادی» ۰/۷۷ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در جدول (۱) میانگین، انحراف استاندارد و ضریب پایایی هریک از متغیرهای پژوهش آورده شده که بالاترین میانگین مربوط به متغیر دینداری است. همچنین ضرایب پایایی ابزارهای پژوهش قابل قبول است:

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش و پایایی ابزار

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب پایایی (α)
سلامت روانی	۲/۸۲	۱/۰۴	۰/۸۹
دینداری	۳/۰۵	۱/۰۳	۰/۹۳
مذهبی بودن والدین	۲/۹۴	۱/۱۳	۰/۸۷
سبک مقتدرانه	۲/۷۷	۱/۰۰	۰/۸۷
سبک آزادانه	۲/۵۸	۰/۹۸	۰/۸۴
سبک استبدادی	۲/۹۱	۰/۸۳	۰/۷۷

در جدول (۲) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش و نیز شکل توزیع آنها آورده شده است:

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سلامت روانی	۱					
دینداری	۰/۶۳**	۱				
مذهبی بودن والدین	۰/۴۵**	۰/۴۳**	۱			
سبک اقتدارگرایانه	۰/۶۲**	۰/۴۱**	۰/۳۰**	۱		
سبک آزادانه	۰/۵۷**	۰/۴۵**	۰/۶۰**	۰/۵۴**	۱	
سبک استبدادی	۰/۵۰**	۰/۳۴**	۰/۳۲**	۰/۳۸**	۰/۴۸**	۱

با توجه به اطلاعات جدول (۲) می‌توان مشاهده نمود که بالاترین مقدار همبستگی مربوط به رابطه بین سلامت روانی و دینداری است ($r=0/63$).

برای آزمون الگوی پیشنهادی پس از بررسی مفروض‌های الگویابی مسیری، یعنی متعادل بودن متغیرها و خطی بودن رابطه میان متغیرهای آزمون، الگو اجرا شد. برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها براساس شاخص‌های برازندگی در جدول (۳) گزارش شده است:

جدول ۳: شاخص‌های تناسب الگو برای الگوی ساختاری پیشنهادی

شاخص‌های برازش	مجدور خی	درجه آزادی	CMIN/df	GFI	AGFI	RMSEA	NFI	CFA	P
الگوی اصلاح‌شده	۱/۷۷۴	۱	۱/۷۷۰	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۰۴۵	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۳۸۰

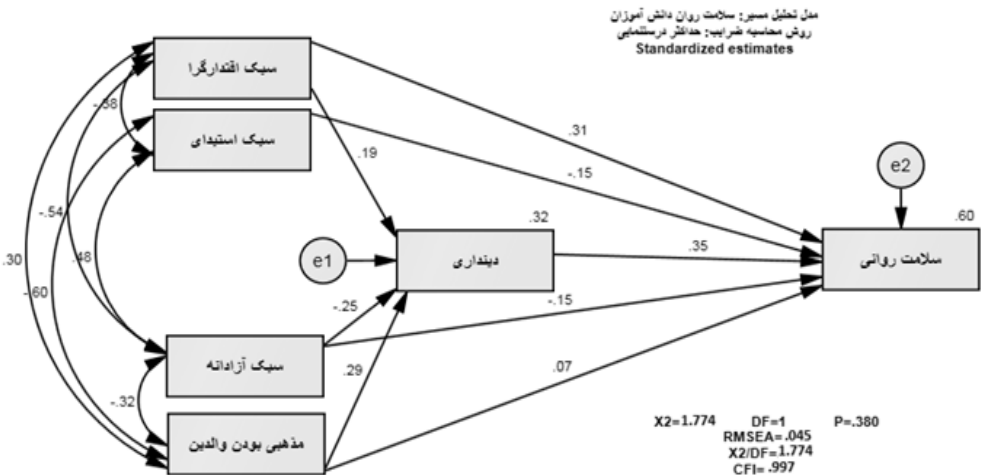
با توجه به عدم برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها الگو باید اصلاح شود. به منظور ارتقای الگوی پیشنهادی، گام بعدی همبسته کردن خطاها، اضافه کردن مسیرها یا حذف مسیرهای غیرمعنادار برای برازش مطلوب الگو بود. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که ضریب شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب RMSEA برابر با (۰/۰۴۵)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۹۷، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۹۰، شاخص

نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI) برابر با ۰/۹۸۳، و شاخص شاخص برازندگی هنجارشده (NFI) برابر با ۰/۹۹۵، بر برازش بسیار مناسب است و بر مطلوب الگوی مفهومی مدنظر دلالت دارد. در جدول (۴) نیز ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم آورده شده است:

جدول ۴: مسیرها و ضرایب استاندارد و غیراستاندارد الگوی سلامت روانی

P	T (C.R)	S.E.	B	B	متغیرها
۰/۰۰۱	-۴/۸۳	۰/۰۵۶	-۰/۲۵	-۰/۳۲۱	سبک آزادانه << دینداری
۰/۰۰۱	۳/۶۵	۰/۰۵۳	۰/۱۹	۰/۱۹۳	سبک اقتدارگرا << دینداری
۰/۰۰۱	۶/۴۲	۰/۰۴۲	۰/۲۹	۰/۲۶۹	مذهبی بودن والدین << دینداری
۰/۰۰۱	۵/۰۶	۰/۰۳۱	۰/۰۷	۰/۱۵۶	مذهبی بودن والدین << سلامت روانی
۰/۰۰۱	۷/۷۷	۰/۰۴۲	۰/۳۱	۰/۳۲۲	سبک اقتدارگرا << سلامت روانی
۰/۰۰۱	-۳/۵۱	۰/۰۴۶	-۰/۱۵	-۰/۱۶۳	سبک استبدادی << سلامت روانی
۰/۰۰۱	۸/۸۱	۰/۰۴۰	۰/۳۵	۰/۳۴۹	دینداری << سلامت روانی
۰/۰۰۱	-۳/۴۴	۰/۰۵۳	-۰/۱۵	-۰/۱۸۳	سبک آزادانه << سلامت روانی

همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، بیشترین ضریب تأثیر مستقیم به سمت سلامت روانی، مربوط به دینداری، و کمترین ضریب تأثیر مستقیم به سمت سلامت روانی مربوط به مذهبی بودن والدین است. شکل (۲) الگوی نهایی پژوهش حاضر همراه با ضرایب استاندارد را نشان می‌دهد. مطابق شکل (۲) ضریب تعیین متغیر سلامت روانی ۰/۶۰ است که نشان می‌دهد متغیرهای پیش‌بین و میانجی می‌توانند ۶۰ درصد از تغییرات سلامت روانی را پیش‌بینی کنند که این در حد مطلوب است.



شکل ۲: مقادیر استاندارد شده الگوی سلامت روانی (در حالت میانجیگری جزئی)

مسیرهای واسطه‌ای با استفاده از روش بوت/استرپ بررسی شد که در جدول (۵) نتایج درج شده است. تفسیر داده‌های جدول (۵) به این صورت است که اگر حد بالا و پایین ضریب یک مسیر عدد صفر را دربر گیرد به معنای معنادار نبودن آن مسیر و اگر عدد صفر را دربر نگیرد آن مسیر معنادار است (بشلیده، ۱۳۹۶).

جدول ۵: شاخص‌های آزمون بوت استرپ برای سنجش روابط غیرمستقیم در الگوی سلامت روانی

متغیرها	B	β	حد پایین	حد بالا	P
سبک اقتدارگرا <---> دینداری <---> سلامت روانی	۰/۰۶۸	۰/۰۶۵	۰/۰۳۶	۰/۱۰۰	۰/۰۰۷
مذهبی بودن والدین <---> دینداری <---> سلامت روانی	۰/۰۹۴	۰/۱۰۲	۰/۰۶۸	۰/۱۴۰	۰/۰۰۸
سبک آزادانه <---> دینداری <---> سلامت روانی	-۰/۱۰۹	-۰/۰۸۷	-۰/۱۲۵	۰/۰۵۹	۰/۰۷۶

همان‌گونه که در جدول (۵) نشان داده شده است، حد بالا و پایین متغیر دینداری در رابطه بین سبک «اقتدارگرا» و سلامت روانی صفر را دربر نمی‌گیرد. بنابراین متغیرهای نقش میانجی گر را در رابطه بین این دو متغیر ذکر شده ایفا می‌کنند. همچنین حد بالا و پایین دینداری در رابطه بین مذهبی بودن والدین و سلامت روانی صفر را دربر نمی‌گیرد که نشان‌دهنده این است که متغیر دینداری در بین دو متغیر مذکور به‌عنوان متغیر میانجی عمل می‌کند. علاوه بر این، حد پایین و حد بالای دینداری در رابطه بین سبک آزادانه و سلامت روانی صفر را دربر می‌گیرد که نشان از آن دارد که دینداری در رابطه بین سبک آزادانه و سلامت روانی نقش میانجی را بر عهده ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای دینداری در الگوی سلامت روانی بین دانش‌آموزان متوسطه شهر کرج بود. نتایج پژوهش نشان داد: دینداری دانش‌آموزان می‌تواند به‌عنوان متغیر واسطه‌ای بین سبک‌های فرزندپروری و مذهبی بودن والدین با سلامت روان نقش مؤثری داشته باشد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از روابط مستقیم و معناداری بین متغیرهای پژوهش بود. در ادامه، به تبیین فرضیات پژوهش می‌پردازیم:

در پاسخ به فرضیه اول پژوهش مشخص گردید که روابط بین متغیرهای دینداری و مذهبی بودن والدین با سلامت روانی به‌طور مستقیم معنادار است؛ یعنی متغیرهای ذکرشده می‌تواند موجب افزایش سلامت روانی افراد جامعه شود. این نتایج با پژوهش‌های جعفری هرنندی و رجایی موسوی (۱۳۹۸)، خطیب و همکاران (۱۳۹۴)، آذربایجانی و موسوی اصل (۱۳۹۴)، دی‌روس، ایلما و میدما (۲۰۰۱) و مالتبی و دی (۲۰۰۳) همسو می‌باشد.

در این خصوص می‌توان گفت: دعا و نیایش موجب تقرب فرد به خدا و ارتباط با آن قادر متعال می‌گردد و نیایش موجب تقرب فرد به خدا و ارتباط با آن قادر متعال می‌گردد و سبب می‌شود که فرد از رذیلت‌های اخلاقی که آفت سلامت روان است، به‌دور باشد (پلوما و لی، ۲۰۰۸). همچنین در خصوص ارتباط سبک‌های فرزندپروری و

سلامت روان نتایج نشان داد: سبک فرزندپروری «مقتدرانه» دارای تأثیر مثبت و معنادار بر سلامت روان است و دو سبک فرزندپروری «مستبدانه» و «سهل‌گیرانه» ارتباط منفی و معناداری با سلامت روان دارند.

این یافته با پژوهش‌های رجب‌تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵)، توزنده‌جانی و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸)، چان و همکاران (۲۰۱۸) و روله و همکاران (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. در این خصوص می‌توان گفت: هر قدر والدین در سبک تربیتی خود از طحواره‌های منفی کمتری استفاده کنند، از فرزندانی با سلامت روانی و اجتماعی قوی‌تری برخوردارند.

سبک «مستبدانه» شیوه‌ای غیرقابل انعطاف و کنترل‌کننده به‌شمار می‌رود. با توجه به فضای کنترلی شدیدی که در این سبک فرزندپروری وجود دارد، فرزندان دچار آسیب‌های جدی و عمیق روانی و شخصیتی می‌شوند و روشن است که سطح سلامت روان آنها در این سبک کاهش پیدا می‌کند (رجب‌تبار و همکاران، ۱۳۹۵).

سبک «سهل‌گیرانه» نیز موجب می‌شود تا والدین کنترل و همچنین محبت کمتری نسبت به فرزندان خود داشته باشند و نسبت به آنها بی‌توجهی کنند. همین امر موجب می‌شود تا فرزندان نتوانند به خوبی با قوانین و نظم در خانواده آشنا شوند که این امر در درازمدت موجب آشفتگی‌های روانی و اجتماعی می‌گردد.

از دیدگاه اسلام نیز والدین در برابر تعلیم و تربیت فرزندان خود و رشد و کمال ایشان مسئول هستند و این مسئله به حدی سنگین است که امام سجاد^{علیه السلام} نیز در مقام تربیت فرزند و مسئولیت سنگین الهی آن از پیشگاه خداوند استعانت می‌جوید و عرضه می‌دارد: «و اعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲)؛ بار الهی! مرا در تربیت و تأدیب و نیکی فرزندانم یاری نما.

در سبک فرزندپروری «مقتدرانه» والدین از روش‌های تربیتی بموقع و بجا استفاده می‌کنند، به‌گونه‌ای که از تشویق بیجا خودداری می‌شود. والدین در این خانواده‌ها از ارزش و جایگاه والایی برخوردارند و فرزندان حتی اگر از والدین ناراحت شوند، نسبت به آنها واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند. در قرآن سپاس و احسان به والدین به‌عنوان حقی بزرگ در کنار حق خداوند متعال مطرح شده است (اسراء: ۲۲). این سبک فرزندپروری موجب می‌شود تا فرزندان از مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس بیشتری برخوردار شده، دارای سلامت روان بهتری باشند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

در پاسخ به فرضیه دوم پژوهش نیز نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد: با توجه به نتایج الگوی تحلیل مسیر، نقش واسطه‌ای دینداری برای متغیرهای مذهبی بودن والدین و سبک فرزندپروری «مقتدرانه» معنادار است، ولی برای سایر متغیرهای پژوهش معنادار نیست. این بدان معناست که دینداری می‌تواند به‌طور واسطه‌ای در افزایش سلامت روانی افراد جامعه مؤثر است.

رجب‌تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزندپروری و نگرش مذهبی با سلامت روانی در دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد. همچنین کوهی و زینالی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند که دینداری موجب کاهش استرس و بهبود سلامت روان فرد می‌گردد. از سوی دیگر ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و نگرش مذهبی والدین با دینداری نیز محرز گردیده است (دی‌روس، ایدما و میدما، ۲۰۰۴؛ هادیان و همکاران، ۱۳۹۲).

براین‌اساس نقش واسطه‌ای دینداری در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و نگرش‌های مذهبی والدین با سلامت روان قابل تبیین است. درواقع می‌توان گفت: در سبک «مقتدرانه» به واسطه قانونمندی، اقتدار والدین و در عین حال احترام و توجه به نظر و خواست کودک از سوی والدین، درونی کردن این احساس می‌تواند منجر به پیدایش نگرش دینی و پذیرفتن خدا به‌منزله یک مرجع قدرت یگانه و کامل در ذهن فرد شود و در نتیجه نگرش مذهبی را در فرد ایجاد و تقویت می‌کند.

اما در سبک فرزندپروری «سهل‌گیرانه» و «مستبدانه» به‌سبب آنکه والدین حضور پررنگ و تأثیرگذاری بر کودک ندارند، نمی‌توانند تأثیر عمیق و مؤثری به‌عنوان یک مرجع قدرت قدرتمند و باثبات بر ذهن کودک داشته باشند و در نتیجه قادر نیستند نگرش مذهبی را در کودک ایجاد نمایند که با توجه به ارتباط نگرش مذهبی و سلامت روان، در نهایت این امر موجب آشفتگی‌های روانی در فرزندان می‌گردد.

همچنین در خصوص ارتباط نگرش‌های مذهبی والدین با سلامت روان فرزندان به واسطه دینداری نیز می‌توان اینگونه بیان کرد که افراد با زندگی فعال معنوی افرادی هستند که به معنا و هدف در زندگی دست یافته‌اند و براساس نظام ارزش‌گذاری درونی که راهنمای برای تصمیمات و کارهای زندگی‌شان است، عمل می‌کنند و این نوع نگرش دینی به افراد حس تعالی می‌دهد. عمل به باورهای دینی نوعی سازوکار مقابله است که در برابر مشکلات و استرس‌های زندگی مقاومت کرده، به آنها معنا می‌دهد و از این طریق فرد را نسبت به آینده امیدوار می‌کند که خود امید از عوامل اصلی سلامت روان در افراد است (جعفری و محمدزاده، ۱۳۹۲).

درواقع دین تا حدی به این علت که یکپارچگی شخصیت را فراهم می‌سازد، موجب افزایش بهزیستی می‌شود، فرد برخوردار از سبک زندگی مذهبی بر حیطه‌های گوناگون ساختار روانی (شامل: افکار، هیجانات و رفتار) مدیریت بیشتری دارد و بدین‌طریق سلامت روان خود را ارتقا می‌بخشد. سبک زندگی مذهبی خانواده موجب دینداری فرد می‌شود و از سوی دیگر، دین در این وضعیت نقش ضربه‌گیر را دارد و مشکلات و آسیب‌ها را به حداقل می‌رساند. براین‌اساس، افراد دیندار به سبب نوع نگرش‌ها و باورها و رفتارهای مبتنی بر آن، مشکلات روانی و آسیب‌های اجتماعی کمتری دارند (خطیب و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی براساس نتایج حاصل از پژوهش می‌توان گفت: سلامت روان فرزندان تا حد زیادی بستگی به شیوه‌های فرزندپروری و نگرش مذهبی والدین دارد و دینداری آنها می‌تواند در این میان نقش واسطه‌ای داشته باشد. این در حالی است که پژوهشگران و محققان حوزه علوم انسانی نیز روش‌های تربیتی را به‌مثابه ساختارهای ارتباطی تعریف کرده‌اند که بیانگر کیفیت‌های ارتباط بین والدین و کودک است و معتقدند: انتقال ارزش‌ها به‌شدت تحت تأثیر خانواده، اعتقادات مذهبی آنها و توافق بین اعضای خانواده است و انتقال ارزش‌ها در خانواده‌هایی که ارتباط بین والدین و فرزندان ضعیف است به‌کندی صورت می‌پذیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶).

براین‌اساس و با توجه به این واقعیت که والدین سهم مهمی در تربیت فرزندان به‌عهده دارند، پیشنهاد می‌شود با آموزش سبک‌های فرزندپروری مناسب (مقتدرانه) در جهت نتایج این پژوهش، یعنی تعامل مناسب و همراه با صمیمیت و در عین‌حال کنترل منصفانه و واقع‌بینانه و همچنین بهبود نگرش‌های مذهبی خود گام مهمی در افزایش دینداری و سلامت روانی فرزندان بردارند.

پژوهش حاضر با چند محدودیت مواجه بود که مهم‌ترین آن مربوط به روابط به‌دست‌آمده بین متغیرها می‌شود. اگرچه داده‌های این پژوهش با روش تحلیل مسیر هماهنگ است، ولی کاربرد آن به‌صورت علت و معلولی باید با احتیاط انجام گیرد و همچنین با توجه به اینکه این پژوهش در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر کرج انجام گرفته است، تعمیم آن به شهرها و جوامع دیگر باید با احتیاط انجام گیرد.

منابع

- صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالفکر.
- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل، ۱۳۹۳، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، چ پنجم، تهران، سمت - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسفندیاری، غلامرضا، ۱۳۷۴، *مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات پزشکی تهران.
- الباد، مصطفی و همکاران، ۱۳۹۴، *ارائه مدل التزام به دین در بین مردم شهر ایلام براساس عوامل شخصی و اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- باقری، حسین و همکاران، ۱۳۹۵، «ارتباط سلامت معنوی با افسردگی و کیفیت خواب در سالمندان شهرستان شاهرود»، *سالنامه‌شناسی*، ش (۱)، ص ۷۸-۷۱.
- بشلیده، کیومرث، ۱۳۹۶، *روش‌های پژوهش و تحلیل آماری مثال‌های پژوهش*، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- پرچم، اعظم و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲۰ (۱۴)، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- تقوی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۰، «بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)»، *روانشناسی*، دوره پنجم، ش ۴، ص ۳۹۸-۳۸۱.
- تقی‌زاده، محمود و امید بابایی، ۱۳۹۵، «تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی (مطالعه موردی: نخل‌گرایی در ایبانه)»، *شبیعه‌شناسی*، ش ۵۳، ص ۳۵-۶۶.
- توزنده جانی، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، «اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور»، *افق دانش*، ش ۱۷، ص ۵۶-۶۴.
- جعفری هرنندی، رضا و سیدهفاطمه رجایی موسوی، ۱۳۹۸، «پیش‌بینی بلوغ عاطفی براساس جو عاطفی خانواده و میزان مذهبی بودن والدین در دانش‌آموزان دختر»، *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ش ۱۶ (۳۴)، ص ۱-۲۶.
- جعفری، عیسی و علی محمدزاده، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با اضطراب و افسردگی در کارکنان نظامی»، *روانشناسی نظامی*، ش ۴ (۱۴)، ص ۱۷-۲۳.
- حسینی‌نسب، داوود و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۹، ص ۲۱-۳۸.
- خدایاری فرد، محمد، ۱۳۸۸، *آماده‌سازی مقیاس سنجش دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه ایران*، طرح پژوهشی مؤسسه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- خطیب، مهدی و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش عوامل شخصیت و سبک زندگی مذهبی در سلامت روان»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ش ۱ (۳)، ص ۸۸-۸۵.
- دماری، بهزاد و همکاران، ۱۳۹۸، «رویکردهای ارتقای سلامت روان در محیط‌های کاری کشور ایران، مروری بر وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی برای آینده»، *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ش ۲۵ (۲)، ص ۱۲۲-۱۳۵.
- رجب‌تبار درویشی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۵، «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نگرش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر»، *دین و سلامت*، ش ۴ (۱)، ص ۵۷-۶۴.
- شهبازی‌زاده، فاطمه و همکاران، ۱۳۸۵، «ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی»، *انجمن ایران روانشناسی*، سال دهم، ش ۴، ص ۴۲۲-۴۴۰.

- صادقی، منصوره‌سادات و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی؛ میزان مذهبی بودن والدین»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۱-۳۲.
- فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۹۱، *آزمون‌های روان‌شناختی ارزیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران، بعثت.
- فتحی، آیت‌اله و ابراهیم امرانی، ۱۳۹۵، «نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت روانی»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۱۳ (۳۷)، ص ۴۵-۶۶.
- قدرتی میرکوهی، مهدی و احسان خرمایی، ۱۳۸۹، «رابطه دینداری با سلامت روانی در نوجوانان»، *علوم رفتاری*، دوره دوم، ش ۱۵، ص ۱۱۵-۱۳۱.
- کوهی، فرحناز و علی زینالی، ۱۳۹۷، «رابطه دینداری، مقبولیت اجتماعی و خودکارآمدی با استرس»، *روانشناسی و دین*، ش ۱۱ (۴)، ص ۹۹-۱۰۹.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «مذهبی بودن والدین و کارکرد خانواده در جامعه‌پذیری مقابله مذهبی»، *تحقیقات روان‌شناختی*، ش ۱۲، ص ۵۷-۷۰.
- هادیان، علی و همکاران، ۱۳۹۲، «تأثیرات والدین بر دینداری فرزندان از منظر روانشناسی دین»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۷ (۱۳)، ص ۲۵-۴۶.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۱، *مدل‌یابی معادلات ساختاری*، تهران، سمت.

- Barbara M, Richard R, Julie M, Robert G, Haward M., 2014, "Conduct disorder and oppositional defiant disorder in national sample: Developmental epidemiology", *J Child Psychol Psychiatry*; N. 45, p. 609-621.
- Chan, J. Y., & et. All, 2018, "The examination of authoritarian parenting styles, specific forms of peer-victimization, and reactive aggression in Hong Kong Youth", *School psychology international*, N. 39 (4), p 378-399.
- De Roos, S.A., Iedema, J. and Miedema, S., 2001, "Young children's description of God: Influences of parents- and teachers- God concept and religious denomination of schools", *Journal of Beliefs and Values*, N. 22, p. 19-30.
- Maltby, J and Day, L., 2003, "Religious orientation, religious coping and appraisals of stress: assessing primary appraisal factors in the relationship between religiosity and psychological well-being", *Personality and individual differences*, N. 34 (7), p. 1209- 1224.
- Mash EJ, Barkley RA., 2012, *Child psychopathology*, 1st ed, New York, Guildford.
- Poloma, M. M., & Lee, M. T., 2008, "From prayer activities to receptive prayer: godly love and the knowledge that surpasses understanding", *Journal of Psychology and Theology*, N. 39(2), p. 143-154.
- Rollè L, & et. All, 2017, "Parenting stress, mental health, dyadic adjustment: A structural equation model". *Frontiers in psychology*, N 8, p 839-852.
- Smokowski PR, Bacallao ML, Cotter KL, & Evans CBR, 2015, "The effects of positive and negative parenting practices on adolescent mental health outcomes in a multicultural sample of rural youth", *Child Psychiatry and Human Development*, N. 46, p. 333-345.
- World Health Organization, 2018, *Mental health: New understanding, new hope*, Geneva, World Health Organization.
- Xu J, Ni S, Ran M, Zhang C., 2017, "The relationship between parenting styles and adolescents' social anxiety in migrant families: A study in Guangdong, China", *Frontiers in psychology*, N. 20; p. 626-628.

Evaluation of Mental Health Based on Parenting Styles and Religiosity of Parents with the Mediating Role of Religiosity

Parviz Fadakar Gebleo/ PhD in Assessment and Measurement, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

✉ **Suleiman Ahmad Bukani**/ PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran arezbookani@yahoo.com

Sepideh Bashir Gonbadi/ PhD Student of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

Mahdi Moulai Yasawoli/ PhD Student of Measurement and Measurement, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Received: 2020/04/28 - **Accepted:** 2020/07/22

Abstract

Mental health problems affect children and adolescents all over the world. Therefore, the aim of this research is to evaluate the model of mental health based on the parenting styles and religiosity of parents with the mediating role of religiosity. The research method is "descriptive", of the path analysis type. In order to conduct the research, 374 high school students of Karaj city were selected in 2018-2017 by "cluster sampling " method. They completed the questionnaires of "Religiosity", "Mental health", "Parents' religiosity" and "Parenting styles". The results of the correlation coefficient showed that parents' religiosity and "authoritative" parenting style have a positive and significant relationship with mental health. However, the two "permissive" and "authoritarian" parenting styles had a negative relationship with mental health. The highest correlation was reported between parents' religiosity and mental health. Also, the mediating role of religiosity was significant in the relationship of the variables of parents' religiosity and authoritarian parenting style with mental health. Results show that choosing the appropriate style of raising children and parents' religiosity can have an effect on people's mental health.

Keywords: religiosity, mental health, parenting styles, parents' religiosity.

The Role of Emotional Intelligence and Spiritual Intelligence in the Academic Performance of Student Teachers of Farhangian University of Yazd, with the Mediation of Religious Beliefs and Mental Health

✉ **Kazim Barzegar Bafroei**/ Assistant Professor of Educational Psychology, Yazd University

k.barzegar@yazd.ac.ir

Fahimeh Reza'ipour/ MA in Educational Psychology, Yazd University

Tahereh Pakdideh/ MA in Educational Psychology, Yazd University

Received: 2020/04/27 - **Accepted:** 2020/07/07

Abstract

The purpose of this research is to investigate the role of emotional intelligence and spiritual intelligence in the academic performance of student teachers with the mediation of religious beliefs and mental health. In this "descriptive-correlational" research, 326 student teachers (147 girls and 177 boys) were selected using "availability sampling" method and answered a questionnaire consisting of emotional intelligence, spiritual intelligence, practice of religious beliefs and mental health scales. The academic performance of student teachers was also measured based on the average grades of their courses. The findings of structural equation modeling show that spiritual intelligence positively and meaningfully predicts academic performance. In addition, the mediating role of religious beliefs and mental health in the relationship of emotional intelligence and spiritual intelligence with academic performance was confirmed. Therefore, it can be concluded that by improving emotional intelligence, spiritual intelligence, religious beliefs and mental health, the academic performance of student teachers can be improved.

Keywords: emotional intelligence, spiritual intelligence, academic performance, practicing the religious beliefs, mental health.

Correlation Pattern between Spirituality in the Work Environment and Occupational Stress of Hospital Employees, with the Mediating Role of Psychological Capital

✉ **Hassan Ghaffari**/ PhD Student of Public Administration, University of Sistan and Baluchistan

hassan_ghaffari@ut.ac.ir

Abdul Majeed Imani/ Assistant Professor, Department of Public Administration, University of Sistan and Baluchistan

Farhanaz Ahang/ PhD Student of Public Administration, University of Sistan and Baluchistan

Zeinab Qassabzadeh Langari/ PhD Student of Public Administration, University of Sistan and Baluchistan

Received: 2020/02/28 - **Accepted:** 2020/05/31

Abstract

Work environment is one of the factors affecting human health. This research examines the relationship between spirituality in the work environment and occupational stress of hospital employees with the mediating role of psychological capital. The research method is applied in terms of purpose, and is has specifically been based on modeling structural equations using Amos software. The statistical population included all the employees of one of the charity hospitals in Qom city. More than 138 employees of the hospital were selected using the "stratified sampling" method. The main instruments for data collection are standard questionnaires. The research findings indicate the direct and indirect negative and significant relationship between spirituality in the work environment and the job stress of employees, the positive and significant relationship between spirituality in the work environment and the psychological capital of employees, and the negative and significant relationship between the psychological capital and the job stress of employees. Based on the research findings, spirituality in the work environment provides support for the individuals, indirectly influences hope, optimism, resilience and self-efficacy, and leads to more psychological adaptation and less stress. Therefore, promotion of virtues such as worship, modesty, respect for elders, kindness, zeal, generosity and the like increase spirituality in the work environment.

Keywords: spirituality in the work environment, job stress, psychological capital, hospital employees.

A Representation of Female Students' Perception of Behavioral Examples of "Good Relationship with Wife": A Qualitative Study

A'zam Jalalikhah/ MA in Family Counseling, Bojnord University

✉ **Hussein Ahmad Brabadi**/ Assistant Professor of Educational Sciences and Counseling, Bojnord University habarabadi@gmail.com

Shaieshte Jangiroudi/ MA in Family Counseling, Bojnord University

Hadi Abbasi/Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Counseling, Bojnord University

Received: 2020/01/26 - **Accepted:** 2020/05/06

Abstract

The purpose of this research is to identify the examples of "good relationship with wife" from the point of view of female students of Bojnord University. For this purpose, qualitative research and "descriptive phenomenology" method have been used. The participants in this research were 29 female students of Bojnord University in the academic year 2018-2017, who were selected by "purposive sampling" method. Passing the course "Family in Islam and familiarity with its concepts" was considered as a criterion for entering the research. Data collection was done using in-depth semi-structured interviews and continued until theoretical saturation was reached. Encoding and data analysis was done using the Collaizi method, and 150 important sentences extracted from the interviews were placed in 29 sub-themes (semantic clusters) based on semantic similarity. Finally, the related meanings were grouped under the title of 9 themes, including: unconditional acceptance of the wife as a free human being, instilling a sense of security in wife in married life, taking responsibility for providing peace and comfort to the family, responding to the wife's need for love and showing commitment in action and behavior, trying to strengthen intimacy with the in-laws, personality maturity, respect for the wife and appreciation for her efforts, having a spirit of forgiveness and sacrifice, and having a good temper. By using these features, men can follow the Qur'an's order of "good relationship with wives" and create a satisfying life for themselves and their wives.

Keywords: good relationship, female students, phenomenology.

The Contextualization and Validation of Breach of Marriage Contract Based on Religious Thought

✉ **Muhammed Zare'i Tupkhaneh**/ Assistant Professor at the Family Department, Research Institute of Hawzeh and University Mohammadz@rihu.ac.ir

Mas'oud Janbozorgi/ Professor of Psychology, Research Institute of Hawzeh and University

Seyyed Kazem Rasulzadeh Tabatabayi/ Associate Professor of Psychology, Ferdowsi University

Seyyed Muhammad Gharavirad/ Dean of the Faculty of Behavioral Sciences, Research Institute of Hawzeh and University

Received: 2020/08/17 - **Accepted:** 2020/12/20

Abstract

The present research was carried out with the aim of contextualizing and validating the breach of marriage contract based on religious thought. It is of a basic theoretical type and has used the "Ijtihadi" method. Using this method, necessary data were extracted, categorized and analyzed. Gaba and Lincoln's "reliability", "transferability", "dependability" and "confirmability" indicators have been used to evaluate accuracy, reliability and credibility. Frequency tables and graphs have been used to analyze the data, and to check the reliability of two methods "Content Validity Ratio" (CVR) and "Content Validity Index" (CVI) have been utilized. The results of contextualization and validation show that from the point of view of Islamic teachings, 33 categories can be extracted for the contextualization of the breach of marriage contract, of which 15 categories are in the individual domain and 18 categories are in the communication domain. This finding can provide the basis for developing scales and clinical interventions based on Islamic thought.

Keywords: breach of marriage contract, adultery, betrayal.

Examining the Psychometric Properties of Children's "Moral Intelligence" Scale

Elahe Golpaygani/ MA in Psychology, Payam Noor University

✉ **Mahnaz Ali Akbari Dehkordi**/ Professor of Psychology, Payam Noor University

aliakbaridehkordi@gmail.com

Tayyebe Muhtashami/ MA in Psychology, Payam Noor University

Received: 2020/07/07 - **Accepted:** 2020/10/28

Abstract

Considering the importance of ethics in Islam and the close relationship between religion and ethics, one of the most important educational issues in Islamic society is the cultivation of moral intelligence. In Iran, there is no instrument to measure this concept for children. With the aim of developing a localized instrument, this research investigated the validity and reliability of the "Ethical Intelligence Scale" for Iranian 3- to 7-year-old children. 387 boys and girls aged 3 to 7 living in 22 districts of Tehran were selected by "simple random cluster sampling" method. The theoretical framework of this "survey" research is based on the ideas of Burba's (2005) model. To check the validity of this scale, construct validity and factor validity were used, and Cronbach's alpha coefficient was used for measuring the reliability of the instrument. Findings show that by removing or changing some items in the primary factors, this scale is a valid and reliable instrument for measuring moral intelligence in children of Tehran city with regard to socio-cognitive changes in the Iranian society.

Keywords: moral intelligence, children, validity, reliability.

The Effectiveness of Spiritual Therapy on Reducing Marital Conflicts, Coldness and Abuse in Couples

Nasimsadat Rah Nejat/ MA in Clinical Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

✉ **Hassan Amiri/** Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah

ahasan.amiri@iauksh.ac.ir

Received: 2020/05/29 - **Accepted:** 2020/09/02

Abstract

The purpose of this research is to investigate "the effectiveness of spiritual therapy on reducing marital conflicts, coldness and abuse in couples". The research is semi-experimental of pre-test-post-test type with control group. The statistical population consists of couples referring to the Kermanshah Life Counseling Center, 30 of whom were selected using the "available sampling" method and randomly assigned to two experimental and control groups (15 in each group). To collect data, the questionnaires of "marital conflicts " by Barati (1375), "marital coldness" by Paniz (1996) and "marital abuse" by Bass and Perry (1998) were used. Hypotheses were analyzed using covariance analysis test. There was a significant difference between experimental and control groups after the implementation of spiritual therapy (0/001), and the level of marital conflicts, coldness, and abuse in the couples in the experimental group was significantly reduced. The effectiveness of spiritual therapy in both the experimental and control groups was statistically significant at 0.001 level. Spiritual therapy is effective in reducing marital conflicts, coldness and abuse with 0.95 confidence. Considering the effectiveness of spiritual therapy, couples are recommended to participate in spiritual therapy workshops and courses to improve their health and strengthen the foundation of their families.

Keywords: spiritual therapy, differences, coldness, marital abuse in couples.

The Effectiveness of Spiritual-Religious Psychotherapy on Emotional Schemas and Marital Compatibility of Women on the Verge of Divorce

✉ **Mojdeh Zarifi**/ Ph.D Student of Counseling, Islamic Azad University, Yazd Branch

mozhdeh.Zarifi@yahoo.com

Bitu Niku Abkenar/ MA in Family Counseling, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

Iqbal Zare'i/ Associate Professor of Counseling, Faculty of Humanities, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

Received: 2020/04/08 - **Accepted:** 2020/08/23

Abstract

Divorce is one of the most stressful events in life, so much so that after experiencing the death of loved ones, it is the second source of stress and one of the hardest life experiences. Spiritual-religious psychotherapy is a psychological treatment designed for women on the verge of divorce. The purpose of the present research is to determine the effect of "spiritual-religious psychotherapy" on the emotional schemas and marital compatibility of women on the verge of divorce. The research method is "semi-experimental" with a pre-test-post-test design implemented with a control group. The statistical population includes all women applying for divorce and referring to the divorce court of Bandar Abbas city in the first half of 2018. 30 of these women were selected using the "available sampling" method and then were randomly assigned to the experimental group (15 people) and the control group (15 people). The participants of the experimental group received 12 sessions of the "Spiritual-Religious Psychotherapy" treatment. To collect data, Graham Spanier's "marital compatibility" questionnaire (1976) and Leahy's "Emotional Schemas" scale were used. The data were analyzed using the "analysis of covariance" statistical method. The findings show that, compared to women in the control group, in the post-test, women in the experimental group had significantly more marital compatibility, more compatible emotional schemas and less incompatible emotional schemas. Thus, the hypothesis of the research about the effect of "spiritual-religious psychotherapy" on emotional schemas and marital compatibility of women on the verge of divorce was confirmed ($P < 0.01$). It can be concluded that "spiritual-religious psychotherapy" is effective in emotional schemas and marital compatibility of women on the verge of divorce.

Keywords: spiritual-religious psychotherapy, emotional schemas, marital compatibility.

"Wisdom" in Psychology and the Correspondence of its Concepts in Islamic Sources

Ali Bayat/ PhD Student of Psychology, the Research Institute of Hawzah and University

✉ Hamid Rafi'ihonar / Assistant Professor of Ethics, Islamic Science and Culture Research Institute

hamidrafii2@gmail.com

Muhammad Reza Jahangirzadeh/ Assistant Professor of General Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research

Received: 2020/09/08 - Accepted: 2020/11/19

Abstract

Investigating what wisdom is and how it should be defined is the most fundamental concern in discussions on wisdom. The aim of this research is to conceptualize "wisdom" in psychology and to identify its corresponding concepts in Islamic sources. "Linguistic semantics" has been used for the conceptualization of "wisdom" in psychology and the identification of its corresponding concepts in Islamic sources. For examining the correspondence between these concepts and wisdom in Islamic sources, the method of "descriptive contextualization" has been used. The research findings show that the semantic field of "wisdom" in vocabulary and psychology is characterized by components such as "structural and process knowledge, insight, benevolence and transcendental values, emotional control and positive emotions, acting on knowledge and skills ". Corresponding to the semantic field of "wisdom" in vocabulary and psychology, words such as "intellect, science, knowledge, hikmah, intelligence, cleverness, understanding, intelligence, perception, inference of thought, jurisprudence, procedure, expert, sagacity, acumen, tact, perspicacity, ingenuity, thoughtfulness, discernment, advice and insight" were identified in Islamic sources. The results of the research in the second step showed that the concepts of "inference, wisdom, prudence, and advice" with a content validity index (CVI) of 72.00, 44.00, 44.00, and 36.00 were removed and 19 other concepts possess the needed level of correspondence and affinity with wisdom in Islamic sources.

Keywords: wisdom, conceptology, psychology, concepts referring to wisdom, Islamic sources.

Abstracts

An Explanation of the Interpersonal Communication Pattern Based on Islamic Sources

✉ **Ali Sadeqi Seresht**/ Assistant Professor of Psychology, the Qur'an and Hadith Research Institute

sad13566@gmail.com

Rahim Mirdirikvandi/ Assistant Professor of Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research

Asma 'Aqebati/ Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Tehran University of Medical Sciences

Hamid Rafi'ihonar/ Assistant Professor of Ethics, Islamic Science and Culture Research Institute

Received: 2020/12/27 - **Accepted:** 2021/03/01

Abstract

As the basis for the formation of a set of relationships in humans' lives, the need for relationship is inherent in man. The regulation of these relationships has an effective role in the individual and social mental health of humans, and the religion of Islam has a special viewpoint on this field. The purpose of this research is to explain the pattern and organization of interpersonal communication based on Islamic sources. "Content conceptual analysis" method has been used in this research. Also, the content validity index (CVI) was used to confirm the validity of the inference based on the opinion of ten experts. The findings showed that the Islamic interpersonal communication model is based on communicative rationality, in the sense that the structural components of "goodness" and "refraining from ill-treatment", the maintenance components of "giving good-tidings" and "praise" and the reconstruction components of the relationship between "asking for forgiveness" and "forbearance-forgiveness" are used together as a set. The obtained CVI and CVR were equal to 1 (one), which indicates the correctness of inferring the four communication situations from the base narrative at a completely favorable level.

Keywords: intellect, communication, model, communicative actions and reactions.

Table of Contents

An Explanation of the Interpersonal Communication Pattern Based on Islamic Sources / Ali Sadeqi Seresht / Rahim Mirdirikvandi / Asma 'Aqebati / Hamid Rafi'ihonar.....	7
"Wisdom" in Psychology and the Correspondence of its Concepts in Islamic Sources / Ali Bayat / Hamid Rafi'ihonar / Muhammad Reza Jahangirzadeh	27
The Effectiveness of Spiritual-Religious Psychotherapy on Emotional Schemas and Marital Compatibility of Women on the Verge of Divorce / Mojdeh Zarifi / Bita Niku Abkenar / Iqbal Zare'I	47
The Effectiveness of Spiritual Therapy on Reducing Marital Conflicts, Coldness and Abuse in Couples / Nasimsadat Rah Nejat / Hassan Amiri	61
Examining the Psychometric Properties of Children's "Moral Intelligence" Scale / Elahe Golpaygani / Mahnaz Ali Akbari Dehkordi / Tayyebe Muhtashami	83
The Contextualization and Validation of Breach of Marriage Contract Based on Religious Thought / Muhammed Zare'i Tupkhaneh / Mas'oud Janbozorgi / Seyyed Kazem Rasulzadeh Tabatabayi / Seyyed Muhammad Gharavirad.....	101
A Representation of Female Students' Perception of Behavioral Examples of "Good Relationship with Wife": A Qualitative Study / A'zam Jalalikhah / Hussein Ahmad Brabadi / Shaieshte Jangiroudi / Hadi Abbasi.....	115
Correlation Pattern between Spirituality in the Work Environment and Occupational Stress of Hospital Employees, with the Mediating Role of Psychological Capital / Hassan Ghaffari / Abdul Majeed Imani / Farhanaz Ahang / Zeinab Qassabzadeh Langari.....	133
The Role of Emotional Intelligence and Spiritual Intelligence in the Academic Performance of Student Teachers of Farhangian University of Yazd, with the Mediation of Religious Beliefs and Mental Health/ Kazim Barzegar Bafroei / Fahimeh Reza'ipour / Tahereh Pakdideh.....	151
Evaluation of Mental Health Based on Parenting Styles and Religiosity of Parents with the Mediating Role of Religiosity / Parviz Fadakar Gebleo / Suleiman Ahmad Bukani / Sepideh Bashir Gonbadi / Mahdi Moulai Yasawoli	167

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqae Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Amir Hosein Nikpour*

Editorial Board:

- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi.** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf.** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Qulam Ali Afruz.** *Professor, Tehran University*
- ▣ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi.** *Professor, Beheshti University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean.** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria.** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli.** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi.** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani.** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

